



فصلنامه داخلی جامع

صاحب امتیاز: امام جماعت مسجد جامع شهرک غرب و مسئول مدرسه علمیه الامام علی بن ابیطالب (علیه السلام)

آیت الله سید فتاح هاشمی تبریزی

مدیر مسئول: حجت الاسلام والمسلمین محمد پیکری

سر دبیر: دکتر نسیم حکیمی ها

مدیر هنری: احمد علیزاده

مدیر فنی و صفحه آرایی: علیرضا درخش احمدی

عکاسان: هادی احمدی، پارسا زارع

همکاران این نشریه: دکتر جهانفر، عبدالحمید آقا رحیمی، میر سعید حسینیان، سعید حاتمی خواه، کامیار حیدری، محمد داوود اردانی، احمد عسگری، دکتر علی صداقت، حسین شریفی تبار، محمد علی پرواز دوانی محمد سهیلی، سید محمد حسین میر هاشمی، علیرضا رشیدی، حسام دلگشایی، مهرداد رضائی نیا، محدثه السادات موسوی، نفیسه سادات موسوی، فرزانه اسلامیان، آیه عطا پور، نگار حکیمیه، سحر افلاکی، معصومه رستمی و حجج اسلام: روح الله علیرضا لو، محمد حسین الهی اصل، سید ابوالفضل حسینی یدکی، هادی احمدی، محمد مهدی تقی پور

مجوز رسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به شماره: ۹۱/۳۶۱۶۴

نشانی: تهران، شهرک غرب، میدان صنعت، مسجد جامع شهرک

وبسایت: www.masjedjame.com | پست الکترونیک: info@masjedjame.com

فهرست

۴	بیانات آیت الله هاشمی تبریزی پیرامون موضوع امامت
۸	کتابخانه امام علی علیه السلام
۱۰	درمانگاه خیریه امام علی علیه السلام
۱۳	پسندیده خدا
۱۴	کاربرد روشهای معنانشناسی نوین در پژوهشهای قرآنی
۱۶	مفهوم تقوا در نهج البلاغه
۱۹	حقیقت نماز از دیدگاه ابن سینا
۲۰	نماز
۲۲	معرفی کتاب: سیمای نماز
۲۳	حالات دل مثل فصول چهارگانه است
۲۴	مساجد ملعونه
۲۶	هاتسوکو یا فاطمه ؟
۲۷	سیره عملی امام حسن مجتبی علیه السلام
۲۹	معنی صدر و قلب
۳۰	پیشتازان علم
۳۲	آیا ملاصدراى دیگری می آید؟
۳۶	شهید دانش آموز بهنام محمدی
۴۰	خیبر شکنان (۲)
۴۲	پشت پرده زلزله بم چه گذشت ...
۴۵	ویژه نامه محرم و صفر
۴۶	وصیت نامه امام حسین علیه السلام
۴۷	جانم به محرم
۴۸	به تحقیق حسین چراغ هدایت و کشتی نجات است
۵۰	حسین (ع) سوره ای برای همیشه
۵۲	نمونه عفو و گذشت در کربلا
۵۴	گریه کن امام حسین (ع) حتماً بهشتی هست؟
۵۶	بررسی لعن در زیارت عاشورا

۵۸	چند نکته از قیام عاشورا
۵۹	گزارش تصویری
۷۳	یک سوزن به خود
۷۴	دل پاک کبوتر ها
۷۶	قوانین از جنس اینستاگرام
۷۷	تأثیر ادیان الهی در معماری و شهرسازی
۸۰	تزئینات در معماری اسلامی
۸۱	تأثیر حکمت‌های پنهان در معماری مسجد شیخ لطف الله
۸۴	اذن ولی، در ازدواج موقت و دائم
۸۶	مراحل تعلیم، هدایت، ایمان و تقوا مذهبی
۸۹	نکاتی در رابطه با تربیت فرزندان
۹۲	لزوم سلامت فرهنگی و معنوی
۹۴	خودشیفتگی
۹۶	گلودرد چرکی
۹۸	مضرات قلیان
۱۰۰	ورزش علمی، رمز موفقیت
۱۰۲	کبدچرب
۱۰۴	میوه ها قرآنی (بخش اول)
۱۰۶	باقلا گوشت ترکی
۱۰۷	کوکوی سویا
۱۰۸	ژله شکلاتی راه راه
۱۰۹	تاریخچه و الگوی تلگرام
۱۱۰	آنچه باید درباره پدیده ال نینو بدانید
۱۱۳	گزارش تصویری دوره تابستانه نوجوانان
۱۱۹	جدول
۱۲۰	ارتباط با ما
۱۲۰	انتقادات و پیشنهادات



بنام کردگار هفت افلاک که پیدا کرد آدم از کفی خاک
خداوندی که ذاتش بی‌زوالست خرد در وصف ذاتش گنگ و لالست
با همکاری و تلاش دوستان مخلص و استعانت از رهنمودهای آیت الله سید فتاح هاشمی شماره دیگری از
فصلنامه جامع همزمان با ایام اربعین و سوگواری حسینی تقدیم شما خوانندگان و همراهان گرانقدر می‌گردد.
که همه اینها جز با استمداد از ذات اقدس الهی امکانپذیر نیست .
الهی تلاش‌هایی هست که جز به مدد تو ثمر نمی‌بخشد
تغییراتی هست که جز به تقدیر تو ممکن نیست
دعاهایی هست که جز به آمین تو اجابت نمی‌شود.
تقارن انتشار این شماره با اربعین حسینی موجب شد تا این شماره رنگ حسینی به خود گرفته و به نام مزین
حسین بن علی ، سرور آزادگان جهان رونق یابد، چهل روز همگامی و همدلی با سرور سالار شهیدان. چهل
روز سوگواری ، سخنرانی و تفکر در این واقعه عظیم به راستی چه درس‌هایی از این چله نصیبمان شده‌است،
زیستن با عزت، نه بزرگ بر تمام قدرتهای استبدادی، صبوری و ایستادگی، محبت و ایثار، حیا، امر به معروف
ونهی از منکر، بردباری و.....
کدام یک از این درسها بعد چهل روز در عمق جان و دلمان نفوذ کرده تا هم صدا با کاروانیان زمزمه کنیم:

السَّلَامُ عَلَيَّ وَلِيِّ اللَّهِ وَ حَبِيبِهِ
السَّلَامُ عَلَيَّ خَلِيلِ اللَّهِ وَ نَجِيبِهِ
السَّلَامُ عَلَيَّ صَفِيِّ اللَّهِ وَ ابْنِ صَفِيِّهِ
السَّلَامُ عَلَيَّ الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ

سردبیر نشریه جامع
دکتر نسیم حکیمیه



قَالَ رَسُولُ اللَّهِ
(صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)

يَا عِلَّةُ لَأَنْتَ مِنْهُمْ بِمَنْزِلَةٍ
هَارُونَ مِنْ مُوسَى لَأَنْتَ لَأَنْتَ بِجَدِّهِ

بیانات آیت الله هاشمی تبریزی پیرامون موضوع مهم امامت

در زمان زعامت آیت الله العظمی بروجردی قدس سره ارتباطاتی بین ایشان و جامعه الازهر برقرار بود. شیخ شلتوت ریاست آنجا را داشت. بزرگترین مفتی عامه مذهب بود در آن زمان شیخ شلتوت حصار لزوم پیروی از مذاهب چهارگانه را شکست و فتوی داد: « پیروی از فقیه امامیه کاملاً مجزی است »

نص فتوی ایشان اینست: از او پرسیدند که بعضی معتقدند که بر هر مسلمانی لازم است برای اینکه عبادات و معاملات او صحیح باشد، از یکی از مذاهب اربعه معروف تقلید کنند، که مذهب شیعه اثنی عشری و زیدی از آنها نیست آیا حضرتعالی هم با این عقیده کاملاً موافقید؟ و یا از تقلید مثلاً مذهب اثنی عشری منع می فرمائید. ایشان در جواب گفتند:

اولاً: اسلام بر هیچکس از پیروان خود واجب نکرده که احکام فرعی را از مذهب معینی پیروی کند، ما می گوئیم: هر مسلمانی حق دارد در ابتدا از هر مذهبی که طبق مدارک صحیح نقل شده و احکام آنرا در کتب مخصوص تدوین کرده اند، پیروی کند.

همچنان که از یکی از مذاهب (هر مذهبی باشد) پیروی کرده اند می توانند به مذهب دیگری عدول نمایند و هیچگونه مانعی از آن نیست.

ثانیاً: مذهب جعفری مشهور به اثنی عشری از جمله مذاهب است که مانند سایر مذاهب اهل سنت شرعاً می توان از آن تقلید کرد. بنابر این شایسته است تمام مسلمانان این حقیقت را دریابند و از تعصب ورزیدن نسبت به مذهب خاص خودداری نمایند. چه اینکه دین خدا و آئین او تابع مذهب خاص و محض به مذهب معینی نیست همه پیشوایان مذاهب اسلامی مجتهدند و نزد خداوند متعال مقبولند و افراد غیر مجتهد جایز هستند از آنها تقلید کرده و به آنچه در فقه خود مقرر داشته اند عمل نمایند و در این باب فرقی میان عبادات و معاملات نیست.

اخیراً هم احمد الطیب، ریاست جامعه الازهر نظیر همین فتوی را داده که قسمتی از آن این است: آیا می شود کسی از مذهب حنفی مثلاً به مذهب جعفری منتقل شود؟ می گوید: میشود، هیچ مانعی ندارد آنهم مذهبی است از مذاهب.



الأمانة رياسة عامّة في امور الدّين و الدنيا خلافة عن النّبي

یعنی اجتماع زعیم لازم دارد و کسی تردیدی ندارد حتی شیعه هم قبول دارد که اجتماع نیازمند یک رهبر عالی و فرمانده است. امور دینی و گسترش اسلام در بلاد به عهده اوست. امنیت عمومی از طریق قدرت حفظ اموال و نفوس مردم و صیانت آنها یک حاکم عرفی می خواهد که او زمامدار اجتماعی است. جز لیاقت شرط دیگری ندارد، نه علم وسیع به احکام، نه عصمت و مصونیت الهی لازم نیست. مردی لایق باشد، که تبهکاران را تنبیه و درباره گنهکاران از طریق اجراء حدود الهی جلو فساد را بگیرد. محقق تفتازانی می گوید: هرگز لازم نیست امام از لغزش و گناه پیراسته باشد، هرگز نافرمانی او و عدم آشنایی اش با احکام الهی مایه عزل او نمی شود. (شرح مقاصد، جلد ۱ ص ۳۷۱)

اما دانشمندان شیعه می گویند:

امامت یک نوع ولایت الهی است از جانب خدا به شخص امام داده می شود. امامت بسان نبوت یک مقام انتصابی است به امر الهی و بدست پیامبر (ص). امامت امتداد رسالت است، جز اینکه پیامبر پایه گذار شریعت و محل نزول وحی الهی است، و اما امام مبین و حافظ و نگهدار اوست و در همه شئون (جز وحی) با پیامبر همگام می باشد. تمامی شرایط نبی مثل: « العالم بالأصول و الفروع و العصمة عن الخطا و العصیان و الاشتباه » برای امام هم هست.

فرد لایقی بعد از پیامبر لازم است باشد و تمامی احکامی کلی را که پیامبر آورده بداند و احکام جزئی را با استنباط خود بیان نماید.

درست است که در دوران پیامبر تمامی احکام اسلام تشریع شده، به وسیله جبرئیل بازگو شده است، اما بر اثر نبودن شرایط و یا گرفتاریهای پیامبر و کمی وقت، بیان یک رشته احکام به عهده امام گذاشته شده است.

پس حتماً باید کسی یا کسانی در میان مسلمین باشند، (مجتهد) که بعد از رفتن پیامبر در بیان توضیح لازم در احکام اسلامی، مثل خود پیامبر باشند، اما اهل تسنن بعثت عدم رجوع به این فرد کامل، ناچار قیاس و استحسان را پیش کشیدند. ناچار باید با قیاس موضوعی با موضوع دیگر و یا مشابهات ظنی و گمانی حکمی را استنباط بکنند.

پس امام کارشناس امر دین است، و باید جنبه «قدسی» داشته باشد و همه احکام و علوم و حقایق را از پیامبر یاد گرفته باشد.

علی (ع) می گوید: پیامبر هزار باب علم به من آموخت که از هر بابش هزار باب مشتق می گردد از راههای آسمانها از من سوال کنید که از راههای زمینی آنها را بهتر می شناسم.

اصلاً انکار کردن امام تحقیر کردن اسلام است و این کارشناس و امام باید

باید بررسی محققانه شود که آیا چه کسی پس از درگذشت رسول خدا (ص) مبین احکام الهی و مفسر قرآن و مرجع حلال و حرام و ... مسلمانان است، در فراگرفتن حلال و حرام تا در مسائلی که نو ظهور است و مستحدثات مسائل که نصی از قرآن و حدیث از پیامبر نرسیده است به او مراجعه شود و قول او حجت و گواه باشد، در حالی که آن مسائل مستحدثه از حدّ و حصر خارج است به چه مقامی باید مراجعه شود که سند قطعی باشد و به آن عمل کنند. این جا است که شناخت چنین مرجعی لازم جلوه می کند. و این هم معلوم باشد که هرگز نباید موضوع شناسایی « امام » مانعی بر سر راه اتحاد اسلامی باشد و موجب تفرقه مسلمین گردد، این مسئله مهمی است.

از دیدگاه شیعه، امامت امتداد رسالت و دنباله همان فیض معنوی است. در این صورت بحث از آن لازم و ضروری است، به تصریح مکرر در مکرر پیامبر (ص) پس از درگذشت وی مضافاً بر « قرآن»، اهل بیت و عترت پاک او مرجع مسلمین هستند.

انّی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی انّهما لن یفترقا و فرمود: هذا علی مع القرآن و القرآن مع علی لا یفترقان (حدیث ثقلین عیقات میر حامد حسینی هندی)

در بیان شیعیان مسئله «امامت» اهمیت فوق العاده ای دارد ولی در میان سایر فرق اسلامی آنقدر براین مسئله اهمیت قائل نیستند دلیلش اینست که مفهوم «امامت» در نزد شیعه با مفهوم «امامت» در سایر فرق اسلامی متفاوت است.

ما شیعیان اصول دین را بیان می کنیم:

«توحید، نبوت، معاد، عدل و امامت»

یعنی «امامت» را جزء اصول دین می شماریم، اما اهل تسنن قائل به نوع خاصی از امامت هستند ولی به یک شکل دیگری که جزء اصول دین نیست بلکه از فروع است.

اهل تسنن امامت را جزء فروع دین می دانند:

از دید اهل تسنن امامت یک منصب اجتماعی است و در او جز لیاقت و کاردانی برای اهداف خاص چیز دیگری شرط نیست. امامت از نظر شیعه یک منصب الهی است که باید از طرف خدا تعیین گردد به توسط پیامبر (ص) و در بسیاری از شرایط و مسئولیت ها با پیامبر برابر و یکسان است

از نظر کلامی

دانشمندان اهل تسنن امامت را سرپرستی وسیع نسبت به امور دینی و دنیایی مسلمانان میدانند.

فاضل قوشچی در شرح تجرید علامه می گوید:

«عصمت» داشته باشد تا اشتباه نکند و خطایی از او رخ ندهد. پس امامت به این شکل امری است متمم نبوت و از نظر بیان دین باید معصوم باشد. مرحوم خواجه نصیر الدین طوسی کتابی نوشته بنام «تجريد» قسمتی از آن منطق است «منطق تجريد» قسمتی در کلام «فن کلام» مسائل توحيد و نبوت و امامت و معاد ... را بحث کرده است. بخش توحیدی آن جنبه فلسفی دارد. خواجه به

روش فلاسفه بحث کرده است.

مرحوم علامه حلی (ره) هر دو قسمت را شرح کرده، او شاگرد خواجه نصیر الدین طوسی در منطق و کلام و فلسفه و ریاضیات و ... و در فقه شاگرد محقق صاحب شرایع بوده است و از فقه‌های درجه اول شیعه می باشد. قسمت منطق شرح تجريد را «الجوهر النضيد نامیده و قسمت کلامش را «کشف المراد» که مشهور به شرح تجريد است. در قسمتهای آخر کتاب تجريد بحثی برای امامت آمده است و ملا علی قوشچی که اهل تسنن است، شرحی بر تجريد نوشته و نظریات عامه را منعکس می کند.

و نظریه های خواجه را رد می کند که نظریات شیعه است خواجه تعبیر کلامی دارد: می گوید (وجود الامام لطف) مقصودش اینست که امامت هم نظیر نبوت از مسایلی است که از حد بشری بیرون است، مرحوم شیخ الریسی بوعلی سینا در شفا برای اثبات نبوت از این عبارت استفاده کرد (وجود نبی لطف) پس امام هم از طریق الهی باید باشد با این تفاوت که نبی مستقیماً از ناحیه ی خداست. انتخاب پیامبران با خدا و امامت تعیینی است از ناحیه ی پیامبر به امر خدا.

علمای شیعه می گویند بحث در امامت حضرت امیر (ع) است اگر ثابت شد در بقیه ی ائمه علیه السلام بیشتر به نص امام قبلی تمسک می گردد. فقها می گویند دین اسلام دین خاتم است شریعت دیگری نخواهد آمد و دینی است کلی و جامع همه شئون زندگی بشر. آیا در زندگی پیامبر اکرم در مدت ۲۳ سال فرصت شد که تمامی اسلام را به مردم تعلیم دهد.

با مطالعه ی تاریخ پیامبر(ص) و با توجه به تاریخچه ی مکه و مدینه مسلم است که این مدت کافی نبود که همه ی احکام را برای همه ی مردم بیان کند و امکان هم ندارد چنین دینی ناقص، بیان شده باشد.

بنابراین حتماً باید کسی یا کسانی در میان اصحاب پیامبر(ص) وجود داشته باشد که اسلام را به تمام و کمال از پیامبر(ص) فرا گرفته و از جمیع جهات مجهز باشند که بعد از رفتن پیامبر(ص) از نظر توضیح و بیان اسلام نظیر وی باشند. فرقتان این باشد که پیغمبر از راه وحی الهی و اینها از راه یاد گرفتن از پیامبر(ص) می گویند.

اهل تسنن به این شخص رجوع کردند از اول اسلام دین را ناقص تلقی کردند و در نتیجه دست به دامن قیاس و استحسان^۱ زدند.

مقایسه یک موضوع به یک موضوع دیگر و با مشابهات ظنی و گمانی حکم مسایلی که از پیغمبر چیزی بر آن صادر نشده باشد را استنباط میکنند.

علمای شیعه می گویند ما و شما هر دو اعتراف داریم که پیامبر(ص) در آن مدت نتوانست تمام احکام اسلام را ولو به صورت کلی برای مردم بیان کند شما میگویید پیامبر(ص) همینطور رها کرد و رفت اما ما میگوییم اینطور نبوده از جانب پیامبر(ص) افرادی معین شدند عصمت داشتند پیامبر(ص) تمام حقایق اسلام را اول بار برای علی (ع) بیان کرد و ایشان به تمام سوالات و مشکلات دینی جواب میدادند.

امام یعنی کارشناس امر دین

امام اشتباه نمیکند، خطا برایش رخ نمیدهد و حتماً هم به قاعده ی لطف الهی، که برای هدایت بشر لازم است هدایت می شود چون راه انسانها به طرف خدا بسته است که این دلیل را مرحوم ابوعلی سینا برای اثبات وجوب اعزام انبیا آورده و در باب اثبات امامت هم یک دلیل عقلی است.

امامت متمم نبوت است

باید معصوم از خطا و اشتباه باشد چنین امر مهمی بدون عصمت ممکن نیست

به دلیل عصمت، امام باید منصوب باشد. یعنی نصی از طرف پیامبر برای اثبات امامتش باشد.

زیرا که تشخیص عصمت با مردم نیست، موضوعی نیست که مردم بفهمند همانطور که تشخیص پیامبر با مردم نیست چون او هم باید عصمت داشته باشد خدا باید تعیین کند.

فرقت این است که در نبی باید از راه معجزه به مردم شناسانده شود ولی امام از راه پیامبر شناسانده می شود.

نتیجه: از مسأله «لطف» وارد شدیم به مسأله «عصمت» و از مسأله ی عصمت آمدیم به مسأله ی «تنصيص».

سوالی پیش می آید: این بحث چه ارتباطی با علی (ع) دارد؟

خواجه نصیر الدین طوسی در جواب می گوید:

«هما مختصان بعلى (ع)» یعنی معصوم بودن و منصوب بودن از مختصات علی(ع) است.

دقت شود: حتی یک نفر اختلاف نکرده است که غیر از علی(ع) اشخاص دیگر منصوب هستند، اینطور نیست که بحث شود:

«که ما بگوئیم علی(ع) منصوب است و آنها بگویند غیر از علی(ع) منصوب است»

قطعی و منجز است اگر تنصيص بوده باشد فقط منحصر است به علی(ع) و لا غیر.

صحبت اینست است که آیا پیامبر(ص) کسی را تعیین کرده است، در این صورت غیر از علی(ع) کس دیگری نیست یا تعیین نکرده است؟

خواجه می گوید: نص و تنصيص لازم و واجب است و پیامبر(ص) حتماً انجام داده است و این واجب را عمل نموده است و آن شخص منصوب غیر از علی(ع) کس دیگری نیست چونکه دیگران اصلاً چنین ادعایی را نکرده اند که مثلاً «فلانی» منصوب است غیر علی(ع).

خلفا هم خودشان مدعی تنصيص بر خود نبودند چه رسد به دیگران، خود خلفا هم مدعی عصمت نبودند بلکه صراحتاً اعتراف به اشتباهات خود داشته اند. اهل تسنن قبول دارد که ابوبکر می گفت:

«إن لی شیطاناً یعترینى» گاهی شیطان بر من مسلط می شود، تا اگر من کج رفتن مرا هدایت کنید.

عمر می گفت: «لولا علی لهلك عمر» هفتاد بار تکرار نموده است.

قطع نظر از استدلالات کلامی بر اثبات امامت میرسیم به این جا که اصلاً پیامبر ص، علی ع را به امامت تنصيص نموده است.

پیامبر ص خطاب به اصحابش فرمود: «سلموا علی علی بأمرة المومنین» به علی (ع) به عنوان امارت سلام دهید. که مربوط به قضیه ی غدیر است به

۱. اینبخشان، اصطلاحی برای روشی از روش‌های اجتهادی در فقه اهل سنت که غالباً در عرض قیاس مطرح شده و در علم اصول مباحث حجّت به مناسبت از آن سخن رفته است. این واژه در لغت به معنی «هیکو شمردن» است یا به معنای جست وجو از امر نیکو جهت عمل و پیروی از آن است.

گرامی نرسیده بود و گر نه معنی نداشت پس از در گذشت پیامبر ص خلفای وی با طرق گوناگون که هیچکدام به دیگری شباهت نداشت انتخاب کردند و دستور پیامبر ص نادیده گرفته شود و همه ی مردم مهر خاموشی بر لب نهند و بر روش گزینش اعتراض ننمایند.

این دگرگونی گواه بر آنست که مقام امامت و رهبری در اسلام یک منصب «انتصابی» از جانب خداست. منتهی سران قوم در این مورد مانند دهها مورد دیگر نصّ پیامبر (ص) را بر «علی (ع)» نادیده گرفتند و مردم را برگزینش پیشوا از طریق امت سوق دادند و چون گزینش رهبر از طریق مردم کاملاً مطلب تازه ای بود و گردانندگان صحنه در این موضوع سابقه ای نداشتند گزینش رهبر به صورتهای مختلفی انجام گرفت.

گاهی به وسیله عده ای از مردم و گاهی بوسیله خود خلیفه و گاهی از طریق شورای (شش نفره) که اعضاء آن از طریق خود خلیفه انتخاب گردیده بود. در خاتمه توجه همه خوانندگان محترم را جلب می کنم به حدیث متواتر معنوی بنام «حدیث ثقلین» که پیامبر فرمودند:

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرْدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ

این دوتا از هم جدا نمی شوند و راهشان را از هم جدا نمی کنند و بین این دو اختلاف پدید نمی آید. هر که بگوید: حسبنا کتاب الله، بدانید که در مسیر اسلام واقعی نیست.

کتابهای «الغدیر و عبقات» مراجعه شود.

پیامبر ص به علی ع فرمود: «انت الخلیفه بعدی» در سیره این هشام و کتب اهل تسنن «داستان یوم الانذار» آمده است و «انذر عشیرتک الاقربین». فرمود: هر کسی زودتر به من ایمان آورد وصی و جانشین من خواهد بود.

«غیر از علی (ع) احدی جواب مثبت نداد.»

حدیث متواتر غدیر «من کنت مولاه فهذا علی مولاه»

حدیث منزلت، «أنت منی به منزله هارون من موسی الا أنه لا نبی بعدی»

قرآن می گوید: «رب اشرح لی صدری و یسر لی امری و احلل عقده من لسانی یفقهوا قولی و اجعل لی وزیرا من اهلی هارون اخی اشدد به ازری و اشرکه فی امری»

تشتت در انتخاب خلیفه بعد از پیامبر (ص) به سبب انحراف از مسیر تنصیب پیامبر (ص) بود هر کدام از خلفای سه گانه بگونه ی خاص انتخاب شدند هر کدام با گزینش دیگری اختلاف داشت مثلاً ابی بکر از طریق سقیفه ی بنی ساعده انصار که گروه کوچکی در آنجا گرد آمده بودند انتخاب گردید ، انتخاب عمر به وسیله ی خود خلیفه ی اول انتخاب گردید و بس. و انتخاب عثمان از طریق شورای شش نفری که اعضای آن به وسیله ی خلیفه ی دوم تعیین شده بود انتخاب گردید.

این دگرگونی در شیوه ی انتخاب گواه بر آنست که مسأله خلافت مسأله انتخابی نبود چونکه برای گزینش امام از طریق مردم دستوری از پیامبر (ص)

والسلام

سید فتاح هاشمی تبریزی

۱۳۹۴/۷/۲۵





کتابخانه امام علی علیه السلام

مصاحبه

تاریخ: ۹۴/۷/۲۶ یکشنبه
تهیه کننده: هادی احمدی

معرفی مسئول واحد آقایان:

آقای علی عزیزاده زنوزی متولد ۱۳۳۲ دارای مدرک فوق لیسانس دانشکده نیروی هوایی و فارغ التحصیل دانشکده فنی رایت پترسون آمریکا. ۳۱ سال در نیروی هوایی خدمت کردم و بعد آن در ساخت مسجد همکاری میکردیم. از سال ۸۳ به مدت یک سال و نیم مسئول سالن اجتماعات بودم و از سال ۸۶ هم مسئول کتابخانه شدم البته کتابخانه از نیمه دوم ۸۴ شروع به کار کرده است.

هرساله فعالیت های کتابخانه برای بررسی به هیئت امناء و آیت الله هاشمی ارائه می شود که چکیده ای از این گزارشات به شرح ذیل است:

سال	تعداد اعضا
۸۵	۳۵۲
۸۶	۲۱۵
۸۷ (شروع فعالیت آقای عزیزاده)	۵۵۹
۸۸	۶۰۳
۸۹	۸۰۰
۹۰	-----
۹۱	۸۸۰
۹۲	۷۰۰
۹۳	تعطیل

به کار کرد و تا الان (۹۴/۷/۲۶) ۲۳۰ نفر ثبت نام کردند و علت اینکه ثبت نام کم بوده بخاطر تعطیلی و هماهنگ بودن در زوج و فرد بودن کتابخانه برای خانم ها و آقایان با کتابخانه های منطقه که در صورت موافقت از ترم بعدی برنامه زوج و فرد برعکس خواهد شد.

ظرفیت کتابخانه

مساحت کتابخانه در سال ۸۴ حدوداً ۸۰۰ متر مربع بود که حدوداً ظرفیت ۸۰۰ نفری داشت اما با انجام تغییرات و تعمیرات مساحت کاهش یافت و فضای الان حدوداً ۳۵۰ متر مربع است که ظرفیت حدود ۳۰۰ نفر در خود را دارد.

ظرفیت کتاب موجود در کتابخانه قبل از تغییرات ۱۱ هزار جلد بوده اما با انجام تغییرات و کم شدن فضا مجبور شدیم ۱۲۰۰ جلد را از رده خارج کنیم. که حدوداً ۱۰ قفسه از ۶۲ قفسه کتاب را به دلیل کمبود جا انتقال ندادیم. در این کتابخانه کتاب های عمومی وجود دارد و کتابهای تخصصی خاصی وجود ندارد مگر در رشته فقه و حقوق که بخاطر بودن طلبه ها تقریباً تخصصی است و با توجه به منابعی که در اینجا وجود دارد اکثر مراجعه کنندگان از کتاب های موجود راضی هستند فقط کمبودی که در اینجا

البته آمار دقیق خروجی هم در گزارشات وجود دارد از قبیل تعداد قبولی در دکتری، ارشد، کارشناسی و کنکور که به مسئولین محترم مسجد ارائه می شود.

معرفی مسئول واحد خواهران:

خانم ریحانه حکیم زاده دارای مدرک لیسانس کتابداری و اکنون در مقطع ارشد رشته آرشیو در حال ادامه تحصیل هستند و همزمان با تحصیل، در روز های فرد مسئول کتابخانه واحد خواهران هستند که یک ماه است مشغول بکار شدند.

راه اندازی مجدد بعد از اتمام تعمیرات

در عید فطر سال جاری (۹۴) بعد از اتمام تعمیرات دوباره کتابخانه شروع



شرایط عضویت

- ۱- داشتن حداقل دیپلم
- ۲- یک قطعه عکس
- ۳- کپی شناسنامه و کارت ملی
- ۴- مبلغ ۱۲ هزار تومان حق عضویت برای ۶ ماه

کادر شاغل در کتابخانه

مجموعاً ۵ نفر در کتابخانه مشغول هستند که شامل مسئول ثبت نام و کارهای اداری و کنترل به عهده ی آقای علیزاده و دو تا کتابدار و یک نگهبان و یک نظافتچی می شود.

آن شالاه کتابخانه های عمومی رونق بگیرند و همچنین بتوانیم در این کتابخانه، مسابقات کتابخوانی و جشنواره کتاب برگزار کنیم و منحصر به سالن مطالعه نشود و توسعه پیدا کند تا بتوانیم کاری بکنیم که فرهنگ مطالعه گسترش پیدا کند

احساس می شود کتاب های نوجوانان است که متأسفانه موجود نیست.

نحوه طبقه بندی کتاب ها

در اینجا کتاب ها بر اساس رده (BP) یعنی رده بندی اسلامی منظم و ترتیب داده شدند BP فقط داخل ایران است و ابداع ایرانیان است) که طبق رده بندی کنگره آمریکا است در مقابل این رده بندی ، رده بندی بر اساس عدد (DOE) است که در کتابخانه های عمومی این روش رایج تر است و روش کنگره بیشتر در دانشگاه ها استفاده می شود. و نرم افزار موجود در کتابخانه نرم افزار کاوش است که با وجود این نرم افزار کار جستجو و پیدا کردن کتاب ها برای مراجعه کنندگان خیلی آسانتر و سریعتر صورت می گیرد.

برنامه کتابخانه

کتابخانه در نیمه اول سال از ساعت ۸ صبح تا ۶ بعد از ظهر و در نیمه دوم سال از ساعت ۸ صبح تا نیم ساعت قبل از اذان مغرب به روی اعضاء باز است.

درمانگاه خیریه امام علی علیه السلام

مصاحبه
تاریخ: ۹۴/۷/۲۷
تهیه کننده: هادی احمدی



معرفی مسئول درمانگاه

دکتر مرتضی جابری طبیبی حاذق، که سالهاست از دست اندرکاران راه اندازی مراکز خیریه می باشد و اکنون به عنوان مدیر مسئول درمانگاه خیریه علی ابن ابیطالب علیه السلام در کنار سایر فعالیت ها خود مشغول به خدمت رسانی به نیازمندان است. ما در این مصاحبه به گفتگو با ایشان نشستیم.

سوال: جناب دکتر ممکن است در خصوص موسسات خیریه و کلیات آن توضیح بفرمایید؟

پاسخ: برای روشن شدن فضای موسسات خیریه باید توجه داشته باشیم که درمانی که الان در کشور ما رایج است سه روند وجود دارد:

۱. مراکز درمان دولتی که دانشگاه های علوم پزشکی مسئولیتش را به عهده دارند و در واقع بخش عمومی و اصلی هم همین مورد است که به وسیله دانشگاه ها اعمال می شود.

۲. مراکز درمان خصوصی از قبیل مطب ها، بیمارستان ها و کلینیک های خصوصی که به وسیله اطباء ایجاد می شود.

۳. در کنار این دو گروه، گروه دیگری هم هستند به عنوان درمانگاه های مردمی یا به تعبیری درمانگاه های مذهبی یا خیریه که به وسیله مردم ایجاد می شود و کار غیر انتفاعی می کنند.

اما این سه روند درمانی در انگیزه متفاوتند: در بخش دولتی چون دولت مسئول است باید خدمت بدهد و در بخش خصوصی انگیزه علاوه بر درمان سرمایه گذاری نیز هست و مراجعین این مراکز بیشتر افراد متمول و صاحب سرمایه هستند؛ اما بخش خیریه دنبال منفعت، کسب و سرمایه گذاری نیست بلکه هدف آن خدمت به مردم و سود حاصل از آن را صرف امور خیریه دیگر می کنند.

در مملکت ما شیوه جدیدی در ارائه خدمات خیریه است، قبل از انقلاب هم بخش های خیریه وجود داشته اما فقط ساخت و ساز و تجهیز می کردند و اداره آن به دست دولت وقت بود؛ اما بعد انقلاب این شیوه تغییر کرد و اداره آن مراکز به دست خود خیرین افتاد که تغییر خوب و پسندیده ای است.

خصوصیاتی که در موسسات خیریه باید وجود داشته باشد چند نکته مهم دارد:

۱- هیچ کس در فضای درمانی خیریه به دلیل نداشتن هزینه نباید از گرفتن خدمات محروم شود و این اصل اساسی است.

۲- در درمان خیریه ارائه خدمات باید با درمان خصوصی و دولتی یکسان باشد به این منظور که وقتی اسم خیریه می آید از کیفیت خدمات کم نشود و درمان به صورت کامل انجام شود، و اینکه برای قشر ضعیف کیفیت خدمات را پایین بیاوریم نه تنها کار خیری نیست بلکه کار شر و بیپهوده و حتی حرامی

نیز است؛ پس در نتیجه وقتی مراکز خیریه برای کاری داوطلب می شوند باید به نحو کامل آن را انجام بدهند.

سوال: آقای دکتر در خصوص درمانگاه علی ابن ابیطالب علیه السلام، نحوه تشکیل و خدمات آن توضیح بفرمایید؟

پاسخ: مراکز خیریه اکثرا به اسامی متبرکه ای هم مزین هستند مثل این درمانگاه که به نام علی ابن ابیطالب علیه السلام مزین شده است. اینجا یک خصوصیت مهمی که از نظر درمانی هم خیلی ارزش دارد و این روز ها هم خیلی شناخته شده است این است که مردم این مراکز را به عنوان شفاء دهنده و دارالشفاء می بینند و وقتی وارد درمانگاه می شوند این نیرو و اعتقاد به درمان آنها کمک بسزایی می کند که البته این از لحاظ علمی نیز ثابت شده است.

درمانگاه علی ابن ابیطالب علیه السلام در سال ۹۱ در یک فضای ۲۰۰ متر مربعی که شامل بخش های دندانپزشکی، داخلی، تزریقات و پانسمان و بیماری های زنان فعالیت خود را شروع کرد؛ در اواخر سال ۹۳ هیئت امناء مسجد تصمیم گرفتند که این فضا را گسترش بدهند و در نتیجه فضا را به ۷۰۰ متر مربع افزایش دادند در یک ساختمان زیبا و شیک به شکل بی سابقه ای تجهیز شد، تجهیزاتی که واقعا بی نظیر است و در این افزایش مساحت بخش های هم به این مرکز اضافه شد از قبیل: قلب و عروق، چشم پزشکی، اعصاب و روان، ارولوژی، ارتوپدی، اطفال، گوش و حلق

و بینی و بخش پوست که البته

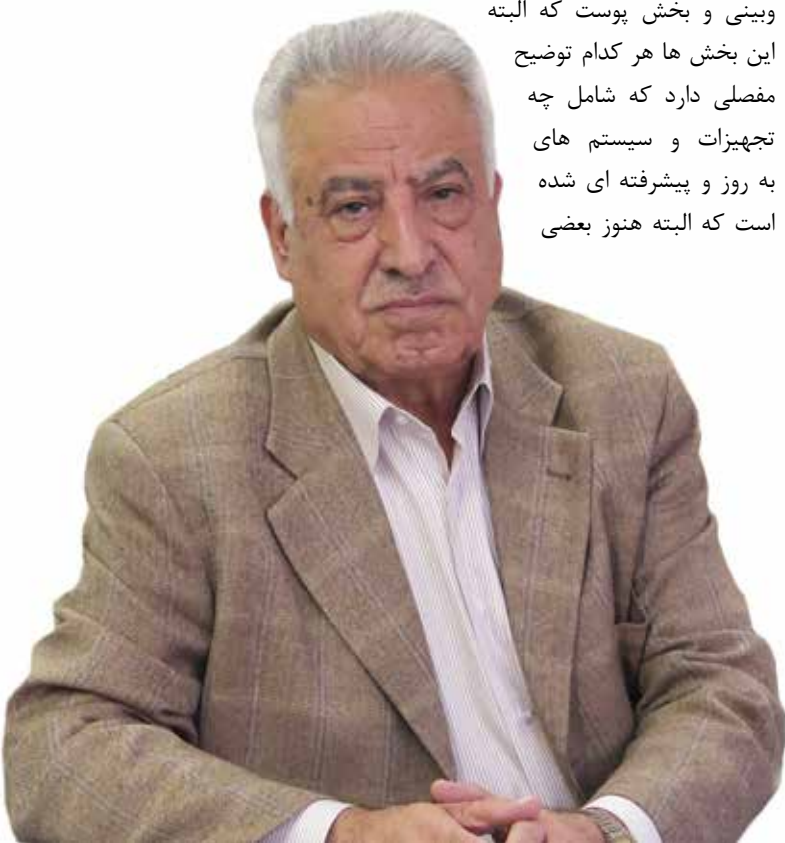
این بخش ها هر کدام توضیح

مفصلی دارد که شامل چه

تجهیزات و سیستم های

به روز و پیشرفته ای شده

است که البته هنوز بعضی





تخفیفات دارد برای مثال اگر مکان منطقه ای محروم باشد درصد تخفیفات بیشتری شامل آنجا می شود بخاطر اینکه قشر عموم آنجا از وضعیت مالی مناسبی برخوردار نیستند اما اگر مکان آن مرکز خیریه منطقه ای باشد که ساکنین آن منطقه را قشر متمول و سرمایه دار تشکیل می دهد لزومی ندارد که تخفیفات گسترده باشد. در نتیجه با برنامه و دسته بندی افراد هم کار خیر انجام می شود و هم این کار خیر برای نسل های بعدی باقی می ماند. با این حال اگر در درمانگاه خیریه سودی حاصل شود (که حاصل نمی شود)؛ این سود به جیب شخصی نمی رود و صرف امور خیریه می شود و در چرخه کار خیر قرار می گیرد.

«خیر» یعنی عده ای داوطلب می شوند کاری انجام دهند که منفعت آن فقط به سود مردم باشد و خودشان منفعت دنیوی از آن کار نبرند نه اینکه مفت خدمات بدهند و این نوع تفکر، تفکر غلطی هست که خیلی ها از خیر بودن به مفت بودن تعبیر می کنند که در این صورت کار خیر پایدار نیست مثلاً عده ای بیایند و مسجدی بسازند پس باید تا روز قیامت خرج آن را بدهند؟! نه این طور نیست، این موارد فرمول خودشان را دارند و باید طبق ضوابطی اداره شوند. مردم باید بدانند که خیریه بودن به چه معناست، اینکه غنی بپردازد تا فقیر هزینه کمتر و یا حتی هزینه ای نپردازد و این هنری است که هیئت امناء آن را سازماندهی می کنند.

کلام آخر

البته محور اصلی، مسجد است و مسجد هم با همت و تلاش حضرت آیت الله هاشمی تبریزی بنا شده و این ساختمان درمانگاه به وجود آمده است که این درمانگاه شاخه ای از درخت مسجد است که با اعتمادی که مردم به حضرت آیت الله دارند و همکاری هیئت امناء که اطراف ایشان هستند با اخلاص می نشینند و هفته به هفته اینجا تلاش می کنند تا کمبود ها را جبران کنند تا آنگونه که شایسته است به مردم خدمات بدهند. پس شایسته است که که مردم عزیز برای سلامتی حضرت آیت الله هاشمی و هیئت امناء محترم دعا کنند.

«خدا کمک کند تا ما آنچه را که خدا می خواهد عمل کنیم»

از بخش ها به صورت کامل تکمیل نشده مثل گوش، حلق و بینی و بعضی از بخش ها هم قرار است به مرکز تخصصی تبدیل بشوند مثل بخش پوست و قلب؛ که تبدیل شدن این بخش ها با نیروی انسانی کاملاً مسلط و کار بلد همراه است یعنی اکثر پزشکان فوق تخصص و دارای روزمه درخشان هستند که این بخش ها را اداره می کنند. به خصوص بخش پوست که به دستگاه لیزر پیشرفته ای مجهز شده و سرمایه گذاری سنگینی شده است که بعد از ارسال درخواست به دانشگاه و بازدید و تایید آنها آن شالیه در کمتر از یک ماه دیگر شروع به کار خواهند کرد.

تمام تلاش این مجموعه این است که بخش های جدید تمام نیاز این منطقه را پاسخگو باشد بخصوص برای کسانی که نمی توانند هزینه های بالا را بپردازند و خوشبختانه با تمهیداتی که داشتیم توانستیم کیفیت عالی را سرلوحه کارمان کنیم و با جذب نیروی متخصص و کار بلد اول رضایت خدا و بعد رضایت مخلوق خدا را جذب کنیم.

خدمتی دیگر که در این مراکز خیریه انجام می شود اشتغال زایی است که در حال حاضر در این مرکز درمانی حدود ۶۰ نفر با عناوین مختلفی از قبیل پزشک و دستیار و کادر اداری مشغول به کار هستند که از ۸ صبح تا ۲۲ به صورت یکسره در حال خدمت هستند.

سؤال: ممکن است به طور واضح بفرمایید منظور از خیریه و هزینه خصوصی چیست؟

پاسخ: خیریه به معنای مفت نیست و چیز مفت همان مفت می ارزد نه بیشتر. درمانگاه های خیریه خرجشون با درمانگاه های خصوصی تفاوتی ندارد یعنی متخصص و کادر همان هزینه خصوصی و البته گاهی بیشتر هم می شود بخاطر جذب نیروی حرفه ای در مرکز؛ در نتیجه خیریه بودن از آن جهت است که فقط قشر ضعیف از مزیت خیریه بودن استفاده کنند و قشری که توانایی مالی دارد همان هزینه اصلی را بپردازد به این صورت که برای قشر ضعیف و متوسط و پردرآمد هر کدام به اندازه توانایی مالی شان از تخفیفات خیریه بهره مند می شوند. که با این کار باعث می شود درمانگاه بتواند روی پای خود بایستاد و با گذشت زمان و نبودن این خیرین درمانگاه به دلیل مشکلات مالی تعطیل نمی شود.

البته در تخفیفات مرکز درمانی خیریه مکان آن نقش مهمی در ارائه آن

واحد فرهنگی
مسجد جامع شهرک غرب

معرفی فعالیت های واحد خواهران

کلاسهای ویژه خواهران به شرح ذیل می باشد:

۱- کلاس های روخوانی، روانخوانی و تجوید قرآن

توسط خانم میثمی

روزهای یکشنبه از ساعت ۸:۳۰ الی ۱۱:۳۰

۲- کلاس مفاهیم قرآن جزء ۱۰ توسط خانم حاجی حسینی

روزهای دوشنبه از ساعت ۸ الی ۱۰:۱۵

۳- کلاس عربی توسط خانم حاجی حسینی

روزهای دوشنبه از ساعت ۱۰:۳۰ الی ۱۱:۳۰

۴- کلاس چهل حدیث توسط خانم اشراقی

هر دو هفته یکبار دوشنبه ها از ساعت ۱۶ الی ۱۷

تلفن تماس: ۰۹۱۰۲۱۰۵۶۹۳



پسندیده خدا

هر آن کس که خود را پسندیده باشد
بهر مویش ابلیس خندیده باشد
نباشد پسندیده جز آنکه حقش
در آیات قرآن پسندیده باشد
زانوار ایمان و اسرار عرفان
فروغی بسیمایش تابیده باشد
ز دیدار او حق به دیدار آید
که نور خدا زو تراویده باشد
در آئینه روی آن صاحب دل
خدای جهان را عیان دیده باشد
بحق بسته باشد دل غیب بین را
ز بیگانه و خویش بریده باشد
بود بهر حق جنبش آن زنده دل را
نفرموده باشد نجنبیده باشد
خلایق ز حق سوی باطل گرایند
ز حق سوی حق او گرائیده باشد
بود مردمان را همه ترس از هم
خدا بین ز جز خود نترسیده باشد
بخسبد دو چشم دوبینان همه شب
یکی بین دو چشمش نخسبیده باشد
پسندیده دشمنان نیز باشد
ز بس دوست او را پسندیده باشد
خنك آنکه چون فیض گلهای قدسی
ز گلزار لاهوت می چیده باشد

فیض کاشانی



کاربرد روشهای معناشناسی نوین در پژوهشهای قرآنی

فرزانه اسلامیان

کمتر از نیم قرن میگذرد. اگر به تاریخ تفکر و فلسفه مراجعه کنیم، میبینیم که از دیرباز فلاسفه و منطقین به مسئله معنا توجه داشتهاند و بسیاری از مباحث پایه ای آن در میان اندیشمندان مسلمان، تاریخی طولانی دارد. در آغاز متکلمان به ویژه معتزله، در باره رابطه میان لفظ و معنا مباحثی را مطرح ساختند و حتی فیلسوفان مشائی نظیر ابن سینا نیز به این امر پرداخته اند. علاوه بر مطالعه های فلسفی و منطقی در زمینه معنا، دو علم دیگر در علوم اسلامی به نام علم «تفسیر» و «اصول» از رشته علمی هستند که در سنت اسلامی به وجود آمده که از عمده ترین مسائل آنها «فهم» و «معنا» است در این علوم درباره معنا دیدگاه های متفاوت و زیادی مطرح شده به طوری که میتوان قاطعانه اعلام کرد که بسیاری از مسائل معناشناسی معاصر در قرن سوم و چهارم هجری شکل گرفتهاند. ببنتردید بازسازی دانشهای اسلامی بخصوص تفسیر در پرتو دانشهای جدید یکی از مهمترین اهداف اندیشمندان مسلمان در عصر حاضر میباشد و معناشناسی یکی از دانشهایی است که میتواند در شمار مباحث جدید در حوزه علوم قرآن قرار گرفته و به صورت مبنایی و مقدماتی در علم تفسیر مورد استفاده قرار گیرد.

رویکردهای کلی در مطالعات معناشناسی

نگاهی به مطالعات معناشناسی نشان میدهد که بر اساس دو رویکرد همزمانی و در زمانی یا تاریخی، میتوان مفهوم واحدهای حوزه های معنایی را یا در طول زمان مورد بررسی قرار داد و یا در یک مقطع زمانی بررسی نمود. در معنا شناسی همزمانی، تفاوت ها و تمایزهای میان معانی در یک مقطع زمانی مشخص مورد مطالعه قرار میگیرند. به عنوان مثال، دوره پیش از نزول وحی یا دوره نزول وحی را بررسی میکنیم و به تغییر معنا در طول زمان توجه نمیکنیم. ریشه یابی، شناخت معنای اولیه و تحولات معنایی واژگان در طول زمان و در نهایت دستیابی به قوانینی که حاکم بر این تغییرات بوده اند، نیز موضوع معناشناسی تاریخی را تشکیل میدهد. ایزوتسو، زبان قرآن را همانند یک فرآیند تاریخی به شمار آورده که حدود ۲۰ سال به طول انجامیده و شامل دو دوره متمایز مکی و مدنی میباشد و اینکه در زبان وحی، به لحاظ معناشناختی پس از هجرت پیامبر (ص) از مکه به مدینه، تغییری شگرف پدید آمده است. وی در همین رابطه به سه سطح معناشناسی

نگاهی به تاریخ مطالعات قرآنی نشان میدهد که به منظور دستیابی به معنای دقیق واژگان قرآنی، به کارگیری روشهای متنوع تفسیری، اعم از علمی، کلامی، فلسفی، روش تفسیری قرآن به قرآن، نمونه هایی از تلاشهای فکری بشر در ارتباط با این کتاب عزیز است. معناشناسی نیز یکی از روشهایی است که با مطالعه علمی معنا به استخراج معنای نهفته در متن می پردازد. در فضای معناشناسی، آنچه به عنوان یک اصل پذیرفته شده این است که مخاطب در شنیدن پیام، بی طرفی خود را حفظ نموده و در به دست آوردن مقصود گوینده، آراء و ذهنیت خود را درگیر ننماید. در اینجا است که مرزهای معناشناسی از هرمنوتیک جدا میشود زیرا در فضای هرمنوتیکی، مهم فهم مخاطب است و به تعداد افراد، پیام وجود دارد اما در معناشناسی، آنچه که دارای اهمیت است قصد گوینده و روشهایی است که در فهم متن مؤثر باشند که این نوع نگاه به طور خاص در قرآن به دلیل نقش آن در تأمین سعادت بشر، اهمیتی مضاعف مییابد. بنابراین یکی از ضرورت های استفاده از این روشها مقابله با تفسیر به رأی و روشهای غیر علمی و نادرست در فهم متن میباشد لذا در تفسیر قرآن، معناشناسی جایگاه علمی و دقیقی پیدا میکند. به کار گیری این روشها در حوزه مطالعات قرآنی نیز سابقه زیادی ندارد و مربوط به سده اخیر است که میتوان تألیفات توشیهیکو ایزوتسو _ دانشمند ژاپنی _ را از نخستین تألیفات با محوریت معناشناسی دانست و برای نمونه میتوان به کتابهای «مفاهیم اخلاقی- دینی در قرآن» و «خدا و انسان در قرآن» وی اشاره کرد. وی زبان را به صورت یک دستگاه منسجم توصیف میکند که ارزش هر واحد زبانی در ترکیب با سایر واژه ها مشخص میگردد و در این زمینه به مثالی اشاره میکند اینکه کلمه «کتاب» که به معنای «نوشته و نامه» است پس از آنکه وارد نظام زبانی قرآن شد، در همنشینی سایر واژگان مهم قرآنی همچون الله، نبی، تنزیل و اهل قرار گرفت و به معنای خاصی غیر از معنای اولیه خود دست یافت. لذا از این پس برای پی بردن به معنای ویژه واژگان در نظام معنایی قرآن، باید به ارتباط آن با سایر مفاهیم اساسی و عمده در کتاب وحی، توجه لازم را مبذول بداریم.

تاریخچه اجمالی معناشناسی

پژوهشهای معناشناسی به اندازه ای پیشینه داشته و با پیشرفت و تکامل بشر همگام میباشد ولی از ظهور معناشناسی به عنوان یک علم،

انواع روشها در مطالعات معناشناسی

امروزه در علم معناشناسی شاهد روشهایی هستیم که هر یک قادر است بستری را جهت تدبر هر چه بیشتر در مفاهیم قرآن فرا روی محققان در حوزه مطالعات قرآنی بگشاید از جمله این روشها، روش معناشناسی ساختگرا میباشد که ساختار زبان را مانند یک شبکه پیچیده و درهم تنیده از روابط همنشینی و جانشینی دانسته که معناشناس باید به بررسی و واکاوی این شبکه ها پرداخته و مکان و موقعیت هر مفهوم و معنایی را در جای خودش پیدا کند. از دیگر روشها نیز میتوان از توصیف معنی در چارچوب بافت زبانی نام برد و همچنین نظریه حوزه های معنایی که با دو رویکرد همزمانی و در زمانی، عناصر زبانی را مورد بررسی قرار می دهد. در مطالعه حوزه های معنایی با رویکرد همزمانی میتوانیم به کار ایزوتسو در زمینه حوزه معنایی واژه های مرتبط با گناه در قرآن کریم که عبارتند از: «ذنب»، «سیئه»، «اثم»، «خطیئه»، «جرم»، «جناح»، «جرم»، اشاره کرد و در مطالعه حوزه های معنایی با رویکرد در زمانی نیز میتوان بررسی تغییرات و تحولات حوزه معنایی «ادراک» که شامل «فکر»، «عقل»، «فقه»، «شعر» میباشد در فاصله های زمانی قبل از نزول وحی، زمان نزول وحی و بعد از نزول وحی را مثال زد. این نظریه به ما میگوید برای اینکه معنای یک کلمه فهمیده شود باید مجموعه کلمات مرتبط با آن، از حیث معنایی فهمیده شود و با محوریت قرار دادن آن مفهوم به عنوان یک کلمه کانونی و تشکیل یک شبکه تصویری از مفاهیم اعم از مثبت و منفی که با آن کلمه در ارتباط هستند به ترسیم میدانهای معناشناسی پرداخت تا از تداخل این میدان ها و ارتباط میان آنها، مفاهیم و معانی کلمات قرآنی بهتر و دقیقتر شناخته شوند در این روش مفاهیم به طور منفرد و جدا از هم مورد بررسی قرار نمیگیرند بلکه در سایه کل نگری و نگرش جامع به مفاهیم، اهداف و پیام قرآن مورد ملاحظه قرار میگیرد. البته قابل ذکر است که در مطالعه روابط معنایی عناصر زبانی، قرآن ویژگی متفاوتی نسبت به سایر آثار دارد و آن محصور نشدن آن در قالب ها و نظام های طبقه بندی شده است اما میتوان به کمک این دانش ها به مطالعات قرآنی عمق و غنای بیشتری بخشیده و دریچه ای جدید به معارف اسلامی گشود.

متفاوت، که نشان دهنده سه مرحله سیر تحول واژگان عربی است (اشاره میکند. الف) نظام معنایی پیش از قرآنی ب) نظام معنایی قرآنی ج) نظام معنایی پس از قرآنی.

ایزوتسو، واژگان قرآنی را از لحاظ زبان شناختی، آمیخته ای از این سه نظام متفاوت دانسته که در طول زمان یکدیگر را تکامل بخشیده و به صورت منظم به گرد هم آمده اند.

در معناشناسی در زمانی، بعضی از تحول های معنایی واژگان در طول زمان را میتوان در قالب بسط معنایی، قبض معنایی و تغییر مدلول مورد بررسی قرار داد. بررسی معناشناختی مفردات قرآن نشان میدهد که قرآن برخی واژه ها را در همان معنای عرفی و متداول خود به کار برده است و بعضی دیگر از واژگان را در معنای وسیع تر به کار گرفته است که واژه های شریعت، رسول، صلاة، زکات، جهاد، هجرت، نور و ظلمت، بصیرت و نابینایی، حیات و ممات، از این قبیل می باشند. در باب توسعه معنایی واژگان قرآنی نیز میتوان از مفهوم «ظلم» یاد کرد که طبق آیات ۴۵ و ۴۶ سوره اعراف «فَأَذِّنْ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ» و «الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ يَبْغُونَهَا عِوَجًا وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ»؛ قرآن، تعریفی جامع تر از تعاریف عرفی جامعه عرب آن روز ارائه داده است که باز داشتن از راه خدا، ایجاد انحراف در آن و انکار آخرت، از مصادیق جدید آن میباشد. نمونه ای از قبض معنایی را نیز میتوان در واژه «فسق» مشاهده نمود عرب پیش از نزول قرآن، فسق را در مورد هر نوع خروج برای ایجاد فساد به کار میبرد است اما در قرآن، دایره معنایی آن محدود گردیده و صرفاً در باره خروج از فرمان و اطاعت خداوند آمده است. در زمینه تغییر مدلول نیز میتوانیم به تغییر معنایی واژه «حنیف» در فاصله قبل و بعد از نزول وحی اشاره کنیم در فرهنگ عرب جاهلی «حنیف» به معنای فردی بود که «گمراه و بی دین» است اما بعد از نزول وحی، این واژه یک ارزش مثبت پیدا کرده و به معنای «در راه و راست دین» تغییر معنی یافت. نمونه دیگر واژه «تقوی» است این کلمه در جاهلیت به معنی «یستار دفاعی موجود زنده در برابر نیروی خارجی مخرب» به کار میرفت اما در فرهنگ اسلامی به معنای «زهد و پارسایی خالص» تغییر معنی پیدا کرد و به عنوان یکی از کلمات کانونی و کلیدی قرآن، مطرح شد.



مفهوم تقوا در نهج البلاغه

کامیارحیدری

تقوا از رایج ترین کلمات نهج البلاغه است. در کمتر کتابی مانند نهج البلاغه بر عنصر تقوا تکیه شده، و در نهج البلاغه به کمتر معنی و مفهومی به اندازه تقوا عنایت شده است.

تقوا چیست؟

معمولاً چنین فرض می شود که تقوا یعنی «پرهیزکاری» و به عبارت دیگر تقوا یعنی يك روش عملی منفی، هر چه اجتناب کاری و پرهیزکاری و کناره گیری بیشتر باشد تقوا کامل تر است.

طبق این تفسیر اولاً تقوا مفهومی است که از مرحله عمل، انتزاع می شود، ثانیاً روشی است منفی، ثالثاً هر اندازه جنبه منفی شدیدتر باشد تقوا کامل تر است.

به همین جهت متظاهران به تقوا برای این که کوچکترین خدشه ای بر تقوای آنها وارد نیاید از سیاه و سفید، تروخشک، گرم و سرد اجتناب می کنند و از هر نوع مداخله ای در هر نوع کاری پرهیز می نمایند.

شک نیست که اصل پرهیز و اجتناب یکی از اصول زندگی سالم بشر است. در زندگی سالم، نفی و اثبات، سلب و ایجاب، ترك و فعل، اعراض و توجه توأم است. با نفی و سلب است که می توان به اثبات و ایجاب رسید، و با ترك و اعراض می توان به فعل و توجه تحقق بخشید.

کلمه توحید یعنی کلمه «لا اله الا الله» مجموعاً نفیی است و اثباتی، بدون نفی ماسوا دم از توحید زدن ناممکن است. این است که عصیان و تسلیم، کفر و ایمان قرین یکدیگرند، یعنی هر تسلیمی متضمن عصیانی و هر ایمانی مشتمل بر کفری و هر ایجاب و اثبات مستلزم سلب و نفیی است: «فمن يكفر بالطاغوت و يؤمن بالله فقد استمسك بالعروة الوثقى».

اما اگر نیروی روحانی تقوا در روح فردی پیدا شد، ضرورتی ندارد که محیط را رها کند، بدون رها کردن محیط، خود را پاك و منزّه نگه می دارد. اما اولاً پرهیزها و نفی ها و سلب ها و عصیان ها و کفرها در حدود «تضاد» هاست. پرهیز از ضدی برای عبور به ضد دیگر است، بریدن از یکی، مقدمه پیوند با دیگری است.

از این رو پرهیزهای سالم و مفید، هم جهت و هدف دارد و هم محدود است به حدود معین. پس يك روش عملی کورکورانه که نه جهت و هدفی دارد و نه محدود به حدی است، قابل دفاع و تقدیس نیست.

ثانیاً مفهوم تقوا در نهج البلاغه مرادف با مفهوم پرهیز حتی به مفهوم منطقی

آن نیست. تقوا در نهج البلاغه نیرویی است روحانی که بر اثر تمرین های زیاد پدید می آید و پرهیزهای معقول و منطقی از يك طرف سبب و مقدمه پدید آمدن این حالت روحانی است و از طرف دیگر معلول و نتیجه آن است و از لوازم آن به شمار می رود.

این حالت، روح را نیرومند و شاداب می کند و به آن مصونیت می دهد. انسانی که از این نیرو بی بهره باشد، اگر بخواهد خود را از گناهان مصون و محفوظ بدارد چاره ای ندارد جز این که خود را از موجبات گناه دور نگه دارد، و چون همواره موجبات گناه در محیط اجتماعی وجود دارد ناچار است از محیط کنار بکشد و انزوا و گوشه گیری اختیار کند.

مطابق این منطق یا باید متقی و پرهیزکار بود و از محیط کناره گیری کرد و یا باید وارد محیط شد و تقوا را بوسید و کناری گذاشت. طبق این منطق هر چه افراد اجتناب کارتر و منزوی تر شوند جلوه تقوایی بیشتری در نظر مردم عوام پیدا می کنند.

اما اگر نیروی روحانی تقوا در روح فردی پیدا شد، ضرورتی ندارد که محیط را رها کند، بدون رها کردن محیط، خود را پاك و منزّه نگه می دارد.

دسته اول مانند کسانی هستند که برای پرهیز از آلودگی به يك بیماری مسری، به دامنه کوهی پناه می برند و دسته دوم مانند کسانی هستند که با تزریق نوعی واکسن، در خود مصونیت به وجود می آورند و نه تنها ضرورتی نمی بینند که از شهر خارج شوند و از تماس با مردم پرهیز کنند، بلکه به کمک بیماران می شنابند و آنان را نجات می دهند. آنچه سعدی در گلستان آورده نمونه دسته اول است:

بدیدم عابدی در کوهساری

قناعت کرده از دنیا به غاری

چرا گفتم به شهر اندر نیایی

که باری بند از دل برگشایی؟

بگفت آنجا پیرویان نغزند

چو گل بسیار شد پیلان بلغزند

نهج البلاغه تقوا را به عنوان يك نیروی معنوی و روحی که بر اثر ممارست و تمرین پدید می آید و به نوبه خود آثار و لوازم و نتایجی دارد و از آن جمله پرهیز از گناه را سهل و آسان می نماید، طرح و عنوان کرده است:

ذمتی بما اقول رهینه و انا به زعیم. ان من صرحت له العبر عما بین یدیه من المثالات حجزته التقوی عن تقحم الشبهات؛ همانا درستی



وجود خود بودن است، مانند سوار ماهرى که بر اسب تربیت شده‌ای سوار است و با قدرت و تسلط کامل آن اسب را در جهتی که خود انتخاب کرده می‌راند و اسب در کمال سهولت اطاعت می‌کند.

ان تقوى الله حمت اولياء الله محارمه و الزمت قلوبهم مخافته حتى اسهرت ليالهم و اظلمات هواجرهم؛ تقوای الهی اولیای الهی خدا را در حمایت خود قرار داده، آنان را از تجاوز به حریم منهیات الهی باز داشته است و ترس از خدا را ملازم دل‌های آنان قرار داده است، تا آنجا که شب‌هایشان را بی خواب (به سبب عبادت) و روزهایشان را بی آب (به سبب روزه) گردانیده است.

در اینجا علی علیه السلام تصریح می‌کند که تقوا چیزی است که پرهیز از محرمات الهی و همچنین ترس از خدا، از لوازم و آثار آن است. پس در این منطق تقوا نه عین پرهیز است و نه عین ترس از خدا، بلکه نیرویی است روحی و مقدس که این امور را به دنبال خود دارد.

فان التقوى فى اليوم الحرز و الجنة و فى غد الطريق الى الجنة؛ همانا تقوا در امروز دنیا برای انسان به منزله يك حصار و به منزله يك سپر است و در فردای آخرت راه به سوی بهشت است.

نهج البلاغه تقوا را به عنوان يك نیروی معنوی و روحی که بر اثر ممارست و تمرین پدید می‌آید و به نوبه خود آثار و لوازم و نتایجی دارد و از آن جمله

گفتار خویش را ضمانت می‌کنم و عهده خود را در گرو گفتار خویش قرار می‌دهم. اگر عبرت‌های گذشته برای يك شخص آینه قرار گیرد، تقوا جلو او را از فرو رفتن در کارهای شبهه‌ناک می‌گیرد. تا آنجا که می‌فرماید:

الا و ان الخطايا خيل شمس حمل عليها اهلها و خلعت لجمها فتقحمت بهم فى النار. الا و ان التقوى مطايا ذلل حمل عليها اهلها و اعطوا ازمتها فاوردتهم الجنة؛ همانا خطاها و گناهان و زمام را در اختیار هوای نفس [قرار] دادن، مانند اسب‌های سرکش و چموشی است که لجام از سر آنها بیرون آورده شده و اختیار از کف سوار بیرون رفته باشد و عاقبت اسب‌ها سوارهای خود را در آتش افکنند. و مثل تقوا مثل مرکب‌های رهوار و مطیع و رام است که مهارشان در دست سوار است و آن مرکبها با آرامش سوارهای خود را به سوی بهشت می‌برند.

در این خطبه تقوا به عنوان يك حالت روحی و معنوی که اثرش ضبط و مالکیت نفس است ذکر شده است. این خطبه می‌گوید لازمه بی‌تقوایی و مطیع هوای نفس بودن، ضعف و زبونی و بی‌شخصیت بودن در برابر محرکات شهوانی و هواهای نفسانی است. انسان در آن حالت مانند سوار زبونی است که از خود اراده و اختیاری ندارد و این مرکب است که به هر جا که دلخواهش هست می‌رود. لازمه تقوا قدرت اراده و شخصیت معنوی داشتن و مالک حوزه

پرهیز از گناه را سهل و آسان می‌نماید، طرح و عنوان کرده است.

در خطبه ۱۵۶ تقوا را به پناهگاهی بلند و مستحکم تشبیه فرموده که دشمن قادر نیست در آن نفوذ کند.

در همه اینها توجه امام معطوف است به جنبه روانی و معنوی تقوا و آثاری که بر روح می‌گذارد، به طوری که احساس میل به پاکی و نیکوکاری و احساس تنفر از گناه و پلیدی در فرد به وجود می‌آورد.

نمونه‌های دیگری هم در این زمینه هست و شاید همین قدر کافی باشد و ذکر آنها ضرورتی نداشته باشد.

تقوا مصونیت است نه محدودیت

سخن در باره عناصر موعظه‌ای نهج البلاغه بود. از عنصر «تقوا» آغاز کردیم. دیدیم که از نظر نهج البلاغه تقوا نیرویی است روحی، نیرویی مقدس و متعالی که منشأ کشش‌ها و گریزهایی می‌گردد، کشش به سوی ارزش‌های معنوی و فوق حیوانی، و گریز از پستی‌ها و آلودگی‌های مادی. از نظر نهج البلاغه تقوا حالتی است که به روح انسان شخصیت و قدرت می‌دهد و آدمی را مسلط به خویشستن و مالک «خود» می‌نماید.

تقوا مصونیت است

در نهج البلاغه بر این معنی تأکید شده که تقوا حفاظ و پناهگاه است نه زنجیر و زندان و محدودیت. بسیاری کسان که میان «مصونیت» و «محدودیت» فرق نمی‌نهند و با نام آزادی و رهایی از قید و بند، به خرابی حصار تقوا فتوا می‌دهند.

قدر مشترك پناهگاه و زندان «مانعیت» است، اما پناهگاه مانع خطرناست و زندان مانع بهره‌برداری از موهبت‌ها و استعدادها. این است که علی علیه السلام می‌فرماید:

اعلموا عباد الله ان التقوى دار حصن عزيز، و الفجور دار حصن ذلیل، لا يمنع اهله و لا یحرز من لجأ الیه. الا و بالتقوى تقطع حمة الخطایا ؛ بندگان خدا! بدانید که تقوا حصار و بارویی بلند و غیر قابل تسلط است، و بی‌تقوایی و هرزگی حصار و بارویی پست است که مانع و حافظ ساکنان خود نیست و آن کس را که به آن پناه ببرد حفظ نمی‌کند. همانا با نیروی تقوا نیش گزنده خطاکاری‌ها بریده می‌شود.

علی علیه السلام در این بیان عالی خود گناه و لغزش را که به جان آدمی آسیب می‌زند، به گزنده‌ای از قبیل مار و عقرب تشبیه می‌کند، می‌فرماید نیروی تقوا نیش این گزندگان را قطع می‌کند.

از نظر نهج البلاغه تقوا حالتی است که به روح انسان شخصیت و قدرت می‌دهد و آدمی را مسلط به خویشستن و مالک «خود» می‌نماید.

علی علیه السلام در برخی از کلمات تصریح می‌کند که تقوا مایه اصلی آزادی‌هاست، یعنی نه تنها خود قید و بند و مانع آزادی نیست، بلکه منبع و منشأ همه آزادی‌هاست.

در خطبه ۲۲۱ می‌فرماید:

فان تقوى الله مفتاح سداد و ذخيرة معاد و عتق من كل ملكة و نجاة من كل هلكة؛ همانا تقوا کلید درستی و توشه قیامت و آزادی از هر بندگی

و نجات از هر تباهی است.

مطلب روشن است، تقوا به انسان آزادی معنوی می‌دهد، یعنی او را از اسارت و بندگی هوا و هوس آزاد می‌کند، رشته آز و طمع و حسد و شهوت و خشم را از گردنش بر می‌دارد و به این ترتیب ریشه بردگی‌های اجتماعی را از بین می‌برد. مردمی که بنده و برده پول و مقام و راحت طلبی نباشند، هرگز زیر بار اسارت‌ها و رقیتهای اجتماعی نمی‌روند.

در نهج البلاغه درباره آثار تقوا زیاد بحث شده است و ما لزومی نمی‌بینیم در باره همه آنها بحث کنیم. منظور اصلی این است که مفهوم حقیقی تقوا در مکتب نهج البلاغه روشن شود تا معلوم گردد که این همه تأکید نهج البلاغه بر روی این کلمه برای چیست.

در میان آثار تقوا که بدان اشاره شده است، از همه مهمتر دو اثر است: یکی روشن‌بینی و بصیرت، و دیگر توانایی بر حل مشکلات و خروج از مضایق و شداید. و چون در جای دیگر به تفصیل در این باره بحث کرده‌ایم و به علاوه از هدف این بحث که روشن کردن مفهوم حقیقی تقواست بیرون است، از بحث درباره آنها خودداری می‌کنیم.

ولی در پایان بحث «تقوا» دریغ است که از بیان اشارات لطیف نهج البلاغه در باره تعهد متقابل «انسان» و «تقوا» خودداری کنیم.

تعهد متقابل

در نهج البلاغه با این که اصرار شده که تقوا نوعی ضامن و وثیقه است در برابر گناه و لغزش، به این نکته توجه داده می‌شود که در عین حال انسان از حراست و نگهبانی تقوا نباید آنی غفلت ورزد. تقوا نگهبان انسان است و انسان نگهبان تقوا، و این دور محال نیست بلکه دور جایز است.

امیر المومنین علی علیه السلام در این بیان عالی خود گناه و لغزش را که به جان آدمی آسیب می‌زند، به گزنده‌ای از قبیل مار و عقرب تشبیه می‌کند، می‌فرماید نیروی تقوا نیش این گزندگان را قطع می‌کند.

این نگهبانی متقابل از نوع نگهبانی انسان و جامعه است که انسان نگهبان جامعه از دزدیدن و پاره شدن است و جامعه نگهبان انسان از سرما و گرماست، و چنانکه می‌دانیم قرآن کریم از تقوا به «جامه» تعبیر کرده است: «و لباس التقوى ذلک خیر».

امیر المومنین علی علیه السلام در باره نگهبانی متقابل انسان و تقوا می‌فرماید:

ایقظوا بها نومکم و اقطعوا بها یومکم و اشعروها قلوبکم و ارحضوا بها دنوبکم... الا فصولها و تصونوا بها؛ خواب خویش را به وسیله تقوا تبدیل به بیداری کنید و وقت خود را با آن به پایان رسانید و احساس آن را در دل خود زنده نمایید و گناهان خود را با آن بشوید... همانا تقوا را صیانت کنید و خود را در صیانت تقوا قرار دهید. و هم می‌فرماید:

اوصیکم عباد الله بتقوى الله فانها حق الله علیکم و الموجهة علی الله حکمکم و ان تستعینوا علیها بالله و تستعینوا بها علی الله؛ بندگان خدا! شما را سفارش می‌کنم به تقوا. همانا تقوا حق الهی است برعهده شما و پدید آورنده حقی است از شما بر خداوند. سفارش می‌کنم که با مدد از خدا به تقوا نائل گردید و با مدد تقوا به خدا برسید.



حقیقت نماز از دیدگاه ابن سینا

هادی احمدی طلبه درس خارج فقه آیت الله هاشمی تبریزی

ابن فیلسوف بیان می دارد که در این گونه تکالیف همواره دو نکته وجود دارد: یک اینکه شارع مقدس (خداوند) می داند که بسیاری از نفوس، لایق و قابل برای رشد و وصول به مقامات منیع و درجات والای انسانی نیستند؛ ولی حتماً باید در طریق تربیت و دستورات و فرمان شارع قرار گیرند. زیرا نظام طبیعی و هواهای نفسانی آنان موجب می شود که به طرف حیوانیت و بهیمیت حرکت کنند و عاقبت در حد بهایم بمانند. به همین جهت خداوند آنان را رها نساخت تا از ظواهر دستورات و عبادات بدنی متأثر شوند. نکته دوم اینکه: کسانی که با تدبیر و حکمت قدم برمی دارند، خواه ناخواه با تبعیت بدن از روح، مشابهت بین روح و بدن در ایشان ظاهر می شود. آنچنان که انگار تن به طرف روان پرواز می نماید؛ و در نتیجه قوای طبیعی ایشان تحت سرپرستی نظام عقلانی در می آید. به بیان ابن سینا این تشابه عالم مادی با عالم روحی وی، انسان را از عالم ملک به ملکوت می رساند؛ بلکه اشرف از همه ی موجودات عالم خواهد شد.

نماز بازدارنده انسان از امور فاسد و گناه است:

بارها این حدیث گهربار نبوی را شنیده ایم که ان الصلوه تنهی عن الفحشاء والمنکر یعنی نماز انسان را از ارتکاب گناه و بدیها حفظ می کند. شیخ الرئیس ابن سینا این نتیجه متعالی نماز را از رموز باطنی آن می داند که افراد خاص و انسان های کامل را به چنین مقامی می رساند یعنی کسانی که در نماز به فوق بیان زبانی رسیده و محیط بر همه هستی و برتر از قیاس و گمان و خیال و وهم گشته اند. کسانی که با وحدانیت مطلق راستین مرتبط شده و پرتوی از کمالات و قدرت و حکمت را در خود می یابند.

سر اعطای نماز به حضرت ختمی مرتبت (ص)

حکیم حجه الحق ابن سینا، در بخش پایانی رساله موجز خود به بیان روایتی از سر پیدایش و چگونگی تشریع نماز به پیامبر اکرم (ص) از جانب حضرت حق می پردازد و می فرماید:

آن بزرگوار هرگاه که از بدن مجرد و از جمله تعلقات منزّه می گردید و با او هیچ گونه از آثار طبیعی این عالم نبود، در آن مرحله خدای منان متعال را با عقل محض خود مناجات می کرد... و در آن دم به درگاه حضرت رب العزیز عرض می کرد: بار پروردگارا! من در لذت غریبی هستم، راهی برای ادامه ی این مقام به من عطا فرما که هر وقت بتوانم به این مقام منیع برسم.

در این مرحله بود که (خداوند متعال) به ایشان دستور فرمود که نماز بگذار زیرا المصلی یناجی ربّه یعنی نمازگزار با خدای خود مناجات می کند.

ابن سینا، فیلسوف، پزشک و حکیم ایرانی و از مؤثرترین چهره های تاریخ اندیشه و علم، در رساله کوتاهی به نام « ماهیه الصلوه » به بیان حقایق ظاهری و رمزی و باطنی نماز پرداخته است.

معرفت بخشی:

ابن سینا درباره ویژگی معرفت بخشی نماز می فرماید: نماز روح در طبیعت مانده انسان را از گور جسم و جسمانیت خارج می کند و در طلب عبودیت و اخلاق، از معبود ذوالجلال و الاکرام، کمال خالص را که حقیقت دین است درخواست می نماید.

حکیم حجه الحق، ابن سینا، در این خصوص با اشاره به آیه ما خلقت الجن و الانس ليعبدون می گوید: نباید ليعبدون (به معنای عبادت کنند) را به ليعرفون (به معنای بشناسند) تفسیر کرد و با تأویل گفت که معنای خلقت جن و انس برای عبادت، یعنی برای معرفت است؛ بلکه توان بر عبادت خالص، خود متن معرفت است.

وی سپس می گوید: به طور اجمال می توان گفت که حقیقت نماز با اخلاص و آگاهی مقرون به نماز تنزیه از نقایص واجب الوجود است.

و همچنین پی بردن به وحدانیت صفات خدا و احاطه او به همه هستی است. شیخ الرئیس معتقد است نمازی که با نیت خاص گزارده شود، نمازگزار را در فهم اینکه تعدد در صفات خدا راه ندارد یاری می رساند.

از دیدگاه ابن سینا، اخلاص در نیت به این معناست که نمازگزار بفهمد کثرت صفات فقط در مورد مخلوقات و بندگان صدق می کند که شنیدن، بینا بودن، قدرت، علم و حکمت آنها جدای از حیات شان است و خداوند یک واحد احد است که کثرت به ذات اقدس ربوبی او راه ندارد و تنها او جان دهنده به همه ی موجودات و تدبیر کننده عالم است.

ابن سینا می گوید: اگر نمازگزار خدایش را این چنین بشناسد و نماز را در محضر حقیقتی که محیط به همه ی کمالات و هستی و محیط به خود نمازگزار است ادا کند، این شخص موفق و مؤید است.

پی بردن به اسرار آداب نمادین نماز:

حکیم حجه الحق می فرماید: شارع مقدس نماز را برترین عبادت ها دانسته است زیرا نماز عبادتی است که متناسب با ظاهر بدن و باطن روح و جان انسان است.

وی می افزاید: همچنان که انسان مرکب از ظاهر و باطن است، نماز نیز ترکیبی از ظاهر و باطن است؛ ظاهر آن جسم را به حضور حضرت حق واداشته و باطن آن، نفس ناطقه و جان و حقیقت انسان را به محضر خلاق متعال متوجه می سازد، و به سوی رسم بندگی سوق می دهد.



نماز

سید ابوالفضل حسینی یدکی
طلبه درس خارج فقه آیت الله هاشمی تبریزی



آن بر حسب شریعت‌های مختلف فرق داشته است. به دلیل اینکه حضرت ابراهیم (ع) بر پاداری نماز را هم برای خودش و هم برای فرزندش از خدای متعال طلب نمود:

«رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي...» ابراهیم/ سوره ۱۴، آیه ۴۰.

«پروردگار! مرا به پا دارنده نماز قرار ده و از فرزندانم (نیز)...»

و حضرت عیسی (ع) در گهواره از آن سخن گفت:

«وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا» مریم/ سوره ۱۹، آیه ۳۱.

«و تا زمانی که زنده‌ام مرا به نماز و زکات توصیه کرده است.»

جمله «و اوصانی بالصلاة والزكاة...» اشاره به این است که در شریعت عیسی (ع) نماز و زکات تشریع شده است.

آثار و برکات نماز:

نماز وسیله ی شستشوی از گناهان و مغفرت و آمرزش الهی است چرا که خواه ناخواه نماز انسان را دعوت به توبه و اصلاح گذشته می‌کند، لذا در حدیثی می‌خوانیم: پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - از یاران خود سؤال کرد: لو كان على باب دار الحد كم نهر و اغتسل في كل يوم منه خمس مرات اكان يبقی فی جسہ من الدرن شیء؟ قلت لا، قال: فان مثل الصلاة كم مثل النهر الجاري كلما صلى كفرت ما بينهما من الذنوب: «اگر بر در خانه یکی از شما نهری از آب صاف و پاکیزه باشد و در هر روز پنج بار خود را در آن شستشو دهد، آیا چیزی از آلودگی و کثافت در بدن او می‌ماند؟».

در پاسخ عرض کردند: نه، فرمود: «نماز درست همانند این آب جاری است، هر زمان که انسان نمازی می‌خواند گناهی که در میان دو نماز انجام شده است از میان می‌رود» (وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۷) و به این ترتیب جراحاتی که بر روح و جان انسان از گناه می‌نشیند، با مرهم نماز التیام می‌یابد و زنگارهایی که بر قلب می‌نشیند زدوده می‌شود.

نماز تقویت کننده روح انضباط

نماز روح انضباط را در انسان تقویت می‌کند، چرا که دقیقاً باید در اوقات معینی انجام گیرد که تأخیر و تقدیم آن هر دو موجب بطلان نماز است، همچنین آداب و احکام دیگر در مورد نیت و قیام قعود و رکوع و سجود و مانند آن که رعایت آنها، پذیرش انضباط را در برنامه های زندگی کاملاً آسان می‌سازد.

همه اینها فوایدی است که در نماز، قطع نظر از مسأله جماعت وجود دارد

واژه نماز واژه‌ای پارسی است که ایرانیان برای واژه «صلاة» عربی به کار بردند. این واژه به معنای خم شدن، سرفروآوری برای ستایش پروردگار، احترام و اظهار بندگی و اطاعت است. واژه نماز نام واژه‌ای از فعل نمیدن فارسی به معنی تعظیم کردن است.

برخی حدس زده‌اند که این واژه از واژه «ناماسته» در زبان سانسکریت گرفته شده باشد که محتمل نیست.

مفهوم شناسی:

«صلاة» که در لسان شرع برای فعل عبادی خاصی همان «نماز» جعل شده است، در لغت به معنای دعا، استغفار، رحمت و مغفرت، ثنای نیکو، درود و تعظیم است و اگر به خداوند نسبت داده شود، به معنای رحمت و ثنای بر بندگان می‌باشد و در اصطلاح نیز به عملی عبادی اطلاق میشود که متشکل از اجزاء و شرائط خاصی است و باید با قصد قربت به پروردگار هر روز در چند نوبت به جا آورده شود.

«صلاة» یا نماز به عنوان فعلی عبادی که به منظور دعا و نیز تعظیم الهی انجام می‌شود، یکی از مشترکات ادیان الهی است، هرچند شکل و نحوه انجام آن در ادیان مختلف متفاوت میباشد. از همین روست که در قاموس کتاب مقدس در معنای واژه نماز آمده است: «نماز معروف است و یکی از واجبات دینیه هر روز تمام ملل و مذاهب است، چه منفرداً و چه جماعتاً...» و پس از آن به شرح معنای نماز بر مبنای تورات و انجیل پرداخته تا آنکه می‌نویسد:

«احدی جز منکرین خدا منکر نماز و دعا نیست...».

در نوشتار حاضر نیز از «نماز» همین معنای فوق اراده شده است و حقیقت شرعیه آن که در اسلام از این اصطلاح اراده می‌شود، مدّ نظر نمی‌باشد.

محمد مسعود نوروزی معتقد است کلمه نماز از ریشه نماچ که در پارسی میانه (پهلوی زمان ساسانیان) است گرفته شده و فعل نماچ پورتن به معنای نماز بردن و تعظیم کردن به کار رفته است؛ و قبل از آن در ایران باستان از ریشه نم به معنای خم شدن و سرفرو آوردن مشتق شده است. در اوستا نماز به صورت نمنگه یا نمه به معنای دعا و درود آمده است.

یکی از اعمال و تکالیفی که از طرف خداوند بر انسان واجب شده است نماز می‌باشد.

نماز واژه قرآنی آن صلاة و جمع آن «صلوات» است، «صلاة» در اصل به معنای دعاء است که در بعضی از آیات قرآن به همین معنی آمده است.

نماز در ادیان گذشته:

نماز از عباداتی است که هیچ شریعتی از آن خالی نبوده، هر چند که گونه‌های

حکمت الصلاة



و اگر ویژگی جماعت را بر آن بیفزائیم - که روح نماز همان جماعت است - برکات بی شمار دیگری دارد که این جا جای شرح آن نیست، بعلاوه کم و بیش همه از آن آگاهیم.

گفتار خود را در زمینه فلسفه و اسرار نماز با حدیث جامعی که از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل شده پایان می‌دهیم:

امام در پاسخ نامه‌ای که از فلسفه نماز در آن سؤال شده بود چنین فرمود:

علت تشریع نماز این است که توجه و اقرار به ربوبیت پروردگار است، و مبارزه با شرک و بت پرستی، و قیام در پیشگاه پروردگار در نهایت خضوع و نهایت تواضع، و اعتراف به گناهان و تقاضای بخشش از معاصی گذشته، و نهادن پیشانی بر زمین همه روز برای تعظیم پروردگار.

و نیز هدف این است که انسان همواره هشیار و متذکر باشد، گرد و غبار فراموشکاری بر دل او ننشینند، مست و مغرور نشود، خاشع و خاضع باشد، طالب و علاقمند افزونی در مواهب دین و دنیا گردد.

علاوه بر این که مداومت ذکر خداوند در شب و روز که در پرتو نماز حاصل می‌گردد، سبب می‌شود که انسان مولا و مدبر و خالق خود را فراموش نکند، روح سرکشی و طغیانگری بر او غلبه ننماید.

و همین توجه به خداوند و قیام در برابر او، انسان را از معاصی باز می‌دارد، و از انواع فساد جلوگیری می‌کند.

وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴.



سیمای نماز

تألیف: استاد حسین انصاریان

حجت الاسلام علیرضالو
استاد حوزه علمیه الامام علی بن ابیطالب علیه السلام



نماز در زندگی و حیات انسان به اندازه ای ارزش دارد که اولیای الهی برای یک لحظه از آن غافل نبودند و از هر راهی که ممکن بود دیگران را هم به این عبادت ملکوتی تشویق می کردند.

در این فصلنامه در قسمت معرفی کتاب مفتخریم تا کتاب «سیمای نماز» را به خوانندگان عزیز و گرامی معرفی نماییم.

کتاب سیمای نماز نوشته استاد شیخ حسین انصاریان می باشد. استاد در مقدمه یادآور نکته ای می شود و این گونه می نگارد که: گمان نمی بردم با کثرت مشغله ای که در جهت تبلیغ و نوشتن شرح صحیفه سجادیه تحت عنوان «عاشقان» و نیز امور اجتماعی بتوانم از عهده برآیم ولی توفیق حضرت رب رفیق راه شد و این کتاب را به رشته تحریر در آوردم.

این کتاب از سرفصل های زیر برخوردار است:

- ارزش و عظمت نماز
- نماز در آینه حیات انبیاء و ائمه
- امت اسلامی و نماز
- نشانه های مؤمن
- روایات
- نماز دریای بیکران منفعت
- نماز مشکلات را حل می کند
- نماز دنیا را شگفت زده کرد
- ارزیابی جایگاه بی نماز
- آخرین وصیت به خویشان
- موانع نماز
- حضور قلب

با توجه به سر فصل های که در این کتاب ذکر شده، مباحث بسیار زیبا در رابطه با نماز مطرح گردیده و روایات بسیار جذاب و قابل توجه در مورد ارزش نماز که هر مسلمانی را تشویق به خواندن نماز با روح می نماید، امیدوارم با خواندن این کتاب گرانقدر و آشنایی با سیمای نماز ما هم جزء نمازگزاران واقعی بشویم؛ ان شاء الله.



حالات دل مثل فصول چهارگانه است، اقبال و ادبار دل را رهبری کنید

آیت الله العظمی جوادی آملی
تحریریه نشریه



قلب نرم قابلیت استجابت دعا را دارد، از این فرصت بهره بگیرید

گفته اند، اگر باران نازل می شود، یکی از مواردی است که دعا مستجاب است، اینها حالات بیرونی است که باید مواظب باشیم؛ اما آن حالت درونی که حضرت به ما فرمود، مواظب باشید، فرمود: «اغتنموا الدعاء عند الرقة فانها رحمة»، فرمود: گاهی انسان قساوتی نسبت به شخصی یا نسبت به حادثه‌ای، خشن برخورد می کند، عصبانی است و مانند آن، گاهی با یک قلب نرم زندگی می کند، فرمود: اگر در درون خود احساس رقت کردید، معلوم می شود، قابلیت شما برای دعا کردن آماده است، از طرف مبدأ فاعلی، وقتی باران نازل می شود، معلوم می شود که آن بخشنده، می خواهد ببخشد، از طرف مبدأ فاعلی، فرصت های مناسبی هست که انسان کشف می کند که او می خواهد ببخشد، از طرف مبدأ قابلی هم فرمود: اگر در خود، رقت احساس کردید، اگر کسی نسبت به شما بدی کرد، احساس کردید که باید صرف نظر کنید، اگر درصدد انتقام بودید، احساس کردید که باید عفو کنید، «تخفیف عفو». اگر چنین حالتی را در خود احساس کردید، این موقعیت استجابت دعاست، از این فرصت بهره بگیرید و با خدا مناجات کنید.

دعا کردن، برای انسان چه مشکل داشته باشد، چه مشکل نداشته باشد، نافع است. اگر مشکل نداشته باشد، دعا دفع مشکل می کند، نمی گذارد، حادثه تلخی به وجود بیاید و اگر - خدای ناکرده - مشکلی داشت، رفع مشکل می کند، نمی گذارد، این مشکل بماند یا دفعاً یا رفعاً دعا نافع است..

بیان نورانی پیغمبر(ص) این است که «فی انصاف البطن»؛ یعنی نصف شکم را پُر کردید، بس است، بقیه را برای آب و برای نفس بگذارید وقتی آدم همیشه از کنار سفره سیر شده بلند شود، این دیگر طلبه فاضل نمی شود، این دیگر یک دانشجو فاضل نمی شود، این نه در حوزه استاد می شود، نه در دانشگاه استاد می شود، آدم پرخور هرگز محقق نمی شود، آن قدر نخورید که بعد از خوردن ناچار باشید، دراز بکشید، همان مقدار که بدن لازم دارد، بخورید. این «فی انصاف البطن» شعار رسمی آن حضرت بود، فرمود: نیمی از شکم را پُر کردید، بس است، این تعبیرهای آن حضرت بود، آدم فراغت پیدا کند تا از شکم بالا بیاید، سری به دل بزند، ببیند، در دل او چه خبر است، ما اگر خواستیم ببینیم، این دل اقبال است و با ما همکاری می کند یا ادبار دارد، با ما همکاری نمی کند، یک فراغت می خواهد، ما باید از سطح شکم بالا بیاییم و به سطح دل برسیم آنها هم با اصحاب دل و اصحاب قلب، نه اصحاب بطن. وقتی به قلب رسیدیم، آن وقت می توانیم، رصد کنیم، چه وقت او با ما همراه است و چه وقت همراه نیست، چه وقت اقبال دارد، چه وقت ادبار دارد. حال اگر دل اقبال کرد، فرمود: «فأحملوها على التوافل» و نافله‌ها تنها آن چند رکعت شب و روز نیست، بلکه قرائت قرآن و زیارت هم هست.

بیان نورانی از وجود مبارك حضرت امير در نهج البلاغه هست که فرمود:

«إِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالَ وَ إِدْبَاراً فَإِذَا أَقْبَلَتْ فَأَحْمِلُوهَا عَلَى التَّوَافِلِ وَ إِذَا أَدْبَرَتْ فَاقْتَصِرُوا بِهَا عَلَى الْفَرَائِضِ» این دل، مثل فصول چهارگانه است، یعنی مثل زمان که گاهی بهاری دارد و گاهی پاییزی، گاهی اقبالی دارد و گاهی ادباری. اگر دل در حالت بهار بود، شکوفایی و اقبال داشت، از نوافل نگذرید، سعی کنید، نافله‌ها را ترک نکنید و اگر دل، آن آمادگی را ندارد، شما بر دل تحمیل نکنید و فقط واجب‌ها را انجام دهید، نگویید حتماً نماز شب بخوانم چرا که آن نماز شبی که با ادبار دل همراه است، با کراهت آمیخته است و کمتر انسان، توفیق پیدا می کند، لذا حضرت فرمود: دل خود را نرنجانید و با دل کنار بیايید.

خلط گر به پا خاری آسان بر آید

چه سازم به خاری که در دل نشیند

مرنجان دلم را که این مرغ وحشی

ز بامی که برخاست مشکل نشیند

با دل باید کنار آمد، او رهبری ما را به عهده دارد؛ این بیان نورانی وجود مبارک امیرمومنان(سلام الله علیه) یک بیان جامعی است، برای اینکه انسان در هیچ حال از عبادت زده و خسته نشود و با شادابی نماز بخواند، با شادابی رکوع و سجود برود، با شادابی نماز شب بخواند، فرمود: دل یک وقت بهار است، یک وقت پاییز، وقتی پاییز دل شد، او را نرنجانید، به همان واجبات اکتفا کنید؛ اما یک وقت اقبال دارد و روبه‌روست، شکوفاست، در این هنگام او را در جلسات و گعده‌ها نبرید. ایشان در بخش دیگری از سخنان خود با استناد به صفات «دائم الفیض و دائم الفضل» بودن خداوند متعال، به ارزش و اهمیت دعا اشاره داشته و فرمودند:

یکی از برجسته‌ترین راه اخلاق، ارتباط نیایش و دعاست. در درون ما، همواره یک خاطره‌های گریز و گرایش هست، چه کار کنیم؟ از وجود مبارک رسول گرامی(علیه و علی آله آلاف التحية والثناء) این حدیث نورانی نقل شد که به خدا عرض می کند: خدایا همان‌طوری که جان ما را با توحید آفریدی، قلب ما را با توحید سیراب کن! وجود مبارک پیغمبر(علیه و علی آله آلاف التحية والثناء) فرمود: از دعا بهره وافی ببرید، همیشه دعا مستجاب است، هیچ وقت دعا برنمی گردد؛ زیرا او «دائم الفیض على البرية» است، «دائم الفضل على البرية» است، در رحمت او باز است؛ منتها در بعضی از موارد بازتر و گشوده تر است. بخش‌هایی که مربوط به زمان و زمین است، بخش‌های بیرونی است، آن بخش‌ها را همه می توانند، درک کنند، شب‌های جمعه هست، روزهای عرفه هست، روزهای مناسب دیگری است که دعا مستجاب است، همیشه دعا مستجاب است، مخصوصاً در این ازمنه یا در آن امکنه یا در کنار مشاهد مشرفه در مساجد و مانند آن.

مساجد ملعونه

محمد مهدی تقی پور



طلبه پایه دهم حوزه علمیه الامام علی بن ابیطالب

است که پیامبر اکرم (ص) می فرماید: زمانی بر امت من خواهد رسید که مساجدشان در ظاهر آباد است، در حالی که از هدایت تهی و ویران می باشد.... امام زمان بر اساس رسالتی که دارد که همانا اصلاح دین و مبارزه با انحرافات دینی است به مقابله با این پدیده بر می خیزد و به پالایش مساجد از مظاهری که مورد رضایت دین نیست می پردازد، تا بار دیگر مساجد کانون توحید و خدا پرستی و عبادت و عروج انسان گردد.

ب: دیگر این که امور اصلاحی امام فراگیر است و شامل تمام حوزه های دین می شود. لذا وقتی سخن از خراب کردن مسجد به میان می آید از حیز انتفاع انداختن آن نیست، بلکه از روایات دیگر به همین مضمون استفاده می شود که حضرت در کیفیت بنای مساجد به شکلی که برای مردم مزاحمت ایجاد کرده، نظر دارد و برطرف کردن این اشکال نسبت به اماکن دینی از وظایف حکومت دینی است که امام در رأس آن قرار دارد. این امر نه تنها مذموم نیست، بلکه این پیام را برای انسان ها به همراه دارد که دین حتی در مقدس ترین مقوله ها ضامن حقوق آنها می باشد.

ابو بصیر از امام صادق (ع) در حدیثی طولانی روایت نموده که حضرتش فرمود: هنگامی که قائم ما قیام کرد چهار مسجد را در کوفه منهدم می کند، هیچ مسجد مشرفی را نمی گذارد جز این که کنگره و اشراف آن را خراب می کند و به حال ساده و بدون اشراف می گذارد. شاهراه ها را توسعه می دهد. هر گوشه ای از خانه ها که واقع در راه عمومی است خورد می کند، و ناودان ها که مشرف به راه مردم است برمی دارد.

با توجه به روایت فوق روشن می شود که رعایت حقوق مردم که امروزه از آن به عنوان حقوق شهروندی یاد می کنیم، واجب و ضروری است و نباید به آن تعرض نمود، حتی با مستمسک قرار دادن امور دینی.

ج: در مورد تخریب مساجد چهارگانه کوفه که در برخی روایات آمده و در روایت فوق به آن اشاره شد، می توان گفت مراد از آن مساجدی باشد که زمان بنی امیه در کوفه ساخته شده اند. این مساجد توسط فرماندهان لشکر یزید و به شکرانه کشته شدن امام حسین (ع) در کوفه بنا شدند که بعدها به نام مساجد ملعونه شناخته شدند.

نام این مساجد در گفتاری امام باقر (ع) آمده است که می فرماید: در کوفه مساجدی مبارک و مساجدی ملعون وجود دارد، اما مساجد مبارک ... و اما مساجد ملعونه همانا مسجد اشعث بن قیس، مسجد جریر بن عبد الله

از جمله اقداماتی که به امام زمان (عج) در هنگام ظهور آن حضرت نسبت داده شده است، و برخی روایات هم به آن اشاره دارد، تخریب برخی مساجد و اماکن متبرکه است.

ریشه این مسئله به روایاتی باز می گردد که پیرامون دوران ظهور سخن گفته و در برخی منابع روایی شیعه نقل شده است. البته این روایات از جهت متن و سند قابل دقت و بررسی هستند.

از جمله این روایات می توان به روایت ابو بصیر از امام صادق (ع) اشاره نمود. امام صادق می فرماید: قائم مسجد الحرام و مسجد الرسول را خراب می کند تا آنها را به وضعیت اصلی خود برگرداند و خانه کعبه را نیز به موضع خود بر می گرداند. و آن را بر اساس خود بنا می کند.

روایت دیگر از ابو بصیر بدون انتساب به امام صادق (ع) نقل شده است که اشاره به تخریب مساجد چهارگانه کوفه و... دارد.

در رابطه با سند این روایات باید گفت: در سند این دو روایت علی بن حمزه بطائنی قرار دارد که از سران واقفیه بوده و تضعیف شده است.

شیخ طوسی در کتاب الغیبه در رابطه با عدم اعتماد به روایات واقفیه پس از نقل حکایت هایی در مذمت آنان گفته است: ... روایاتی که در مورد طعن بر راویان واقعی مذهب رسیده است، بیش از آن است که بتوان شمرد، و آنها در کتاب اصحاب موجود است و من بخشی از آنها را نقل می کنم.

البته شاید بتوان گفت ضعف یک راوی در سلسله سند یک روایت دلیلی قطعی برای رد آن نباشد و چه بسا ضعف آن با روایات دیگر جبران شود.

لذا در صورت پذیرش این دو روایت باید به چند نکته اشاره کرد:

الف: دین و مذهب همواره انسان ها را از سطحی نگری و تجمل گرایی زاید منع کرده است. در طول تاریخ اسلام به واسطه تسلط حکومت های نالایق که برداشت صحیحی از تعالیم اسلام نداشتند، مظاهر فرهنگ تمدن اسلامی به اشکال مختلف مورد تغییر قرار گرفت و ظاهر تجمل گرایی به مؤسسات دینی نیز سرایت نموده است. مساجدی که در صدر اسلام محل دعوت به دین و ارشاد و هدایت بود و حتی تصمیمات حکومتی مهم؛ نظیر امر به جهاد با مشرکان در آن جا تصمیم گیری می شد. و در واقع محل عروج انسان به شمار می رفت، در آخر زمان بعضی از این مساجد اهمیت خود را از دست داده و به جای تعلیم و ارشاد دینی در آنها، به گسترش کمی و تزئین آنها پرداخته می شود، در حالی که خالی از مؤمنان است؛ به همین دلیل

بجلی، مسجد ثقیف و مسجد سماک است.

همچنین حضرت امی المومنین علی (ع) از نماز گزاردن در پنج مسجد در کوفه نهی می نمود؛ مسجد اشعث بن قیس کندی، مسجد جریر بن عبدالله بجلی، مسجد سماک بن مخرمه، مسجد شبت بن ربیع و مسجد تیم.

چهار مسجد از این مساجد را امام باقر (ع) به مساجد ملعونه تعبیر نموده اند که ممکن است در زمان حضرت قائم وجود داشته باشند و توسط ایشان تخریب شوند.

د: حضرت مهدی (عج) نیز در برخورد با بدعت ها و انحرافات اعتقادی مانند پیامبر رفتار می نماید و به مانند سیره وی عمل می کند. پیامبر اکرم (ص) در شرایطی که برخی از منافقان با بهره برداری از احساسات دینی مردم با ساختن مسجد ضار سعی در ضربه زدن از درون به دین و ایجاد تفرقه میان مؤمنان بودند، دستور تخریب مسجد ضار را صادر نمود. از انتقاد شدید قرآن نسبت به مسجد ضار و از شدت عملی که پیامبر اکرم (ص) از خود نشان داد و دستور ویران نمودن مسجد به خوبی روشن است که قصد و هدف هر کاری تا چه اندازه در باره آن مؤثر است. رویارویی منافقان با دین با سوء استفاده از امور مقدس، منحصر به زمان خاصی نیست. لذا پس از دوران پیامبر اکرم (ص) و تاکنون شاهد فعالیت منافقان و فرقه های منحرف در قالب ایجاد اماکن مذهبی هستیم که به کانونی جهت تضعیف و تحریف دین تبدیل شده اند، که اساسا امام زمان نیز مانند پیامبر (ص) با این جریانات برخورد خواهد کرد و دستور تخریب پایگاه های آنان که حتی ممکن است در پوشش مسجد باشد را صادر خواهد نمود.

ه: نکته دیگری که می توان یادآور شد، این است که بسیاری از مساجد و مشاهد طبق هندسه اسلامی ساخته نشده است، بلکه به هم چسبی با کلیساهای مسیحی ساخته شده و کلیساهای مسیحی هم به هم چسبی با معابد بت پرستان ساخته شده است و چون بررسی عمیقی به میان آید، برخی مساجد و مشاهد همان نقشه ساختمان های بت پرستان و تجدید هیکل ها و معابد بت پرستان روم و یونان است و با وضع عبادت عمومی و ساده اسلامی مناسبتی ندارد و اگر حکومت نافذ و اسلامی واقعی بر پا شود آن را خراب می کند.

و: همچنین در طول تاریخ مساجدی به دست حاکمان جائر و با اموالی غصبی و ناحق ساخته شده اند که این امر از نظر شرع مردود می باشد و قاعداً امام

زمان (ع) که حکومتی بر مدار قسط و عدل برپا می نماید، از این امر غافل نبوده و به برطرف نمودن این مشکل خواهد پرداخت.

ز: در مورد تخریب مسجد الحرام، کعبه، و مسجد النبی نیز روایات حاکی از ویران کردن آنها و از حیز انتفاع ساقط کردن نیست، بلکه آنچه در روایات بدان تصریح شده است، خراب کردن و بنای مجدد آنها است که این امر دلایل خاص خود را دارد. برای مثال خانه کعبه در طول دوره های مختلف تاکنون دچار دگرگونی شده است و بنا به روایتی پیامبر اکرم (ص) قصد اصلاح آن را داشت، لکن شرایط اجتماعی مانع از این امر بود.

مسجد پیامبر نیز از این قاعده مستثنا نبوده و بنا به روایتی در زمان هایی بدون رعایت اصول شرعی دچار تغییر و تحول در ساختمان آن گردیده است. براساس این روایات خلیفه دوم مسجد پیامبر (ص) را تخریب نمود و برآن افزود و در اثنای این توسعه دادن، خانه عباس عموی پیامبر را نیز ضمیمه آن نمود. همچنین مقام ابراهیم (ع) را از خانه خدا دور ساخت، در حالی که مقام نزدیک بیت بود.

در هر صورت، پس از پیامبر بدعت هایی در دین به وجود آمد که دامنه آن به اماکن مقدس نیز سرایت کرد. لذا حضرت امیر (ع) می فرماید: والیان پیش از من امور بزرگی را که مخالف با نظر پیامبر است انجام دادند ... پس چگونه است اگر فرمان دهم تا مقام ابراهیم را به جایی برگردانند که رسول خدا قرار داد ... و خانه جعفر بن ابی طالب را از مسجد خارج سازم.

بنابراین، در زمان حضور امام مهدی (ع) به واسطه بسط سلطه و قدرت حکومت و انقیاد جامعه از امام، انتظار می رود بسیاری از بدعت ها که در طول تاریخ در حوزه های مختلف دین ایجاد شده است، اصلاح شود و از آن جمله اصلاح برخی از مساجد و اماکن متبرک است که همان گونه که گفته شد دچار دگرگونی شده اند.

بر اساس آنچه گفته شد، روشن می شود که تخریب مساجد و یا ویران کردن برخی مساجد و بازسازی آنها در عصر مهدی منتظر (عج) امری دور از انتظار و عجیب نخواهد بود. برخی از مساجد به دلیل عدم رعایت اصول شرعی بنا شده اند و نیز برخی از آنها تغییر ماهیت داده و پایگاهی برای مبارزه با دین شده اند که بر اساس روایات یاد شده تخریب می شوند. همچنین برخی مساجد به دلایل تغییراتی که در طول زمان در حدود آن ایجاد شده، تخریب و بر اساس اولیه خود بازسازی خواهند شد.

هاتسوکو یا فاطمه ؟

معصومه رستمی 

پیش به دنبال راه چاره ای برای درمان آن می گشت. وی در ادامه افزود که با مطالعه دقیق در قرآن و تحقیق و جست و جوی فراوان توانسته با اسلام پیوند برقرار کند و هدف زندگی اش را در آن بیابد. هوشینو اذعان داشت، دلیل این که نام فاطمه را برای خود برگزیدم، این بود که با پذیرش اسلام، احساس کردم، در دین جدیدم یتیم گشته ام، بنابراین تصمیم گرفتم، پیامبر اسلام را پدر معنوی خودم بخوانم، و از آنجایی که دخت گرامی ایشان فاطمه نام داشت، مفتخر شدم این نام زیبا را برای خودم برگزینم. خانم هوشینو خاطر نشان کرد که جوانان و زنان جامعه ی اسلامی، خصوصا قشر دانشجو، باید بدانند که مسئولیت سنگینی به آنان محول شده و آن تسلیم نشدن در برابر نقشه ها و توطئه ی دشمنان اسلام؛ خصوصا شیطان بزرگ یعنی آمریکا است. وی بر این باور است که دشمنان دارای دو نیروی پشتکار و مدیریت اند و ما بایستی با تدبیر و زرنگی توطئه آنها را خنثی کنیم. وی در پایان مسئله ی اقتصاد مقاومتی را مطرح کرد و افزود: « ما به عنوان شیعه ی امام زمان موظفیم با خرید محصولات داخلی به اقتصاد و رونق ملی کمک کنیم تا ایران بیش از پیش بر استقلال خود پا بر جا بماند.»

هاتسوکوهوشینو، بانوی تازه مسلمان ژاپنی، در نشست صمیمانه به طرح مسائلی از جمله دلایل گرایش خود به دین اسلام، نقش زنان در جامعه ی اسلامی و اقتصاد مقاومتی پرداخت.

هاتسوکو(فاطمه) هوشینو، بانوی ژاپنی است که ۱۳ سال پیش به دین مبین اسلام گرویده و اکنون پنج سال است که به ایران مهاجرت نموده است. وی در سخنان خود دو عامل مهم را زمینه ساز گرایشش به دین اسلام برشمرد: نخست توطئه ی دشمنان اسلام و اخبار دروغی که رسانه ها در پی حادثه ی ۱۱ سپتامبر منتشر ساختند، با این هدف که اسلام را عامل خشونت و تروریسم معرفی کنند. که همین امر سبب شده بود تا این بانوی تازه مسلمان به تحقیق و بررسی در مورد اسلام بپردازد. به عقیده ی وی، چطور ممکن بود دینی که از لحاظ جمعیت دومین دین دنیاست، پیروانش را به تروریسم و خشونت دعوت کند؟! دومین عاملی که وی به آن اشاره کرد، یأس و پوچی بود که بر زندگی اش سایه انداخته بود و از مدت ها

فاطمه الزهرا
علیها السلام



سیره عملی امام حسن مجتبی (ع)

محمد حسین الهی اصل طلبه درس خارج فقه
برگرفته از مناقب آل محمد



تقویت حس کمال و رشد

انسان به صورت فطری خودش و نیز حس کمال و پیشرفت را دوست دارد و سعی می‌کند که با کسب کمالات و پله های موفقیت و قدم های روبه بالا را محبوبیت خود را تقویت کرده و بالا ببرد.

امام حسن (ع) از این متد در تربیت فرزندان خویش استفاده می‌کرد. آن حضرت در یکی از روزها فرزندان خویش و برادرزادگان خود را را دعوت کرده و در ضمن يك فضای صمیمی به آنان فرمود: **اَنْكُمْ صِغَارٌ قَوْمٌ وَ يَوْشَكُ اَنْ تَكُونُوا كِبَارٌ قَوْمٌ اَخْرَيْنِ فَتَعْلَمُوا، الْعِلْمُ فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ اَنْ يَحْفَظَهُ فَلْيَكْتَبْهُ وَ لِيَضَعْهُ فِي بَيْتِهِ؛** همه شما کودکان جامعه امروز هستید و امید است که بزرگان جامعه فردا باشید پس دانش تحصیل کنید و علم بیاموزید. هر کس از شماها توانائی حفظ دانش را ندارد آن را بنویسد و در منزلش نگهداری نماید.

پیدا کردن الگوی خوب

انسان در دوران نوجوانی بسیار دنبال پیدا کردن الگوی مناسب است و حس تقلید او را وادار می‌کند تا از الگوهایی که دوس دارد تقلید نماید. این خواسته ذاتی وسیله مناسبی است که والدین در امر تربیت از آن بهره گیرند و الگوهای خوب را در معرض دید فرزندان قرار دهند و به او معرفی نمایند. امام مجتبی (ع) در سیره و سخن خویش به الگوی بسیار پسندیده ای اشاره کرده و آنان را به پیروانش می‌شناساند. آن حضرت بعد از شهادت پدر بزرگوارش به معرفی شخصیت ممتاز تاریخ، حضرت امیرالمؤمنین (ع) پرداخته و آن گرامی را به عنوان سرمشق خوبان عالم معرفی کرده و فرمود: ای مردم! در این شب مردی از دنیا رفت که در هیچ کار نیکی، پیشینیان بر او سبقت نگرفتند و بندگان خدا در هیچ سعادت بی او نمی‌توانند برسند. او به همراه پیامبر (ص) جهاد می‌کرد و جان خود را فدای او می‌نمود.

آن حضرت در سخن دیگری در مورد حضرت فاطمه زهرا (س) فرمود: ما کان اعبد من فاطمة کانت تقوم حتی تتورم قدماء؛ در دنیا شخصی عابدتر از فاطمه (س) نبود، آن بزرگوار در حالت مناجات و عبادت آنقدر روی پاهای خود می‌ایستاد تا آن که پاهای مبارکش ورم کرد.

صبر و بردباری

روزی امام حسن مجتبی (ع) سوار بر مرکب خویش، در یکی از معابر مدینه عبور می‌کرد. با مردی از اهل شام مواجه شد. آن مرد شامی تا حضرت را شناخت بی مقدمه به لعن و نفرین امام پرداخته و سخنان ناشایست و ناصحیحی را به امام نسبت داد.

حضرت امام مجتبی (ع) در همان حال با کمال متانت و بردباری تمام صحبت های او را با سکوت و صبر تحمل کرد و خشم خود را فرو می‌برد. تا این که مرد شامی سکوت کرد. در آن لحظه امام مجتبی با سلام بر آن مرد، سکوت

آن چند لحظه را شکسته و با لبخندی ملیح که حاکی از مهربانی آن جناب بود و در حالی که مهر و عاطفه و محبت در چشمان ایشان و سیمای نورانی اش موج می‌زد لب به سخن گشودند و به آرامی فرمود: ای مرد! گمان می‌کنم که در این شهر غریب باشی و شاید هم مرا به اشتباه گرفته‌ای؟ حالا اگر از ما رضایت بطلبی از تو راضی می‌شویم و اگر چیزی از ما بخواهی، به تو می‌بخشیم، اگر راه گم کرده‌ای؛ راهنمایی ات می‌کنیم، اگر گرسنه‌ای تو را سیر می‌نمائیم، اگر لباس نداری تو را می‌پوشانیم، اگر نیازمندی؛ تو را غنی می‌کنیم، اگر از جائی رانده شده یا فراری هستی تو را پناه می‌دهیم اگر خواسته‌ای داری بر می‌آوریم، اگر توشه سفر را پیش ما آوری و مهمان ما باشی برای تو بهتر است و تا هنگام رفتن از تو پذیرائی می‌کنیم. چون که خانه ما وسیع و امکانات مهمان نوازی مان فراهم است.

آن مرد وقتی با این برخورد کریمانه حضرت مواجه شد و سخنان شیوا و دلنشین آن بزرگوار را شنید، آرام آرام احساس کرد که ناراحتی خاصی در درون وجدانش او را می‌آزارد. آثار شرم و حیا بر صورتش ظاهر شده و پیش از آن که سخنی بگوید، اشک ندامت بر گونه‌هایش لغزید و با لحنی خاضعانه و مؤدبانه عرضه داشت: شهادت می‌دهم که تو خلیفه خداوند بر روی زمین هستی، خداوند داناتر است که رسالتش را در کدام خانواده قرار دهد: الله اعلم حیث يجعل رسالته؛ تا این لحظه شما و پدرتان منفورترین خلق خدا نزد من بودید و اکنون شما را محبوب‌ترین فرد روی زمین می‌دانم. آن گاه به همراه امام حسن (ع) راهی خانه آن حضرت شد و تا روزی که در مدینه بود در مهمان‌سرای حضرت پذیرائی می‌شد. بعد از آن واقعه در ردیف دوستان و ارادتمندان خاص اهل بیت (ع) قرار گرفت.

رفتار بزرگوارانه

با مروری کوتاه به سیره عملی امام مجتبی (ع) بهره‌گیری از این شیوه را به روشنی مشاهده خواهیم کرد که تمام کمالات اخلاقی و معنوی و انسانی در سراسر زندگی آن حضرت به چشم می‌خورد. عفو و گذشت، حلم و بردباری، تواضع و فروتنی، عبادت و راز و نیاز کرامت و بخشش و سایر خصلت‌های ویژه انسانی در زندگی آن حضرت مشهود است. نمونه‌ای از سیره عملی آن حضرت را با هم بخوانیم:

یکی از غلامان حضرت امام حسن (ع) مرتکب جنایتی شد که سزاوار کیفر بود. حضرت دستور داد تا وی را تنبیه نمایند. غلام خطاکار در آن لحظه پیش‌دستی کرد و خطاب به امام (ع) این آیه را قرائت نمود: والعافین عن الناس؛ انسانهای وارسته از خطای گنهکاران عفو می‌کنند. حضرت فرمود: بخشیدم. غلام ادامه داد و الله یحبّ المحسنین؛ خداوند نیکوکاران را دوست دارد. امام فرمود: ترا در راه خدا آزاد کردم.

مهاجر الی الله

جان باختگان این حادثه انشالله مشمول این کلام نورانی قرآن اند که:
و من یرج من بیته مهاجرا الی الله و رسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی الله
این برای بازماندگان، تسلی بزرگی است.



معنی صدر و قلب

مهندس احمد عسگری فوق لیسانس الکترونیک
برگرفته از سایت حوزه



با هر نوع خسارت به مغزمان زمانیکه به برزخ منتقل میشدیم نیز هیچ اطلاعاتی به همراه نداشتیم زیرا مغزمان از بین رفته است. وسوسه شیاطین نیز در افکارمان که در مغز است صورت میگیرد:

الَّذِي يُوسِّسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ - ناس ۵

آن کسی که در مغز انسانها وسوسه میکند

ضمنا در آیه دیگری گفته شده اگر قرار باشد خداوند کسی را به سمت دینش هدایت کند مغز او را برای فهم

کلامش باز میکند:

فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ - انعام ۱۲۵

پس شرح صدر یعنی باز شدن فکر چه بر اساس آیه بالا در جهت فهم دین باشد و چه بر اساس آیه زیر درباره

موارد کفر آمیز باشد که بوسیله شخص کافر انجام میشود:

وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا - نحل ۱۰۶

و چنین شخصی بدلیل اینکه کفر را انتخاب کرده است خداوند مغز او را برای فهم دینش بسته نگه میدارد

وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا - انعام ۱۲۵

آیا هنوز هم منظور از صدر قفسه سینه است؟ و اینکه هدایت خداوند در قفسه سینه قرار میگیرد؟

پس آیاتی که به این مفهوم اشاره میکنند همگی اشاره به مغز و قدرت درک انسان دارند مانند اینکه خداوند میفرماید:

وَمَا تَخْفَى الصُّدُورُ - غافر ۱۹

آنچه در مغزتان پنهان میکنید میداند خداوند واقعیت موجود در مغز شما را میداند:

عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

آل عمران ۱۵۴ / مائده ۷ / انفال ۴۳ / هود ۵ / لقمان ۲۳ / فاطر ۳۸ / زمر ۷ /

حدید ۶ / تغابن ۴ / ملک ۱۳

موسی - نیز برای فهم کلام خداوند و قابلیت بیان آن برای دیگران از خداوند درخواست "شرح صدر" میکند:

قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي - طه ۲۵

صدر در قرآن نزدیکترین معنی به مغز انسان را دارد و به هیچ عنوان ربطی به قفسه سینه ندارد. واقعا جای تعجب است که مترجمین قرآن انگار که از فرهنگ لغات برای ترجمه استفاده کرده اند و اصلا به سراغ خود آیات نرفته اند. با بررسی دقیق آیات بمعنای صدر خواهیم رسید.

خداوند میفرماید:

بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ - عنكبوت ۴۹

بلکه آن آیاتی بیان کننده است که در صدر کسانی قرار دارد که به آنها علم داده شده است. همه میدانیم محل ذخیره شدن اطلاعات و علوم در جایگاهی بنام مغز است و هرگز در قفسه سینه نیست خداوند میفرماید که قرآن بر قلب پیامبر - ص نازل شده است:

فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ «عَلَيَّ قَلْبِكَ» بِإِذْنِ اللَّهِ - بقره ۹۷

«عَلَيَّ قَلْبِكَ» لَتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ - شعراء ۱۹۴

ضمنا گفته شده که قلب در مکانی بنام صدر قرار دارد:

«الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ» - حج ۴۶

و قلب در قرآن نام عضوی است که بوسیله آن باید «تعقل و تفقه» کرد

فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ «يَعْقِلُونَ» بِهَا - حج ۴۶

لَهُمْ قُلُوبٌ لَا «يَفْقَهُونَ» بِهَا - اعراف ۱۷۹

پس با مراجعه به آیات بالا آیا قرآن در قفسه سینه ذخیره شده است؟

آیا علم در قفسه سینه قرار دارد؟ آیا قرآن بر همین قلبی که خون را در بدن جاری میکند نازل شده؟

و آیا همین قلب ظاهری است که باعث تعقل و فهم مطالب میشود؟ و آیا جایگاه این عضو تعقل کننده در قسمت سینه انسان است یا اینکه در مغز اوست؟

بنابراین کلمه "صدر" بمعنی "مغز" است اما در عین حال بمعنای مغز فیزیکی نیست، زیرا اگر منظور از آن همین مغز بدن فیزیکی باشد اولاً با کلمه "مخ" که آنهم عربی است بیان میشد دوم اینکه همه اطلاعات ما با مرگ از بین میرفت، چرا که مغز به همراه بدن در خاک دفن شده و از بین میرود و ما با ورود به برزخ هیچ خاطره و اطلاعاتی به همراه نمیداشتیم، سوم اینکه هنگام تجربه خروج از بدن یا خواب نیز هیچ اطلاعی به همراه نداشتیم چهارم اینکه



پیشتازان علم

سید ابوالفضل حسینی یدکی
طلبه درس خارج فقه آیت الله هاشمی تبریزی
برگرفته از کارنامه اسلام



رحلت آن حضرت در فتوح اسلامی و در روزگار خلافت امام علی (ع) نقش های مهمی ایفاء کردند.

پدرش حیان در کوفه عطار یا داروگر بود. گویند در عهد اموی به عنوان تشیع اعدام شد. (هر چند به عنوان باطنی و قرمطی نیز شهرت دارد. قَرَمَطیان گروهی وابسته به اسماعیلیان یا باطنیان بودند که پس از قیام علی بن محمد برقی معروف به (صاحب الزنج) که میان سالهای ۲۵۵-۲۷۰ هجری در نواحی جنوبی عراق صورت گرفت و بنیان حکومت عباسیان را متزلزل ساخت، و با تلفات انسانی و مالی بسیار همراه بود، خود مستقلاً وارد صحنه مبارزه شده و به قیام دیگری پرداختند که از نظر قدرت و دوام و حدود قلمرو و بسط حکومت و تاسیس نظام اجتماعی در جهت رفاه مستمندان از نهضت صاحب الزنجی برتر و مهمتر بود نیز شهرت یافته) به هر حال یک چند احتمالاً با امام جعفر صادق علیه السلام مربوط بوده و گویند از آن حضرت نیز استفاده کرده است. در اصل تاریخی و حقیقی بودن وجود او هم بعضی شک کرده اند منشأ شک هم بیشتر کتاب های متناقض و عجیبی است که در واقع بعدها به جابر منصوب شده است و از او نیست.

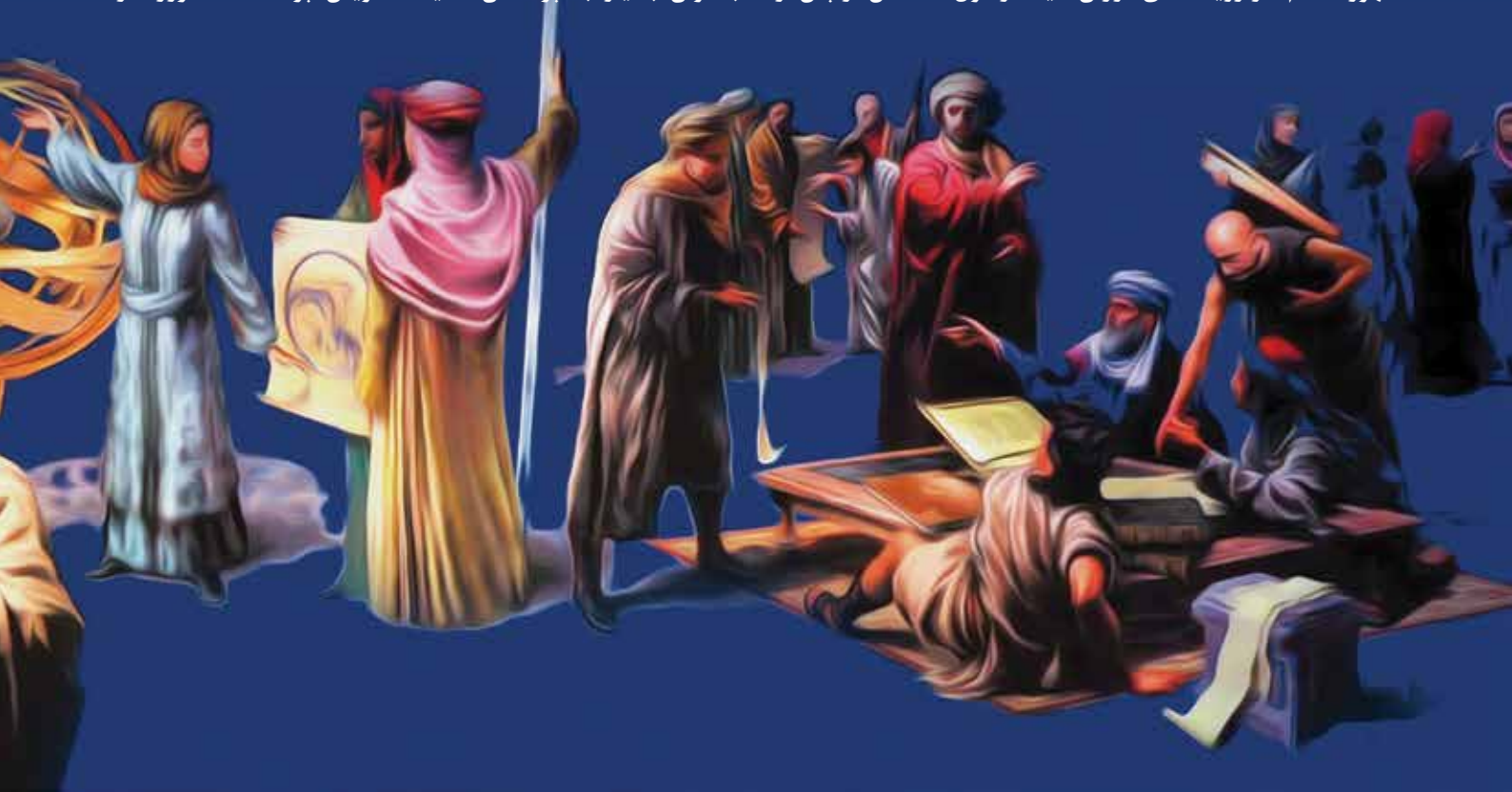
اسماعیلیان یا باطنیان گروهی از شیعیان هستند که امامت را به اسماعیل، فرزند جعفر صادق ختم می کنند و او را امام هفتم می دانند. اینان هم زمان با روزگار سامانیان سربرآوردند و سده ها با توان بسیار به پراکندن اندیشه خویش پرداختند. امروزه از

مسلمانان در صنعت کارهایی انجام دادند که بعد ها در دست غربی ها کامل شد. انواع ساعت های آبی از عهد هارون الرشید نزد مسلمین رواج داشت و تکمیل شد. دستگاه آب کشی شادوف را مسلمین تکمیل کردند و صلیبی ها آن را به اروپا بردند. آسیای بادی قرن ها قبل از آن که در اروپا به وجود آید در ممالک شرق اسلامی معمول بود و مسعودی و اصطخری در وصف سیستان از آن سخن گفته اند.

کیمیایگران اسلامی در توسعه و تکمیل علم شیمیسه هم بسزایی دارند.

پیشرو کیمیایگران اسلام جابر ابن حیان بود- که اروپا وی را به نام **Geber** میشناخت و بعد ها عنوان پدر شیمی هم به او داد. جابر ظاهراً یک شیعه کوفی بوده است از قبیله ازد.

قبیله ازد یکی از قبایل بزرگ عرب جنوبی بود که شاخه های متعددی هم چون اوس، خزرج، خُزاعه، غَسَّان، راسب، غامد، بارق و دُوس را در بر می گرفت. این قبیله که در منطقه مأرب در یمن سکونت داشتند، در حدود قرن اول و دوم میلادی به دنبال انحطاط نسبی تمدن مأرب و تغییر اوضاع و شرایط زیستی، از موطن اصلی خود مهاجرت کرده و به سمت نواحی شمالی عربستان حرکت کردند. پس از مدتی طوایف ازد به چند جانب متفرق شده و هر یک در نواحی مستقلی در جزیره العرب سکونت اختیار کردند. پس از ظهور اسلام، در رویدادهای دوران حیات رسول خدا (ص) و پس از



اند که در مورد دوم تردید است. به هر حال مسلمین در ضمن فعالیتهای شیمیایی خویش بعضی موارد تازه که بر یونانی ها مجهول بود به دست آوردند مثل جوهر گوگرد الکل تیزآب سلطانی و جز آن ها در بعضی موارد نیز اشتباهات یونانی ها را هم در شیمی اصلاح کردند.

آشنایی با شوره و گوگرد و نفت و قیر تدریجا نزد آنها منجر به استفاده از این مواد قابل احتراق شد برای

صناعات جنگی باروت که وجود آن بزرگترین انقلاب را در فنون جنگی پدید آورد در اروپای غربی تا اواخر قرون وسطی ناشناخته بود کشف آن را هم غالبا به راجر بیکن منصوب می دارند. اما حق آن است که این ماده شیطانی در واقع نخست متاسفانه بوسیله مسلمین به دست اروپایی ها رسید.

نه باروت را و نه قطب نما را هیچکدام اروپایی ها اختراع نکردند لیکن این دو را اروپاییان از مسلمین اخذ کردند.

مسلمین در استخراج معادن در ساختن رنگ در آب دادن فولاد در تهیه چرم و کاغذ و در ساختن اسلحه طی قرن ها برتری خود را بر دنیای غرب حفظ کردند. استعمال آنچه در صنعت ساعت رقاص می خوانند ظاهرا از اختراع مسلمین است. هر چند آن ساعت که خلیفه هارون الرشید جهت شارلمانی امپراتوری فرانک هدیه فرستاد نوعی ساعت آبی بود اما شرحی که جبیر اندلسی در باب ساعت بالای مدخل جامع دمشقیان می کند حاکی است از تکامل نسبی مسلمین در ساختن ساعت هاست.

عباس بن فرناس قرطبی در قرن نهم میلادی یک نوع ساعت ساخت که تعبیه ای پیچیده داشت. بعلاوه یک دستگاه پرواز اختراع کرد که قرن ها قبل از شروع تجربه اروپایی ها قسمتی از این رویای قدیم انسان را تحقق می داد قسمتی از پیشرفت های مسلمین در علوم مربوط به مکانیک نیز - مثل صنایع ناشی از توسعه علم شیمی - مصارف نظامی یافت و متاسفانه هنوز هم که عصر اتم خوانده می شود این تیغ بران علم را از دست زنگی مست نمیتوان بازگرفت.

شمارشان کاسته شده است. در ایران بسیار کمیابند و در برخی کشورها مانند: ایران، افغانستان، تاجیکستان، هندوستان، تانزانیا، کنیا و سایر ممالک پراکنده اند.

چنانکه هانری کربن می گوید اسماعیلیان نزاری پس از سقوط قلعه الموت به دست مغولان و نابودی کتب موجود در آن منابع خود را از دست دادند. اما اسماعیلیان مستعلوی که در دوره فاطمیان در مصر مستقر بودند و اکنون بیشتر در هند هستند، منابع دست اول خود را حفظ کرده اند، هر چند تمایلی به انتشار آن ندارند.

به هر حال شک در وجود جابر اساسی معقولی ندارد. کتب غیر موثق و مجهول که به جابر منصوب است بسیار زیاد است.

جابر تا جایی که از کتب موثق منصوب به او میتوان در یافت کیمیا را به عنوان یک علم تجربی تلقی کرد مبتنی بر یک نظریه فلسفی از نوع مشایی که شاید از تاثیر محیط هم خالی نبود و در هر صورت جابر پدر کیمیای قرون وسطا و شیمی امروزی جهان است. هر چند قسمتی از کتابهای منصوب به او مشکوک است. جابر غیر از دستور تهیه مواد ترکیبات شیمیایی در باب روش های مربوط به مطالعات شیمی نظریات قابل ملاحظه دارد چنان که درباره پیدایش فلزات نیز به وسیله وی نظریه ای بیان شده است موسوم به نظریه کبریت و زیبق (جیوه). به موجب این نظریه اختلاف فلزات شش گانه به نسبت تفاوت مقدار گوگرد و جیوه آنهاست بدین گونه در باب پیدایش فلزات نظریه وی یک نوع تئوری زمین شناسی است همچنین وی در بعضی اعمال شیمیایی مانند تصعید (تصفید) به تبدیل مستقیم ماده جامد به گاز بدون ورود به حالت مایع گفته می شود. تبخیر و ذوب کردن و متبلور کردن مواد راه های درست نشان داده است همچنین مساله احتراق (اکسیداسیون) مساله احیاء کردن (ردوکسیون) را در اعمال شیمیایی وی بود که به بیان علمی در آورد.

رازی - که وارث تعلیم وی محسوب می شد نیز در کیمیا تحقیقات مهم انجام داد و همچنین در اعمال شیمیایی چنان که کشف و ترکیب زیت الزاج (اسید سلفوریک) و الکل را به وی منصوب داشته





آیا ملاصدرای دیگری می آید؟

علی صداقت



طلبه درس خارج فقه و دانشجوی دکترای فلسفه

در این نوشتار مختصر، برآنیم تا با بررسی اجمالی یکی از مهمترین ستارگان آسمان معرفت، یعنی ملاصدرای شیرازی، که بعد از چهار قرن از وفاتش هنوز هم حاکم بلامنازع بر اندیشه حکمای اسلامی پس از خود است، به بعضی از رموز به وجود آمدن چنین افرادی اشاره کنیم.

ملاصدرای شیرازی، با تاسیس نظام فکری حکمت متعالیه، تأثیری عمیق بر تاریخ اندیشه اسلامی از خود به یادگار گذاشت، تا آنجا که از آن به عنوان یکی از سه نخله اصلی و قدرتمند جریان تفکر اسلامی، در کنار حکمت مشائی و حکمت اشراقی یاد می شود. ویژگی خاص و بارزی که این نظام فکری از آن برخوردار بوده و به عقیده بسیاری، همین ویژگی، آن را نسبت به دو مکتب دیگر متمایز کرده است، جامع الاطراف بودن حکمت متعالیه می باشد؛ بدین معنا که ملا صدرای شیرازی، جزو معدود علمای تاریخ اسلام به شمار می رود که می توان ادعا کرد در همه رشته های علوم اسلامی، از فقه و اصول و علوم حدیث و تفسیر گرفته تا کلام و فلسفه و عرفان، به سر حد کمال رسیده و صاحب نظر شده و به

آسمان تاریخ اندیشه بشر، هرازگاهی شاهد درخشش ستارگانی پرفروغ است؛ انسان هایی که نه تنها شکوه عصر خود بوده اند، بلکه تأثیری عمیق بر عالم علم بر جای گذاشته و تا قرن ها، بر افکار اهل معرفت حکومت کرده اند.

اما چه عاملی باعث می شود که در برهه هایی خاص از تاریخ، شاهد ظهور چنین بزرگانی باشیم؟ آیا می توان پذیرفت که به وجود آمدن چنین افرادی صرفاً ناشی از نبوغ خدادادی یک انسان و همت والای او بوده و هر کس در هر زمانی، اگر چنین ویژگی هایی داشته باشد، می تواند به چنین جایگاهی دست یابد؛ و یا مطلب بسیار فراتر از این حرف هاست؟

با مطالعه زندگی برخی از شاخص ترین این بزرگان که هر کدام منشأ تأثیری عمیق بر تاریخ اندیشه بوده اند، نظیر مولوی و و عطار و نظامی و بوعلی سینا و شیخ اشراق و ملاصدرا و غیره، به این نکته دست می یابیم که برای به وجود آمدن شخصیت هر کدام از این حکماء، عوامل متعددی دست به دست هم داده اند تا شاهد به قله رسیدن چنین افرادی باشیم.

اند که صرفاً به خاطر نبود امکانات مالی و یا مشکلات خانوادگی از تحصیل باز مانده اند؛ حال آنکه ملاصدرا شیرازی فرزند وزیر ایالت پهناور فارس در آن زمان بوده و از طرف خانواده، بهترین شرایط برای تربیت او فراهم آمده بود و بعد ها نیز با ثروت عظیمی که از پدرش به او رسید، تا آخر عمر هیچگونه دغدغه مالی پیدا نکرد و از همین رو، وقت خود را تنها در جهت تحصیل علم و غنای اندیشه خود صرف کرد.

۴- وجود اساتید بزرگ: از عجایب روزگار این است که در زمان تحصیل ملاصدرا، سه نفر از بزرگ ترین علمای تاریخ اسلام، یعنی شیخ بهایی که از اکابر فقه‌های تاریخ تشیع است و میرداماد که از اساطین تاریخ فلسفه اسلامی است و نیز میرفندرسکی که از جمله نوادر تاریخ عرفان اسلامی است، به طور همزمان در حوزه علمیه آن زمان حضور داشتند و جالبتر اینکه هر سه این بزرگان، همزمان به کشف چنین استعدادی در صدرای شیرازی نائل گشتند و همه شرایط را برای صعود به قله های دست نیافتنی علم در او دیدند و ملاصدرا به طور مخصوص از حضور این افراد بهره مند شد و با راهنمایی آنان، جامع علوم عصر خود گردید.

شرایط ذکر شده، به علاوه برخی شرایط فرعی دیگر که ملاصدرا از آنها بهره مند بود (مانند همراهی همسری علم دوست و دانشمند) همگی در کنار هم قرار گرفت تا موسس حکمت متعالیه، بدین شکل پرورش یابد و صدرالمتهلین اعصار گردد.

در کنار هم قرار گرفتن همه این شرایط مساعد، عموماً کمتر رخ می دهد و به همین دلیل، شاید مدتهای زیادی طول بکشد تا تاریخ اندیشه، بار دیگر شاهد ظهور صدرایی جدید باشد. اما این امر تا حدودی امکان پذیر است. یعنی اگر اولیای امور، برای شناختن استعداد های برتر همت گمارند و با به وجود آوردن شرایط مناسب معیشتی، چنین استعدادهایی را در معرض استفاده از اساتید بزرگ و عالم پرور قرار دهند، امید است که آسمان علم بار دیگر شاهد جلوه نمایی ستاره ای دیگر باشد.

همین جهت این امکان برای شخص صدرا فراهم گردید که بتواند با نگاهی فراگیر و به دور از تعصبات و تنگ نظری های متداول اهل هر کدام از این علوم نسبت به علوم دیگر که معمولاً ناشی از جهل و عدم احاطه کامل آنها به حقایق سایر علوم است، به قضاوت درباره آنها بنشینند و ساختمان فکری بزرگی تاسیس نماید که هر کدام از این علوم، یکی از ستون های آن را تشکیل می دهد و در نهایت نیز تا حد بسیار زیادی توانست حقیقت این جمله را که «قرآن و عرفان و برهان با هم اختلافی ندارند»، برای همگان آشکار نماید؛ یعنی برهان (فلسفه) و عرفان را در خدمت فهم قرآن قرار دهد.

به گواهی تاریخ، صدرای شیرازی از نبوغی استثنایی و خدادادی بهره مند بوده و همت والایی هم در راه کسب علم از خود نشان داده است. اما این دو برای صدرا شدن کافی نیست. عوامل مهم و تعیین کننده دیگری هم برای به وجود آمده چنین شخصیتی، دست به دست هم داده است که اگر هر کدام از آنها نبودند، بی گمان چنین استعدادی به طور کامل به شکوفایی نمی رسید؛ در اینجا به طور اجمال به این شرایط اشاره می کنیم:

۱- شرایط مناسب تاریخی: ملاصدرا در اوج اقتدار سلسله صفویه، پا به عرصه وجود گذاشت. در این دوره از تاریخ ایران، به دلیل قدرت بالای شاه عباس صفوی و تسلط کامل او بر اوضاع داخلی و خارجی، آرامش عمومی در جامعه حاکم بود و در چنین شرایطی، طالب علم و معرفت بدون داشتن دغدغه فکری (مثل ترس از جنگ)، می توانست به تحصیل بپردازد.

۲- حمایت صاحبان قدرت از علم آموزی: شاه عباس صفوی از جمله معدود حاکمانی بوده است که به معنای واقعی کلمه به ترویج علم و بزرگداشت عالمان زمان خود همت گماشت؛ هر چند برخی از مورخان انگیزه او را از این حمایت ها، سیاسی می دانند ولی به هر حال چنین رویکردی از جانب حکومت باعث شد که علمای آن زمان با آزادی عمل و قدرت بیشتری به کار علمی بپردازند و مدارس علمیه رونق دوچندانی بیابند.

۳- شرایط مالی و خانوادگی: بی گمان استعداد های بسیاری بوده





زندگینامه مادر شهید سید ابوالحسن حسینی

حسین شریفی تبار

را برای کمک کردن در کارها صدا میکرد مادرم قبل از آنکه جواب بدهند جواب پدر را می داد و او کمک می کرد و از انجام هیچ کاری ترس نداشت به طوری که هیچ گاه زنی را به این شجاعت و قدرت ندیده ام با توجه به آداب و رسومات قدیمی که دختران را در سن کم به خانه بخت میفرستاد مادر در سن ۱۳ سالگی با پدرم ازدواج کرد و بعد از ازدواج به همراه پدر رهسپار تهران شدند و در این زمان برای اولین بار با غم غربت و جدایی از خانواده اما با توجه به روحیه بالا و همت بلندش نا امید نشد و زندگی با تمام تلاش ادامه داد و همانند زنان نمونه شد به یاری پدرم آمد و کار کشاورزی و دامداری او را همراهی نمود آنان در محله نازی آباد و خانی آباد تهران مشغول به کار و زندگی شدند تا حاصل این ازدواج خواهر بزرگم اشرف و بعد از سه سال خداوند من را به این خانواده اعطا کرد.

اما شادی ما دیری نپایید و پدرم چشم به روی داشته های مادرم بست و با تحریک بسیار خانواده اش مبنی بر این که این زن زندگی نیست و باید تمام وقتش را در خانه سپری کند و دخالت های بی جا و باعث جدایی پدر و مادرم شد.

سیزده سال زندگی تلاش با دو حاصل عمرش یک پسر و یک دختر که سن من شش ماه خواهرم سه سال باید زندگی خود را با تحمل و دشواری از صفر شروع می کرد چون پدرم ما را از خانه بیرون کرد و خواستار ازدواج مجدد و حاضر به پذیرش ما نبود اما مادر باز به خدا توکل کرد و دست به روی خود گذاشت چون زنی شجاع و همتی مردانه داشت در یک گاو داری به صورت شب گرد نگهبان بود بعد از چند سال از محله نازی آباد به روستای اورین از توابع شهریار مهاجرت کند و در سبزی کاری و باغ داری مشغول به کار شد با توجه به تلاش بسیارش مورد توجه مسئولین آنجا قرار می گیرد و با توجه به اطلاعاتش در مورد گاو داری و دامداری در دامپروری حاج اقا توکلی پور مشغول به کار شد و شب ها نگهبانی و قسمتی از روز در آسیاب گاو داری به خرد کردن جو ذرت و علوفه گاو داری می پرداخت.

او دوباره با یکی از همشهریان یزدی خود ازدواج کرد که شغلش کفاشی بود اما او چندان مسئولیت پذیر نبود و بعد از مدت کوتاهی مادرم را رها کرد و دیگر برنگشت! حاصل این ازدواج یک فرزند پسر به نام سید حسین شد مادر در زمان بارداری خویش کار دامپروری را سخت می دید متوجه تاسیس کار خانجات

ضربه بزرگی برای مادرم بود در دیار که هیچکس را جز خدای مهربان ندارد. مادر حاجیه سکینه حسینی در سال ۱۳۱۰ در یکی از روستا های استان یزد دیده به جهان گشود. وی در خانواده ای پر جمعیت که از شش پسر و دو دختر تشکیل شده بود پرورش یافته بود.

پدرش کشاورز و دامپرور نمونه روستا و مادرش نیز زنی زحمت کش و هنرمند بود. مادرم (حاجیه سکینه) از کودکی رفتاری بزرگمنشانه و جوانمردانه داشت در کارهای خانه و کشاورزی و دامداری به پدر و مادرش کمک میکرد و هم پای پسران خانواده فعالیت خارج از خانه داشت به طوری که به گفته خودشان زمانی که پدر بزرگم (کربلایی علی) فرزند ان پسر خود





بیسکویت گرجی در شهرستان رباط کریم گردید و با تغییر مکان از اورین به تقی اباد در نزدیکی کارخانه ساکن و مشغول به کار شد.

در اسفند ۱۳۴۶ برادرم آقا سید حسین به دنیا آمد این بار مادرم خود را با سه فرزند تنها می دید آقا سید حسین برادرم همچون چراغی تابان در زندگیش می درخشید و سبب قوت قلب

وی می شد گویی مادرم با تمام وجود آینده نور سیمای وی را احساس

کرد. وضعیتمان به گونه ای بود که مادرم ناچار به بردن شیر خوارم به صورت پنهانی به کارخانه بود او را در کارتنی گذاشت و در انبار آرد بین کیسه ها تا بتواند هم کار کند و هم به او شیر دهد بعد از مدتی من و خواهرم مسئولیت نگهداری او را در منزل به عهد گرفتیم به طوری که من پس از بازگشت از مدرسه باید نگهداری طفل شیر خوار می پرداختم و مادرم فعالیتش را زیاد کرد.

و شروع به دامپروری کرد با لطف خداوند و نظر ائمه اطهار و قدم بچه نورسیده روز به روز وضعمان خوب شد کودکیم سخت بود ولی به سرعت با گرمای وجود مادری فداکار می گذشت خواهرم در سن کم ازدواج کرد و صاحب چهار فرزند شد و برادرم نیز همچون سروی چشم نواز قد بلند و خوش هیكل شده بود سالهای آخری که به جبهه حق علیه باطل می رفت هر وقت می خواستم صورت نازش را ببوسم خم می شد تا بتوانم او را ببوسم، بعد از گذراندن سوم راهنمایی برای ادامه تحصیل به هنرستان کشاورزی کرج در نزدیکی ملارد شهریار می رفت سید حسین هر روز بزرگ و بزرگتر می شد و از لحاظ خلق و خو شبیه ترین ما به مادر بود گویی شاعر درست گفته است مادر چو شد بزرگ پسر می شود بزرگ، شادابی عقیق ز خاک یمن بود. من نیز در این زمان ازدواج کرده و شغل شریف معلمی را آغاز کرده بودم. با شروع جنگ تحمیلی به خدمت مقدس سربازی و به جبهه رفتم و شرایط به گونه ای بود که برادرم هم درس می خواند و هم به جبهه می رفت. به قول قدیمی ها برادر روی پاهایش بند نبود همیشه زمزمه می کرد هر که دارد هوس کربلا بسم!... گویی فرشتگان وی را به روی دست می بردند وداع آخرش بسیار جانگذار بود و با گذشت سالیان هنوز از خاطره نرفته است وی به خاطر قد بلندش و قدرت بدنی اش در جبهه وظیفه حمل و شلیک آرمپچی و تیربار را به عهده داشت حتی لحظه ای که پیام حق لبیک می گفت در شلمچه کربلا ی هشت پس از شلیک آخرین گلوله آرمپچی به تانک های دشمن به درجه رفیع شهادت می رسد بر حسب تقدیر الهی برادرم را بعد از شهادت به مشهد برده و بعد از طواف و شناسایی به تهران

انتقال داده بعد از رجعت پیکر پاکش به شهرستان رباط کریم پدرش بعد از نوزده سال به یاد وی افتاده و خواستار انتقال شهید به یزد و دفن در آنجا شد اما مادرم همچون کوهی که هیچ چیز در آن اثر ندارد مخالفت کرد. بعد از اینکه به مزار شهدای شهرستان رسیدیم مادرم به داخل قبر رفته و شهید خود را با دست خود بدرقه منزل آخرت کرد کاری که در تصور هیچ کس نمی گنجید که مادری داغ دار پس از فراز و نشیب های فراوان زندگی اش توان رو به رو شدن با این مسئله را داشته باشد اما من مادرم را فرد لحظه های سخت دریافته بودم گویی خداوند دست خویش را بر قلب مادر گذاشته و آرامشی خاص به وی اعطا کرده است بعد از گذشت این واقعه مادرم کم حرف تر و پر تلاش گشته بود مادرم منزلی را برای برادرم در نظر گرفته بود که پس از اتمام جنگ ازدواج کرده و در آنجا زندگی کند اما گویی تقدیر چیز دیگری را رقم زده بود که بعد از شهادت آن مکان را وسعت داد و در آنجا حسینی به نام شهید بنا کرد ابتدا در آنجا به همت همسرم دارالقرآن و سپس محلی برای برگزاری مراسم مذهبی گردید.

زمان همچون برق در گذر بود مادرم باز نشسته شده و در سال ۱۳۸۶ بود که ناخدای زندگیم با موج بیماری آلزایمر از پای درآمد و به بستر افتاد و مدت ۸ سال بیماری پیشرفت کرد تا جایی که کسی را کمتر می شناخت در ماههای آخر فقط با چشمانش با من سخن میگفت و من نیز خود را پروانه وار به گرد شمع وجودش می گشتم و لذت می بردم و همسر و فرزندانم مرا در این خدمت یاری می کردند چشمان مهربانش هیچگاه از جلو دیدگانم محو نمی شود مادر ۲۰ روز از واپسین روز های عمرش را در بیمارستان تهران گذراند.

در ۱۲ اسفند ۹۳ پس از ۸ سال تحمل و گذراندن بیماری مادر ما را وداع گفت و به دیدار فرزند رشید شهیدش شتافت و در نزدیکی مزار فرزند شهیدش در آغوش خاک آرام گرفت.

آسودگی از محن ندارد مادر
آسایش جان و تن ندارد مادر
دارد غم و اندوه جگر گوشه خویش
ورنه غم خویشتن ندارد مادر
(رهی معیری)

شهید دانش آموز بهنام محمدی

تحریریه نشریه



نگهبانی داوطلب شده بود به او گفتند ((به تو اسلحه نمی دهیم ها)) بهنام هم ابرو بالا انداخت و گفت ((ندهید خودم نارنجک دارم)) با همان نارنجک دخل یک جاسوس نفوذی را آورد.

شهر دست عراقی ها افتاده بود در هر خانه چند عراقی پیدا می شد که کمین کرده بودند یا داشتند استراحت می کردند خودش را خاکی می کرد موهایش را آشفته می کرد و گریه کنان می گشت خانه هایی را که پر از عراقی بود به خاطر می سپرد عراقی ها هم با یک بچه خاکی نق نقو کاری نداشتند گاه می رفت داخل خانه ها پیش عراقی ها می نشست مثل کر و لال ها از غفلت عراقی ها استفاده می کرد و خشاب و فشنک و کنسرو بر می داشت همیشه یک کاغذ و مداد در جیبش داشت که نتیجه شناسایی را یادداشت می کرد پیش فرمانده که می رفت اول یک نارنجک سهم خودش از غنایم را بر می داشت بعد بقیه را به فرمانده می داد. زیر رگبار گلوله بهنام سر می رسید. همه عصبانی می شدند که تو آخر اینجا چکار می کنی برو تو سنگر..... بهنام کاری با ناراحتی بقیه نداشت کاسه آب را تا کنار لب هر کدام بالا می برد تا بچه ها گلوپی تازه کنند.

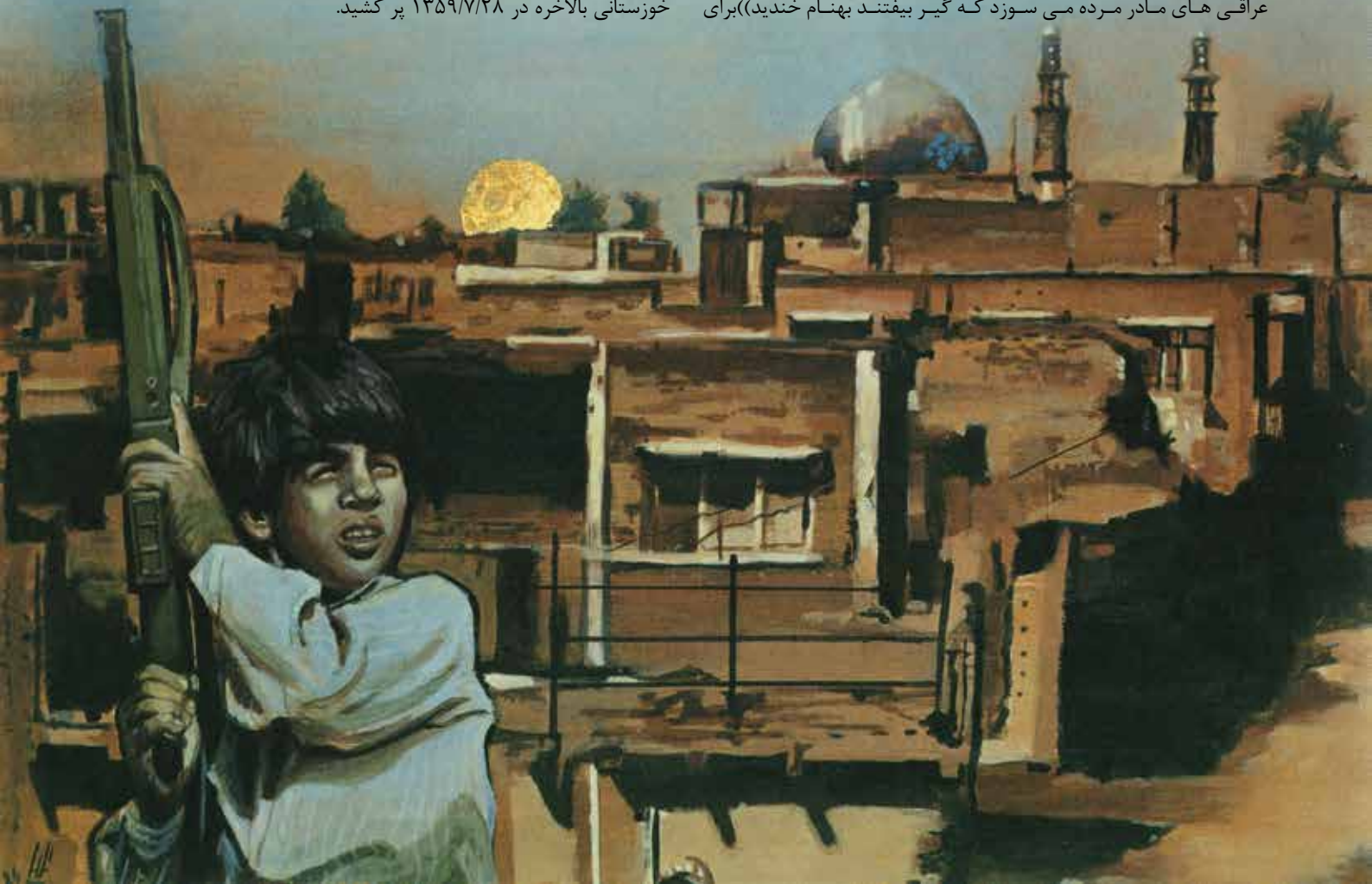
خمپاره ها امان شهر را بریده بودند و درگیری در خیابان آرش شدت گرفته بود مثل همیشه بهنام سر رسید اما ناراحتی بچه ها دیگر تاثیری نداشت او کار خودش را می کرد کنار مدرسه امیر معزی (شهید آلبو غبیش) اوضاع خیلی سخت شده بود ناگهان بچه ها متوجه شدند که بهنام گوشه ای افتاده است و از سر و سینه اش خون می جوشید پیراهن آبی و چهار خونه بهنام غرق خون شده بود و چند روز قبل از سقوط خرمشهر شیر بچه دلاور خوزستانی بالاخره در ۱۳۵۹/۷/۲۸ پر کشید.

بهنام در تاریخ ۱۳۴۵/۱۱/۱۲ در منزل پدر بزرگش در خرمشهر به دنیا آمد. ریزه بود و استخوانی اما فرز چابک بازیگوش و سرزبان دار. شهریور ۱۳۵۹ بود که شایعه حمله

عراقی ها به خرمشهر قوت گرفته بود خیلی ها داشتند شهر را ترک می کردند باور نمی کرد که خرمشهر دست عراقی ها بیفتد اما جنگ واقعاً شروع شده بود بهنام تصمیم گرفت بمباران هم که می شد بهنام ۱۳ ساله بود که می دوید و به مجروحین می رسید.

از دست بنی صدر آه می کشید که چرا وعده سر خرمن می دهد. مدافعین شهر با کوکتل مولوتف و چند قبضه سلاح (کلاش و ژ۳) مقابل عراقی ها ایستاده بودند بعد رئیس جمهور گفته بود که سلاح مهمات به خرمشهر ندهید. به سقوط خرمشهر چیزی نمانده بود. بهنام می رفت شناسایی چند بار او گفته بود ((دنبال مامانم می گردم گمش کردم)) عراقی ها فکر نمی کردند بچه ۱۳ ساله برود شناسایی رهایش می کردند. یکبار رفته بود شناسایی عراقی ها گیرش انداختند و چند تا سیلی آبدار به او زدند جای دست سنگین مامور عراقی روی صورت بهنام مانده بود وقتی بر می گشت دستش را روی سرخی صورتش گرفته بود هیچ چیز نمی گفت فقط به بچه ها اشاره می کرد عراقی ها کجا هستند و بچه ها راه می افتادند.

یک اسلحه به غنیمت گرفته بود با همان اسلحه ۷ عراقی را اسیر کرده بود احساس مالکیت می کرد به او گفتند که باید اسلحه را تحویل دهی می گفت به شرطی اسلحه را تحویل می دهم که به من حداقل یک نارنجک بدهید. آخر به او یک نارنجک دادند یکی گفت ((دلیم برای عراقی های مادر مرده می سوزد که گیر بیفتند بهنام خندید)) برای





خاطرات و زندگی نامه امیر سرتیپ خلبان منوچهر حاجی بنده

آنچه ما از نیروی هوایی دیدیم، شجاعت،
فداکاری، شرف و بزرگواری بود

مقام معظم رهبری



ایشان بنیان کار را در ترابری بسیجی نمودند چرا که هواپیما ترابری با ظرفیت ۳۰۰ نفر جهت انتقال مجروحین جنگی به ۱۰۰۰ نفر رساندند که این یعنی نجات تعداد زیادی از مجروحین عملیات ها از جمله تاثیر گذار ترین خلبان تاکتیکی شبانه به ویژه عملیات حصر آبادان بودند ایشان قهرمان تک خال های ویژه بودند و هواپیمای ۷۴۷ را با ارتفاع پست و پرواز های تاکتیکی ترابری شبانه را به پرواز در می آوردند که این امر به نام امیر حاجی بنده ثبت شده است

نامبرده دارای شخصیتی آرام و متواضع است و هیچ گونه در خواستی از سیستم (دولت نظامی) نداشتند وی در زمینه تخصصی خود پاسخگوی سوالات مراجعه کنندگان بودند، امیر حاجی بنده در سال ۱۳۷۳ به افتخار باز نشستگی نائل شد.

شاخص ترین فعالیت های غیر نظامی:

مدیر بازرگانی و قائم مقام شرکت هواپیمایی کاسپین از سال ۱۳۷۴ لغایت ۱۳۷۹
معاون عملیات شرکت ماهان از سال ۱۳۸۰ لغایت ۱۳۸۶
پرواز با هواپیما های زیر به عنوان معلم خلبان هواپیماهای بوئینگ و ایرباس و ...
B747-200، B747-100، B747-400، B727، JetStar، A-310،

A-300، A-320، C-130

گواهینامه A.M.B.A از دانشگاه علمی کاربردی

مدیر عامل شرکت خدمات هوایی سامان از سال ۱۳۸۶ لغایت ۱۳۸۷

و صدها خدمات ارزنده دیگر ...

امیر سرتیپ دوم خلبان منوچهر حاجی بنده در سال ۱۳۲۷ در شهرستان خوانسار دیده به جهان گشود. وبعد از اخذ دیپلم در سال ۱۳۴۵ به استخدام نیروی هوایی درآمد. پس از گذراندن دوره در سال ۱۳۴۹ در منطقه هوایی مهرآباد مشغول وظیفه شد و در سال ۱۳۵۰ موفق به اخذ مدارک شناسایی شد. در سال ۱۳۵۸ جهت انجام وظیفه به منطقه هوایی شیراز منتقل گردید و در سال ۱۳۶۲ به منطقه هوایی مهرآباد منتقل شد.

نامبرده یکی از ستارگان ترابری و به عنوان یک نخبه خلبان ترابری مشهور می باشد.ایشان فرماندهی گردان آموزشهای تاکتیکی ویژه در دوران قبل از انقلاب بودند که به عنوان تک خال زن انتخاب شدند که در زمین های ناهموار و در شب تاریک بدون هیچ گونه نوری نشست و برخاست انجام می دادند ایشان به علت علاقه ای که به اسلام و قرآن داشتند پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به سامانه پروازی ۷۴۷ منتقل و در انجا نیز یکی از قوی ترین خلبانان ۷۴۷ شد. نامبرده یکی از خلبانان پیشکسوت در آشیانه انقلاب جمهوری اسلامی بودند.

ایشان در زمره بهترین خلبانان قبل از انقلاب جای داشتند سطح بالای دانش و سواد و نبوغ خاص او در پرواز از وی چهره ای ماندگار در ارتش و نیروی هوایی به جا گذاشت که باعث شد سالها در آشیانه انقلاب جمهوری اسلامی پرواز نماید.



و اکنون دل نوشته سرباز حضرت ولی عصر (عج) و یکی از ستارگان نبرد هوایی

سلام

هر کس باور ندارد دست خدا پشتیبان این انقلاب بوده است
این گزارش را مطالعه نمائید

در اواخر جنگ تحمیلی فرانسوی ها به عراق سوپراتاندارد و
میراژ اجازه دادند روس ها میگ ۲۵ امریکائی ها اوکس و
اسرائیل خبیث شغل همیشگی خود جاسوسی آلمانی ها سلاح
شیمایی کشور های حاشیه خلیج فارس همگی بجز سلطان
نشین عمان کل اطلاعات را به عراق دادند و عربستان ملعون
هزینه های این بسیج ضد ایران را فراهم کرد تا عراق بتواند
قدری از خاک ایران اشغال کند.

با اطلاعات فوق قدرت تحرک نیرو های عراقی بسیار بالا
رفت و ایران بایستی ضربتی اماده داشته باشد بهترین وسیله
استفاده از هواپیما ۷۴۷ بود. این هواپیما برای باربری و سوخت
رسان طراحی شده بودند و فاقد صندلی بودند با استفاده از
صندلی های اتوبوسی و آن روی پالت های بارگیری هر هواپیما

به ۲۶۵ صندلی مجهز شد اما این تعداد کافی نبود من
فرمانده گردان هواپیما ۷۴۷ بودم پیشنهاد کردم در موارد
اضطرار کل صندلی ها را خالی کنند و بقول معروف فله ای
مسافر سوار کنند.

این کار در دو پرواز بصورت آزمایشی تکرار کردیم با ذکر
صلوات و نام مقدس حضرت مهدی (عج) در کمتر از دو ساعت
ما قادر بودیم ۱۲۰۰-۱۰۰۰ نفر را از دور ترین نقطه کشورمان
به جبهه های جنوب ویا غربی برسانیم . بدلیل نا هموار بودن
و کوهستانی بودن منطقه این امر در روز برای فرودگاههای غرب
امکان پذیر بود ولی در شب فقط فرودگاه امیدیه و دزفول می
توانست مورد استفاده قرار گیرد .

زیرا هواپیما اجبارا جهت جلو گیری از برخورد با کوه ها
بایستی ارتفاع بالا پرواز می کردند که موجب می شد اوکس
امریکائی اطلاعات پرواز شکاری های فرانسوی در اجاره عراق
بدهند و هواپیما ی غول پیکر ۷۴۷ را در مورد هدف قرار دهند
لذا فکر دیگری کردیم بایستی در ارتفاع کم ۳۰۰ متر بالای
زمین پرواز میکردیم این کار در شب مخاطرات زیادی داشت
به ناچار از روی اصفهان به طرف شهر رضا پرواز میکردیم و از





اینجانب خدای بزرگ را به خاطر این عنایت بزرگ شکر میکنم .
من از نیروی هوایی در سال ۱۳۷۳ با درجه سرتیپ دومی باز
نشسته شدم ۱۶ سال بعد در اواخر بهمن پس از بررسی عملکرد
رزمندگان از من دعوت شد تا در مراسم تجلیل از فرمانده هان
و پیش کسوتان نهاجا شرکت کنم و به عنوان یکی از چهره
های ماندگار در جنگ تحمیلی انتخاب شدم.
امروز همه باور داریم که دعا های زرمندگان مادران و پدران
که فریاد می زدند یا حجت ابن الحسن (عج) ریشه صدام
بکن ریشه صدام کنده شد.
آرزوی زیارت کربلا در سال گذشته بدون ویزا و پاسورت عملی
شد و جمعیت میلیون ایرانی ها مرقد مطهر شهیدان کربلا را
زیارت کردند. چهره منفور و زشت عربستان بر همگان هویدا
شد. و مظلومیت ایرانی ها بر همگان آشکارا گردید.
و ایران وطن عزیزم ما شد ام القراء مسلمین جهان و این ... تازه
اول راه است.
آیا به جز عنایات حضرت ولی عصر (عج) که صاحب اصلی
این انقلاب است چیزی دیگر ممکن است این کشتی متلاطم
را به ساحل برساند.

در های شهر رضا با ارتفاع کم به طرف امیدیه می رفتیم
بدون اینکه با کسی تماس بگیریم چون مکالمات ما توسط
اواکس شنود می شد در اواخر جنگ مجبور شدیم این کار را
خودم تمرین کنم.
۷۵۰ نفر از تهران سوار کردم و ۳۵۰ نفر از اصفهان جمعا ۱۱۰۰
نفر از پیر و جوان از بسیجی مردم عادی و با توکل به خدا
بزرگ به طرف شهر رضا و سپس با ارتفاع ۳۰۰ متر در ساعت
۹/۵ شب و توسل به بانوی بزرگ عالم حضرت فاطمه زهرا(ع)
در فرودگاه امیدیه به زمین نشستیم بدون اینکه با کسی
حرف بزنیم کلیه چراغهای هواپیما را خاموش کردیم قبل از
پرواز از برج امیدیه خواستیم ساعت رسیدن به امیدیه فقط
چند عدد چراغ نفت سوز را روشن کند .
و پس از نشستن با وجود بارانی که باریده بود بوی بهشت را احساس کردم و
در برگشت تعداد زیادی مجروح که اکثر شیمیایی شده بودند را به شیراز و
در پرواز بعد به تهران و در پرواز آخر به مشهد رساندیم . این پرواز در سالهای
آخر جنگ انجام شد و در آن شب من دست پنهان حق و پشتیبان و عنایت
حضرت ولی عصر (عج) را دیدم.
این روش تخلیه و پرواز در ارتفاع کم در شب در تاریخ نهاجا ثبت شده و

خیر شکنان (۲)

من حاضرم ثواب ۷۰ سال عبادتم را با یک ساعت پرواز شما عوض کنم.
شهید محراب آیت الله صدوقی

محمد داوود اردانی

اهداف عملیات:

بازدارندگی از موشک باران شهرهای بی دفاع کشورمان و تسلط بر جاده بصره – العماره و قطع ارتباط نیروهای شمال و جنوب عراق و آزادسازی جزایر مجنون که ذخایری حدود ۷ میلیارد بشکه نفت دارد. از ۱۲ اسفندماه تا ۲۰ اسفندماه ۱۳۶۲، یعنی زمان عملیات خیر در منطقه، شاهد رشادتهای رزمندگان وطن بودم. ۱۶ اسفندماه را هرگز فراموش نمی کنم. هفت فروند بالگرد حامل رزمندگان در پرواز بودیم و سه فروند بالگرد جنگنده تهاجمی کبرا اسکورت ما بودند. توپخانه سنگین بعثیون، جزایر را به آتش کشیده بود. دشمن چنان مواضع نیروهای ما را می کوبید که زمین و زمان می لرزید. گلوله ها بلا انقطاع و بمباران و راکت باران سنگین هواپیماها و هلیکوپترها، وقتی توپ ها به زمین می خورد، زمین مانند ژله می لرزید و به هوا پرتاب می کرد. به ناگاه بالگردهای جنگنده تهاجمی عراق به سوی ما حمله ور شدند. خلبان

«عبدالله نجفی» خلبان کبرای خودی، با خونسردی و متانت گفت: (بچه ها هوای مرا داشته باشید. می روم طرفشان) در نزدیکی چاه های نفت، شدت درگیری سرسام آور بود. از هر طرف مثل رگبار گلوله می بارید. خلبان نجفی با شهامت یکی از بالگردهای جنگنده دشمن را سرنگون کرد. این اتفاق باعث شد که هلیکوپترهای دشمن منطقه را ترک کنند و شدت فشار کاسته شود و ما بتوانیم به راهمان ادامه دهیم. واقعه جالب روز ۱۷ اسفند ۱۳۶۲، مربوط به برگشت خلبان «مقصود نیک پیام» و کمک او «مجید محذّب رحیم زاده» از مأموریتی عملیاتی بود. او خلبانی بالگرد (آ- بی - ۲۱۲) را بر عهده داشت که مورد اصابت گلوله هواپیماهای دشمن قرار گرفت. یکی از گلوله ها به شفت ملخ دُم خورده و به آن صدمه زده بود. این پروانه با آن سرعت و فشاری که تحمل می کند، روی محوری می چرخید که حالا فقط به اندازه بند انگشت قطر داشت. با این وضع هر آن امکان داشت شفت بشکند و منجر به سقوط بالگرد شود.





گروه پروازی ما ماسکهای مربوطه را به صورت زده بودند. اما من و شهید اکبر پور سیف به دلیل انجام مکالمات رادیوی نتوانستیم از ماسک استفاده کنیم. برای امداد و نجات، چاره ای جز ادامه مسیر نبود و ما هم ادامه داده و در جزیره فرود آمدیم. اگر چه باد ناشی از چرخش ملخ بالگرد تا حدودی گازهای ستمی را دور می کرد، اما با این حال سوزش خفیفی روی پوست صورتیم احساس می کردم. چشمانم خیس شده بودند. وسائلی که برده بودیم، خالی کردیم و به جای آن عده ای از مجروحان شیمیایی را سوار کرده و دوباره به پرواز درآمدیم و برای در امان ماندن از دید رادار و حملات هواپیماهای شکاری دشمن که مانند پرندگان هور از هر طرف حمله ور می شدند. به نیزارها چسبیده و حدود ۱۰ پایی آب پرواز می کردیم. نزدیک پل خیبر صدای انفجار شنیدم. خسرو فریاد زد: (داوود، پائین تر نرو. به آب می خوریم).

حالت تهوع داشتم و کنترل پرنده برایم دشوار شده بود. دید چشمانم تار و کم شده و اشک از آنها جاری بود. نفهمیدم چه شد که یک لحظه بی خود شدم. اسکیدهای بالگرد (پایه های هلیکوپتر) به سطح آب برخورد کرد و تکان های شدیدی که نزدیک بود بالگرد را سرنگون کند، مرا به خود آورد. به هر زحمتی که بود، در قرارگاه جفیر فرود آمدیم و بدین سان ما از قافله سالار شهیدان کربلاء در امتداد زمان جا ماندیم. ادامه دارد ...

اما خلبان از جان گذشته ما با مهارت و جسارت این پرنده گران قیمت و ارزشمند در زمان جنگ را به قرارگاه رساند و موفق شد به طور معجزه آسایی سالم به زمین بنشیند.

بمباران شیمیایی:

در تاریخ ۱۳۶۲/۱۲/۲۰ جزایر مجنون که اینک در اشغال رزمندگان خودی بود، بمباران شیمیایی شد. من و خلبان همراه استاد مجرب «خسرو پیوسته دوست» و مهندس پرواز «صمد آذروند» و فروند دوم نیز به خلبانی شهید «اکبر پورسیف» و شادروان «اسدالله فریدپناه» و مهندس پرواز شهید «حسین نظری» داوطلبانه بدون اسکورت و پوشش هوایی برای رساندن مهمات و تخلیه مجروحان شیمیایی به قصد جزیره مجنون به پرواز درآمدیم.

به ۱۰ کیلومتری جزیره رسیدیم. ابر زرد رنگ ناشی از انفجار بمب های شیمیایی بر منطقه سایه افکنده بود. اکبر که ۱۵ متر جلوتر از من پرواز می کرد، گفت: (داوود، جزیره را دوباره بمباران شیمیایی کرده اند. چکار کنیم؟) گفتم: (هر طور که شده، جلو می رویم. چون اون پائین بچه ها مجروح شده اند و نیاز به کمک ما دارند). لحظاتی بعد اکبر گفت: (حال خلبان همراه اسدالله فریدپناه در اثر استنشام گازهای سمی به هم خورده. با این حال ادامه می دهیم).



پشت پرده زلزله بم چه گذشت...

سرپرست ستاد بحران نیروی هوایی دریم دی ماه ۱۳۸۲
محمد داود اردانی



فرزانه ای فرمود: «آ» را به دم پیشوند و دم را به «آ» پسوند کرده اند تا آدم ابوالبشر گردد. اگر بجای د م «ه» بگذاریم «آه» می شود وسوز دل. چنانچه بجای دم «ن» را نهیم «آن» میگردد که معادل دم است و کوتاهترین واحد اندازه گیری زمان. پیران میکرده در تاویل و تفسیرش مست از می الست فریاد برآوردند که معبودا آنی از آن ما را به خود وامگذار.

اما آه از آن هنگام صبح جمعه غمبار پنجم دی ماه سال ۸۲ که جمعی به قیام وقوع و رکوع وسجود، قومی دربستر مدام آسودن، اندک مردمانی از ترس مرگ به سوی مرگ گریزان، تعدادی امر به برون رفتن از مهلکه، جماعتی لبیک دعوت اجابت نموده و بعد از سالیان سال برای اولین و آخرین بار بم را با ورود بدون خروج پذیرا گردیدند و رحل اقامت دائم در این دیار کهن گسترند و آرام گرفتند و رفتند تا هرگز نروند، بم دانشگاه بین المللی فرهنگ و ادب «بای ارض تموت» و هیچکس نمیداند که به کدام سرزمین مرگش فرا میرسد و به خاک میروند» گردید و منادی «فاین تذهیون» (پس شما به کجا می روید)

بامداد ۵ دی ماه ۱۳۸۲ ساعت ۵:۲۶ دقیقه «اذا زلزلت الارض» که بم محشر کبرا ست از این حال زمین لرزه چه غوغاست. خبرچیست خلائق همه بی صبر و قرارند و آرام ندارند، رسید است مگر روز قیامت؟ که زمین در تب

وتاب است، که چنین زمین می لرزد به شدت ۶/۶ درمقیاس ریشتر که شهر بم و مناطق اطراف در جنوب شرقی استان کرمان را زیرورو کرده. طبق آمار رسمی این زلزله ۲۷۰۰۰ قربانی و حدود ۲۰ هزار مجروح و هزاران بی خانمان بجای گذاشت

روز اول زلزله بدلیل تخریب و فروپاشی سیستمها و دکلهای مخابراتی اطلاع رسانی را دچار مشکل کرده و اطلاع رسانی به کندی صورت می گرفت. ترافیک جاده ای خطوط مرصاتی رامسود کرده بود، و راهی جز ایجاد پل هوایی وجود نداشت. پس از غروب غم انگیز شهر ستاره تمدن جهان در یک واکنش سریع ناوگان هلیکوپتری ارتش و سپاه و هواپیماهای پهن پیکر نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران وارد عمل شدند. فرشتگان امداد و نجات هوانیروز از کرمان و اولین هواپیمای «سی ۱۳۰» نیروی هوایی به خلبانی شهید حسین مهدوی در فرودگاه بم فرود آمدند. تیم های امداد و نجات کشورهای اروپایی و همسایه و پزشکان بدون مرز باسگ های تربیت شده و دستگاه های زنده یاب، در فاصله زمانی کمتر از ۲۰ ساعت خود را به منطقه رسانیدند، ولی متأسفانه بدلیل بحران مدیریتی، ساعت ها در فرودگاه بم سرگردان و بلا تکلیف مانده بودند، مجوز آسمان آزاد از طرف جمهوری اسلامی ایران و دادن بنزین مجانی به هواپیما های میهمان، بعضی از هواپیما های خارجی نیز فرصت طلبی خود را به اثبات رسانیدند، جمعاً چهل و چهار کشور کمک کردن



شدم که مقصد بعدی را جهت حمل مجروح به آن ها ابلاغ نمایم. ولی دیدم خدمه پرواز در روی صندلیهای خود بخواب عمیقی فرو رفته اند. در تاریکی مطلق حاج حسن قدری را شناختم و پیشانیش را بوسیدم و هواپیما را ترك كردم.

بطرف همکار و هم‌رزم محبوبم خلبان مجتبی شهری رفتم

اوهم پشت فرمان ماشین از خستگی طاقت فرسا بخواب رفته بود لبان مجتبی از سرما سفید و رنگ رخسارش زرد و چشمانش گود افتاده بود. جوانمردی و دلاوری آقامجتبی در جنگ و امداد رسانی بردوستانش پوشیده نیست.

روز بعد يك فروند هواپیمای پهن پیکر «ایلوشین» به خلبانی حسین نیکوپسند در فرودگاه بم فرود آمد و تعداد زیادی روحانی از آن پیاده شدند و خود را به شهر بم رساندند، و انصافاً در جاهایی خدمت کردند، که دیگران از عهدهی آن بر نمی آمدند. و همچنین حضور سرزده و بدون تشریفات و عملیاتی مقام معظم رهبری، نقش مفید و موثری را ایفا نمود. یکی از سخت ترین شبهای زندگیم نیمه های شب اول زلزله بود که دوست و همکار عزیزم جناب سرهنگ حاج حسین اسماعیل زاده با من تماس گرفت و گفت ۳۷ نفر از نزدیکانم پدر، مادر، خواهر و برادر رشیدم علی و از زیر آوار بیرون آوردم دست تنها با این قربانیان حادثه چکنم. چاره ای جز صبر نبود. صبر و مقاومت مردم بم بی نظیر است. سلام بر مردم صبور بم، مردمی که مردان امتحان و آزموندند. درود بر مردمی که همچو نخلها چیزی جز سخاوت نیاموختند.

آنان که همواره دست درمندان را گرفته و در سخت ترین لحظات به یاری شان می شتافتند. اکنون وظیفه ماست که یار و یاور آنها باشیم. نکند که بم رافرموش کنیم قبل از این تراژدی ملی. بزرگی می گفت اگرخواستند کلید طلائی شهر کرمان را به شما هدیه دهند و صدای اذان طنین اندازد، آنرا رها کنید و بشتابید بسوی نماز

کسانی که در بم و زلزله رودبار حضور داشته اند این مطلب را بهتر درك می کنند. درخاتمه یاد شهید حاج احمد کاظمی که بعنوان فرمانده نیروی هوایی سپاه پاسداران در بم حضور داشت، و شهید حسین مهدوی که با هواپیمای سی ۱۳۰ اولین فرود را پس از زلزله در فرودگاه بم انجام داد گرامی میدارم. و به رسم فتوت و جوانمردی و ادب از فرماندهان وقت ارتش، زمینی، هوایی و دریایی امیران معظم محمد سلیمی، محمد محمودی، محمدی فر، سیدرضا پردیس، نصرالله عرفانی، حاج محمد پیروان، سید اسماعیل موسوی، سیامک مشیری، حبیب الله سیاری، سجاد کوچکی و هم‌رز مانم که مستقیماً درگیر امداد و نجات بودند، منوچهر کرباسی زاده، نورائی، حسین عابدینی، حمید اصلا نی، محمد رحمانی، سید ماشالله نیشابوری، محمد دادبخش، حاجی آقاسازندگی، محمد برزگزاده و کارکنان ارتش و سپاه و بسیج قدردانی و تشکر می نمایم.

و حدود شصت کشور اعلام آمادگی نمودند. قیامتی برپاشده بود. هیچگونه کنترلی وجود نداشت. حضور هزاران نفر مردم عادی و نیروهای داوطلب بدلیل عدم سازماندهی و نبود هرگونه وسائل مورد نیاز، در سرمای کویری سرد و خشک زیر صفر درجه در شب که مردم آسیب دیده، درگیر مصیبت های خود بودند و تعدادی با دست خالی مشغول آواربرداری، جمعی بدلیل جراحات در گوشه ای افتاده و همگی درسوگ عزیزانشان گریان و نالان و امکان و فرصت حضور در صف اجناس اهدائی شهرهای هم‌جوار را نداشتند. جمع کثیری از امداد رسانان نیز در مصرف آب کمیاب و مواد غذایی محدود و پتوهای قلیل اجبار برای ادامه حیات، با آسیب دیدگان شریک می شدند. تنها سربازان ارتش بودند که با تجهیزات و جیره غذایی جنگی وارد عمل شدند. از هرج و مرج و شلوغی بیش از حد فرصت طلبان و سارقان نیز خود را در میان انبوه جمعیت پنهان نموده بودند، و از ازدحام بیش از حد جاده های اطراف بم سوء استفاده نموده و بسیاری از کمک های مردمی و کامیون البسه امداد و نجات را به غارت برده بودند.

تردد نیروهای مسلح یاد آور هشت سال دفاع مقدس بود. شب دوم در کنار رمپ پرواز چند چادر برای فرماندهی و هدایت هواپیماها و هلیکوپترها برپاشد و با پرچمهای سبز و سفید و سرخ مزین به کلمات مقدس آذین داده شد. و سیل کمکهای مردمی از داخل و خارج کشور بسوی بم آغاز گردید. برای جلوگیری و کاهش نا امنی و سوء استفاده عناصر فرصت طلب و سودجو، دژبان ارتش نیروهای ضربتی خود را با نظم وارد عمل نمود. و دژبان نیروی هوایی نیز با چند قلاده سگ تربیت شده زنده یاب وارد عمل شد. مدرنترین تجهیزات پزشکی توسط کشورهای اروپایی در شهر بم در چادرهای آنها نصب شده بود. «مسجد بادی» اهدائی از کشور ایتالیا چادری بسیار زیبا، زمانیکه کمپرس باد آن بکار می افتاد این چادر شکل مسجد بخود می‌گرفت و گلدسته های آن روبه آسمان بلند می شد. اما تمام امکانات بیمارستانهای صحرایی صرف مجروحین سرپائی و کمکهای اولیه می گشت. بدلیل پس لرزه های پی در پی و صداهای هولناک زمین و کار زیاد، استراحت معنا و مفهومی نداشت. انتقال وسایل سنگین مانند لودر از شهرهایی چون مشهد مقدس به بم و انتقال هزاران نفر مجروح به سراسر کشور، و سرویس دهی هواپیماهای داخلی و خارجی و هلیکوپترها کار آسانی نبود.

فرودگاه بم مملو از مجروحین جهت انتقال به اقسا نقاط کشور جهت بستری شدن بودند. تیم های پرواز ترابی نیروی هوایی همچون زمان جنگ مرد میدان ایثار و جوانمردی بودند. تعدادی از این عزیزان از بی خوابی و کار زیاد بی هوش می شدند.

ساعت ۳:۳۰ با امداد يك فروند هواپیمای «سی ۱۳۰» در فرودگاه بم فرود

آمد و در رمپ پرواز پارک نمود و موتورهایش را خاموش کرد.

من بطرف هواپیما رفتم و وارد کابین خلبانان

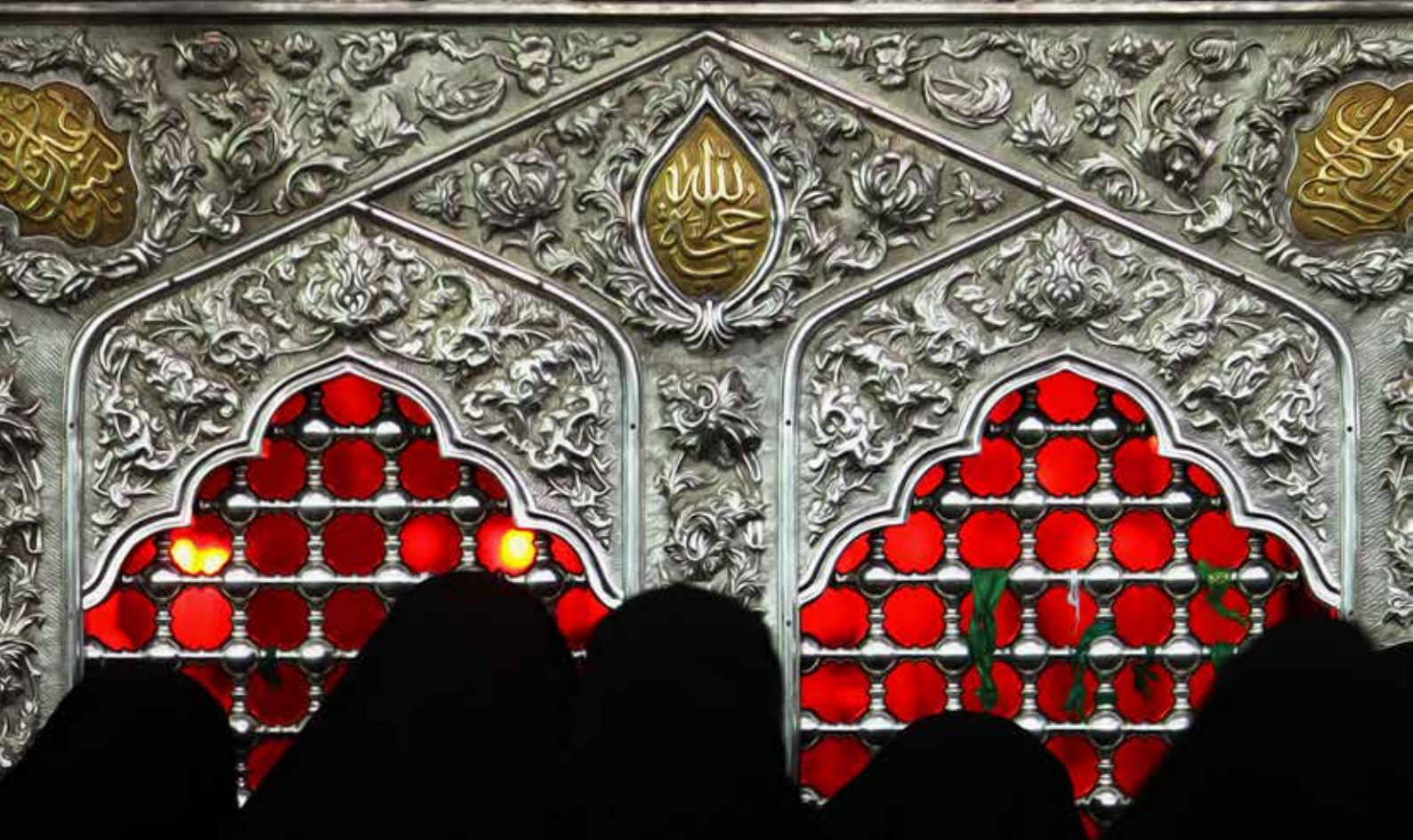


داغ داریم نه داغی که برآن اخم کنیم
مرگمان باد که شکواییه از زخم کنیم
مرد آن است که از نسل سیاوش باشد
عاشقی شیوه ی مردان بلا کش باشد
بنویسید زنی مرد که زنبیل نداشت
پسری زیر زمین بود پدر بیل نداشت
بنویسید که با عطر و ضو آوردند
نعش دلدار مرالای پتو آوردند
بنویسید غم و خشت و تگر آمده بود
از دروینجره هاضجه ی مرگ آمده بود
بنویسید که بم مظهر گمنامی هاست
سرزمین نفس زخمی بسطامی هاست
بنویسید که بم تلی از آوار شده است
بم به خال لب یک دوست گرفتار شده است
مثل وقتی که دل چلچله ها می شکند
مرد هم زیر غم زلزله های می شکند
بوی نارنج و حناهای نکوبیده بخیر
توی این شهر پرازد و دسرم می سوزد
چاره ای نیست گلم قسمت من هم این است
دل به هر سرو قدی می سپرم می سوزد
الغرض از غم دنیا گله ای نیست عزیز
گله ای هست اگر حوصله ای نیست عزیز
یاد داده است به ما نخل کمر تان کنیم
آنچه داریم زیبگانه تمنا نکنیم
آسمان هست غزل هست کبوتر داریم
باید این چادر ماتم زده را برداریم
مشتی از خاک تور آباد که پاشید به شهر
پشت هر حنجره یک ایرج دیگر داریم
مثل ققنوس زما باز شرر خواهد خاست
بم همین طور نمی ماند و بر خواهد خاست
داغ دیدیم شما داغ نبینید قبول
تبری هم نفس باغ نبینید قبول
هیچ جای دل آباد شما بم نشود
سایه ی لطف شما از سرما کم نشود
گاه گاهی به لب عشق صدامان بکنید
داغ دیدیم امید است دعایمان بکنید
بم به امید خدا شاد و جوان خواهد شد
نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد

قصیده حامد عسکری



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
مَدِينَةُ الْقُدْسِ
الْحَقُّ لِلَّهِ الْمَكْرُومِ
مَنْظَرُ
الْمَدِينَةِ عَلَى الْمَدِينَةِ



الْمَصْحَفُ الْمَكْرُومُ
وَالْمَدِينَةُ الْمَكْرُومَةُ

ويزه نامه محرم و صفر



وصیت نامه امام حسین علیه السلام

عبد الحمید آقا رحیمی

آوردن متاع ناچیز دنیا قرار داده باشم، بلکه غرض از بیرون رفتن از مدینه با زن و فرزند و اقوام خویش اصلاح امت جدم که در اثر حکومت فاسدان منحرف شده اند، می باشد و اراده دارم مردم را به روش حکومت جدم و پدرم برگردانم. امر به معروف و نهی از منکر کنم که بزرگترین منکر حکومت جابر و فاسد یزید ابن معاویه است.

البته توضیح کوتاهی راجع به این دو امر بزرگ و مهم که اگر به راستی انجام شود همه ابعاد دین پیاده خواهد شد، اولاً برای انجام این مهم، شناخت معارف اسلامی برای هر مکلف واجب است بنابراین شیعیان حضرت باید باسواد و اهل تحقیق باشند چون تا انسان نداند منکر چیست و معروف کدام است نمی تواند وظیفه خود را خوب انجام دهد. دوم اینکه خود شخص باید عامل به این دو امر مهم باشد، اگر چنین افرادی باشند خود به خود جامعه اصلاح می شود سوم اینکه روش تبلیغ آن را بداند. مثل داستان حضرت امام حسن و امام حسین علیهما سلام و وضو گرفتن آن دو آقا زاده و یاد گرفتن پیرمردی که بلد نبود وضو بگیرد.

و در پایان حدیثی هم جهت تبرک و تیمن از حضرت ایشان از کتاب تحف العقول صفحه ۲۲۳ حدیث شماره ۱۹ نقل کنم که مضمون فارسی آن این است: «هر کس بخواهد از راه گناه به جایی (به عزت) برسد، دوان دوان به ضد مطلوب حرکت می کند مثل داستان برادران حضرت یوسف (ع) که خواستند از راه گناه (حسادت) به عزتی در پیش پدر دست یابند، به ذلت و خواری دچار شدند و خداوند حضرت یوسف (ع) را از همان راههایی که می خواستند منزوی کنند به بالاترین نقطه عزت دنیا و آخرت و نبوت نائل کرد.

ولادت با سعادت حضرت سیدالشهدا علیه السلام در مدینه طیبه و در روز پنج شنبه سوم شعبان سال چهارم هـ ق بوده است و شهادت ایشان در روز عاشورا دهم محرم سال ۶۱ هـ ق است، متأسفانه ما مسلمانان حتی ما شیعیان از زندگی پربرکت حضرتش فقط روز عاشورا را می دانیم آنهم فقط در حد شرکت در مراسم عزاداری به قصد ثواب و آزادی از آتش جهنم نه یاد گرفتن سجایای اخلاقی ایشان و داشتن حیات طیبه و دخول در بهشت. البته بعضی از بزرگان بعد از انقلاب اسلامی به روز تولد این بزرگوار هم توجهی نمودند ولی از حداقل ۵۰ سال یعنی نیم قرن عمر شریف ایشان بی خبر هستیم و حتی یک حدیث از ایشان بلد نیستیم، ای کاش حداقل به کتاب معروف و مشهور منتهی الامال محدث بزرگ مرحوم حاج شیخ عباس قمی (ره) و کتاب متین و مشهور حدیثی تحف العقول مراجعه می کردیم. بنده قصد تصدیع ندارم فقط دوست دارم توضیح کوتاهی درباره وصیتنامه حضرت امام حسین علیه السلام به برادرش محمدحنفیه بدهم؛ روزگار طوری پیشرفته و تبلیغات علیه خاندان عصمت و طهارت و مرکز وحی بجایی رسیده است که انسان معصومی که جدش رسول خدا صلی الله علیه وآله و پدرش علی مرتضی علیه السلام و مادرش فاطمه زهرا سلام الله علیها، مجبور شود شهادت به یکتایی خداوند (توحید) و به رسالت جدش حضرت رسول خدا صلی الله علیه وآله (نبوت) و به روز قیامت شهادت بدهد، وای بر این روزگار و بر این امت. حضرت هدف خروج از مدینه و رفتن به سوی مکه را که در تاریخ ۲۷ رجب سال ۶۰ هـ ق شروع شده است چنین توضیح می دهد: «من از من مدینه خارج نشدم که سرکشی و طغیان و فساد انگیزی و جور و ستم پیشگی را پیشه خود سازم یا اینکه به فکر تسلط بر جامعه و سودای بدست



جانم به محرم

وابسته به عشقیم چنان غم به محرم
ترسم همه این است: نمیرم به محرم
از شرم فرات و غم آبی که نبخشید
خون گریه کند چشمه ی زمزم به محرم
تنها نه فقط تکیه و مسجد هر شهر
ایران شده یکپارچه ماتم به محرم
امسال که از مکه عزمان شده آغاز
انگار گره خورده محرم به محرم
آن قدر برآورده شده حاجت دل از
زیر علم و بیرق و پرچم به محرم-
من معتقدم هرکس اگر اشک بریزد
بخشیده شوند عالم و آدم به محرم
ای کاش بگیرند همه کرب و بلا را
از سوز دل و اشک دمام به محرم
پیراهن مشکی تن هر پیر و جوان است
جانم به عزاداری و جانم به محرم
نفیسه سادات موسوی



قال رسول الله صل الله عليه وآله :
« إِنَّ الحسین مصباح الهدی و سفينة النجاة »

به تحقیق حسین چراغ هدایت و کشتی نجات است

مهندس میرسعید حسینیان



به ثقلین خود را در معرض انوار هدایت امامان معصوم (علیهم السلام) قرار دادند و در طول سالیان با مجاهدت بسیار توانستند معارف خالص الهی را که از خاندان پاک پیامبر برآمخته بودند حفظ و جمع نمایند و به نسل های پس از خود فرا آموزند و در گفته ها و نوشته های بسیار برای آیندگان به یادگار گذارند تا راه از بیراهه و سر از ناسره بازشناسند.

دست ناپاک غصب و تحریف به سوی احادیث پیامبر اکرم و ائمه (علیهم السلام) دراز گردید و وقایع تأسف باری را در سال های پس از آن حضرت به بار آورد، و کار تا به آنجا کشید که ریحانه و پاره تن رسول و زهرای بتول (س) همراه با خاندان و اصحاب جان خویش را در راه حفظ اساس دین و روشنگری انحراف و تحریف به پیشگاه خداوند تقدیم داشتند.

امام حسین علیه السلام از کودکی در پرتو عنایت خاص جد بزرگوار خویش حضرت رسول اکرم (ص) پرورش یافت، و آنچنان توجهی از جانب پیامبر به سوی ایشان و برادر گرامی ایشان امام حسن (ع) جاری بود که کتاب های سیره و تاریخ از آن لبریز است و دوست و دشمن (به ناچار) زبان به بیان عظمت و فضائل ایشان گشوده اند، و احادیث بسیاری از مقام منیع نبوت (ص) در این خصوص نقل نموده اند. امام حسین علیه السلام زمان رسول گرامی را درک نموده بود و شاهد حوادث و رویدادهای تلخ و دردناک پس از ایشان در زمان خلفای

در پهنه هستی و در فطرت پاک انسان ها، آزادی و آزادی خواهی همواره مقدس و محترم بوده است و انسان های پاک نهاد بسیاری در مسیر بازیابی ارزش های انسانی تلاش ها و مجاهدات فراوانی نموده اند. پیامبر عظیم الشأن اسلام و خاندان گرامی ایشان سر سلسه این حرکت بزرگ هستند که کوشیده اند فطرت پاک انسانی را زنده کنند و بشریت را از بند های دنیایی برهانند. جمله زیبا و پر معنای «جئنا لنخرج العباد من عبادة الأوثان الى طاعة الله» که جعفر بن ابیطالب (رض) به پادشاه حبشه فرمود سرچشمه از زلال وحی و رهنمودهای نبوی (ص) دارد.

بیان زیبای امام حسین (ع) در روز پر حادثه عاشورا خطاب به انسان های فریفته شده آن روزگار و نیز تمام انسان ها در گستره دنیا تا روز قیامت این کلام گهر بار است که: «إِن لَّمْ یَکُنْ لَّکُمْ دِینٌ وَ کُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ فَکُونُوا أَحْرَارًا فِی دُنْیَاکُمْ»

پیامبر بزرگوار انسان (ص) همواره بر همراهی قرآن و عترت بعنوان «ثقلین» تأکید داشتند و بسیار فرموده بودند این دو هرگز از هم جدا نمی شوند تا آنگاه که در حوض کوثر بر من وارد شوند. ولی متأسفانه پس از آن حضرت (و حتی در زمان حیات آن حضرت توسط برخی) بر خاندان گرامی ایشان ستم ها روا شد، و قرآن و عترت هیچکدام مورد احترام و پیروی قرار نگرفتند. و فقط اندکی از مردم با تمسک



- ۳- حفظ قداست مقام جانشینی رسول خدا
- ۴- ریشه کن کردن مظالم حکومت اموی
- ۵- دفع ظلم از شیعه
- ۶- احیای آثار اهل البیت (علیهم السلام)
- ۷- امر به معروف و نهی از منکر
- ۸- زنده کردن ارزش های اسلامی
- ۹- از بین بردن بدعت

امام حسین علیه السلام برای تمام انسان های هدایت خواه و آزاده ، چراغ هدایت و راهنما به سوی سعادت و خوشبختی هستند. حضرت امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «لکنّا سفن النجاة و لکن سفینة الحسین اوسع و فی اللجج البحر اسرع» همه ی ما کشتی نجات هستیم ولی کشتی حسین (ع) وسیع تر و در امواج سهمگین دریاها سریع تر است.»

بنابراین بجاست همه ی ما شیعیان و پیروان مکتب اهل البيت (عليهم السلام) و تمام مسلمانان و آزادگان جهان از نهضت حسینی سرمشق گیرند و آن سر لوحه زندگی خویش قرار دهند و بیانات و سیره ی آن حضرت را در اندیشه و عمل خویش بکار ببندند.

امیدوارم خداوند متعال ما را از رهروان واقعی راه آن حضرت و از دوست داران و شیعیان خالص آن خاندان مکرّم قرار دهد، و توفیق درک بیشتر حقایق دین و به خصوص نهضت امام حسین (ع) را به ما عنایت فرماید.

از بارگاه ربوی تعجیل در ظهور منتقم راستین خون به ناحق ریخته ی آن حضرت را خواستاریم و عاجزانه می خواهیم ما نیز از خدمتگزاران راستین آستان اهل البیت (ع) و از منتظران حقیقی باشیم.

۲-حمایت از دین



حسین (ع) سوره ای برای همیشه

کامیار حیدری



نجات حضرت موسی(ع)، هارون و قوم بنی اسرائیل را از دست فرعون و ظلم های او در حق ایشان تعبیر «کرب» (نجات از بلای عظیم) بیان می کند. «و نجیناهما و قومهما من الکرب العظیم» واژه کرب، چهار بار در قرآن مجید آمده است.

امام حسین(ع) مصباح هدایت و کشتی نجات

قرآن کریم، انبیای الهی را هدایت گر مردم به امر الهی در پرتو صبر و یقین و عبادت معرفی می کند: «وجعلناهم ائمه یهدون بامرنا و اوحینا الیهم فعل الخیرات ... و کانوا لنا عابدين» ، «و جعلنا منهم ائمه یهدون بامرنا لما صبروا و کانوا بأیاتنا یوقنون» امام حسین(ع) مظهر این وصف برجسته انبیای الهی است از این رو پیامبر اکرم(ص) او را مصباح و چراغ فروزان هدایت معرفی کرده است: «ان الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاه»

امام حسین(ع) و امر به معروف

قرآن می فرماید: شما بهترین امت هستید، در صورتی که امر به معروف و نهی از منکر کنید؛ «کنتم خیر امه اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر» امام حسین(ع) نیز در هدف از قیام خود می فرماید: من برای احیای امر به معروف و نهی از منکر خروج کردم: «انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی محمد(ص) ارید ان آمر بالمعروف و انهی عن المنکر».

امام حسین(ع) معلم عزت و عمل صالح

قرآن مجید می فرماید: هرکس خواهان عزت است، عزت در پرتو ایمان و عمل صالح است؛ «من کان یرید العزه فله العزه جمیعاً الیه یصعد الکلم الطیب و العمل الصالح یرفعه» امام حسین(ع) در قیام خود در کربلا، طالب عزت بود و گریزان از ذلت؛ «هیهای منی الذله»

اشهد انک التالی بکتاب الله. نام حسین(ع) با محرم پیوند خورده و جان فشانی او و ۷۲ یار با وفایش به محرم، روح و حیات دمیده است، ماه محرم برای شیعیان و عاشقان سید و سالار شهیدان از سال ۶۱ هـ. ق تا به حال، ماه حزن و اندوه بوده است. آنان همه ساله به عشق امام حسین(ع) گرد هم می آیند و از چشمه زلال عنایتش سیراب می شوند. اگرچه مظلومیت سالار شهیدان و سید جوانان اهل بهشت در روز عاشورا بیش تر مطرح شده و از این واقعه سخن های بسیار رفته است، اما شخصیت والای امام حسین(ع) به واقعه عاشورا و آن چه بین ایشان و سپاه یزید رفته خلاصه نمی شود. بدون شک امام حسین(ع) که سلاله پاک نبی مکرم اسلام(ص) است و دوران کودکی خود را در دامان پیامبر(ص) گذرانده، در تمامی ابعاد کم نظیر و نمونه و الگوی همه شیعیان و حق طلبان می باشد.

هرچند تاکنون کتاب های بسیاری از نویسندگان مختلف درباره ابعاد شخصیتی امام حسین(ع) به چاپ رسیده است. اما هم چنان بحث و تحقیق در این حوزه، کتاب های مفصل دیگری را می طلبد. کربلا؛ نامی است که از گذشته های دور به یادگار مانده؛ از آن زمان که حضرت ابراهیم(ع) در مسیر هجرتش از سرزمین «اور» به مکه، پس از عبور از کنار رود فرات به سرزمین پر برکت کربلا رسید و در آن جا به عبادت خداوند پرداخت.

واژه کربلا؛ درباره این واژه سخنان و گفته های فراوانی وجود دارد؛ کربلا به یک معنا سرزمین بلا و مصیبت خوانده شده است. کربلا ترکیب شده از کار (نجات) و بلاه (حیات و امان) یعنی یافتن حیات، و این مفهوم، هماهنگ با روایتی است که می گوید: کربلا، بقعه ای است که خداوند در آن نوح و کسانی را که به او ایمان آورده بودند، نجات داد.

کربلا به زبان آرامی به معنای سرزمین خداست. در قرآن کریم، خداوند



امام حسین (ع) معلم ایثار و انفاق

«لن تنالوا البر حتى تنفقوا مما تحبون؛ به مقام ابرار نایل نمی شوید، مگر با انفاق برخی چیزهایی که دوست دارید.» امام حسین (ع) در روز عاشورا تمام آن چه را که در اختیار داشت و همه آن ها محبوب او بود، در راه خدا انفاق کرد.

امام حسین (ع) و خوف و خشیت الهی

قرآن مجید در وصف انبیا می گوید: پیامبران پیشین کسانی بودند که در تبلیغ رسالت الهی، از خدا می ترسیدند و از هیچ کس دیگر هراسی نداشتند؛ «الذین یلغون رسالات الله و یخشونه و لایخشون احدا الا الله» امام حسین (ع) نیز دارای این دو خصیصه برجسته است:

۱. تنها از خداوند می ترسید. در دعای عرفه می گوید: «اللهم اجعلنی اخشاک کانی اراک» (دعای عرفه امام حسین (ع) خدا یا مرا آن گونه قرار ده که از تو بترسم، که گویی تو را می بینم.

۲. از غیر خدا نمی ترسید. حضرت می فرماید: اگر در دنیا، هیچ پناهگاهی نداشته باشم و کسی مرا حمایت نکند، من با یزید بن معاویه بیعت نخواهم کرد: «لولم یکن لی ملجأ و لا مأوی لما بیعت یزید بن معاویه»

امام حسین (ع) صاحب نفس مطمئنه

«یا ایها النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی»

امام صادق (ع) فرمودند: «سوره مبارکه فجر را در نمازهای واجب و مستحب بخوانید. زیرا این سوره مبارکه در شأن امام حسین (ع) است. شخصی علت آن را جویا شد، حضرت در پاسخ فرمودند: به دلیل آن که امام حسین (ع) صاحب نفس مطمئنه بود که خداوند از او راضی و او از خداوند راضی بود. (ویکی از مصادیق بارز این آیه شریفه، امام حسین (ع) است.)»

آزمونی بالاتر از آزمون ابراهیم (ع):

«واذابلی ابراهیم ربه بکلمات فاتمهن قال انی جاعلک للناس اماما...» (و (یادآور) هنگامی که ابراهیم را خداوندش، با کلماتی بیازمود و او (ابراهیم) در همه آن ها موفق شد (آن ها را به اتمام رساند). خداوند گفت: تو را امام مردم قرار می دهم...»

کدامین آزمون ها؟ امتحان ذبح اسماعیل، ساکن کردن هاجر و نوزادش اسماعیل در جوار کعبه در منطقه ای بی زرع و بی آبادانی و نیز اعتماد بالا و والای او به خداوند در لحظه های افتادن در آتش نمرودیان و ... کسی که به حماسه های عظیم عاشورا چشم بیندازد، دشوارتر بودن آزمون های حضرت حسین بن علی (ع) را لمس می کند؛

– به قربان گاه بردن جوان نورس و خردسال شیرخوار

– اسکان زنان و کودکان در قلب سی هزار انسان شیفته زندگی زوال پذیر دنیا.
– اتکا و اتکال به خداوند، حتی در قتلگاه در قالب نیایش عاشقانه و رضایت مندانه و ده ها آزمون دشوار دیگر که در واژه واژه این تاریخ درخشان، رخ می نماید.
بخشی از اسرار توجه دادن مردمان به این روز و این حادثه، همین پایداری بر پاکی و بروز غیرت و هویت انسانی و اسلامی و پیام های بی شماری است که در این واقعه بروز دارد.

پیشتازی و پیش دستی در نیکی ها

«... فاستبقوا الخیرات؛ در خوبی ها بر یکدیگر پیشی بگیرید» در روایت معروفی آمده است: «بالاتر از هر نیکی، نیکی دیگری هست، تا آن جا که انسانی در راه خدا به شهادت برسد که بالاتر از آن چیز دیگری نیست.» این خیر بزرگ شهادت، آن چنان جلوه گری می کرد و مشتاقان را به سبقت از یکدیگر در عرصه آسمانی نینوا می کشانید که تا یاران امام حسین (ع) زنده بودند، اجازه نمی دادند که یک نفر از خاندان بنی هاشم، پای به میان بگذارد و فرزند برومند حسین، علی اکبر، در میان بنی هاشمی ها، سبقت می گرفت و هرکدام بر دیگری پیشی می جستند.
به راستی، شایسته است که عاشقان و یاران حسینی نیز از سیره اصحاب آن امام همام الگو بگیرند؛ «تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل».

امام حسین (ع) و شناختی از قرآن

امام حسین (ع): «القرآن ظاهره انیق و باطنه عمیق؛ قرآن، ظاهرش زیبا و شگفت انگیز است و باطنش ژرف و عمیق.»
و همان طور که قرآن صامت از ظاهری شگفت و باطنی ژرف برخوردار است، وجود امام حسین (ع) به عنوان قرآن ناطق از همین شگرفی و ژرفی در ظاهر و باطن و صورت و سیرت برخوردار است و ما در زیارت ناحیه مقدسه در اوصاف آن امام می خوانیم: «وعظیم السوابق...» تو ای حسین دارای برتری های با عظمتی هستی.

امام حسین (ع) دوست دار واقعی قرآن

امام حسین (ع) می فرماید: «خدا می داند که من نماز و تلاوت قرآن را دوست می دارم.»

در شب عاشورا که امام حسین (ع) به تلاوت قرآن مشغول بود، گروهی از لشکریان پسر سعد برای اطلاع از احوال امام حسین (ع) و یاران او نزدیک خیمه ها آمدند و ملاحظه کردند که امام با یک صورت ملکوتی و جذاب؛ آیاتی از سوره آل عمران را تلاوت می کند. امام حسین (ع) در ظهر عاشورا نیز در بحبوحه جنگ، نماز را به همراه یارانشان در کربلا اقامه می کنند.

امام حسین (ع) احیاءگر قرآن

از آن جا که قرآن کریم این کتاب نجات بخش الهی بعد از پیامبر به دست امویان و عوامل آن ها مطابق میل و منافعشان تفسیر می شد؛ امام حسین (ع) رسالت احیای قرآن را با پیام بلند عاشورا آغاز کرد این بار قرآن از حنجره امام حسین (ع) تلاوت شد و رسوم جاهلیت را در هم شکست و خفقان جامعه آن روز مسلمانان را از بین برد و ایشان را از خواب غفلت بیدار کرد. خود ایشان درباره احیاءگری قرآن می فرماید: «شما را به زنده ساختن آیات قرآن و از میان بردن بدعت ها فرا می خوانم، اگر دعوت مرا بپذیرید، به راه راست و هدایت خواهید رسید.»



نمونه عفو و گذشت در کربلا

محمد حسین الهی اصل
طلبه درس خارج فقه



**حرکه از دست پرورده های مکتب حسینی است
به ما آموخت که نباید از رحمت الهی مأیوس باشیم.**

خداوند در قرآن می فرماید:

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ
الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (زمر، ۵۳)

بگو ای بندگان من که اسراف بر خودتان کرده اید از رحمت خدا مأیوس
نشوید که همانا خداوند تمام گناهان را می بخشد و او بخشنده و مهربان
است.

اگر توبه حر و بخشش امام حسین (علیه السلام) نبود شاید باور این آیه و
حدیث از اعماق دل برای بسیاری لااقل سخت بود ولی حر در کربلا به تمام
گناهکاران عالم آموخت که اگر انسان اراده کند که برگردد و در تصمیمش
راسخ باشد راه باز است.

بر اساس آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام، خداوند به بنده

تَوَابِ خود سلام می کند: ... فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ... [انعام / ۵۴]، او را دوست
می دارد: ... إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ ... [بقره / ۲۲۲]، هزار باب رحمت از دنیا
و آخرت به روی او می گشاید [مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۲۷] و نظیر
کسی که گمشده خود را یافته است، از بازگشت بنده اش خوشحال می
شود. [کافی، ج ۲، ص ۴۳۶] (به نقل از آیت الله مظاهری)

با این واقعیات رخ داده در تاریخ اسلام، درسی است برای پذیرش و رسیدن
به یقین بر اینکه جایی از مسیر زندگی، یک لحظه اگر به خود بیاییم و توبه
ی واقعی داشته باشیم راه بازگشت همیشه به سویمان باز است:

الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُوا فَاُولَٰئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (۱۶۰
بقره)

مگر کسانی که توبه کردند و [خود را] اصلاح نمودند و [حقیقت را] آشکار
کردند پس بر آنان خواهیم بخشود و من توبه پذیر مهربانم.

افزون بر این همه لطف و مهربانی از خداوند، بعد از آن همه بدی و ظلم



[illegible]

**گریه کن امام حسین (ع) حتماً
بهشتی است؟**

محمد حسين الھى اصل طلبه درس خارج فقه

این قدر ثواب وارد شده است. (به نقل از حجة الاسلام فرحزادی)

بهشتی شدن بدون قید و شرط ممکن نیست

روایات ثواب گریه بر امام حسین علیه السلام فراوانند. اما در هیچ روایتی نیامده که اگر کسی بر امام حسین علیه السلام گریه کند بدون شرط و قید و قطعاً بهشتی است تا با آیات و احادیث ذکر شده منافات داشته باشد، بلکه گریه بر امام حسین علیه السلام که يك کار بسیار ارزشمند است، مانند دیگر اعمال صالح زمانی قبول در گاه خدا می باشد که از فرد با تقوا سر بزند و گریه کنند را به بندگی و همرنگی با امام حسین علیه السلام سوق دهد. قید تقوا و احسان و خلوص در آیات و روایات فراوان ذکر شده از جمله خداوند به عنوان يك قاعده کلی می فرماید:

اصلاً چرا ما برای اباعبدالله علیه السلام اشک می ریزیم؟

خدا، تنها از پرهیزگاران می پذیرد.

این آیه تنها ملاک برای پذیرش اعمال را تقوا می شمارد.

روایات مطلق به این آیات و روایات که قید در آنها ذکر شده، حمل می گردد مثلاً در روایت آمده:

مَنْ ذَكَرَهُ فَبَكَى فَلَهُ الْجَنَّةُ (ابن قولويه، كامل الزيارات، ص ٢١١)

این روایات همه برای این است که ما در مجالس حسینی حاضر شویم تا شاید حسینی گردیم و عشق به امام حسین علیه السلام که عشق به حق





توبه از زشتی ها و همرنگی با خوبی هاست و همان توبه ای است که اگر به کمال برسد، نه تنها گناهان را می پوشاند بلکه کیمیایی می شود که گناهان را به خوبی تبدیل می کند:

إِلَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمَلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (فرقان آیه ۷۰) مگر آن کسان که توبه کنند و ایمان آورند و کارهای شایسته کنند. خدا گناهانشان را به نیکی ها بدل می کند و خدا آمرزنده و مهربان است.

کسی که عاشق امام حسین علیه السلام شد و حسینی گردید، در دنیا، برزخ و آخرت مورد نظر خداست و رحمت خاص خدا در همه این مراحل او را در بر می گیرد.

هر کس با محبوبش محشور می شود

انس گوید مردی از بادیه نشینان به محضر رسول خدا صلی الله و علیه و آله رسید و پرسید: قیامت چه وقت است؟ حضرت از او پرسید: برای قیامت چه توشه ای آماده کرده ای؟

گفت: نماز و روزه و عمل قابل توجهی آماده نکرده ام جز این که خدا و رسولش را دوست دارم.

حضرت فرمود: فرد با محبوبش محشور می شود. (شیخ صدوق، علل الشرائع، نجف، مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۱۳۹ - ۱۴۰)

بنابراین اگر کسی عاشقانه و عارفانه (چرا که عشق، لازمه اش شناخت و بعد هم اطاعت است) برای امام حسین (علیه السلام) اشک بریزد این اشک، او را همرنگ امام ساخته و همراه او محشور می گرداند.

و خداست در ما شعله ور گردد و رذایل وجود ما را نابود کند و بسوزاند و طلای ناب وجودمان را خالص گرداند و گرنه صرف گریه بر امام حسین علیه السلام بدون معرفت و محبت و تأثیرگذاری فایده ای ندارد. همان کسانی که امام حسین علیه السلام را کشتند، بر ایشان گریه هم کردند.

گریه بر امام حسین دری است که اگر از آن وارد شدیم، ما را به سوی بندگی خدا سوق می دهد. این مقدمه ارزشمند است. اما برای کسی که از این پله برای بالا رفتن استفاده کند نه کسی که به خود این پله بچسبد و آن را مقصد بداند.

گریه کننده بر امام حسین علیه السلام که گریه اش از صفا و عشق است، به همرنگی با امام اقدام می کند و از گناهان گذشته توبه کرده و به جبران حقوقی که از بندگان ضایع کرده اقدام می کند و واجباتی که از او فوت شده را قضا می کند و در آینده عزم بر خودداری از گناه می نماید و خداوند هم او را نصرت می کند و توبه اش را می پذیرد و حقوق خودش را که نتوانسته قضا کند، می بخشد و حقوق بندگان را که نتوانسته ادا کند، جبران می نماید تا بندگان از او راضی شوند و لغزش هایی که در آینده از او سر بزنند، می بخشد زیرا انسان در معرض لغزش است.

کسی که عاشق امام حسین علیه السلام شده و بر مظلومیت او می گیرد، نسبت به نماز بی اعتنا نیست و نسبت به نمازهایی که قبل از آن از وی فوت شده نیز، احساس وظیفه می کند.

عشق به امام حسین علیه السلام و گریه بر ایشان اولین قدم به سوی



بررسی لعن در زیارت عاشورا

محمد حسین الهی اصل طلبه درس خارج فقه



یا اشارات او برای ادامه ی سلوک می رسد. زیارت عاشورا به عنوان تنها زیارتی که دارای بیشترین فقرات تبرّی (به عنوان تخلّی) است، می تواند فتح باب عارفان سالک یا راهروان مبتدی این طریق باشد.

دلائل ورود لعن در زیارت عاشورا

گفتیم که وقتی انسان دارای عقیده و هدفی در زندگی اجتماعی باشد، نمی تواند به صورت خنثی عمل کند. او با کمال احترام به عقائد دیگران و در کمال زندگی مسالمت آمیز در موارد خنثای زندگی اجتماعی، با تبرّی (دشمنی با دشمنان خدا) از عقیده ی خود دفاع می کند و راه هرگونه سازش عقیدتی را می بندد و با تولّی (دوستی با دوستان خدا) زندگی اجتماعی مناسب با عقیده ی خود را سازماندهی می نماید.

انسان موجودی بی تفاوت نباید باشد چرا که فهم و شعور و ابزاری برای واکنش نشان دادن دارد. اسفنج های دریایی وسیله ی حرکتی ندارند، ساکن اند، شکل معینی ندارند، غذا سازی نمی کنند، اندامی برای بینایی و شنوایی ندارند و حتی در برابر نور واکنش نشان نمی دهند. بنابراین ساده ترین شکل حیات تقریباً خنثی را اسفنج ها دارند. انسان عقیده مند بر اساس عقیده اش خط کشی حزبی انجام می دهد و با اختیار و اعتقاد، خطوط قرمز عقیدتی را در هم نمی شکند.

اگر کسی صحبت از حذف لعن در زندگی و دعاها و زیارت ها (که سفارش روش زندگی عقیدتی اند) کند، و بگوید که «لعن های زیارت عاشورا ترویج خشونت است»، اگر ملاحظه ی مروت و مدارا و تقوا و تقیه را نکرده باشد، توصیه به زندگی اسفنجی نموده است که خلاف اصول ابتدائی دین است. دین اسلام با جمله ی مقدس «لا إله إلا الله» شروع می شود که دو فقره است و فقره ی اول آن تبرّی است.

فقرات لعن در زیارت عاشورا

لعن های وارد شده در زیارت عاشورا دو نوع است که عبارتند از:
الف) لعن های عام (امت ملعونه)

- در لعن های عام زیارت عاشورا دوازده طبقه لعن وجود دارد که عبارتند از:
۱. فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسَسَتْ أَساسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَیْكُمْ أَهْلَ الْبَیْتِ (خدا لعنت کند امتی که بنای ظلم و بیداد را بر شما اهل بیت بنیان نهادند)
 ۲. وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَأَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمُ الَّتِي رَتَّبَ اللَّهُ فِیْهَا

زیارت عاشورا از بهترین زیاراتی است که در باب تبرّی و تولّی وارد شده است. این زیارت یکی از بهترین زیارات وارده شده از لحاظ سند است و تشکیک در سند آن از هیچ کس از اهل علم و عقل صادر نشده است. برای خواندن این زیارت در روایت علقمه از امام باقر علیه السلام ثواب زیادی گزارش شده که بعضی از آن ثواب ها عبارتند از: هزار هزار حسنه برای او نوشته می شود و هزار هزار سیئه از او محو می شود و به هزار هزار درجه ترفیع داده می شود و همراه با کسانی که با امام حسین علیه السلام شهید شدند محشور می شود. (کامل الزیارات، ص ۱۷۶)

این زیارت یکی از منحصر به فردترین زیاراتی است که در مناسبت های مختلف به خواندن آن سفارش شده است. علما و عرفاء و عوام از ناحیه ی این زیارات به مقاماتی رسیده اند و بسیاری از بزرگان در خواندن روزانه ی زیارت عاشورا مداومت داشته اند به نحوی که حتی بعضی از بزرگان در مواقعی که بیمار بوده اند یا کسالتی داشته اند، برای خواندن آن نایب می گرفته اند.

یکی از مهمترین فقرات زیارت عاشورا لعن های این زیارت است که در این تحقیق قصد داریم به صورت گذرا چشم اندازی به این فقرات برجسته داشته باشیم.

رتبه ی تبرّی و تولّی در زندگی انسان

روشن است که انسان در زندگی فردی خود نمی تواند به صورت خنثی عمل کند. این عملکرد در زندگی اجتماعی به شکل عام تری جلوه می کند. بنابراین هر انسانی بر اساس عقیده اش، عقائد و افرادی را دفع می کند و عقائد و افرادی را جذب می نماید. اگر عقیده ای قدرت جذب و دفعش نسبت به افراد و اعتقادات به تدریج ضعیف شود، به ضعف تدریجی آن عقیده منتهی خواهد شد.

اگر بخواهیم تبرّی و تولّی را رتبه بندی کنیم، روشن است که در رتبه ی اول باید تبرّی را بیاوریم. بنابراین در باب تبرّی و تولّی، رتبه ی تبرّی؛ یعنی بیزاری جستن از دشمنان خدا، در عقیده ی مؤمن پیش از تولّی می باشد.

تجلی تبرّی در زیارت عاشورا

در باب اخلاق می گویند پس از اینکه انسان از عادات و اعمال زشت خود و دیگران تخلّی پیدا کرد و به کمالات و فضائل، خود را تحلی (آراسته) نمود، به مرحله ی تجلی جمال حضرت دوست

[illegible]

چند نکته از قیام عاشورا از نگاه آیت الله العظمی جوادى آملى

تحریریه نشریه



اربعین گیری از بهترین راههای دریافت فیوضات الهی

اربعین گیری از بهترین راههای دریافت فیوضات است که «مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا تَنْفَجِرُ مِنْهَا بَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ» آنگاه اگر کسی سخن می گوید از چشمه جوشان دل خودش حرف می زند و اگر دست به قلم می برد و چیز می نویسد از چشمه جوشان قلب خودش حرف می زند این راه برای همه است.

چله گیری به معنای جدا شدن از جامعه نیست، بلکه جدا شدن از دنیا است نه از خلق دنیا. در متن مردم بودن، مردمی بودن برای مردم کار کردن دنیا نیست بلکه آخرت است.

حال طرح مسئله اربعین و چله گیری برای آن است که اربعین کلیمی از اول ذیقعد تا دهم ذیحجه بود. وجود مبارک موسای کلیم که چله گرفت و اربعینی داشت که به اربعین کلیمی معروف است. این چهل شبانه روز وجود مبارک موسای کلیم در طور مهمان خدا بود؛ نه خوابی داشت نه غذایی و نه استراحتی. در طای این چهل شبانه روز مهمان مناجات الهی بود و اینکه فرمود: «وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَّمْنَاهَا بِعَشْرِ فَنَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً» همین است. اول میقات وقت ملاقات سی شب بود بعد ده شب اضافه شد که چهل و اربعین کلیمی شد. این جزء دستورات رسمی دین ماست، اینها جزء نوآوری های دین است.

شیعه خاص حسین بن علی، نه ظلم می کند و نه ظلم می پذیرد

انسان حسینی منش، نه ستم می کند و نه ستم می پذیرد. این که عده ای به فکر ظلم کردن یا ظلم پذیری هستند برای آن است که خوی حسینی در آنها نیست و گرنه شیعه خاص حسین بن علی (علیهما السلام) نه ظلم می کند و نه ظلم می پذیرد. آن کسی که ظلم پذیر است اموی مسلک است چنان که ظالم هم اموی صفت است، هر چند که زمزمه «یا حسین» بر لب داشته باشد. آن کسی که ظلم پذیر است اموی مسلک است چنان که ظالم هم اموی صفت است، هر چند که زمزمه «یا حسین» بر لب داشته باشد. و در قیامت که هر کسی را به نام زمامدارش صدا می زنند: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ» شخص ستمگر در صف امویان شرکت می کند. لذا اگر انسان بخواهد بفهمد که راهی راه حضرت حسین بن علی (علیهما السلام) است یا راهی راه امویان، باید ببیند که در او خوی ستم پذیری یا سلطه گری وجود دارد یا نه. اگر گرایش به این خصلت های زشت را در خود دید باید در اخلاق خود تجدیدنظر کند.

هیچ انسانی بی نیاز از بهره برداری از مراسم کربلا نیست

هیچ انسانی بی نیاز از بهره برداری از مراسم کربلا نخواهد بود و هیچ عالم و اندیشوری مستغنی از رهنمود عاشورا نیست؛ حتی زاهدان و عابدان که در بین راهند و حکیمان و متکلمان که به پایان راه نزدیکند و عارفان و شاهدان واصل که به قله بلند پایدانی این راه رسیده اند، آن ها نیز جزو مستمعان راستین پیام حسینی اند؛ زیرا جریان کربلا، مجاهدان نستوه جهاد اصغر را می پروراند، مجاهدان متخلق و عالمان اخلاق جهاد اوسط را هدایت می کند و نیز عارفان به مقام فنا در فناء الهی را می پروراند. منبع: شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، ص ۸۷

عاشورا ثمره عشق به خدای متعال بود

چیزی که امام حسین (علیه السلام) را وادار کرد در روز عاشورا از همه چیز بگذرد، اسیر الکربات (اسیر گرفتاریها) گردد و هر مصیبت و اندوهی را تحمل کند، فقط عشق به خدای متعال بود. و این عشق چیزی نبود که ناگهان و در حادثه سفر کربلا پیدا شده باشد. بلکه در تمام دوران حیات آن حضرت این عشق وجود داشت و حادثه عاشورا در حقیقت ثمره و محصول این عشق و ارادت بود. حماسه و عرفان، ص ۲۳۹



گزارش تصویری از مراسمات عزاداری محرم ۹۴ در مسجد جامع شهرک غرب













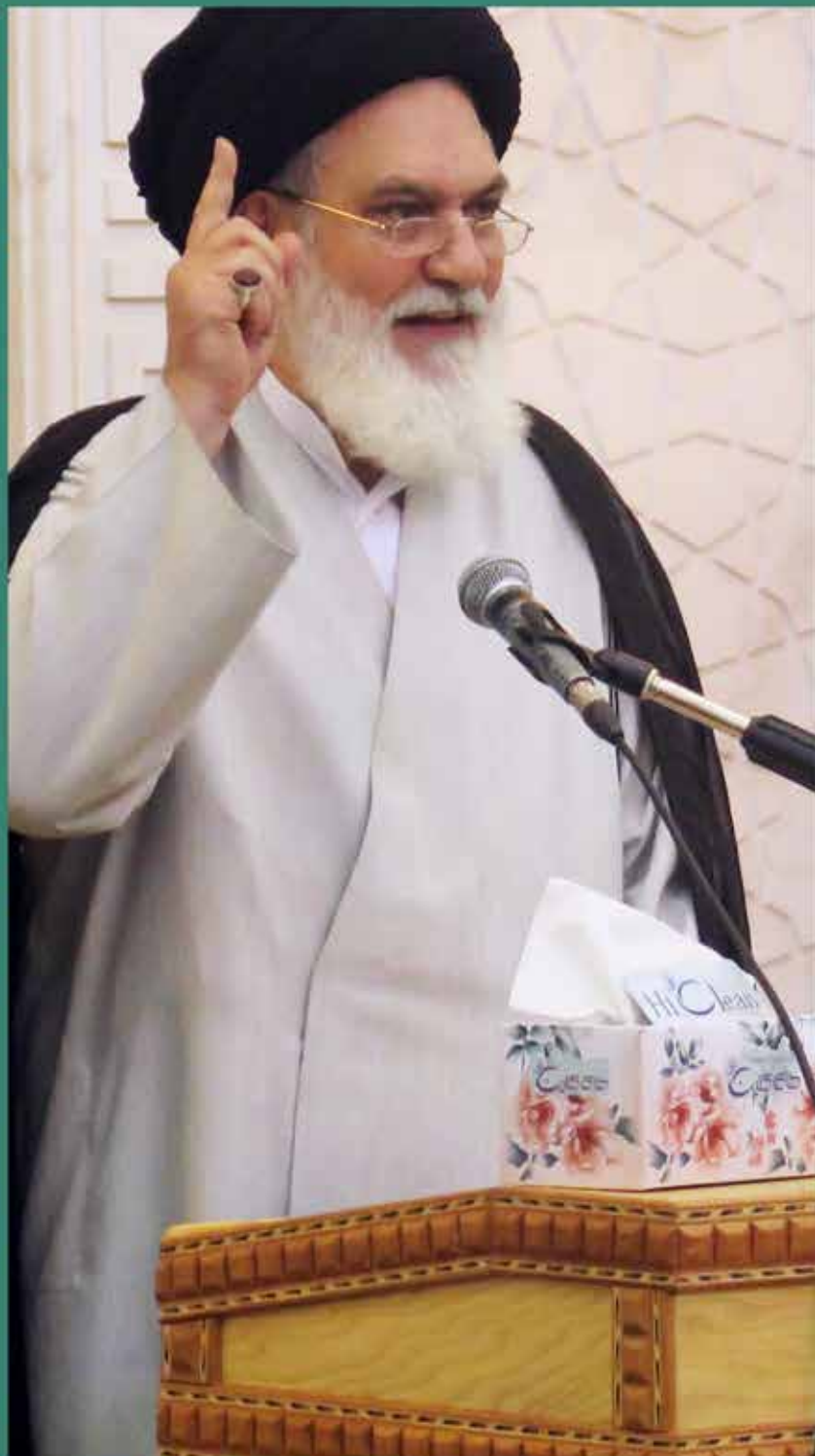
رمضان مبارک



گزارش تصویری از ماه مبارک رمضان ۹۴ در مسجد جامع شهرک غرب













رمضان کریب







يك سوزن به خود

مهندس محمدعلی پروازدوانی 

همه ما شنیده ایم که پیشوایان و الگوهای دینی ما از پیامبر اکرم (ص) تا علامه ها و روحانیون بزرگ در سلام کردن پیشتازی میکردند حتی به بچه های کوچک هم اول سلام میکردند.

برای ما پیش آمده که به روستای پدری یا روستایی ناشناس که به عنوان گردشگر رفته ایم اهالی آن روستا همه به ما سلام میکنند، کوچک و بزرگ ندارد، تعجب میکنیم چرا اینطور است؟ آیا دیوانه هستند که به غریبه ها و افراد کوچک تر سلام میکنند؟

نه آنها دیوانه نیستند، آن ها فرهنگ اصیل اجدادی ما را دنبال می کنند. از این به بعد در مورد سلام کردن کمی با تامل مواجه شویم.

در سلام هفتاد ثواب است، شصت و نه ثواب آن از آن کسی است که سلام میکند و یک ثواب از آن کسی است که جواب سلام را می دهد.

هر روز که از خانه بیرون می آیم با آدم های زیادی روبرو می شوم که خیلی از آنها رهگذر در خیابان ها هستند، در میان آن ها کسانی هستند که میشناسم، کسانی که زمانی همسایه ما بوده اند یا زمانی آشنایی دوری با آنها داشته ام و یا فامیل دور و نزدیک من هستند، از مقابل غریبه ها رد می شوم و فقط ممکن است نگاهی به هم بیندازیم ولی وقتی آشنایی از جلوی چشمان من رد می شود سعی میکنم چشم خود را سرگرم جای دیگری کرده تا چشمم به چشمانش نیفتد، برای اینکه سلام نکنم، گاهی اوقات هم من میخواهم تا با آشناهایی که در خیابان میبینم احوال پرسی کنم ولی آنها هم همین کار را می کنند، برای چه؟

سلام یعنی چه؟ سلام یعنی ای شخص مخاطب من، تو و خانواده ات از نظر من در امنیت و آرامش و سلامت هستید.



دل پاک کبوترها

مهندس محمد سهیلی



یه روز سرد زمستونی بود که نشسته بودم رو میل راحتی بغل شومینه و تو صفحه های مجازی چرخ میزد. همین جوری داشتم با خودم زیر لب حرف میزد، بهو مامانم که بغل دستم نشسته بود گفت: چی داری هی با خودت غر میزنی سرم رفت؟! حالا اینکه از کجا فهمید دارم غر میزنم بماند!

گفتم: هیچی مادر من! همون اعصاب خوردی همیشگی. گفت: چی شده حالا؟

گفتم: هیچی، دارم صفحه های مختلفو چک میکنم. صفحه جُکستان یک میلیون لایک داره، اونوقت صفحه کتاب و کتاب خوانی هزار و صد تا! این درده دیگه مادر من.

مامانم گفت: خب ملت دوست دارن جک بخونن! مگه تو نمیخونی؟! چرا ایراد میگیری به بقیه؟! حالا ام به جا غر زدن پاشو برو یه ذره گندم بگیر بیار که این کبوترها گشنه موندن تو این سرما. اینام آفریده های خدان، خوبیت نداره بی آب و دونه بمونن، پاشو برو زود بیا.

همین جوری که داشتم میرفتم لباسامو بیوشم با خودم میگفتم همچین میگه مگه تو جک نمیخونی انگار من اصلا مطالعه ندارم! تو همین فکر بودم که دوباره مامانم گفت: کم غر بز! واقعا نمیدونم از کجا میفهمید که دارم غرولند میکنم! به هر حال لباسامو تنم کردم و راه افتادم.

چند متری از خونه دورتر نشده بودم که دیدم برف نم نم شروع کرد به باریدن. کوچه ساکت بود و برفم کم کم شدیدتر میشد و قدم های من به همون نسبت کند تر! مگه کسی دلش میاد این برفو از دست بده؟! یه ذره که رفتم جلوتر دیدم انگار هستن کسایی که دلشون بخواد این چیزا رو از

دست بدن! یه دختر بچه ۱۰ - ۱۲ ساله اومد جلو و گفت: عمو یه کمکی به من میکنی؟ میخوام لباس بگیرم، هوا سرده، دارم یخ میزنم. تو رو خدا کمکم کن، همیشه دعوات میکنم.

دلم براش سوخت، خونه مونو با انگشت بهش نشون دادم و گفتم: عمو برو دم در اون ساختمونه، زنگ شماره هشتو بز، بگو منو بهزاد فرستاده.

دخترک خوشحال شد و رفت. زنگ زدم به مامانم و بهش گفتم: مامان یه دختر بچه ای داره میاد جلو در، من فرستادمش. لباس گرم بهش بده. گناه داره، سردشه.

مامانم گفت باشه و بهم گفت کار خوبی کردی فرستادیش و خداحافظی کرد. برف دیگه حسابی شدید شده بود. منم تند تند میرفتم که زودتر برسم به مغازه. بالاخره رسیدم و به آقا حمید سلام کردم.

آقا حمید که انگار انتظار دیدن منو نداشت گفت: به به! چه عجب بهزاد خان؟! از این طرفا؟ راه گم کردی؟

گفتم: اختیار داری آقا حمید، این چه حرفیه. گندم تموم کردیم دوباره. آقا حمید که چشاش از شدت تعجب گرد شد گفت: گندم تموم کردین؟ بابات که دو روز پیش اومد یه کیسه خرید!

با خنده گفتم: آقا حمید چه میشه کرد! اشتباهی پرنده ها رفته بالا و مجبوریم یه جوری سیرشون کنیم دیگه.

آقا حمید که لحنش کلا عوض شد گفت: واقعا آفرین به شما! الان کمتر کسی به فکر همنوع خودش، چه برسه به اینکه بخواد به اون زبون بسته ها فکر کنه. با دستش به گوشه مغازه اشاره کرد و گفت: گندم همون جاس، برو بریز.



گفتم: دیگه زورشون به پرنده ها نرسیده بود فقط؟! نون اون حیوونا رو هم میخوان آجر کنن؟! یعنی که چی آخه این حرفا؟!

مامانم که همین جوری سر تأسف تکان میداد با ناراحتی گفت: میگه میریزه پایین بالکن ما کثیف میشه. بعد چند ثانیه مکث کرد و دوباره ادامه داد، مردم بی رحم شدن بهزاد. به پرنده هام رحم نمیکنن. چپ چپ نگاهشون میکنن.

زیر لب گفتم: نمیدونی به آدماشم همین جوری نگاه میکنن! نشنید چی گفتم و بهو گفتم: چی؟!

گفتم: هیچی! چیزی نیست. اون دختر بچه اومد؟

مامانم با خوشحالی گفت: آره اومد. یه سری از لباسات که به دردت نمیخورد رو دادم بهش. میدونی بهزاد؟! همه از این لباسا دارن! ولی نمیدونم چرا نمیدن به این بندگان خدا. اینام سردشون میشه دیگه. مگه چه فرقی با ما دارن؟! فقط چرخ زمونه مطابق میلشون نچرخیده.

تو فکر فرو رفته بودم که گفتم: حالا کدوم لباسارو بهش دادی؟

گفت: همون پالتو مشکیتو با چند تا از لباسات.

گفتم: مادر من اون پالتو رو که دو هفته نبود خریده بودم! بعد بلافاصله گفتم: البته اشکالیم نداره، من نهایتا یه هفته بیشتر کار میکنم یه دونه دیگه میخرم. خدا رو خوش نییاد دختر بچه اون سنی تو سرما بی لباس بمونه. داشتیم اینا رو میگفتم که برگشتیم و دیدم مامانم گندمای کبوتر رو ریخت.

بیست دقیقه ای که گذشت پرنده ها سر و کلشون پیدا شد. مامانم رفت پشت شیشه و یه چیزایی میگفت زیر لبش. گفتم: مامان چی داری میگی با خودت؟

گفت: هیچی! دارم بهشون میگم برات دعا کنن. اینا دلشون پاکه، مثل تو نیستن که!

گفتم: بگو برا آقا حمیدم دعا کنن! حالا چه داعایی برا من بکنن؟! دعا کنن دلم پاک بشه؟!

مامانم گفت: نه خیر! دعا کنن زن بگیری بلکه آدم شی!

از حُسن نیت مامانم تشکر کردم! و گفتم: بگو برای میلادم دعا کنن.

گفت: میلاد کیه؟!

گفتم: فقط اونایی که دلشون پاکه میشناسنش! منم نمیشناسمش، ولی بسیار بهشون.

مامانم گفت: من که نفهمیدم کیه!

ولی بازم برگشت سمت کبوتر و یه چیزایی زیر لب گفت. همین جوری که با خودش؛ یا بهتره بگیم با کبوتر حرف میزد، منم ناخود آگاه آرامش خاصی گرفتم و این آرامش خیلی لذت بخشه ...

رفتم اون طرف و یه کیسه گندم ریختم و در کیسه رو محکم گره زدم. داشتم برم میگشتم برم حساب کنم که دیدم جلو قفسه ها یه پسر بچه ایستاده و داره با ماشین اسباب بازی بازی میکنه. به روی خودم نیاوردم و چیزی بهش نگفتم. صبر کردم بلکه توجهش بهم جلب شه تا خودش بره کنار که رد شم. چند ثانیه ای بیشتر نگذشت که برگشت طرفم و بهم نگاه کرد. فهمیدم که پسرک دچار عقب افتادگی ذهنیه.

نشستم روی پا هام که هم قدش بشم و بهش سلام کردم. اونم به من سلام کرد.

گفتم: اسمت چیه؟

گفت: میلاد.

گفتم: چه اسم قشنگی داری، کاش اسم منم میلاد بود. ولی اسم من بهزاد. حالا چند سالته؟

به پشت سرم با نگاهی سرشار از تعجب خیره شد، انگار از اینکه کسی جز مادرش به پسرک توجه کرده متعجب شده بود. در همین حال گفت: مامان من چند سالمه؟!

یه خانومی از پشت سرم جواب داد ۱۵ سالته مامان جان. میلاد برگشت و با خنده و خوشحالی گفت: ۱۵ سالمه و دوید اونطرف مغازه.

همین که بلند شدم مادرش بهم گفت: ممنون از اینکه به پسر من توجه کردید. مردم توجه که نمیکنن هیچ، یه جوریم نگاهش میکنن که انگار آدم نیست. اونم بچه منه؛ منم دوست ندارم مردم بچمو چپ چپ نگاه کنن. اینا رو گفت و یه قطره اشک از گوشه چشمش جاری شد.

بهش گفتم: خودتونو ناراحت نکنید. خیلی از مردم درکی از قلب پاک ندارن، نمیتونن زیبایی های باطنی افرادو ببینن و به خاطر همینم هست که بد نگاه میکنن.

اشک مادر بند اومد و بهم گفت: خدا خیرت پسر. دل پسرمو شاد کردی، امیدوارم خدا همیشه شادت کنه.

تشکر کردم و رفتم سمت پیشخوان که حساب کنم. آقا حمید گفت: پول نمیخواه، ببرش.

گفتم: نمیشه که. بگید چقدر شد؟

گفت: نمیخواه میگم! فقط گندما رو که براشون ریختی بهشون بگو برا منم دعا کنن، اون زبون بسته ها دلشون از من و شما پاک تره! گناهی ندارن که؛ نه حقی به گردنشونه، نه کار زشتی کردن. فقط بگو دعامون کنن، همین و بس.

تشکر کردم و برگشتم. تو راه برگشت فقط فقط با خودم فکر میکردم؛ به میلاد، به اون دختر بچه، به آدمای، به پرنده ها و دل پاکشون و خیلی چیزای دیگه. رسیدم جلو در خونه و زنگ زدم؛ مامانم درو باز کرد.

لباسامو عوض کردم و نشستم بغل شومینه تا یه ذره گرم شم که مامانم گفت: بهزاد همسایه پایینمون اومده بود میگفت چرا برا پرنده ها گندم میریزی؟!



قوانین از جنس اینستاگرام

تحریریه نشریه 

دیگرانی که دنبال ام می‌کنند، رو می‌کنم. ما و صفحه‌های مان نیاز اصلی‌تری داریم و آن تعداد فالوورهاست که طبیعتاً هرچه بیشتر باشند، یعنی ما از دسته‌ی آدم‌های خفنی هستیم که بقیه برای‌شان سر و دست می‌شکنند. نمی‌خواهم به بحث کلیشه‌ای و نخ‌نمای «ترفندهای سنتی جمع‌آوری لایک و فالوئر» وارد بشوم. اما بازی‌ای که در بالا به آن اشاره شد یک قسمت باحال‌تری هم دارد که در گفتگو با دوستان و همکاران‌ام متوجه‌اش شدم. این که وقتی چند روزی از ورودتان به این شکل خاص از زندگی مسالمت‌آمیز می‌گذرد، همان کسی که شما را به بازی دعوت کرده، خیلی خودجوش آن‌فالوتان می‌کند. شما هم که احتمالاً حس و حال گشتن و پیدا کردن فالوئر گمشده‌تان را ندارید، بی‌خیال ماجرا می‌شوید. به این ترتیب به میزان خفن بودن کسی که به‌ظاهر دوست‌تان بوده، افزوده می‌شود. چون نه‌تنها کلی فالوئر دارد، بلکه تعداد معدودی را هم فالو کرده؛ فرمولی که مدتی می‌شود بعضی از کاربران شبکه‌های اجتماعی برای نشان دادن پرتعداد بودن‌شان از آن استفاده می‌کنند. در این بین به محتوایی که منتشر می‌شود تا فالوئر‌ها را مجبور به ماندن و لایک کردن کند، اشاره‌ای نمی‌کنم. دست آخر هم این که از این حرکت به‌ظاهر مسالمت‌آمیز نه اعتباری به شما افزوده می‌شود و نه طرفدار بیش‌تری پیدا می‌کنید.

در آخر این قوانین که لنگه‌شان را فقط می‌توان در شبکه‌های اجتماعی پیدا کرد، نه‌تنها قانون‌های لازم‌الاجرائی نیستند، بلکه تصویب‌کننده‌های‌شان هر زمان که بخواهند آن‌ها را زیر پا می‌گذارند تا به اعتبارشان بیافزایند. بازی‌های به‌ظاهر قانون‌مند اما بی‌قانون، ارزش وارد شدن ندارند.

یکی دو هفته پیش در اینستاگرام یک درخواست فالو دریافت کردم. نه اسم درخواست‌کننده برایم آشنا بود و نه تصویرش؛ مثل انبوه درخواست‌های ناآشنایی که حتماً شما هم چند ده تایی از آن‌ها را دریافت کرده‌اید. اما این بار کنج‌کاویم گل کرد. سری به صفحه‌ی درخواست‌کننده زدم. هیچ رقم نمی‌شناختمش. اما نوشته‌هایی که زیر تصویرش بود نظرم را جلب کرد. بعد از انبوهی از علاقه‌مندی‌های ریز و درشت و این که متولد چه ماهی است و به‌همین خاطر هم چقدر می‌تواند آدم خاصی باشد، به قوانین صفحه رسیدم. دو تا از این قانون‌ها که به طرز ناشیانه‌ای به زبان انگلیسی نوشته شده بودند، از همه جالب‌تر بودند: اول این که اگر صفحات را فالو کردم، تو هم باید بی‌درنگ صفحه‌ی من را فالو کنی؛ در غیر این صورت در آن فالو کردن شک نمی‌کنم. قانون دوم هم این که اگر صفحه‌ی من را آن فالو کنی، در کسری از ثانیه صفحات را آن فالو می‌کنم.

این قوانین که لنگه‌شان را فقط می‌توان در شبکه‌های اجتماعی پیدا کرد، نه‌تنها قانون‌های لازم‌الاجرائی نیستند، بلکه تصویب‌کننده‌های‌شان هر زمان که بخواهند آن‌ها را زیر پا می‌گذارند.

این قوانین و لزوم به وجود آمدن‌شان واضح‌تر از آن چیزی هستند که بخواهید حتی درباره‌شان فکر کنید. صاحب صفحه به کسانی که فالو می‌کند یا آن‌هایی که قصد دارند صفحه‌اش را دنبال کنند، پیام روشنی داده: من و تو نیاز مشترکی داریم و از این طریق سعی داریم تأمین‌اش کنیم؛ فارغ از این که چه محتوایی در صفحات‌مان به اشتراک می‌گذاریم. به بیان ساده‌تر اصلاً اهمیتی ندارد من چه‌طور آدمی هستم و در قالب تصویر چه برای تو و



بررسی و شناخت تأثیر ادیان الهی در معماری و شهرسازی

مهندس آیه عطا پور

معرفی کلی مقاله :

برای به قلم درآوردن این مقاله از تابستان سال ۱۳۹۰ تا کنون تحقیق‌ها ، مطالعه‌ها و مصاحبه‌هایی انجام شد که مقاله مسکن ایرانی اسلامی و مقاله پیش‌رو ، و دو جلد کتاب با عناوین (تأثیر ادیان الهی در معماری و شهرسازی و تأثیر ادیان غیر الهی در معماری و شهرسازی) نتیجه تمامی این تحقیق‌ها است. شایان ذکر است که مقاله پیش‌رو خلاصه رساله‌ای تحت عنوان « موز معماری ادیان » می‌باشد که در سال ۱۳۹۲ برای پایان‌نامه اینجانب به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب ارائه گردید و مقاله کامل این متن که در سال ۱۳۹۳ در مجله بین المللی ISC به چاپ رسیده و در همان سال ، در دومین همایش ملی پژوهش‌های کاربردی در عمران - معماری و مدیریت شهری به عنوان مقاله برتر معرفی شد.

برای تحقق یافتن مقاله‌ای با عنوان « تأثیر ادیان الهی در معماری و شهرسازی » باید گذری بر مبنای نظری مربوط به این موضوع می‌داشتیم. برای این کار باید به پژوهش‌های پیشین و انجام شده در ارتباط با این موضوع مراجعه می‌کردیم ولی متأسفانه هیچ پژوهش ، مقاله یا کتابی در مورد تأثیر ادیان در معماری و شهرسازی مکتوب نشده و هیچ نوشتاری در این زمینه ارائه نگردیده بود ، در این میان آثاری نیز بودند که فقط در مورد مسجد ، کلیسا ، مصلی و... یا معماری اسلامی ، نوشتاری را ارائه و عرضه کرده بودند اما هیچ آثار مکتوبی در مورد تأثیر ادیان در معماری مشاهده نشد. از این جهت ، می‌بایست سطح پژوهش و مطالعه‌هایمان را گسترده‌تر می‌کردیم و در کنار این پژوهش‌ها ، مصاحبه‌هایی را برای روشن شدن هرچه بهتر موضوع انجام می‌دادیم.

این موضوع ، که هیچ شخص یا ارگانی ، پژوهش یا مقاله‌ای را در ارتباط با تأثیر ادیان در معماری و شهرسازی به مرحله ظهور نرسانده را می‌توان جزئی از نقاط ضعف بیان کرد ولی با این حال ، با تلاش‌ها و تحقیق‌های فراوان و با یاری پروردگار توانستیم اثر مکتوبی را در ارتباط با « بررسی و شناخت تأثیر ادیان در معماری و شهرسازی » را به مرحله ظهور برسانیم. این مقاله سعی دارد تا با معرفی المان‌ها ، نمادها ، تزئینات و معماری ادیان و فرقه مورد تحقیق ، این عناصر و معماری را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

هدف از انجام این پژوهش و به تبع آن به قلم درآوردن چنین مقاله‌ای ظهور معماری‌ای جدید در جامعه معاصر ، پیشرفت فن‌آوری ساختمان‌سازی و فراموشی تاریخ گذشته معماری و شهرسازی ، و روش‌های سنتی در عصر معاصر است.

این یک امر طبیعی است که معماران برای پیروان دین خاصی ، ساختمان‌های خاص طراحی کنند (به عنوان مثال: طراحی کلیسا برای مسیحیان و آرامنه طراحی مسجد برای مسلمین و...) ولی چیزی که ما را مسمم کرد این تحقیق را شروع کنیم طراحی ساختمانی با المان یک دین برای دین دیگر است (به عنوان مثال مسجد کلن آلمان ، مسجد قدس در سعادت‌آباد تهران - ایران) . شایان ذکر است که معماران مسیحی ساختمان‌هایی را برای مسلمانان در

جهان طراحی و اجرا کرده‌اند : ۱. مسجد دلماباچه (ترکیه) ، ۲. مسجد نصرتیه (در منطقه توپخانه) ، ۳. دانشگاه تهران (ایران) ، ۴. مسجد سلیمانیه (استانبول - ترکیه) ، ۵. میدان سیاه (تهران - ایران) و... در این مقاله به علت محدودیت ، سعی شده است موارد فقط نامبرده و از توضیحات پرهیز شود و توضیحات بسیار مختصری از مبنای نظری مقاله اصلی را بیان کنیم تا خوانندگان محترم آشنایی بیشتری با این موضوع پیدا کنند.

مبنای نظری مقاله :

ادیان و فرقه‌ها به خصوص فرقه‌های نوظهور (وهابیت ، فراماسونری ، شیطان پرستی) تأثیر بسزایی را بر معماری حاکم بر جهان و معماری مدرن گذاشته‌اند. معماری و هنر امروزی در حال تغییر و تحول است و با دین ، مذهب و فرقه‌های مختلف پیوندی ناگسستنی دارد و تاریخ خود را فراموش کرده و جای خود را به یک معماری جدید و بدون استحکام و ایستایی داده است.

یکی از عوامل اصلی نگرانی ما برای معماری امروزی و در پی آن تحقیق و به قلم درآوردن یک چنین مقاله‌ای ، پیدا کردن راهکاری برای از بین بردن این تأثیر است. به طور کلی ادیان به دو دسته تقسیم می‌شوند :

۱. ادیان الهی ، ۲. ادیان غیر الهی

در این مقاله به بررسی و شناخت دو دین که بیشترین تأثیر را بر روی معماری و شهرسازی گذاشته‌اند پرداختیم :

۱. دین اسلام ، ۲. دین مسیحیت ، در کنار این دو دین به بررسی و شناخت فرقه‌ای پرداختیم که در عصر کنونی تأثیر چشم‌گیری بر معماری و شهرسازی گذاشته است : فرقه وهابیت «زیر مجموعه‌ای از مذهب اربعه یا همان سنی حنبلی است»

ادیان مورد تحقیق زیر مجموعه‌ای از ادیان الهی محسوب می‌شوند. هر کدام از این ادیان ، معماری ، تزئینات ، المان و نماد مخصوص خود را دارند. معماری برگرفته از اسلام (یا همان معماری اسلامی) و معماری مسیحی ، معماری‌ای است با تاریخ و گذشته‌ای بسیار کهن ولی معماری برگرفته از وهابیت ، معماری‌ای جدید و نامأنوس با معماری‌های اصیل است. البته قابل ذکر است که منظور از معماری اسلامی و معماری مسیحی ، تحقق آن معماری طبیعیاً بعد از ظهور اسلام و مسیحیت نیست بلکه معماری‌ای است با مطلوبیت والا در نزد خدا و افراد آن ادیان.

بررسی تاریخ معماری و شهرسازی را از چهار جهت می‌توان بیان کرد :

۱. ساختمان‌های کهن اساساً بر پایه کارکردهای اساسی طراحی و اجرا می‌شده است ، به این دلیل است که می‌توان بیشتر آنها را احیا کرد.

۲. درک بهتر معماری و شهرسازی ، که باعث گسترش یافتن بینش ما می‌شود.

۳. شناخت گذشته ، تلفیق گذشته با دنیای امروز و حفظ آن برای پی‌بردن

نسل‌های آینده به تاریخ و هویت مملکت خود.

۴. گسترش الگوهای ساماندهی فضا و اصلاح دید و حافظه بصری در جامعه و شهرهای امروزی.

معماری دو دین و فرقه مورد نظر در این مقاله را می‌توان به این صورت خلاصه کرد :

۱. دین اسلام و ویژگی معمارانه : گستره زمانی معماری جهان اسلام را می‌توان از سالهای اولیه ظهور اسلام تا پیش از گستردگی عام معماری مدرن دانست. با این حال نمی‌توان این گستردگی و نقش اثر گذار در معماری را در همه مناطق یکسان دانست. معماری اسلامی را می‌توان بر شش موضوع خلاصه کرد :

۱. الله و ابدیت : مساجد ، مدارس و مقابر ، ۲. معماری و قدرت : کاخ‌ها ، ارگ‌ها و قلعه‌ها ، ۳. تجارت و سیاحت : بازارها و کاروانسراها ، ۴. معماران : استادکاران و بنایان = مصالح و فنون (به عنوان مصالح سنگ در ممالک اسلامی هم برای ساخت و هم برای تزئین به کار می‌رفته است ، فلزکاری ، چوب‌کاری ، دیوار گلی-آجری و گچبری ، گنبد) ، ۵. عنصر تزئین : سطح ، نقش و نور ، ۶. معماری بومی : خانه و جامعه

بطور کلی بناهای دوره اسلامی را می‌توان به دو گروه عمده تقسیم کرد :

الف) بناهای مذهبی : شامل مساجد ، آرامگاهها ، مدارس ، حسینیه‌ها ، تکایا ، و مصلی‌ها.

ب) بناهای غیر مذهبی : شامل پلها ، کاخها ، کاروانسراها ، حمامها ، بازارها ، قلعه‌ها و آب انبارها.

در معماری نیایشگاهی پیش از اسلام سه الگوی تالار ستون دار، تک ایوانهای مرتفع و چهارطاقیها به عنوان الگوهای رایج معماری نیایشگاهی ایران به شمار می‌رفت. چهارطاقی‌ها را با کمی تغییر و اضافه کردن محراب به صورت مسجد درآورده و بعد ابنیه دیگری از همان نوع در نواحی مختلف کشور ساخته شد.

در معماری اسلامی حیاط، همیشه در مرکز بنا قرار می‌گیرد ، کوشک در میان باغ خود نمایی می‌کند ، ایوان در میان نما ، “گنبد خانه” در وسط حجم ، حوض در مرکز حیاط و فواره در میان حوض جای می‌گیرد. همه چیز از یک نقطه آغاز می‌شود و به سوی همان نقطه میل می‌کند. (مأخذ : شاخص‌های معماری اسلامی را به طور خلاصه می‌توان به این صورت طبقه‌بندی کرد : ۱. سردر ، ۲. درگاه ، ۳. هشتی (که خود به چند مورد تقسیم می‌شود

از قبیل : ۱. حجره اول خانه ، ۲. حجره دوم مسجد ، ۳. حجره سوم راه ، ۴. حجره چهارم بازار ، ۵. حجره پنجم آرامگاه ، ۶. نمایه ، ۷. دهلیز ، ۸. میانسرا)

شاخص‌های معماری و شهرسازی اسلامی به دو گروه کلی تقسیم می‌شوند :

۱. شاخص‌های عام ، ۲. شاخص‌های خاص.
۱. شاخص‌های عام : مسجد محوری ؛ حفظ کرامت انسانی ؛ زیبایی ؛ فرح‌بخشی ؛ مدیریت انرژی ؛ آینده‌نگری و پایداری.
۲. شاخص‌های خاص : استفاده از مصالح مناسب با رویکرد استحکام ، انعطاف ، سبکی ، مدیریت انرژی ، زیبایی ؛ لحاظ حریم‌های بنایی و حقوق در اطراف بناها ؛ مدیریت بهداشت در راه ، خانه ، بازار ، قبرستان و...؛ مدیریت ترافیک و ایجاد تسهیلات لازم برای تعدد روان سواره و پیاده ؛ ایجاد رضایت‌مندی با امنیت بنایی و اخلاقی.

بارزترین تفاوت میان معماری اسلامی ، ماسونی و وهابیت از قرار زیر است:

۱. هدف و نیت سازندگان و معماران با یکدیگر در تضاد هستند، معماری اسلامی با هدف و نیت الهی و ارتباط با نور مطلق شکل می‌گیرد اما معماری ماسونی و وهابیت با هدفی شیطانی و ارتباط با تاریکی مطلق شکل می‌گیرد. و همانطور که تحقیقات نشان داده حتی مولکولهای آب نیز نسبت به نیت انسانها واکنش می‌دهند چه رسد به روح لطیف آدمی!

۲. در معماری اسلامی خطوط خمیده (گنبد، محراب، مناره...) بوده و از شمایل نگاری پرهیز می‌شود و در عوض از آیات قرآنی بر بناها استفاده می‌گردد اما در معماری ماسونی و وهابیت خطوط شکسته بوده (هرم، مثلث) و شمایل و نماد های خاصی در بناها به کار برده می‌شود.

۳. تلفیق نور در معماری اسلامی به گونه ای است که سعی شده بنا تا حد امکان پر نور (با استفاده از آینه کاری و ...) باشد تا به نوعی تجلی گاه نور مطلق وافریدگار هستی باشد. اما در معماری ماسونی و وهابیت سعی شده نور و تاریکی در یکدیگر پیوند خورد که اشاره به ارتباط با اجنه و شیاطین است. ۴. رنگ های مورد استفاده در معماری اسلامی رنگ های شاد به ویژه آبی و سبز است که پیشتر خواص این رنگ ها ذکر گردید. اما در معماری ماسونی و وهابیت رنگ خاصی مورد استفاده نیست و بیشتر از رنگ های تیره استفاده می‌شود.

۵. فضا در معماری اسلامی به گونه ای است که فرد را به نوعی کشش و

المان و تزئینات ادیان دیگر از قبیل دین یهود و دین زردشت تقلید می‌کند. این فرقه شدیداً نمادگرا هستند و ساختمان‌هایی را با المان و نمادهای خاص فرقه خود طراحی و اجرا می‌کنند.

نمونه بارز تأثیر وهابیت بر معماری را می‌توان در معماری رایج این فرقه، یعنی اُلیسک، ساختمان‌های هرمی شکل و... دانست. تزئینات، المان‌ها و نمادهایی از این فرقه رایج می‌باشد که هم در معماری و هم در هنر رخنه کرده است. دسته دیگری از این معماری در جامعه امروزی ما وجود دارد که با وجود اینکه از المان‌ها و نمادهای این فرقه در ظاهر آنها استفاده نمی‌شود، ولی نمادهایی از قبیل عدد ۷۲ (عدد قدرت)، عدد ۳۳ و... در معماری این فرقه به وفور دیده می‌شود. نمونه بارز این ادعا ساختمان ابراج البیت یا شاخ شیطان در مکه مکرمه و در کنار مسجدالحرام است، در ظاهر هیچ نوع المان، نماد یا تزئینی از این فرقه در این ساختمان دیده نمی‌شود ولی نکته اصلی و قابل تأمل تعداد طبقات آن است که به ۷۲ رسیده است. بناهای بسیاری به این سبک در سراسر جهان ساخته شده اند که ممکن است طراح و معمار آن در بی اطلاعی کامل از نمادهای این فرقه و با تقلیدی از معماری کشورهای دیگر، طرح خود را اجرا کرده باشد.

اصلی‌ترین، مهم‌ترین و کاربردی‌ترین المان‌ها، نمادها و تزئینات این فرقه:

۱. صلیب شکسته یا چرخ خورشید، ۲. چشم شیطان یا تک چشم، ۳. ستاره پنج ضلعی وارونه، ۴. عدد ۷۲ یا عدد قدرت، ۵. شش وجهی طلسم ناشدنی یا ستاره شش پر، ۶. اسپیرال (یا جاده حلزونی)، ۷. صفحه شطرنجی یا تضاد و... المان‌ها و نمادهایی از قبیل: ۱. صفحه شطرنجی، ۲. پنج پر، ۳. شش پر، فصل مشترک این فرقه با دین یهود است. به علت محدودیت از توضیح المان‌ها و نمادها پرهیز می‌کنیم.

نتیجه‌گیری:

معماری برگرفته از ادیان بر اساس تفکرات، تعالیم دینی، اعتقادات، نوع عبادت و نیایش و... هر دین شکل می‌گیرد و طبیعتاً این خصوصیات در تمام ادیان متفاوت از یکدیگرند، پس معماری باید بومی و منطقه‌ای باشد نه جهانی و واحد. ولی متأسفانه در عصر معاصر فرقه‌های نوظهور بیشترین تأثیر را بر روی معماری و هنر می‌گذارند، و معماران ناآگاه و غافل از دنیا این تأثیر را به حساب پیشرفت مثبت معماری در سطح دنیا می‌دانند و معماری گذشته و هویت ساز هر مملکت را غیر قابل مصرف و تاریخ مصرف گذشته برای معماری امروزی می‌دانند.

اشتیاق به عبادت خداوند سوق می‌دهد و آرامش خاصی را به همراه می‌آورد اما در معماری ماسونی و وهابیت اینگونه نیست. در واقع در معماری اسلامی فضا آکنده از انرژی‌های مثبت و رحمانی است اما در معماری ماسونی و وهابیت فضا مملو از انرژی‌های منفی و شیطانی است.

عدد هشت جزئی از هنر و معماری اسلامی است که فصل مشترک با هنر و معماری مسیحی محسوب می‌شود، این عدد به غیر از تزئینات در معماری هم کاربرد دارد، مانند مقبره حافظ که بر روی هشت ستون بنا شده است. که عدد هشت در حافظیه نماد سده هشتم و هشت درب بهشت است.

«عدد هشت در اندیشه‌های مسیحی، مفهوم تولد دوباره است. و در تزئینات معماری فرقه وهابیت به جای هشت ضلعی از پنج و شش ضلعی استفاده می‌شود که ریشه در اعتقادات این فرقه دارد ولی متأسفانه در عصر معاصر از این دو نماد (پنج ضلعی و شش ضلعی) در معماری اسلامی زیاد به چشم می‌خورد که نشأت گرفته از بی توجهی معماران و تقلیدی کورکورانه از معماری غرب است.

۲. دین مسیحیت و ویژگی معمارانه: در اینجا به معرفی برخی از عناصر و نمادهای تشکیل دهنده کلیسا می‌پردازیم:

۱. گنبد، ۲. درآیگاه، ۳. ناقوس خانه، ۴. محراب (خوران)، ۵. حوضچه غسل تعمید، ۶. بالاخانه (ورنادون)، ۷. تثلیث، ۸. پنجره سه بخشی، ۹. سکوی خطابه، ۱۰. میز مخصوص قرائت انجیل، ۱۱. صلیب یا چلیپا، ۱۲. پنجره رستاخیز مسیح، ۱۳. بازوی چلیپایی، ۱۴. محراب، ۱۵. برج ناقوس، ۱۶. پنجره گل سرخ (رز) و...

در کنار عناصر، المان‌ها و تزئیناتی که در معماری مسیحیت مورد استفاده قرار می‌گیرد، از رنگ‌هایی هم استفاده میشود که دارای معنا و مفهوم خاصی برای مسیحیان است مانند: رنگ بنفش (رنگ مقدس)، رنگ سیاه (رده سر یا عیسی)، رنگ سفید (نماد روح مطهر، شادی، پاکی، بکارت)، رنگ قرمز (سمبلی از شهیدان) و...

۳. فرقه وهابیت و ویژگی معمارانه: معماری این فرقه برخلاف معماری اسلامی و معماری مسیحیت از تاریخ و اصالت برخوردار نیست و معماری‌ای است نوظهور، و گاهی اوقات دیده می‌شود که از نماد

تزئینات در معماری اسلامی

مهندس نگار حکیمی ها 

۲- نقوش گیاهی و هندسی (اسلیمی)

اسلیمی نقش و نگاری است شامل خطوط پیچیده، منحنی ها و قوس های دورانی مختلف که حاصل انتزاعی کردن نقش مایه های گیاهی و جانوری است با توجه به اینکه اسلام شمایل نگاری را ممنوع کرده است، هنرمند مسلمان به نقوش اسلیمی متمایل می شود که از رایج ترین نقوش مورد استفاده در کاشی کاری است و کاربرد آن در تزئین بنا به قرن ۴ هجری قمری بر می گردد.

۳- نور

نور نمادی از عقل الهی است، جلوه خداوند است و حضورش در مسجد که جایگاه نیایش اوست تجلی می یابد لذا نور محور زیبایی شناسی معماری اسلامی و مهمترین ویژگی معماری ایران است.

۴- آب

آب با معماری اسلامی رابطه ای تنگاتنگ دارد چرا که آب تنها عامل مادی است که حضور آن برای عبادت انسان الزامی است زیرا پاکی ناشی از آن خوشایند خالق است که در روایات از قول پیامبر نقل شده است که "او" قبل از خلقت در عماء بود و عماء جایی است میان آسمان ها و زمین، میان ابرها...

ساده انگارانه می نماید این فرضیه که آیین اسلام بنا بر دستورات خود مبنی بر نهی از شمایل نگاری و مجسمه سازی، موجب رکود هنری و زیبایی شده است. عکس این قضیه را با نگاهی اجمالی به تاریخ فرهنگ و هنر اسلامی که در طول ۱۴ قرن گذشته خود را در نظر جهانیان به اثبات رسانیده است، می توان دریافت. اسلام مسلمانان را از شمایل نگاری و مجسمه سازی نهی کرده است اما خدای اسلام، خدایی است زیبا و زیبایی را دوست دارد چرا که خالق زیبایی است و صرفا مفهوم زیبایی است که در نظر اسلام معنایی دیگرگونه دارد لذا هنرمند مسلمان با تمرکز بر مفاهیمی چون هندسه و انتزاع که به ترتیب نماد نظم الهی در خلقت هستی و قدرت درک و تصور بشر زمینی برای مفاهیمی غیر زمینی است، آثاری را خلق کرده است که مهم ترین وجه تمایز آن با سایر فرهنگ ها و تمدن ها به خصوص تمدن های غربی همانا ابراز و انتقال مفاهیمی متفاوت و الهی است که همواره نزد ابناء بشر در دوران های تاریخی وجود داشته است.

بنابراین می توان گفت هدف از تزئینات در معماری اسلامی علاوه بر زیبایی، القای مفاهیمی چون نظم و وحدت وجودی است که در قالب نقوش هندسی و انتزاعی مانند اسلیمی ها، رنگ های خالص و درخشان (فیروزه ای، طلایی و ...)، خوشنویسی و کتیبه نگاری آیات قرآنی دیده می شود که به تناسب محل مورد استفاده در بنا به القای مفاهیم مذکور کمک می کند. مهمترین عناصر تزئینی در معماری اسلامی شامل خط و خوشنویسی، نقوش گیاهی و هندسی (اسلیمی)، نور و آب است که در ذیل به آن ها به صورت مختصر پرداخته می شود.

۱- خط و خوشنویسی

خط، ابزار ثبت کلام الهی جهت قرائت بشر است لذا خوشنویسی مهمترین هنر در دنیای اسلام است و تقریبا تمامی بناهای اسلامی مانند مساجد، تکایا، کاروانسرا و حتی در سر در منازل مسکونی هم بکار گرفته شده است.



تأثیر حکمت‌های پنهان در معماری ورودی مسجد شیخ لطف الله

مهندس سید محمد حسین میرهاشمی



مقدمه:

از آن هنگام که اولین مسجد برای مسلمانان در زمین به دست مبارک حضرت رسول ساخته شد، زمان زیادی می‌گذرد و در طول این زمان مساجد با گسترش اسلام و درآمیختن فرهنگ‌های متفاوت، گسترش فرق اسلامی اشکال متفاوتی به خود گرفته‌اند، کاربری‌های زیادی نیاز بدانها اضافه گردیده و به شکل کانونی اجتماعی درآمده‌اند، که بیشتر اتفاقات و حوادث از دیرباز در این کانونها، تأثیرات اجتماعی از خود به جا می‌گذاشته‌اند.

ایرانیان با قدمت چند هزار ساله یکتاپرستی در این فلات و بناهای بسیار از پرستشگاه‌ها ۴ و نگاه خاص آنها به خدا در پرستشگاه‌های خود تمام تلاش را در هر چه زیباتر جلوه دادن آن به کار می‌بسته‌اند و می‌بندند و این ذهن هر انسان کنجکاوی را به چالش می‌کشد که آیا این همه زیبایی با گذر این همه زمان آیا می‌تواند فاقد فلسفه صحیحی نباشد آیا امکان دارد؟ در اسلامی که برای رفتن به مسجد هم توصیه دارد.

با غریب کردن تمام این تفکرات و گذر از تمام ادوار تاریخی در دوره ای به انسجامی بسیار زیبا در معماری ایران می‌رسیم که خود سبک شهرسازی دارد که بعد از اسلام در ایران به شکل واقعی از خود نمونه

ای نداشته‌است، سبک خاص معماری، تزئینات، نقاشی، گچ‌بری و... این دوره زمان حکومت صفویه است که معماری‌ها به شکل بسیار زیبایی با فرهنگ اجین شده و هر عنصری کاربرد خود را یافته‌است و با در نظر گرفتن زیبایی‌شناسی و اعتقادات اگر بخواهیم به ریشه‌ها برگردیم و خود را بازشناسی کنیم در معماری باید به این دوران رجوع کنیم و آن را به شکل کامل بشناسیم در مورد پرستشگاه نیز به واقع باید این مسئله اتفاق بیفتد که بنای بسیار مهم در پرستشگاه‌های اسلامی دوران صفویه مخصوصاً شاه عباس به سه بنا می‌توان رجوع کرد ۱- مسجد شیخ لطف الله ۲- مسجد امام خمینی (شاه سابق) ۳- مدرسه چهارباغ.

و به دلیل باز شناسی تاریخی و دلیل رسوخ عرفان و فلسفه در معماری در زمان صفوی گذری به آن دوران و تفکرات، عارفان به همراه اشارات دیگری پیرامون آن دوران خواهیم داشت.

محل قرارگیری مسجد شیخ لطف الله:

مسجد شیخ لطف الله در ضلع شرقی میدان امام، یا نقش جهان سابق است که از بامصماترین نامهاست.

حکومت سازنده این میدان از حکومت‌های مقتدر تاریخ بعد از اسلام ایران است و بنیانگذار تفکر در غالب دین رسمی تشیع در این فلات که با تمام ابزار در این راه تلاش نمود.

علمای معذب:

ولی در دنیای شریعت شیعه وضعیت پیچیده‌ای گردید و اعتقادات اسلامی تشیع دو اعتقاد فکری بسیار متفاوت از نظر ریشه‌ای در آن زمان در جریان بود و دارای و که هر یک دیگری را نفی می‌کرد دو طرف این مخاسمه یکی رجال حکومتی و خود شاه که اعتقاد به تصوف



داشت و دیگر تفکرات علمایی چون ابن عربی، شیخ الشراق، شیخ بهایی، میرداماد، میرفندرسکی و ملاصدرا بود. توضیح این مخاسمه و اتفاقات آن در راستای پرداختن این مقاله بدان نیست و ما به نتایج آن اکتفا میکنیم. در این گیرودارها متفکران شریعتگرا که امروزه آنان را فلاسفه با مشرب مشرقی (فلاسفه شرق) میخوانیم که تفکرات خود را مورد مناقشه می دیدند.

اعتقاداتشان را در لفافه علم فلسفه و عرفان پیچیدند و بامنطق که لازمه فلسفه است. آرایش دادند به صورتی که دیگر دشمنان آنها را دست آویزی برای به استیضاح کشیدن نبود فقط و در یک مسئله که صدرالمتهلین اعتقادات خود را تا حدی بیان نمود، ۸ که منجر به آوارگی و تبعید او گشت و دیگر متفکران نیز که اعتقادات خود را بیان می نمودند شرایط بهتری نداشتند و عمدتاً کشته می شدند مانند شیخ الشراق، سهروردی ولی چون این عالمان بصیرت از علمی بی نهایت عمیق برخوردار بودند و تنها آنان که بصیرت داشتند درباره آن مجال تفکر کردن می یافتند. امروز ما در پرتو تفکرات آنان زندگی میکنیم و از این دنیای علم به مقدار بسیار کمی به ما رسیده که آن نیز در پرتو تلاش اساتیدی چون علامه محمد حسین طباطبایی، علامه حسن زاده آملی، علامه محمد تقی جعفری، هانری کوربن، هانری استرلن و سید حسین نصر است که به مدارجی از ادراک آن نائل می شویم و در دیگر مسائل فقط تقلید می کنیم.

مسجد شیخ لطف الله:

مسجد شیخ لطف الله که از این پس آن را ما مسجد می خوانیم از با شکوه ترین مساجد ایران و جهان به شمار می آید که ما در این مقاله تلاش در شناسایی و آشکار نمودن تعدادی از این ویژگیها در فضای ورودی این مسجد داریم.

مسجد در روبروی ساختمان حکومتی عالی قاپو قرار دارد، ساختمان عالی قاپو با جلو آمدگی درمیدان و تسلط بر آن خود نمایی می کند و در صورتی که مسجد با عقب نشستگی لطیفی، از بدنه میدان آن را خالی می گذارد. دربهای بازار به این فضا باز می شود، برای ورود به مسجد باید پشت به ساختمان عالی قاپو کرد که نشانی از دل کندن از دنیا و گذشتن از آن برای ملاقات با خالق یکتاست.

این مسجد با تفاوتهای زیاد در ساختار و حجم هر بیننده را بسوی خود می خواند ما در این مقاله سعی در توصیف ساختار این بنا به شکل محض نداریم

و از این وادی سعی در گذشتن و رسیدن به محتوایی بس عالی را داریم پس به جای توصیف صورت به محتوای عمیق و ثیرت آن می پردازیم.

فضای ورودی:

در بدنه ورودی مسجد هیچ آیه ای از قرآن بر پیکره نقش نگردیده است و فقط خطوط اسلیمی کاشی کاری و نقشهای آن به چشم می خورد. و این نشانی از رحمت عام پروردگار است که بنده را در رحمت خود می پروراند. تا با تفکر به آن درجه رسد که خداوند و رحمت او را درک کند و خداوند او را از پس پرده حجاب عبور دهد.

قسمت ورودی دارای سه پله، سکوی ورودی، دو پله در پس آن و دری در انتهاست که تازه ابتدای راه است.

پله ها از جنس مرمر یادآور خاطرات بسیار دور دوران عالم ذر است و تعداد آن مراحل این عالم است پله اول حیات جمادی، پله دوم حیات نباتی پله سوم حیات حیوانی و سکوی ورودی شکل گیری انسان است قبل از دخول روح در پیکر او ۱۳ پله های در پس آن نیزاولی روح الهی است و دیگری روح نفسانی که پس از آن در به نشان از راه یافتن به دنیای بشریست.

راهروی ورودی به گنبد خانه و یا شبستان تابستانی:

بعد از گذشتن از در، فضای بسیار تاریکی است شیخ شهاب الدین سهروردی در باب این تاریکی اینگونه می گوید: «آن کس که این راه رود چون خود را در تاریکی ببیند، بداند که پیش از آن هم در تاریکی بوده است و هرگز روشنایی بچشم ندیده.

مدعی چشمه زندگانی در تاریکی بسیار سرگردانی بکشد اگر اهل آن چشمه بود بعاقبت بعد از تاریکی روشنایی ببیند، پس او را بی آروشنایی نباید گرفتن که آن روشنایی نور یست از آسمان برسرچشمه زندگانی اگر راه برد و بدان چشمه غسل برآرد از زخم تیغ بلارک ایمن گشت».

در ورودی به نشان عالم زاده شدن در این دنیای خاکیست، در حقیقت در نشانی از باب رحمت خداوند است، که می گشاید برای به نمایش کشیدن عظمت خود، در فقط در چارچوب نیست و می تواند پرده یا حجاب باشد که به شکل چهارطاقی هایی با گنبد در پیکره بنا خودنمایی می کند تا در شبستان ۷ مرحله باید طی شود که به شکل چهار طاقی هایی به نمایش گذاشته شده است.

این ۷ مرحله را به دو صورت می توان

مورد بررسی قرار داد، اول



خودت ای رحم کننده رحم کنندگان از امام باقر علیه السلام نقل شده است در شب معراج حضرت رسول به سوی آسمانها بردند، حضرت رسول رسید به بیت المامور موقع نماز شد و جبرئیل که بر او سلام باد اذان گفت و رسول ایستادند و نماز خواندند.

در سوره شمس اشاره به تزکیه نفس است برای انسان و تذکری به او که در این مکان (مسجد) فقط خدا را پرستش کند، در حدیث نیز اشاره به نماز حضرت رسول در بیت المعمور و اذان گفتن جبرئیل امین است.

نتیجه گیری:

پس در نتیجه سیر کردن از عالم ذر، هفت منزل عارفان، قسمهای یازده گانه و آیه اول سوره شمس در اشاره به تزکیه نفس و یا پاک کردن جسم و جان و تربیت این تن شریف آدمیست برای رسیدن به مرحله ای بس بالا که در شبستان باید به دنبال آن گشت.

با تمام استنادات و توضیحات داده شده پیرامون معماری ورودی مسجدشیراز لطف الله و تاثیر عرفان اسلامی می توان اینگونه دریافت که مباحث عرفانی حکمای قدیم ما بسیار عمیق و ریشه دارتر در بنیان فرهنگی ما جای دارد و ما از آن بی اطلاعیم و جای دارد به تلاش و کنش و کاوش بیشتری در آن دست بزنیم تا بیشتر و کاملتر فرهنگ معماری و خودمان را بشناسیم.

آنچه از کند و کاو در این بنا در زمینه معماری برمی آید ساده سازی عرفان سنگین اسلامی در حد کاملاً قابل فهم است با بنیان بنا در حقیقت چنان با مصالح، کار گردیده و آنها را صاحب مدارج کرده اند که هر لحظه آدمی خود را در سیر الی الله.

و راه رسیدن به معبود می بیند و این آن تذکری است، که طراح بنا برای خود و راه یافتگان به آن در نظر گرفته است و این فقط قسمت ورودی مسجد است و فضای خود گنبد خانه، آیات، احادیث، نورگیرها، خود گنبد، کاشی کاری زیر گنبد، اذکار بدنه خارجی گنبد، الم شنگه و کلمه الله روی آن همه در عرفان، معناهای سنگینی دارند که این نگارنده در تکاپوی یافتن این محتواهای عمیق است ان شاء الله.

هفت شهر عشق شیخ عطار در منطق الطیر و یا در نظر گرفتن کسرت در مراحل سلوک و وادی عرفان است.

وادی اول: طلب، وادی دوم: عشق، وادی سوم: معرفت، وادی چهارم: استغنا، وادی پنجم: توحید، وادی ششم: حیرت، وادی هفتم: فقر و فنا. این روش تزکیه است و این مرحله ای است که بنده پروردگار صاحب درجاتی می شود و از منازل گوناگون عبور می کند و از به عوالمی وارد میشوند که تا به حال برای آنها ناشناخته بوده است.

رواق ورودی رواق شمال شرقی:

در رواق ورودی رواق شمال شرقی سوره شمس، آیه ۱۸ سوره جن و حدیثی از امام محمد باقر (ع) به رنگ سفید در کاشی لاجوردی خطاطی گردیده است که مضامین بسیار عمیق را می رساند.

محتوی و فضیلت سوره شمس:

این سوره در حقیقت سوره (تهذیب نفس) تطهیر قلوب از پاکیهها و ناخالصیهاست، بر محور همین معنی دور می زند، منتها در آغاز سوره به یازده موضوع مهم از عالم خلقت و ذات پاک خداوند برای اثبات این معنی که فلاح و رستگاری در گروتهدیب نفس است قسم یاد شده و بیشترین سوگندهای قرآن را به طور جمعی در خود جای داده است.

تفسیر سوره شمس:

رستگاری بدون تهذیب نفس ممکن نیست سوگندهای پی در پی و مهمی که در آغاز این سوره آمده به یک حساب یازده سوگند و به حساب دیگر (هفت) سوگند است، و بیشترین تعداد سوگندهای قرآن را در خود جای داده، و به خوبی نشان می دهد که مطلب مهمی در اینجا مطرح است، مطلبی به عظمت آسمانها و زمین و خورشید و ماه، مطلبی سرنوشت ساز و حیات بخش.

ترجمه ادامه کتیبه آیه ۱۸ سوره جن و حدیث امام محمد باقر (ع):

مساجدی که در زمین ساخته شده همه برای خداست و با خدا احدی را نپرستید (نخوانید). راست فرمود خداوند بلند مرتبه و بزرگ و راست فرمود رسولش که بخشنده است. ما بر این مطلب شهادت می دهیم که خدا و رسولش راست می گویند برحمت





اذن ولی، در ازدواج موقت و دائم

✍ احمد عزیزی طلبه درس خارج فقه و دانشجوی حقوق

اساسا فلسفه قانون اذن پدر در ازدواج دختر چیست؟

طبق قانون، دختر باکره نمی‌تواند بدون اذن پدر یا جد پدری اقدام به ازدواج کند. سوالی که اغلب اوقات در این خصوص ایجاد می‌شود، این است که چرا تمامی افراد، چه دختر و چه پسر، بعد از رسیدن به سن رشد و بلوغ، در همه تصمیمات زندگی خود مختارند، اما دختران در موضوع ازدواج نیاز به اجازه پدر دارند؟

آیا فلسفه این اجازه تبعیض بین زن و مرد است یا قانونگذار با نگاه حمایتی به این موضوع اشراف داشته است؟ به نظر می‌رسد دلیل این‌گونه محدودیت‌ها حساسیت جنس دختران بوده است، نه تبعیض جنسیتی. اگر از منظر حمایتی بررسی کنیم، قطعاً قانون در این خصوص قصد حمایت و ارزش نهادن به دختران را داشته است.

در این خصوص سه نظریه در فقه وجود دارد.

نخست اینکه وقتی دختر بالغ می‌شود، به طور مستقل می‌تواند در موضوعات مختلف در زندگی خود، از جمله ازدواج، تصمیم‌گیری کند. بعضی از فقها نیز معتقدند که ولایت پدر بر دختر باعث می‌شود که رضایت پدر در تصمیماتی مثل ازدواج برای دختر دارای اهمیت ویژه‌ای باشد. نظر سوم بین این ۲ نظر است. قانون کشور ما نیز نظر سوم را پذیرفته است. با توجه به این نظریه، در بعضی از شرایط، دختر می‌تواند خودش به صورت مستقل در موضوع ازدواجش تصمیم‌گیرنده باشد، اما در بعضی از شرایط، لازمه نکاح صحیح دختر اذن پدر است. قانون کشور ما این شرایط را به طور کامل تعیین کرده است. ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی به این موارد می‌پردازد و شرایط کلی اذن پدر و رضایت وی در ازدواج دختر را شرح می‌دهد.

اگر پدر و یا جد پدری برخلاف میل دختر، با ازدواج او با فردی مخالفت کنند، تکلیف چیست؟

طبیعتاً از منظر حقوقی تاثیر این اجازه، عدم نفوذ عقد است؛ یعنی اگر دختر بدون اجازه پدر و جد پدری که ولی قهری وی محسوب می‌شوند ازدواج کند، ازدواج او غیرنافذ خواهد بود. بنابراین، در این وضع اگر بعد از ازدواج پدر یا جد پدری اجازه بدهند، ازدواج صحیح است، اما اگر اجازه ندهند و مخالفت کنند، طبیعتاً ازدواج از ابتدا باطل تلقی می‌شود. اما قانونگذار این فرض را در نظر گرفته که ممکن است پدر بدون دلیل موجه به ازدواج دختر مخالفت کند. در این صورت، راهکاری که قانونگذار تعبیه کرده، این است که دختر با مراجعه به دادگاه، به معرفی کامل و شرح ویژگی‌های فرد مورد

نظر برای ازدواج، میزان مهریه و همه مواردی که در ازدواج او تاثیرگذار است، می‌پردازد. در نهایت، پس از بررسی‌های لازم، ممکن است اجازه دادگاه جایگزین اجازه پدر شود.

در آخرین اصلاح ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی آمده است: «نکاح دختر باکره اگر چه به سن بلوغ رسیده باشد، موقوف به اجازه پدر یا جد پدری او است و هرگاه پدر یا جد پدری بدون علت موجه از دادن اجازه مضایقه کند، اجازه او ساقط و در این صورت دختر می‌تواند با معرفی کامل مردی که می‌خواهد با او ازدواج نماید و شرایط نکاح و مهری که بین آنها قرار داده شده، پس از اخذ اجازه از دادگاه مدنی خاص به دفتر ازدواج مراجعه و نسبت به ثبت ازدواج اقدام نماید.»

چه معیارهایی برای موجه بودن یا نبودن مخالفت پدر در نظر گرفته شده است؟

موجه بودن یا نبودن مخالفت پدر برای ازدواج دختر با بررسی علت مخالفت و تطابق آن با عرف جامعه مشخص می‌شود. در این زمینه دادگاه تصمیم‌گیرنده است و قاضی به نمایندگی از عرف در این باره اظهار نظر می‌کند.

آیا امکان دارد دخترانی نیاز به اذن پدر نداشته باشند؟ این دختران دارای چه شرایطی هستند؟

اولین موردی که باعث می‌شود اذن پدر در ازدواج دختر ساقط شود، این است که پدر بدون دلیل موجه به ازدواج مخالفت کند؛ یعنی دختر در شرایط نیاز به ازدواج به سر می‌برد و قصد دارد با شخصی که ویژگی‌هایش مورد تایید عرف جامعه است ازدواج کند، اما ولی قهری او بدون دلیل معقول و موجه، این اجازه را به او نمی‌دهد.

در این صورت، اجازه از وی ساقط می‌شود و دختر می‌تواند با حمایت دادگاه، ازدواج کند. البته لازم به ذکر است که ورود سیستم قضایی به حریم خانواده همیشه خوشایند نیست و اگر دختری با نظر خانواده خود مخالف باشد و با اجازه دادگاه ازدواج کند و خانواده در این تصمیم‌گیری مهم حذف شود، طبیعتاً این فرد از حمایت‌های بعدی خانواده خود در دیگر مراحل زندگی محروم خواهد شد. بنابراین نمی‌توان گفت با اجرای این قانون تمامی مشکلات تمام می‌شود، زیرا این یک جریان مستمر است و شایسته است حمایت دادگاه جایگزین حمایت خانواده نشود که یک حریم امن و مطمئن است، مگر اینکه شرایط خاصی ایجاد شده باشد.

غیبت ولی نیز باعث اسقاط حق او در این زمینه می‌شود. ماده ۱۰۴۴ قانون

سن قانونی ازدواج در ایران: با توجه به ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی ایران، سن قانونی ازدواج برای دخترها ۱۳ سال و برای پسرها ۱۵ سال شمسی است. تا قبل از انقلاب، سن قانونی ازدواج برای دخترها ۱۵ سال و برای پسرها ۱۸ سال بود.

ماده ۱۰۴۱
عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح.

ولی: کسی که به حکم قانون اختیار دیگری را در قسمتی از امور داراست
ولی قهری: ولایت پدر یا جد پدری نسبت به صغیر سرپرست یا قیم: شخصی است که مسئولیت مراقبت، نگهداری و تربیت محجوران بی کس را برعهده دارد

حضانت: حضانت کلمه ای عربی و در لغت به معنای پروردن است و در اصطلاح عبارت است از نگهداری مادی و معنوی طفل توسط کسانی که قانون مقرر داشته است

صغیر: صغیر در لغت از ریشه صغر، به معنای کوچک و خرد است و در اصطلاح به کسی می گویند که به سن بلوغ شرعی نرسیده است.

مدنی اصلاح شده در سال ۱۳۷۰ در این باره مقرر کرده است: «در صورتی که پدر یا جد پدری در محل حاضر نباشند و استیذان از آن نیز عاداتاً غیرممکن بوده و دختر نیز احتیاج به ازدواج داشته باشد، وی می تواند اقدام به ازدواج نماید.» مادر و سایر خویشان دختر نیز حق دخالت در نکاح را ندارند. وصی منصوب از سوی ولی قهری نیز از این حق بی بهره است.

شرایط سنی دختر در اذن ولی برای ازدواج

بعضی از کارشناسان و فقها معتقدند که اگر دختر به درجه ای از توانایی فکری رسیده باشد که خودش به تنهایی بتواند در مورد تمامی موضوعات ریز و درشت زندگی اش تصمیم گیری کند، در خصوص ازدواج هم نیاز به اذن ولی ندارد. بحث دیگر بحث سن رشد است.

زمانی که قانونگذار برای ازدواج دائم که پایدار و مشروع است ضرورت اذن پدر را لحاظ می کند، قطعاً در ازدواج موقت که ناپایدار و سست است و در جامعه نیز پذیرش چندانی ندارد، حتماً این اذن به طریق اولی باید وجود داشته باشد.

قانون قدیم مبنای رسیدن دختر به سن رشد را ۱۸ سال تمام تعیین کرده بود. در اسناد بین المللی نیز مبنای ورود به بزرگسالی ۱۸ سالگی است. اما در بحث سن و سال، قانونگذار نمی تواند سنی خاص را مشخص کند که بر فرض، دختر فقط تا آن سن مشخص نیاز به اجازه ولی داشته باشد. سن رشد با توجه به توانایی های مادرزادی و اکتسابی، محیط زندگی و بسیاری موارد دیگر، از فردی به فرد دیگر تفاوت دارد.

باید توجه کنیم که مخاطب قانون جامعه است، نه عده ای با شرایط خاص. اگر توجه قانون به عده خاصی باشد، باید تبصره ای را ارائه دهد. اما به طور کلی باید گفت که اگر دختری بخواهد در سنین بالا ازدواج کند و فردی هوشیار و عاقل و بالغ باشد، به صورت عرفی نیاز به اجازه نخواهد داشت.

تاثیر دائم و موقت بودن ازدواج در اجازه پدر

وقتی که از لفظی عام استفاده می شود، بر همه مصادیق دلالت می کند. در این مورد، قانونگذار در ماده ۱۰۴۳ واژه «ازدواج» را به کار برده که لفظی عام است و بنابراین شامل ازدواج دائم و موقت می شود. پس در ازدواج موقت هم اذن پدر ضروری است. دلیل دوم در این زمینه باز هم مربوط به فلسفه این حکم است که یک جنبه حمایتی برای دختران دارد.

زمانی که قانونگذار برای ازدواج دائم که پایدار و مشروع است ضرورت اذن پدر را لحاظ می کند، قطعاً در ازدواج موقت که ناپایدار و سست است و در جامعه نیز پذیرش چندانی ندارد، حتماً این اذن به طریق اولی باید وجود داشته باشد.

موارد سقوط اذن ولی در ازدواج

در بعضی از موارد، اعتبار اذن ولی ساقط می شود و دختر باکره می تواند بدون اذن پدر یا جد پدری خویش اقدام به ازدواج کند. چنین ازدواجی صحیح و نافذ است. این موارد عبارتند از:

- ۱- ولی در قید حیات نباشد.
- ۲- ولی حاضر باشد. اگر ولی مسافر یا غایب باشد، ولایت او ساقط و اذن او غیر لازم می شود.
- ۳- ولی باید اهلیت داشته باشد. پس ولی محجور حق دخالت ندارد.
- ۴- ولی باید در اذن دختر مصلحت شناسی کند، زیرا اختیار او محدود به مصلحت دختر است.
- ۵- ولی باید در رعایت مصلحت دلسوز باشد. ممانعت بی دلیل، ولایت ولی را ساقط می کند.



مراحل تعلیم، هدایت، ایمان و تقوا مذهبی

بخش دوم

دکتر محمد جهانفر عضو هیئت علمی دانشگاه تهران



در بخش اول این مقال به ذکر مقدمه، بیان مسأله، اهمیت تعلیم و هدایت، مفاهیم کاربردی جامعه شناسی و هدف ها اشاره کردیم. در اینجا با ذکر آماری از مخاطبین سواد و مومن پروری به لزوم اصلاح رابطه با خدا و خلق، و خدا و برخی از ویژگی های افراد مومن می پردازیم.

آماري از مخاطبين نشان ميدهد که در آغاز سال ۱۳۹۴ از حدود ۷۸ / ۲ ميليون جمعيت ايران ۹۹،۴ درصد جمعيت مسلمان اعلام شده اند. که به نحوی مخاطب این سخنان خواهند بود. باید دید چند درصد این مسلمانان با سواد مومن بالله می شوند. اگر حدود ۸۵ درصد از مردم کشور ما با سواد اعلام شده، با سوادان مذهبی چند درصد بوده اند و یا افراد مومن چند درصد با سوادان کشور بوده اند؟ گذشته از این وظیفه نهادهای آموزش دهنده برای همراه کردن مسئله با سواد با ایمان پروری چیست و چه اقداماتی ضرورت دارد؟ تا چه حد نیازمند به همکاری وزارت آموزش و پرورش و دانشگاه ها خواهیم بود؟! و تا چه حد؟! حوزه های علمیه کشور به برنامه مومن سازی جامعه کمک خواهند کرد.

سوالات این تحقیق در قرآن کریم عمدتاً در رابطه با تعالیمی بوده که موجب هدایت مردم مومن پروری افراد جامعه به خصوص جوانان می تواند باشد (مرجع ۱)

واژه های مرتبط با «آمنوا»، در قرآن کریم چشمگیر است. از جمله آنها «یومن بالله» در آیه ۲۵۵ سوره بقره که جزئی از آیت الکرسی است با «لااکراه فی الدین» آغاز شده و به «یومن بالله» به پایان میرسد که امید مجد این چنین به نظم آورده است.

در آیین حق نیست اجبار و زور | شده آشکارا ضلالت ز نور | پس آنکس که از سرکشی دست شست-بگردید مومن به ایزد درست | زده دست بر رشته استوار | که همواره دارد ثبات و فراز | گسستن نباشد چنان رشته را | سمیع علیم است حقا خدا

به این ترتیب سوال اصلی این تحقیق در مورد ویژگی های یک مومن است. که به موجب سوره مومنون قطعاً به رستگاری راه می یابند (قد افلح المومنون...).

چندی پیش در یک نشست مذهبی سخن از مسایل و مشکلات ارتباطی بین افراد و جوامع مختلف به میان آمد و به انبوه پرونده ها و اختلافاتی که در ادارات حل اختلاف و دادسراها انباشته شده است و یا اختلافاتی که بین کشورها رخ داده اشاره گردید. سخنران گرامی به لزوم برقراری اصلاح رابطه

با خداوند متعال و سپس اصلاح بین مردم اشاره کردند (مرجع ۲). بدیهی است اگر رابطه خود را با خداوند متعال اصلاح کنیم همه کارها را برای رضایت خدا انجام خواهیم داد و حداقل تخلف به شکل ارادی نخواهیم داشت. لهذا از جمله نشانه های مومن عبارت است از:

اصلاح رابطه با خدا و خلق خدا: توصیه های رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار از جمله (اوصیکم به تقوی الله و نظم امرکم، و اصلحوا ذات بینکم) یا رفع اختلاف بین مردم که به فرموده پیامبر اکرم افضل من عامه صلا و صوم، و اصلاح دادن و تنظیم امور بین مردم کارهای اصلی یک مومن است که ثوابش از نماز و روزه مستحبی به مراتب بیشتر خواهد بود.

ویژگی های مومن

بخشی از نشانه ها و ویژگی های افراد مومن به شرح زیر است.

۱- ایمان اثر گذار موجب اصلاح رابطه با خداوند و اصلاح بین مردم

می شود و موجبات امنیت اجتماعی را فراهم می سازد.

۲- گذشته از تنظیم رابطه با خداوند و اصلاح مابین قشرهای مختلف مردم و نهادهای (خانواده، محیط آموزشی و معاشرتی مختلف) دومین ویژگی های یک فرد مومن شوق به الوهیت است.

بیابند روزی و رزق نیکو | به باغ بهشت عدن روبرو

۱۰- در مورد دهمین صفت مومن که قلبش با یاد خدا به تشویش می افتد در آیه ۳۵ سوره حج به بردباری در برابر خواست خداوندی اشاره شده به نظم آمده است که: کسانی که چون یاد یزدان کنند | هراسان نگردند و زانو زنند | صبوری نمایند اندر بلا | اگرچه بود سخت رنج و عنا

۱۱- ویژگی های مومن در استمرا نماز است. همیشه بدارند بر پا نماز | بیابند بر درگهت با نیاز

۱۲- مومن بخشنده است از رزقی که ایزد بر ایشان نهاد | نمایند انفاق و بخشش زیاد

۱۳- سیزدهمین ویژگی مومن خضوع و خشوع در هنگام نماز است؛ همه مومنان به پروردگار | بگشتند فیروز و هم رستگار | که هستند خاشع به وقت

نماز | ز باطل سخن میکنند احتراز

۱۴- چهاردهمین صفت مومن احتراز از سخن بیهوده و باطل است. (عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ) (سوره ۲۳: المؤمنون آیه ۳)

۱۵- پانزدهمین ویژگی مومن پرداخت حقوق الهی و زکات است که: چو هستند زنده به دور حیات | ببخشند از ثروت خود زکات

۱۶- شانزدهمین صفت مومن احتراز از بی بند و باری و ارتباط حرام است که به نظم آمده:

کسانی که اندام و تن را مدام | بدارند باز از امور حرام | به جز از برای کنیزان و زن | که عیبی نبوده است از این سخن | بر آنکس که جز از زنان حلال | ز دیگر زنی باز جوید وصال | همانا شقی و ستم پیشه است | که بر این چنین کار آورده دست

۱۷- صفت هفدهم مومن امانت داری است. والذین هم لاماناتهم راعون

۱۸- هجدهمین صفت مومن رعایت قول قرار است که به پیمان و عهد امانات خویش، گرفتند راه وفا را به پیش.

۱۹- صفت نوزدهم مومن رعایت آداب نمازهای یومیه است (ترتیل). کسانی که همواره با اعتزاز (عزت مندی)؛ حفاظت نمایند خود از نماز

۲۰- در فرازی که قبل از اذان مومنین میگویند: « لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلَّ وَ كَبَّرَهُ تَكْبِيرًا »، «سبحان الله و الحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر»

مومن نه تنها به خدای لایزال توکل نموده سپاس خدایی که فرزند و شریکی در دو جهان ندارد به جا می آورد بلکه تسبیحات چهارگانه برای منزّه بودن،

امیرالمومنان در دعای کمیل می

فرماید الهی صبرت علی عذابک،

فکیف اصبر علی فراغک، فرض

میکنم که در عذاب تو صبور باشم

چگونه میتوانم از تو جدا بمانم. در سوره

انفال هم آیه ۲ تا ۴، از جمله صفات مومن آمده است.

۳- با یادآوری خداوند قلب مومن با تشویش و

شوق و فرونی ایمان قوت میگیرد.

۴- از برگزاری نماز لذت برده خشنود میشود.

۵- از روزی خداوندی دلشاد است.

۶- در هر کار به خدا توکل میکند که در نظم آمده است ؛

کسی هست مومن که چون در میان رود نام و ذکر خدای

جهان | هراسان نگردد دلش ز آن کمال | که دارد همین ایزد

ذوالجلال | برآنان چو خوانند آیات رب | فزون گردد ایمانشان

در طلب | در انجام هر گونه اعمال و کار | توکل نمایند بر کردگار

۷- در مورد اخلاص در نماز که ویژگی هفتم مومن است آمده :

کسانی که در دل به وقت نماز | به اخلاص آرند رو بر نیاز

۸- ویژگی هشتم انفاق است. از آن رزق کایزد به ایشان نهاد | نمایند

انفاق و بخشش زیاد (امیر مومنان در حین نماز انگشتی انفاق کرد)

۹- در مورد صفت نهم مومن میگوید: به تحقیق این مردم مومند | به یکتا

خداوند خود موقند | چه والا مقامند نزد خدا | برآنهاست آمرزش حق روا |

در جمع باید گفت واژه «آمنوا» و مشتقات متنوع آن که در مواردی به واژه امنیت نیز اشاره دارد به بیش از ۵۵۰ مورد می رسد. برای مثال انجام وضو یا شستشوی صورت و دستها قبل از شروع نماز (آیه ۶ مائده) یا شهادت برای برقراری عدالت از نظر معاشرتی (آیه ۸ مائده) تاکید شده و جنبه مثبت دارد ولی در مواردی مثل «الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» (آیه ۱۲ انعام) که افراد بی ایمان را پاک باخته اعلام کرده اند و بی ایمانی را یک لفظ منفی بر شمرده اند.

ناگفته نماند که با ذکر نکات فوق صرفا به یک نوع ترجمه سطحی اشاره شده است و در ترجمه، شخصیت‌های مشهور ما همچون مرحوم علامه طباطبایی هر واژه در محل های مختلف مفاهیم جالبی دارد که غور در اینگونه مفاهیم از آرزوهای بنده نا قابل است.

نتیجه گیری، به کارگیری روش های سمعی و بصری و علوم تربیتی برای آموزش عمیقی که موجب نگرش و هدایت افراد مسلمان و گرایش مذهبی و عمل به تقوا و پرهیزگاری افراد مومن شود اساسی است، به این ترتیب افراد مومن و متقی که امنیت جامعه را تضمین میکند، سلامت معنوی و فرهنگی برای کشور ما مساعد خواهد شد. با تقویت این سلامت معنوی فرهنگی، به سلامت جسمانی، سلامت روانی و سلامت اجتماعی که از ارکان مورد توجه سازمان بهداشت جهانی هستند می رسیم و زمینه توسعه جامعه ما فراهم خواهد شد که باز هم تأکیدی می کنیم با علم و دانش بیشتر نعمت توانمندی خدادادی خود را مقتنم شمرده از قوه به فعل می رسانیم که این وظیفه ما است زیرا که شکر نعمت، نعمت افزون کند و کفر نعمت از کف بیرون کند. ذهن پرورش یافته مجتهدین، مخترعین به همراه خلاقیت های علمی مستمر زمینه ساز رشد و تعالی اجتماعی کشور ما نیز خواهد شد. مآخذ و منابع:

۱- آیت الله هاشمی تبریزی با ذکر لزوم خلوص مومن در هنگام نماز که خود هم عمل میکنند انگیزه نگارشی این مقاله را فراهم کرده اند.

۲- حجت الاسلام و المسلمین حاج حسن ابوترابی که با مثال ها و دلایل متنوع هر شنونده ای را مشتاق به ادامه این مقوله می ساختند انگیزه ای برای انتخاب موضوع ویژگی های مومن را فراهم کردند.

۳- محمد فواد عبدالباقی، کشف الايات، المعجم المفهرس من الفاظ قرآن الکریم

۴- ترجمه منظوم از امید مجد

۵- محمد جهانفر، دانش خانواده سالم.

۶- دکتر به پڑوه، دکتر جهانفر، گزارش تحقیق چگونه جوانان را به مساجد جذب کنیم.

سیاسگزاری، بی همتایی، و عظمت الهی را اعلام میکند. به این ترتیب نشانه های مومن ۱- اصلاح رابطه با خدا و فی ما بین مردم، ۲- شوق به وصول خداوند است، ۳- یاد خدا قوت قلب میدهد ۴- لذت بخشی نماز ۵- دلشادی از روزی خداوندی ۶- توکل دائم به خدا ۷- توجه و خلوص در نماز ۸- ایمان به وحدانیت خدا ۹- بخششش از رزق خود به دیگران ۱۰- صبوری در برابر خواست الهی (که حسین (ع) مظهر آن بوده است) ۱۱- رعایت استمرار و موالات نماز ۱۲- بخشندگی زیاد مومن ۱۳- خضوع و خشوع در نماز ۱۴- احتراز از سخن بیهوده و باطل ۱۵- پرداخت حقوق الهی و زکات ۱۶- احتراز از ارتباط جنسی حرام ۱۷- امانت داری ۱۸- مراعات قول و قرار (کتبی یا شفاهی) ۱۹- رعایت آداب نماز یومیه ۲۰- اعتقاد و تکیه به خدای و سیاسگزاری دایم با ذکر تسبیحات تقرب جویانه.

همانطوری که ملاحظه کرده ایم برگزاری نماز صحیح و درست از جمله ویژگی های اساسی یک مومن است که در قرآن کریم تاکید فراوان شده است. باید بررسی کنیم که هر یک از نشانه های مومن بالله اول: چگونه (با آموزش موثر) و چرا به دلایل روانشناسی تربیتی دوم: چه وقت (در سنین نوجوانی) و چرا زیرا که جوانان سخت مورد علاقه خداوند اند. (و ذهن نوجوان فعال است «الْعِلْمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ» سوم: کجا و در چه مواردی (در خانواده، مدرسه، مسجد و بازار کار) و چرا؟ زیرا که این نهادها مراکز معاشرتی هستند. چهارم: توسط چه کسانی (معلمین متعهد و ورزیده) و چرا؟ زیرا که ذات نایافته از هستی بخش، کی تواند که شود هستی بخش پنجم: چگونه (با بهره گیری از آخرین روش های ارتباطی زمان کنونی) و چرا که امروزه وسایل ارتباط جمعی وسعتی جهانگیر یافته است. و چرا دلایل لزوم اعمال این روش های علوم تربیتی این است که این روش های آموزشی و سمعی و بصری کردن آموزش به تاثیر بیشتر آموخته ها در نگرش و رفتار مناسب می انجامد.

از نظر روانشناسی اجتماعی در موارد متعددی فرد مومن در عمل به فکر مشروعیت یا حلال و حرام های ذهنی خود می افتد، که عملا نشانه هایی از بکارگیری ایمان در عمل به تقوا بروز می کند. برای مثال در یک لحظه اتفاقی دیدن صورت زن نامحرمی بدلیل عمق تعلیمی که موجب نگرش مذهبی ما شده بلافاصله چشم خود را می بندیم، زیرا که به باد لزوم بستن چشم از نامحرم افتاده آیه ی از قرآن تداعی شده که «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ» و «قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ» در این صورت به این فکر می افتیم که وقتی لازم بوده زن و مرد مومن چشم از نا محرم بپوشند. اجتناب از دیدن نامحرمان خود نشانه ی ایمان است زیرا که اغلب روابط چشمی است که به احتمال معاشرتی می انجامد (همچنان که در بند ۱۶ نیز گفتیم فقط معاشرت با زنان حلال یکی از نشانه های مومن است)

نکاتی در رابطه با تربیت فرزندان

مهندس سحر افلاکی

توجه به برخی از مسائلی که در ادامه می آید می تواند تا حدودی در تربیت فرزندان کارساز باشد:

کودک ترسو و خجالتی

اغلب کودکان از افراد غریبه ترس دارند، اگر کودک شما نیز دچار این ترس می باشد راه حل اینست که این مشکل کودک را با اطرافیان در میان بگذارید تا بدانند اگر کودکان با آنها بازی نکرد و یا حتی نگاهشان نکرد به آنها برنخورد. زمانی که کودک در مجاورت غریبه ها یا حتی دوستانان قرار می گیرد به او وقت بدهید تا با شرایط جدید خودش را وقف بدهد. هرگز او را به سلام دادن بوسیدن یا در آغوش دیگران رفتن مجبور نکنید (شما تنها می توانید با تکرار این آداب در مقابل فرزندان باعث نهادینه شدن آن در وی شوید). به فرزند خود برجسب خجالتی ننزید و در مقابل دیگران راجع به کمرویی وی صحبت نکنید، کودکان خجالتی در برابر قضاوت دیگران حساس هستند و بیش از قضاوت های منفی به قضاوت های مثبت نیاز دارند. هر چه شما با او بیشتر صحبت کنید برقراری ارتباط با دیگران نیز برایش آسانتر خواهد شد.

فرزند میوه ی شیرین درخت زیبای زندگی زوجین است. اکثر ما دارای این ماحصل عشقمان یعنی فرزند هستیم و یا خواهیم شد. تربیت فرزند امر بسیار حساس و مهمی ست والدین و اطرافیان کودک مسئول رشد او هستند و هر اشتباه یا کوتاهی در این زمینه پیامدهای منفی کوچک و بزرگی در آینده ی کودک به دنبال خواهد داشت. مسئله ای که بسیار حائز اهمیت است، رشد روحی، معنوی و شخصیتی کودک می باشد. والدین بیش از هر چیزی نگران خوراک، پوشاک و تحصیل فرزندان هستند، آیا با خود اندیشیده اید که فرزند عزیزتان علاوه بر غذای جسم، به غذای روح و آرامش روان نیاز دارد؟ چنانچه این مهم در فضای گرم و صمیمی خانواده برایشان فراهم نشود، فرزند دچار کمبودهایی میشود که برای رفع آنها به سوی اعمالی چه بسا انحرافی و افرادی اغلب ناباب کشیده می شود، که نه تنها موجب پرکردن خلاء های موجود نمیشود بلکه وارد کارها و راه های بدون بازگشت میشود.

دقت کنید کودک شما آینه ی رفتار شماست، هر آنچه که از کودک خود انتظار دارید را ابتدا در ذهنتان نهادینه کرده و عملاً در رفتارتان انجام دهید. اگر میخواهید فرزندی با اراده و موفق داشته باشید باید خودتان انسانی موفق، حداقل در محیط خانه باشید، دقت کنید که در این مسیر صبور، انعطاف پذیر و رو به رشد باشید.



كودك و خدا

پیامبر خدا(ص) نگاهشان به چند کودک افتاد و فرمودند: وای بر فرزندان آخر زمان از دست پدرانشان! عرض شد: ای پیامبر پدران مشرکشان؟! پیامبر (ص) فرمودند: نه، بلکه از دست پدران مومنشان که هیچ یک از واجبات دینی را به آنان نمی آموزند و چون فرزندان، خودشان بخواهند بیاموزند، آنان را باز میدارند و در برابر آن به بهره ای اندک از دنیا خرسند می شوند. من با چنین پدرانی بیگانه ام و آنان نیز با من بیگانه اند. (راشدی ۱۳۷۸)

به یاد داشته باشید که رشد معنوی فرزندان، در موفقیت و آرامش آنها بسیار موثر است. از همان ابتدای کودکی فرزندان به صورت فطری علاقه مند به معنویات است. برای مثال همه ی ما شاهد اشتیاق کودکان به نماز خواندن بوده ایم. طبق آموزه های قرآن و فرمایشات بزرگان دینی، والدین موظف هستند تا واجبات را به فرزندان آموزش دهند. به کودک خود به صورت مداوم و سلسه وار متناسب با توانایی اش آموزش دهید. به عنوان مثال آموزش نماز بسیار سفارش شده است، شما میتوانید ابتدا با آموزش حرکات نماز آغاز کنید، از کودک بخواهید در کنار شما بایستد و هماهنگ با شما حرکات را انجام دهد، خود او نیز بسیار علاقه نشان خواهد داد. سپس زمانی که کودکان توانایی یادگیری جملات عربی را داشت جملات کوتاهی مانند لا اله الا الله را به او آموزش دهید و در نهایت سوره های کوتاه از قرآن کریم، تا اینکه کودک به طور کامل نماز را یاد بگیرد. به او آموزش دهید که چگونه دعا کند، خواسته ها و آرزوهایش را از خداوند طلب کند و برای نعمتهایش شکرگزار باشد. شخصی که تکیه گاهش خداوند باشد و پیوند محکمی با خداوند داشته باشد موفق، مهربان، بخشنده، سازگار، عادل و... به طور کلی فرزند و انسان صالحی خواهد بود.

رعایت عدالت میان فرزندان

پدری با دو فرزند خود شرفیاب محضر رسول اکرم (ص) شد، یکی از فرزندان خود را بوسید و به فرزند دیگر اعتنایی نکرد. پیامبر که این رفتار (نادرست) را مشاهده کرد به او فرمود: چرا با فرزندان به طور مساوی رفتار نمیکنی؟ (مکارم الاخلاق ص ۱۱۳)

اگر بین دو فرزندان درگیری و مشکلی پیش آمد، هیچگاه جانبداری نکنید، زیرا در این حالت فرزند دیگران به این نتیجه میرسد که والدین من، خواهر یا برادرم را بیشتر از من دوست دارند و من برایشان بی ارزشم. بهترین عکس العمل این است که رفتار کلی را محکوم کنید، به عنوان مثال اگر گفت: الف سر من فریاد زد! نگویید الف چرا فریاد زد؟ بلکه خطاب به هر دویشان بگویید فریاد زدن کار خوبی نیست. به مساوات محبت کنید، اجازه ندهید هیچ یک از فرزندان حس طرد شدن و یا دوست داشتنی نبودن داشته باشد.

تنبیه یا تشویق

همواره کودک را بدلیل رفتار غلطش تحت فشار قرار می دهید تا تغییر کند اما روش تغییر کردن و رفتار درست را به او آموزش نمی دهید. شاید تنبیه بتواند موجب بازداري کودک از رفتار نامطلوبش شود، اما به اندازه ی تشویق آگاهی نمی دهد. شما در تنبیه این پیام را تکرار میکنید «این کار را انجام نده» و نمی گوید که دقیقاً چه کاری انجام شود. در نتیجه کودک رفتار نامطلوب دیگری را جایگزین رفتار تنبیه شده می کند. اما در تشویق، پیام «این کار را انجام بده» تکرار می شود و کودک به طور واضح میداند که چکار کند. در صورتی که کودک شما کار اشتباهی انجام میدهد ابتدا با لحن آرام تذکر دهید که از آن کار ناراحت هستید نه از خود کودک، و سپس روش صحیح را به او آموزش دهید. فریاد کشیدن بر کودک باعث آسیب مغزی می شود و نتایج آن در بزرگسالی اضطراب، پرخاشگری، افسردگی، اختلال شخصیتی و حتی خودکشی یا دگرکشی و... خواهد بود. بعضی جملات را هرگز به کودک نگویید: می دارمت و میرم! چرا نمیتونی شبیه فلانی باشی؟ بگو ببخشید! ببند دهن تو! میگم آقا گرگه بیاد بخورت! و... با این کار شما حس ترس، منفور بودن، خوار بودن، خوب نبودن و... را در او ایجاد می کنید و اعتماد به نفس و عزت نفس کودک به شدت خدشه دار می شود.

حق انتخاب كودك

به کودک خود حق انتخاب بدهید، به او اجازه دهید لباس، غذا و اینکه می خواهد چه نوع فعالیتی داشته باشد را خودش انتخاب کند، با این کار او خود را بزرگ، مهم و مورد اعتماد حس میکند. برای این کار می توانید بخواهید فرزندان بین دو یا سه چیز که شما ترجیح می دهید و در عین حال برای



باید پیوسته و مداوم تلاش کند.

کتابخوانی: بهترین راه برای تشویق کودک به مطالعه و یادگیری این است که والدین در خانه و در حضور فرزند دقیقی از روز را به مطالعه بپردازند. این تصویر در ضمیر کودک نهادینه خواهد شد و خودش تمایل به مطالعه نشان می دهد. متناسب با سن و توانایی کودک از کتاب داستان بدون متن، کتاب داستان شعری و... استفاده کنید، به همراه

کودک کتاب را ورق زده و گوینده ی محض نباشید و کودک را به چالش داستان دعوت کنید تا در کنار تفریح، یادگیری نیز صورت گیرد. نظر کودک و یا حدسش راجع به اتفاقات صفحه ی بعد را بپرسید یا اینکه نقاشی ها، موجودات و رنگ های به کار رفته در کتاب را نام ببرید و یا در نهایت از کودک بخواهید داستان را بازگو کند.

بازی تقویت حافظه: از کودک بخواهید برایتان کتاب بخواند، آواز و شعر بخواند، فیلم یا انیمیشن که تماشا کرده تعریف کند و نشان دهید که مشتاق شنیدن او هستید.

ساعات استفاده کودک از تکنولوژی (تلویزیون، تبلت، موبایل، بازی های رایانه ای و...) را محدود کنید. دقت کنید خودتان نیز شامل این قوانین هستید.

محبت والدین

هرگز به خاطر کودک با همسران مشاجره نکنید، در این صورت کودک احساس گناه و مسئولیت خواهد داشت. در تربیت فرزند با همسران در یک روش معین به توافق برسید، دوگانگی بین پدر و مادر کودک را سردرگم می کند و در نهایت کودک به والدی پناه میبرد که خواسته هایش آسانتر است. کودک را با همسران تهدید نکنید «بذار بابا بیاد بهش میگم» با این جمله شما بی کفایتی خود را در کنترل کودک به او نشان می دهید و از پدرش او را می ترسانید. این کار باعث ایجاد مشکل درونی در کودک با پدرش می شود و صدمات جدی در روان کودک در پی خواهد داشت. فرزندتان را ببوسید و نوازش کنید. پرخاشگری او کاهش میابد، انرژی های کاذبش تخلیه می شود، رابطه عاطفی بین شما و فرزندتان تقویت میابد، کودک احساس امنیت بیشتری میکند، هنگام بوسیدنش میتواند سفارش های تربیتی و آموزشی را به او گوشزد کنید زیرا در این موقعیت همکاری کودک بالاست.

او نیز جالب است، انتخاب کند. اگر کودکان دوست ندارد او را بغل کنید و ببوسید، به زور این کار را انجام ندهید، زیرا به این نتیجه می رسد که من مهم نیستم و احساس و خواسته ی من، تحت تاثیر احساس و خواسته ی دیگران خواهد بود و همین امر باعث میشود در آینده خواسته های خود را نادیده بگیرد و در برابر اجبار و سواستفاده های دیگران مقاومت نشان ندهد.

تفریح و بازی کودک

والدی که با کودک بازی می کند، بدون کلام به او می گوید که دوستش دارد. **بازی پریدنی:** بالش خانه به چه درد می خورد؟ می توانید چند بالش روی زمین قرار دهید، مثل سنگهای رودخانه تا فرزندتان روی آنها بپرد و به بازی شور و هیجان دهید و بگویید اگر زمین بیفتد خیس می شود.

بازی هماهنگی حواس و اعضا: پرت کردن های هدفدار مانند شوت کردن، بسکتبال، دارت و...، حتی میتوان یک سطل گذاشت و با روزنامه باطله گوله درست کرد و داخل سطل یا سبد پرتاب کرد.

بازی در پارک: پارک فقط تاب و سرسره نیست، سایه بازی یکی از جذابترین بازیها برای کودکان است. در فضای پارک می توانید برای تقویت روابط اجتماعی فرزندتان از وسایل بازی جمعی استفاده کنید تا کودک با هم سالان خود در تعامل قرار گیرد، با این کار شور و هیجان کودک دوچندان خواهد شد.

بازی و مهارت های زندگی: با فرزندتان پیاده به خرید بروید، چه اشکالی دارد که کیسه های خرید را نفس زنان همراه فرزندتان به خانه بیاورید تا تلاش و تقلا در زندگی را حس کنند. در کارهای خانه (کارهای سبک و در توان کودک) او را مشارکت دهید، این کار خیلی خوب انرژی کودک را تخلیه می کند و حس کارآیی و اعتماد بنفس را بالا می برد.

خاک بازی: برای کودک گلدان هایی تهیه کنید (حتی میتوانید برای اینکار از بطری های خالی نوشیدنی استفاده کنید) و گوشه ای از خانه یا حیاط را به آنها اختصاص دهید، به کودک کاشتن را آموزش دهید برای مثال حبوباتی همچون لوبیا، عدس و...، گل های خانگی و یا هر آنچه که مورد پسندتان است. او را تشویق کنید روزانه دقیقی را به گیاهانش رسیدگی کند تا رشدشان را ببیند، با رشد آنها اشتیاق و انگیزه کودک بیشتر می شود. با این کار زیبا و ساده یاد می گیرد برای موفقیت در اهدافش و به ثمر رساندنشان



لزوم سلامت فرهنگی و معنوی

دکتر محمد جهانفر عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

مقدمه

تأمین سلامت فرهنگی و معنوی زمینه تجلی روحی و روانی مساعدی را فراهم میسازد. برنامه های مسجد جامع شهرک غرب آنچنان دلپذیر است که اگر پذیرش پیشنهادات نمازگزاران نیز دنبال شود به شکل الگویی برای دیگر مساجد و برانده سلامت فرهنگی و معنوی خواهند شد برای مثال همدلی و صمیمیت روحانیت با نمازگزاران، مراسم نام گذاری اطفال توسط حوزه علمیه مسجد، جلب علاقه نوجوانان به مسجد، فعال کردن کتابخانه مجهز، تجهیز درمانگاهی که قدرت پرداخت قشر پایین را منظور خواهند کرد و بالاخره برگزاری جلسات قرآن، وضع و خطابه از جمله مواهب این سلامت فرهنگی و معنوی می باشد. سیمای مسجدی منظم که در شب های قدر ماه مبارک رمضان پذیرای بیش از دو هزار نفر بوده است با ذکر دعای جوشن کبیر جناب آقای پیکری و سخنان سنجیده آیت الله هاشمی تبریزی شور و شوق خاصی را پدیدار ساخته بود. سخنرانی شب های قدر که به لزوم بخشندگی و گذشت مسلمانان نسبت به یکدیگر و خاصه حرمت والدین اشارت داشت. این سخنان پر محتوا آن هم در شب قدر موجب شد که با غور در قرآن کریم نه تنها در یک مقاله مروری بر شخصیت پیامبر گونه ی حضرت موسی (ع) و حضرت یوسف (ع) داشته باشیم و ارزش و اعتبار بخشندگی و حفظ حرمت والدین را به رشته تحریر در آوریم بلکه در مقاله دومی با یک دید جامعه شناسی اسلامی به ابعاد شخصیتی پیامبران دیگری چون ابراهیم خلیل (ع) و به دنبال آن استمرار نسلی پیامبری حضرت ابراهیم به اسوه حسنه ای که به بالاترین مکارم اخلاقی رسیده و خاتم النبیین لقب گرفته اشارتی داشته باشیم.

سازماندهی انواع سلامتی ها: از نظر سازمان بهداشت جهانی تأمین چهار نوع سلامتی که لازمه توسعه پایدار جامعه خواهند بود عبارتند از:

- سلامتی جسمانی (بهداشت و صحت بدن و رفع نارسایی های جسمانی)
- سلامتی روانی (قدرت و مدیریت حواس مختلف، عواطف، یادگیری و حافظه و ...)
- سلامتی اجتماعی (مدیریت و تنظیم ارتباط سالم با ارکان جامعه، خانواده، نهادهای آموزشی، اداری و اجتماعی و نیز کنترل اعتیاد و دیگر بد آموزی های اجتماعی)
- سلامتی فرهنگی و معنوی (مدیریت برنامه ریزی آموزشی برای تمامی

سلامتی ها و برای توسعه ارتباط با ماوراء طبیعه

مسلم این است که هر یک از انواع سلامتی های فوق در یکدیگر اثر گذاشته و از یکدیگر تأثیر می پذیرند.

جالب توجه اینکه نقش سلامت فرهنگی و معنوی به دلیل مدیریت برنامه ریزی آموزشی برای چهار نوع سلامتی و هم به دلیل ارتباط تنگاتنگ بین عابد و معبود بسیار سازنده تر است (پزشک قلبی به بیمار ایراد میگرفت که آیا واقعا زنده هستی جواب میداد بلی ارتباط معنوی با خداوند هنوز سلامت جسمانی و روانی و اجتماعی مرا حفظ کرده و زنده نگه داشته است).

چگونه سازمان دهی سلامتی ها موثرتر است: سوال این است که اگر با سلامتی فرهنگی و معنوی که در موسسات فرهنگی و معنوی شکل میگیرد مراحل تعلیم، نگرش، ایمان و بالاخره رفتار متقیانه ما شکل می گیرد (KAP که در مقاله قبلی ذکر شده) شکل می گیرد، پس چرا فساد و خیانت های مادی یا فرهنگی در کشورهایی چون هند، چین، ژاپن و کانادا کمتر ظهور میکرده است. گویی که برنامه ریزی های آموزشی این کشور ها در جهت سلامتی نهاد های خانواده، آموزش و پرورش، نهاد دولت و بالاخره معابد، کلیسا و مساجد آنچنان کنترل شده ک با هدف گیری تربیت صحیح افراد جامعه مدیریت مطلوبی را دنبال می کند و هرگز راهی برای کمترین دروغ، خیانت یا فساد اجتماعی شکل نمیگیرد (اگرچه از حیث روابط جنسی نقطه ضعف های بسیاری مشهود است) به این ترتیب قوانین سختی برای اجتناب از دروغ گویی، تخلف و کج روی ها به اجرا گذاشته می شود در حالی که لازم است در جامعه اسلامی ما از فطرت سالم افراد، تعقل و اندیشه های مکتوب پیامبران (کلمه الله) بهترین زمینه قانون سازی و اجرای جدی آن را دنبال کنیم تا زمینه های هر فساد ریخته کن کنیم.

برای آنکه بی شائبه سخن بگوییم در این مقام مثال حضرت موسی و حضرت یوسف را مطرح می کنیم و همچنان که اشاره کردیم در مقاله بعدی از حضرت ابراهیم و خاتم انبیاء سخن به میان خواهیم آورد.

در قرآن کریم اندیشمندانی که در پیشگاه الهی تقریبی یافته اند اغلب با نام انبیاء الهی مشهور گردیده اند (که از حیث کمیت به حدود ۱۲۴ هزار نفر بالغ شده اند ولی از نظر کیفیت و نتایج تلاش آنها برای تأمین سلامت جامعه و تقرب الهی نسبتا متفاوت بوده اند) اگرچه فلاسفه قدیم یونان و ایران باستان از قبیل سقراط، افلاطون و یا ابن سینا، خوارزمی و... ویا فلاسفه قرون وسطی از جایگاه مهمی برخوردار بوده اند. با این حال گویی که هر پیامبری از صفات الهی بیشتر بهره مند بوده کمک بیشتری به سلامت فرهنگی و معنوی

اهداء کرده بود ولی حرمت پدر را آنچنان که باید حفظ نکرده بود و هنگامی که قرار بود به دیدار پدر خود برود جمعی از ملتزمین حاکم مصر یوسف را همراهی کردند که همگی به استقبال پدرش یعقوب (ع) می رفتند اما با وجودی که حضرت یعقوب پیاده به سوی یوسف خود می رفت یوسف (ع) تصمیم گرفت پیاده شود و پدر خود را ملاقات کند ولی تحت تاثیر درباریون خود که وی را حاکم مطلق مصر معرفی کرده و پیاده شدن یوسف را در شأن عزیز مصر نمی دانستند، لهذا یوسف از بازدید متواضعانه از پدر خود محروم گردید که با مرکب خود به پدر نزدیک شده بود و به نوعی با غرور از پدر خود دیدن کرده بود، در حالی که احترام به پدر و مادر واجب می نمود. برای مثال در قرآن کریم آمده است: «ولا تقل لهما اف ولا تنهرهما و قل لهما قولا کریمًا. قل رب ارحمهما کما ربانی صغیرا»

به این ترتیب ترک یک امر واجب احترام به پدر موجب شد که ادامه نسل پیامبری از نسل حضرت یوسف قطع و به برادر بزرگتر مهربانی به نام لاوی که هم مانع کشتن یوسف شده بود و هم حامی برادر کوچکش بنیامین بود تفویض گردید بدین معنی که رعایت حقوق خویشاوندی لاوی و به خصوص حفظ حرمت پدر که از توصیه های الهی بوده است لاوی را به مقام استمرار نسل پیامبری رسانده است.

نتیجه گیری کلی این است که برای تامین سلامت فرهنگی و معنوی بهره گیری از فرهنگ اسلامی، فطرت الهی افراد، تعقل و کلمه الله و برنامه آموزشی سنجیده برای نهاد های خانواده، آموزش و پرورش، برای نهاد دولت و نهاد مذهبی ضرورت کامل دارد که با هدف اطاعتی که مآجور الهی است به همراه الگوی نیکوکاری در جامعه، بخشنده گی و گذشت و ایثار در راه سازندگی جامعه باشیم. حفظ حرمت اشخاص، خاصه والدین از جمله نکات ارزشمند قرآنی است که نقش اساسی در تامین سلامت فرهنگی و معنوی جامعه به جا می گذارد.

منابع و مآخذ:

- ۱- سخنرانی آیت الله هاشمی تبریزی در شب های قدر ماه مبارک رمضان سال ۱۳۹۴ خورشیدی
- ۲- التبیین الشریعه نقل از واعظ اصفهانی
- ۳- کشف الآیات المعجم الفهرس لالفاظه القرآن الکریم از محمد فؤاد عبدالباقی
- ۴- Health Improvment-UNFPA
- ۵- دانش خانواده سالم از دکتر محمد جهانفر هیأت علمی دانشگاه تهران

جامعه خود و تقرب بیشتری نزد پرورگار یافته است. از بندگان معمولی خداوند نیز آنان که در صوم و صلاة خود و یا در تقرب الهی کوشا باشند بهره روانی زیادی میابند برای نمونه در شب های قدر از بیش از یک هزار صفات الهی (جوشن کبیر) بهره مند هستند، هم مشمول عنایت پروردگار قرار خواهند گرفت و هم با به کارگیری صفات الهی به مصداق آیه شریفه: و جعلناکم خلیفة فی الارض در جهت جانشینی پروردگار و مدیریت جامعه خود برای تامین سلامت فرهنگی و معنوی پویا خواهند بود.

به موجب قصص قرآنی هر پیامبری که در اجرای فرمان الهی احتمال تعللی داشته باشد و یا صفات ارزشمند خداوندی را به اجرا نگذاشته باشد به نوعی متوجه لزوم بکارگیری صفات الهی گردیده است. (برای مثال استمرار نسل پیامبریش متوقف می گردیده است).

بخشنده گی، لازمه سلامت فرهنگی و معنوی است. یک قصه معروف قرآنی این است که قارون ثروتمند بلامنازع عصر حضرت موسی بوده است که اغلب اوقات موجبات ناراحتی موسی (ع) را فراهم می کرده است ولی حضرتش بنا به امر الهی شکیبایی پیش می گرفته است. اما هنگامی که تهمت ناسزای قارون را شنید، سخت پریشان شده و به خداوند متعال پناه برد و اجازه نفرین به قارون را اخذ نمود. وقتی قارون حضور یافت، موسی (ع) نفرین کرد و گفت: ای زمین به امر الهی قارون را در خود فرو بر، قارون که ابتدا بذله گویی را آغاز کرده بود با شکاف زمین متوجه شد که واقعا در زمین فرو می رود. فریاد بخشایش قارون به اوج خود رسید ولی حضرت موسی (ع) پذیرای بخشایش قارون نمی شد. ملائکه خطاب به موسی (ع) گفتند: خدایت فرموده است اگر به جای هفتاد بار طلب بخشایش از موسی فقط یکبار طلب بخشایش از خدا می کرد قطعا هلاک نمی شد و در قعر زمین فرو نمی رفت و مزه بخشنده گی مرا می چشید. گویی که قصور موسی (ع) در انجام بخشنده گی الهی موجب قهر الهی شده بود زیرا شایستگی موسی (ع) را نسبت به طلب مغفرت قارون و حالت اضطراری که عفو از موسی (ع) در کار نبود قهر آئین اعلام کرد که نسل پیامبری حضرت موسی قطع و استمرار پیامبری در نسل هارون قرار گرفت.

لزوم حرمت به خویشاوندان خاصه والدین بی احترامی به خویشاوندان و خصوص والدین موجبات قهر الهی را فراهم می سازد. به یاد داریم که در فیلم مستندی که به شکل سمعی و بصری از حضرت یوسف به نمایش گذاشته بودند علیرغم لطمات و زحماتی که برادران یوسف برایش فراهم کرده و حیاتش را به خطر انداخته بودند، در هنگام قحطی که یوسف (ع) حاکم مصر بود سهم لازم از غله را به خویشاوندان خود اگر چه وی را نمی شناختند



خودشیفتگی

خودشیفته در اصطلاح به کسی گفته می‌شود که خیلی عاشق خودش باشد. اگرچه «دوست داشتن خود»، ویژگی مطلوبی است ولی زیاده‌روی در «دوست داشتن خود»، باعث به‌وجودآمدن مشکلاتی می‌شود که این نه‌تنها خود فرد بلکه اطرافیان او را هم می‌آزارد. خودشیفتگی (نارسیسیسم) می‌تواند یک مانع‌جدی در روابط و مناسبات میان فردی باشد. ویژگی‌های یک شخصیت خودشیفته می‌تواند به‌عنوان یک عامل منفی به‌هر ارتباطی ضربه بزند. اگرچه همه افراد تاحدی ویژگی‌های خودشیفتگی را دارند و گاهی آن را بروز می‌دهند اما افرادی هم به‌طور خاص مبتلا به‌خودشیفتگی هستند،

تعریف لغت خود شیفته ترجمه لغت Narcissism (نارسیسیسم) است که از یک افسانه یونانی گرفته شده است. در این افسانه مرد جوانی به نام نارسیوس عاشق عکس خود که در آب افتاده بود شد. و وقتی به آب پرید تا آن را که فکر می‌کرد حوری دریایی است بگیرد، غرق شد. بعدها با استعمال عمومی، این اصطلاح در روان‌شناسی برای توصیف طبقه‌ای از اختلالات شخصیت مورد استفاده قرار گرفت. اگر می‌خواهید چنین افرادی را در برخوردهای ابتدایی بشناسید و در روابطتان با آنها با شناخت بهتر و بیشتری رفتار کنید، خواندن این نوشتار را از دست ندهید.



حالی که افراد خودشیفته، به حدی خودشان را کامل می بینند که تصور ایراد را هم از خود دور می دانند.

به دلیل کامل دانستن خود، این افراد هیچ انگیزه‌ای برای بهبود ندارند و هرگونه تغییر در رفتار دور از انتظار آنان است. تحقیر دیگران برایشان عادی است؛ معمولاً افراد خودشیفته احساس برتری و فوق‌العاده بودن می کنند لذا اگر ارزش و اعتبارشان به خطر بیفتد به قیمت نابودکردن و حتی متلاشی کردن زندگی دیگران سعی در اصلاح امور خود دارند. آنها دیگران را لگد مال می کنند، مقام و منزلت آنها را تنزل می دهند و آنها را پست و زبون می کنند تا خود احساس برتری کنند. این موضوع به خصوص در ارتباطات مشترک نیز دیده می شود.

اگر شما با یک شخص خودشیفته ازدواج کنید، اولاً باید بدانید که همسران هیچ ایرادی ندارد، پس نباید ایرادی از او بگیرید، ثانیاً این فرد به طور مرتب با تضعیف اعتماد به نفس شما و خوار و حقیر کردن شما خودش را خوشنود خواهد کرد و این یعنی این که شما باید سال‌ها با این تفکر که موجودی پست و بی ارزش هستید و تنها هدف شما ارایه خدمات و سرویس به همسر خودشیفته تان است، با او زندگی کنید.

از همه طلبکار هستند: افراد خودشیفته خودشان را افرادی خاص و برتر تصور و احساس می کنند، باید خواسته‌هایشان به خودی خود و بدون هرگونه پرسشی برآورده شود. آنها نسبت به چنین رفتاری احساس طلبکارانه، حق به جانب و مدعی دارند لذا هنگامی که این امر محقق نشود به عصبانیت‌های بی دلیل یا خشم و غضب خودپسندانه‌ای دچار می شوند. از آن جایی که تصور تحریف شده‌ای درباره اهمیت خود دارند و فکر می کنند همیشه حق با آنهاست، چنانچه کسی خواسته‌های آنان را برآورده نکند، تمام تلاش خود را برای تحقیر همه جانبه آن شخص، بدون هیچ احساس عذاب وجدانی، به کار می گیرند.

نوپه پرور هستند: همیشه دور و بر این افراد کسانی وجود دارند که خودشیفتگی آنها را تقویت می کنند. همیشه کسانی هستند که جذب این افراد می شوند و با رفتارهای خود در کوره خودشیفتگی آنها می دمند. معمولاً افرادی جذب یک فرد خودشیفته می شوند که اعتماد به نفس کمی دارند، خود را حقیر می دانند و در ارتباط با یک خودشیفته تمایلات خودآزارانه یا مازوخیسمی خود را برآورده می کنند. از طرف دیگر، خودشیفته‌ها نیز با تحقیر مداوم این افراد هم برتری خود را حفظ می کنند و هم ناخواسته با این کار باعث اطاعت پذیری آنها می شوند.

روش درمان خودشیفتگی (نارسیسیسم)

۱. روان درمانی اختلال شخصیت خود شیفته بی نهایت مشکل است. چون برای پیشرفت درمان این افراد باید دست از تمایلات خود شیفتگی بردارند تا بتوانند با درمانگر رابطه برقرار نمایند. و این مستلزم بینش و آگاهی بیمار نسبت به رفتار و تفکر خود است. این بینش در اصل وجود ندارد و اگر هم به مشکل خود بینش پیدا کنند به دنبال آن تصویر متلاشی شده خود باعث می شود که دوباره رفتار و تفکر خود بزرگ بینی را در پیش بگیرند.

۲. دارو درمانی همراه با روان درمانی استفاده از ضد افسردگی‌ها و کربنات لیتیوم برای تحمل بهتر احساس طرد شدن و نوسانات خلقی مفید است.

یعنی خودشیفتگی به یک رفتار بارز یا ویژگی شخصیتی در آنها بدل شده است، بیماران خود شیفته (narcissistic personality disorder) با احساس عمیق «اهمیت خود، خود بزرگ بینی و نوعی بی نظیر بودن» مشخص می شوند.

این افراد خود را آدمهای خاصی می پندارند، درباره توانایی‌های خود اغراق و غلو می کنند، محتاج توجه و تایید، شغف، تعجب، مهربانی زیاد هستند و انتظار دارند بطور خاصی نیز با آنها رفتار شود. تحمل انتقاد بر ایشان سخت است و در مقابل آن خشمگین شده، فرد مورد نظر را به «نادانی، حماقت و عدم درک واقعیت» متهم می کنند.

خود را قوی، مشهور، داناترین و ... قلمداد کرده، انتظار اطاعت و پیروی دیگران را دارند.

چون دیگران نمی توانند خواسته‌های آنها را برآورده سازند. چون بزرگ بینی او در تضاد با واقعیت است، روابط اجتماعی‌شان شکننده بوده و مسائل بین فردی، شغلی و فقدانهای زیادی دارند که با رفتار خود آنها را بوجد می آورند، در حالی که هیچ بینش و آگاهی نسبت به آنها ندارند.

ویژگی افراد خودشیفته

دیگران را نادیده می گیرند: از نظر فردی که مبتلا به اختلال خودشیفتگی یا نارسیسیسم است دیگران تنها وسیله و ابزاری هستند که به او کمک می کنند تا به اهدافش برسد. بنابراین طرز تفکر افراد خودشیفته به دیگران این است که چگونه می توانند از آنها استفاده و برای هدفی که دارند از حمایت آنان بهره‌برداری شخصی کنند. شخصی که به خواسته‌های این گونه افراد تن ندهد، کسی که موافق این گونه افراد نباشد یا کسی که آنها را آن گونه که خود می پندارند برتر و خاص ندارند، از نظر آنها افراد وجود خارجی ندارند و به قول معروف به چشم‌شان نمی آید. به همین دلیل خودشیفته‌ها گاهی با مردم بی ادبانه یا نامناسب رفتار می کنند زیرا از نظرشان دیگران تنها ابزاری هستند که باید مورد استفاده قرار گیرند و چنانچه دیگر به کارشان نیایند یا بعد از آن که به واسطه آنها به هدفشان رسیدند، طوری با آنها رفتار می کنند که انگار نه انگار این افراد زمانی یار غار و همنشین قافله آنها بوده‌اند.

حیا را قورت داده‌اند: شخصی که تاحد بیمارگونه مبتلا به خودشیفتگی (نارسیسیسم) است کم کم احساس شرم و حیا را از دست می دهد یا کمتر از دیگر افراد احساس شرم و حیا می کند. به عبارت دیگر رفتارهایی که باعث می شود دیگران به طور طبیعی از انجام آنها احساس شرمساری کنند براین افراد تاثیر مشابه ندارد. بنابراین بازی با احساسات دیگران، سوء استفاده از سایر افراد و دست انداختن آنها هیچ گونه عذاب وجدان یا ناراحتی برای خودشیفته‌ها به همراه ندارد و احساس شرمساری نمی کنند. برای آنها به بازی گرفتن احساسات طرف مقابل باعث شرمساری نیست زیرا آنها همیشه خود را بالاتر از دیگران می بینند. آنها چیزی را می خواهند، پس آن را به دست می آورند، صرف نظر از این که این کار چه تاثیری بر دیگران دارد.

از خودشان تصویر ذهنی تحریف شده دارند: فرد سالم از نظر شخصیتی قادر به درک و شناخت عیوب و ایرادهای خود هست، هرچند ممکن است پذیرش این عیوب برایش ساده نباشد. مثلاً ممکن است بداند که باید قدری صبورتر باشد چون زود عصبانی می شود یا باید تواضع بیشتری داشته باشد چون خودخواه است یا قدری مودبانه تر صحبت کند چون کمی بی ملاحظه است و باعث ناراحتی دیگران می شود، اما به هر حال به این عیوب واقف است. در

گلودرد چرکی - Strep throat



دکتر نسیم حکیمیه
برگرفته از پایگاه جامع آموزش و فرهنگ سازی وزارت بهداشت

درمان گلودرد چرکی نوع استرپتوکوکی چیست :

درمان یا به صورت تزریقی و یا به صورت خوراکی بنا به تشخیص پزشک معالج است. دارو را طبق دستور پزشک و سر ساعت مشخص شده مصرف کنید. اگر علائم بیمار شما در ابتدای درمان بهبود یافت طول مدت درمان را کامل کنید.

استفاده خودسرانه و بدون تجویز پزشک از آنتی بیوتیک ها نه تنها سودمند نیست بلکه منجر به وارد کردن آسیب جدی به بدن می شود در صورتی که پزشک تشخیص دهد عامل ایجاد گلو درد ویروسی است نیاز به درمان با آنتی بیوتیک نمی باشد. لذا جهت جلوگیری از مقاومت میکروبی به پزشک پیشنهاد تجویز آنتی بیوتیک ننمائید.

طول مدت بیماری گلو درد چرکی چند روز می باشد ؟

در صورت مصرف آنتی بیوتیک ۲۴ ساعت بعد از شروع مصرف آنتی بیوتیک علائم کاهش می یابد. اما در صورتی که آنتی بیوتیک جهت بیمار شروع نشود علائم ممکن است چند هفته به طول بینجامد.

تب روماتیسمی چیست ؟

تب روماتیسمی یک مشکل بسیار جدی است که می تواند به دنبال درمان نامناسب گلو درد چرکی و یا عدم دریافت آنتی بیوتیک ایجاد گردد.

علائم تب روماتیسمی شامل نشانه های زیر می باشد :
نارسایی دریچه های قلب - درد و تورم مفاصل - حرکات غیر ارادی بدن - تب - راش های پوستی
تب روماتیسمی معمولاً ۵-۲ هفته بعد از عفونت گلو ایجاد می شود.

آسیب به کلیه ها چگونه است ؟

از عوارض دیگر گلو درد چرکی صدمه به کلیه ها می باشد که این مشکل ۱۰ روز بعد از عفونت استرپتوکوکی درمان نشده خود را نشان می دهد که ممکن به نارسایی موقت و یا دائم کلیه بینجامد.

نشانه های آن شامل : کاهش میزان ادرار - ادرار تیره رنگ - ورم خفیف اطراف چشم ها - خستگی - افرادی که دچار تب روماتیسمی شده اند باید جهت پیشگیری از مشکلات بعدی تا ۴۰ سالگی و یا تا پایان عمر طبق نظر پزشک به صورت دوره های مشخص از آنتی بیوتیک ها استفاده نمایند.

گلودرد چرکی وجود ترشحات سفید چرکی بر روی لوزه های کامی است. مهمترین عاملی که باعث گلودرد چرکی می شود و نیاز به درمان آنتی بیوتیکی پیدا می کند باکتری از خانواده استرپتوکوک است. گلو درد چرکی عفونت گلو و لوزه ها به وسیله باکتری های از نوع استرپتوکوک می باشد که به نام گلو درد نوع استرپتوکوکی شناخته می شود.

گلودرد استرپتوکوکی از طریق تماس نزدیک با فرد بیمار منتقل می شود. گرچه برای تایید ابتلای فرد به گلودرد استرپتوکوکی، لازم است آزمایشی موسوم به کشت حلق انجام گیرد. اما معمولاً بدون این آزمایش، موارد احتمالی گلودرد استرپتوکوکی را می توان از روی نشانه ها تشخیص داد. مصرف آنتی بیوتیک می تواند برای فرد مبتلا به گلودرد استرپتوکوکی مفید باشد.

گلودرد استرپتوکوکی بدون درمان معمولاً چند روز باقی می ماند. درمان با آنتی بیوتیک معمولاً باعث می شود تا نشانه ها ۱۶ ساعت زودتر ناپدید شوند. دلیل اصلی درمان با آنتی بیوتیک، کاستن از احتمال ابتلا به بیماری های خطرناک تر است. مثلاً، نوعی بیماری قلبی به نام تب روماتیسمی یا تجمع چرک در گلو موسوم به ورم پشت حلقی. مصرف آنتی بیوتیک در بازه زمانی ۹ روز از شروع بروز نشانه ها بیشترین کارایی را دارد.

نشانه های گلودرد چرکی چیست ؟

گلو درد و سوزش در ناحیه گلو به خصوص در هنگام قورت دادن غذا- تب- تورم و دردناک شدن غدد لنفاوی در ناحیه گردن- احساس خستگی کوفتگی بدن- لوزه ها متورم شده و اغلب با نقاط چرکی پوشیده می شوند - ناحیه سقف دهان قرمز رنگ و ملتهب می شوند.

توجه : سرفه ، گرفتگی صدا، آبریزش بینی از نشانه های گلو درد چرکی نبوده و بیشتر ویروسی می باشد.

نحوه انتقال گلودرد چرکی چیست ؟

انتقال عفونت استرپتوکوکی از طریق ریز قطرات ، هنگام عطسه و سرفه در فرد دارای گلو درد چرکی صورت می گیرد. گلودرد استرپتوکوکی از طریق تماس نزدیک با فرد بیمار منتقل می شود. گرچه برای تایید ابتلای فرد به گلودرد استرپتوکوکی، لازم است آزمایشی موسوم به کشت حلق انجام گیرد.

مدت زمان دوره کمون (دوره پنهان) چه مدت می باشد ؟

دوره کمون (از زمانی که عفونت وارد بدن می شود تا زمانی که علائم دیده می شود) این بیماری ۳-۱ روز می باشد . جهت تشخیص نوع استرپتوکوک می توانیم از گلو یک نمونه کشت گرفته شود . بعد از ۲ روز جواب قطعی کشت آماده می شود .



قرار گرفتن يك ساعته

در معرض دود قلیان

برابر با مصرف ۸ نخ سیگار است

و هر يك ساعت قلیان

۴۰ نخ سیگار

مضرات قلیان

تحریریه نشریه



شده، مونواکسیدکربن بیشتری در مقایسه با سیگار دارد. این موضوع باعث افزایش غلظت خون و در نتیجه گرفتگی رگ‌ها و بیماری‌های قلبی می‌شود.

یکی از آلودگی‌هایی که در سال‌های اخیر به طرز قابل‌توجهی در ایران شیوع پیدا کرده «پشتن بار ویروس» یا EBV است. این ویروس باعث ایجاد بیماری «مونونوکلئوز حاد عفونی» می‌شود که با گلودردهای شدید، چرک روی سطح لوزه‌ها، بزرگی غدد لنفاوی ناحیه گردن، تب و لرز همراه است.

خیلی از جوانان یکی- دو هفته بعد از استفاده مشترک از قلیان دچار این بیماری می‌شوند، حتی اگر از سر مکش یکبار مصرف استفاده کرده باشند. در واقع، فردی که به این بیماری مبتلاست، می‌تواند با یکبار پک زدن تعداد زیادی ویروس را وارد محفظه آب قلیان کند. باتوجه به اینکه در این محفظه هوای خنک وجود دارد، ویروس می‌تواند مدت طولانی در آن زنده بماند و باعث آلودگی سایر افراد مصرف‌کننده قلیان شود.

احتمال انتقال سل، حتی فقط با یک پک!

بسیاری از بیماری‌های منتقله توسط ریز قطره‌های تنفسی مثل سل، آنفلوآنزا، سرماخوردگی و... می‌توانند با مصرف قلیان مشترک میان افراد منتقل شوند.

البته راه انتقال بیماری‌های ویروسی مثل آنفلوآنزا فقط استنشاق نیست بلکه کافی است بیمار به بدنه یا شیلنگ قلیان دست بزند و شما بعد از او با آن ناحیه تماس پیدا کنید. سل نیز یکی از عفونت‌های باکتریایی است که به‌راحتی از طریق قلیان مشترک منتقل می‌شود.

این بیماری در افرادی که نقص یا ضعف سیستم ایمنی دارند مثل افراد مبتلا به ایدز می‌تواند بسیار خطرناک باشد. از علائم اصلی آن نیز می‌توان به درگیری ریه، سرفه، تب، خلط عفونی، عرق شبانه و بی‌اشتهایی اشاره کرد. افراد مبتلا به سل می‌توانند با انجام آزمایش خلط، بیماری‌شان را تشخیص دهند. این بیماران باید برای مدت 6 ماه داروی ضد سل مصرف کنند تا درمان شوند. البته به غیر از سل ریوی انواع دیگری از این بیماری نیز وجود

یک واقعیت تلخ وجود دارد؛ قلیان به تفریح اصلی درصد قابل توجهی از مردم جامعه‌مان (به خصوص جوانان) تبدیل شده است. صحبت‌های زیادی در مورد مضرات قلیان شنیده‌اید. بله، قلیان غلظت خون را افزایش می‌دهد، امکان ابتلا به سرطان را افزایش می‌دهد و هزار و یک ضرر دیگر؛ ولی کو گوش شنوا؟ در نهایت، بهترین مکان برای گذراندن آخر هفته یا رفع خستگی یک روز کاری، سفره‌خانه‌ها هستند.

خوب بیاید یک بار برای همیشه، قلیان را به صورت فنی بررسی کنیم و ببینیم که واقعا داستان این دستگاه چیست.

قلیان چیست؟

به طور خلاصه، «قلیان» (Hookah یا Hubble-Bubble یا Sheesha) دستگاهی است متشکل از یک لوله (شلنگ) و یک بدنه که برای مصرف دود تنباکو، از طریق عبور از روی آب خنک استفاده می‌شود. تنباکو در ظرفی که روی قلیان قرار دارد، به کمک زغال مخصوص، گرم شده و دودش پس از عبور از فیلتر آب خنک، از طریق لوله‌ی دستگاه، استعمال می‌شود. مصرف قلیان یکی از قدیمی‌ترین و محبوب‌ترین مراسم سنتی مربوط به کشور ترکیه بوده که به کشورهای خاورمیانه، هند و حتی آمریکا هم وارد شده است.

ضررهای فراتر از باورمان

دود سیگار از سوزانده شدن تنباکو ایجاد می‌شود و در قلیان هم، دود استعمال شده از گرم شدن تنباکو در ظرفی توسط زغال ایجاد می‌شود. دستاورد نهایی هر دو یکسان است؛ دود!

دود قلیان هم کاملا مشابه دود سیگار، کاملا سرطان‌زا است. باور دوم این است که دود قلیان، به دلیل عبور از روی آب، ترکیبات مضرش را از دست می‌دهد.

متأسفانه این باور هم اشتباه است. دود عبور کرده از روی آب، نه تنها هیچ کدام از ترکیبات شیمیایی خود را از دست نمی‌دهد، بلکه به دلیل افزایش چگالی، بیشتر از دود سیگار در ریه‌ها رسوب می‌کند. به علاوه، وجود میوه (اسانس میوه) و عسل در تنباکوی قلیان، هیچ تاثیری در کاهش نیکوتین و مواد سرطان‌زایش نخواهد داشت. البته، خنک شدن دود قلیان به واسطه‌ی عبورش از آب، سوزاندن ریه‌ها را کاهش می‌دهد.

اصلی‌ترین ضرر قلیان به واسطه‌ی زمان بیشتر مکش (Inhale) دود در مقایسه با سیگار است. این کار باعث می‌شود تا چند ده برابر بیشتر، نیکوتین و مواد شیمیایی (مثل مونواکسیدکربن و آرسنیک) وارد ریه‌ها شود. در ضمن، به دلیل اینکه تنباکو در قلیان توسط زغال گرم می‌شود، دود تولید

دارد؛ از جمله سل استخوان، دستگاه تناسلی، مغز، کبد، چشم و...

احتمال انتقال هلیکوباکتر پیلوری وجود دارد

«هلیکوباکتر پیلوری» نوعی آلودگی باکتریایی است که می‌تواند از طریق بوسیدن، قلیان مشترک، قاشق مشترک، غذای مشترک و حتی دست دادن میان افراد منتقل شود، اما باید بدانید این باکتری خیلی در دسرساز نیست و بسیاری از ما از ابتدای عمرمان چند بار به آن مبتلا شده‌ایم. این عفونت ممکن است هیچ‌گونه علامتی نداشته باشد اما در بعضی موارد با ورم معده و اثنی‌عشر، درد ناحیه زیر جناق، تهوع، استفراغ و ترش کردن غذا همراه می‌شود. در واقع علائم آن بیشتر شبیه زخم معده است.

استفاده از شیر در قلیان و افزایش خطر رشد باکتری‌ها

یکی از باورهای غلط میان مردم این است که استفاده از شیر به جای آب در مخزن قلیان می‌تواند از انتقال آلودگی‌ها به مصرف‌کننده جلوگیری کند. این باور کاملاً اشتباه است و برعکس آن حقیقت دارد زیرا شیر محیط بسیار مناسبی برای رشد و بقای میکروب‌ها و ویروس‌هاست. با توجه به مضرات ذکر شده در بالا توصیه می‌کنم جوانان دخانیات را کنار بگذارند و دنبال ورزش، تفریح، سفر، طبیعت‌گردی و سرگرمی‌های سالم دیگر باشند.

قلیان هم اعتیادآور است!

تنباکوی قلیان (که معمولاً با عسل مخلوط شده و چسبناک است) هم همانند سیگار دارای نیکوتین است. تحقیقات جدید نشان داده که میزان نیکوتینی که برای مصرف قلیان به مدت نیم ساعت وارد بدن انسان می‌شود، برابر با میزان نیکوتین یک بسته سیگار است. بنابراین قلیان (حداقل!) به اندازه‌ی سیگار، اعتیادآور است.

بهداشت قلیان

به جز سفره‌خانه‌های لوکس و گران‌قیمت، کمتر پیش می‌آید که قلیان‌ها بعد از هر بار استفاده، به طور کامل شسته شوند. این موضوع باعث می‌شود که حتی اگر از دهنی‌های یک‌بار مصرف و شخصی استفاده کنیم، میکروب‌های زیادی بین افراد انتقال یابد. برای مثال، لوله یا به اصطلاح شلنگ قلیان، یکی از آلوده‌ترین قسمت‌های آن است و اگر مرتب شسته نشود، باعث خواهد شد تا میکروب‌هایی که از طریق تماس دست به آن‌ها منتقل شده‌اند، به نفر بعدی انتقال یابند.

جمع‌بندی

باور اصلی به این سمت است که قلیان در مقایسه با سیگار، ضرر به مراتب کمتری برای بدن دارد. بر اساس همین باور غلط، نزدیک به ۱۵ درصد از جوانان ایران، قلیان مصرف می‌کنند. قلیان تفریح ارزان و در دسترس است ولی نباید به وسیله‌ای برای رفع خستگی یا گذراندن زمان تبدیل شود. قلیان بسیار از آن چیزی که فکر می‌کنیم مضرت‌تر است.

اگر قرار است به سفره‌خانه‌ای رفته و یک ساعت از قلیان استفاده کنیم، بهتر است که به جایش، یک بسته سیگار بکشیم؛ این‌طوری سالم‌تر خواهیم بود



ورزش علمی، رمز موفقیت

علیرضارشیدی کارشناس تربیت بدنی



مقدمه

پزشکی ورزشی شاخه‌ای از علم پزشکی است که در زمینه سلامتی ورزشکاران و همچنین استفاده از ورزش در جهت حفظ سلامت عمومی انسانها مطالعه می‌نماید.

زمینه‌ها

هرچند از دیدگاه دست اندرکاران ورزش مبحث پزشکی ورزشی بیشتر محدود به درمان آسیب‌ها و بازتوانی آسیب دیدگان و کنترل سلامت عمومی ورزشکاران می‌شود ولی رفته رفته دامنه این علم توسعه یافته و موضوعات زیر را شامل می‌شود:

- فیزیولوژی ورزشی و شرایط سازگاری بدن در محیط‌های مختلف
- فیزیوتراپی و بازتوانی آسیب‌های ورزشی
- بیومکانیک حرکات بدن و پی بردن به حرکات خطا جهت کسب بیشترین راندمان و کمترین آسیب
- آسیب‌های ورزشی (تشخیص و درمان آسیب‌ها)
- اختلالات و بیماری‌های ناشی از ورزش و نحوه برخورد با آنها
- تغذیه ورزشی و مکمل‌های غذایی مجاز
- روانشناسی ورزشی
- ورزش در بیماران و در افراد دارای معلولیهای جسمی و ذهنی
- ورزش در کودکان و نوجوانان
- نحوه شناسایی استفاده از داروها و مواد نیروزا غیر مجاز در ورزش
- ورزش در افراد دارای معلولیهای جسمی و ذهنی
- ورزش در درمان بیماران و پیشگیری از بیماریها

تغذیه ورزشی

ورزشکاران باید با توجه به فعالیت جسمی که دارند از رژیم غذایی متفاوتی استفاده نمایند. تغذیه مناسب در افزایش توان جسمانی ورزشکاران بیش از فعالیت‌های ورزشی است. افرادی که در فعالیت‌های سنگین ورزشی مانند کوهنوردی، وزنه برداری، شنا و... شرکت می‌کنند، در مقایسه با آن دسته از ورزشکاران که

ورزش سبک می‌کنند به مصرف مواد غذایی بیشتری نیاز دارند. به همین دلیل، در صورت عدم تناسب تغذیه با نوع ورزش ممکن است افزون بر از دست دادن چربی بدن خود، به تدریج ماهیچه‌ها نیز تحلیل رفته و در خود احساس رخوت، خستگی و عدم تمایل به ادامه فعالیت‌های ورزشی نمائید؛ بنابراین استفاده از مواد غذایی مناسب و سالم نه تنها سلامتی و نشاط ورزشکاران را در طول زندگی تأمین می‌کند، بلکه عمر مفید عضلات شان را افزایش می‌دهد و مدت بیشتری می‌توانند ورزش‌های مورد علاقه خود را انجام دهند.

نقش ورزش در جلوگیری از پوکی استخوان

نگرانی اکثر خانم‌ها در سنین یائسگی پوکی استخوان است. به همین دلیل پیشگیری باید از مدت‌ها پیش از یائسگی شروع شود. ورزش مهمترین عامل پیشگیری از پوکی استخوان به شمار می‌رود. ورزش، نه تنها از بین رفتن استخوان‌ها را محدود می‌کند، بلکه موجب تعادل و هماهنگی بهتر و تقویت عضلاتی می‌شود که هنگام ایستادن متکی به آنها هستیم. ورزش‌های قدرتی و مقاومتی، بسیار در این زمینه مهم اند.

پنج گروه ورزش مهم برای جلوگیری از پوکی استخوان در نظر گرفته شده است: - ورزش‌های گرم‌کننده - ورزش‌های کششی - ورزش‌های افزایش دهنده توده استخوان - ورزش‌های شکم و پشت - ورزش‌های شل کننده که احتمالاً لازم است قبل از انجام ورزش‌های افزایش دهنده توده استخوانی از ورزش‌های گرم‌کننده و کششی استفاده شود تا احتمال صدمات بافتی ناشی از ورزش را کم نماید.

اثرات ورزش در روح آدمی:

پیشگیری از افسردگی و بالا بردن روحیه

عمومی فرد

در میانه انجام فعالیت بدنی، تولید یک ماده شیمیایی از بدن به نام «سروتونین» بیشتر می‌شود. کاهش سروتونین در بدن با افسردگی

مرتبط است و داروهای ضد افسردگی نیز در جهت افزایش این ماده در بدن عمل می‌کنند. بنابراین در میان افرادی که به طور مرتب ورزش می‌کنند، به ندرت می‌توان شخص افسرده‌ای یافت. از طرفی با ورزش کردن، تولید «اندورفین» و «پی‌نفرین» و «سیتوکین‌ها» نیز افزایش می‌یابد و این مواد به طور طبیعی باعث بالا بردن سطح هوشیاری و روحیه عمومی فرد شده و احساس انرژی و شادابی بیشتری برای انجام کارهای روزمره زندگی به شخص ورزشکار اعطا می‌کنند.

تأثیر ورزش در زندگی خانوادگی و اجتماعی و در شغل افراد:

مسلماً یک شخص ورزشکار با تنبلی و کسالت بیگانه است و علاوه بر داشتن اندامی متناسب از روحیه بالا و شادابی نیز برخوردار است و این موفقیت، ارتباطات وی را در زندگی روزمره، چه در خانواده و چه در اجتماع یا محیط کار تضمین می‌کند.

کارفرمایان در بکارگیری افراد، این معیارهای مهم را در نظر خواهند گرفت. بنابراین یک شخص سالم و تندرست، از موقعیت و پیشرفت شغلی بهتری نسبت به افراد چاق و کم تحرک برخوردار خواهد بود.

پیشگیری از ابتلا به آلودگی‌های اجتماعی

یک فرد سالم و ورزشکار، ناخودآگاه از سیگار دوری می‌کند، چون در می‌یابد با ورزش به اکسیژن بیشتری نیاز دارد، ولی سیگار یا مواد مخدر به وضوح انرژی وی را کم و او را ضعیف تر می‌کند. بنابراین خود به خود برای پیشرفت در امور ورزشی خویش و برای انجام تمرینات، از این مواد دوری می‌جوید.

از سوی دیگر، در یک محیط ورزشی سالم کمتر می‌توان از این گونه افراد و آلودگی‌ها اثری یافت و احتمال ابتلای چنین افرادی به آلودگی‌های اجتماعی بسیار پایین است و به دلیل روحیه ورزشی از بسیاری ناهنجاری‌های دیگر اجتماعی، که با خلق و خوی ورزشکاری همخوانی ندارد، پرهیز می‌کنند.

تقویت عملکرد ذهن در یادگیری و هماهنگی

تعریف ورزش تنها در افزایش فعالیت جسمانی خلاصه نمی‌شود. بسیاری از ورزش‌های امروزی نظیر پینگ پنگ، اسکیت، اسکی، بسکتبال، شنا و... حرفه‌ای هستند و نیاز به یادگیری و حتی مربی مجرب دارند و کار فکری زیادی را نیز می‌طلبند. بنابراین ورزش‌های امروزی تنها یک فعالیت جسمی ساده نیستند، بلکه توانایی‌های پیچیده مغز را در کارهای گوناگون از جمله هماهنگی، چالاکی، درست عمل کردن و درست تصمیم گرفتن بهبود می‌بخشد. به گونه‌ای که در یک شخص غیر ورزشکار این توانایی‌های مغز، خاموش می‌ماند و کم کم ذهن تنبل و سست می‌شود در نتیجه این گونه افراد، بیشتر ترجیح می‌دهند در گوشه‌ای بنشینند و در فکر فرو روند!

به طور کلی می‌توان گفت ورزش در کلیه اجزای جسم و ذهن بدن و در کلیه مراحل زندگی انسان تأثیر غیرقابل انکار و به سزایی دارد.

کبد چرب

Fatty liver disease

دکتر نسیم حکیمیا 

علائم و شیوع بیماری کبد چرب:

از آنجا که بیماری کبد چرب سیر پیشرونده دارد می تواند در مراحل اولیه بدون علامت باشد تا زمانی که تاثیرات منفی بر عملکرد کبد ایجاد نماید. در آن زمان علائمی از قبیل احساس ضعف، خستگی و کاهش وزن بروز می کنند.

از آنجا که سیر این بیماری مزمن است، شاید سال ها طول بکشد تا منجر به ایجاد سیروز کبدی (جایگزینی سلول های کبدی با سلول های فیبروز) و در نهایت نارسایی کبد گردد.

در نقطه مقابل، در موارد نادری به دلیل ناشناخته، سیر بیماری کبد چرب متوقف و یا حتی به حالت طبیعی باز می گردد، بدون آنکه درمان مشخصی انجام گرفته باشد. با توجه به شیوه زندگی اعم از نوع تغذیه و فعالیت بدنی، شیوع بیماری کبد چرب در کشورهای در حال توسعه به ویژه در جامعه

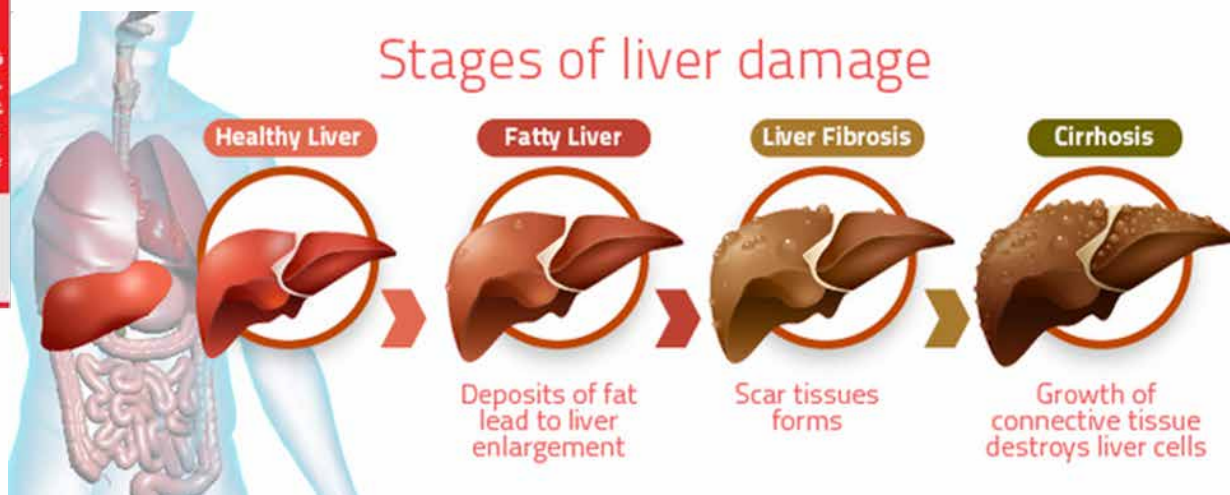
کبد چرب غیر الکلی يك التهاب کبدی است که در اثر تجمع بیش از اندازه ی چربی در بافت کبد ایجاد می شود. در بیماری کبد چرب تجمع بیش از حد چربی در کبد، گاه باعث اختلال در فعالیت طبیعی بافت کبد می گردد که می تواند سیر پیشرونده پیدا کند و باعث نارسایی کبد و یا سیروز کبدی گردد...

علت بیماری کبد چرب:

اگرچه علت اصلی بیماری کبد چرب مشخص نیست، ولی به نظر می رسد این بیماری ارتباط نزدیک با برخی بیماری های متابولیک دارد که از آن جمله: چاقی، افزایش کلسترول و تری گلیسرید خون و دیابت را می توان نام برد. بیماری کبد چرب اغلب افراد را در سنین میانسالی مبتلا می کند. اکثر بیماران از افزایش وزن و چاقی به ویژه چاقی شکمی رنج می برند. همچنین می توانند دچار افزایش چربی های خون بوده و یا از مبتلایان به دیابت باشند. از آنجا که در سال های اخیر شیوع چاقی و بیماری های متابولیک در جوانان افزایش قابل توجهی یافته است، جوانانی که با چاقی و بیماری کبد چرب به پزشک مراجعه می نمایند، کم نیستند. البته باید ذکر کرد بیمارانی هستند که بدون داشتن هیچ کدام از عوامل خطر ذکر شده و بدون هیچ دلیل شناخته شده ای، مبتلا به کبد چرب می گردند. افزایش چربی در بدن که معمولا با چاقی شکمی همراه است، به همراه افزایش چربی های خون و افزایش فشار خون، همه از علائم مجموعه ای از اختلالات تحت نام «سندرم متابولیک» هستند که این سندرم دقیقا وابسته به مقاومت انسولین می باشد. مجموعه ای از عوامل باعث رسوب مزمن چربی در کبد و التهاب و نارسایی مزمن در کبد می شوند. کبد چرب به دو گروه عمده تقسیم می شود؛ کبد چرب الکلی که ناشی از مصرف طولانی مدت الکل می باشد و جنسیت و نژاد در این مساله دخیل هستند که آسیای ها بیشتر مستعد آسیب ناشی از مصرف الکل و ایجاد کبد چرب الکلی هستند و این بیماری در خانمها بیشتر از آقایان شایع است.

کبد چرب غیر الکلی را میتوان به عنوان دومین دسته از کبد چرب نام برد... این نوع کبد چرب در جامعه ما شیوع بیشتری دارد، عوامل زیادی که بسیاری از آنها جنبه ژنتیکی دارند در بروز این نوع کبد چرب موثرند، مطالعات نشان داده عوامل زمینه ساز دیابت و بیماریهای قلبی و برخی بیماریهای متابولیسیم با بروز کبد چرب غیر الکلی در رابطه است. «در بین این عوامل دیابت یک علت مهم و شناخته شده در ایجاد کبد چرب می باشد و هر چه طول مدت ابتلا به دیابت طولانی باشد و یا درمان آن ناقص انجام گیرد احتمال ابتلا به کبد چرب در این افراد بیشتر است و در آنها ابتلا به التهاب ناشی از کبد چرب بیشتر از افراد عادی است.





در بیمارانی که کبد چرب آنها همراه با التهاب باقی بماند دیده نمی‌شود، اما در عده ای که کبد چرب آنها همراه با التهابات است باعث آسیب مزمن به کبد آنها می‌شود و در برخی بیماران التهابات می‌تواند پیش رونده بوده و منجر به سیروز کبدی در فرد شود که سیروز کبدی معمولاً در افرادی که چاقی مفرط دارند دیده می‌شود.

راه تشخیص کبد چرب:

یکی از ساده ترین و ارزانتین روش تشخیص کبد چرب روش تصویربرداری می‌باشد که می‌تواند به تشخیص کبد چرب در بیماران کمک کند و در کنار آن انجام آزمایش‌ها برای آنزیم‌های کبدی در تشخیص التهاب ناشی از کبد چرب به ما کمک می‌کند و در موارد کمتر سی تی اسکن یا سایر روش تصویربرداری هم در تشخیص بیماری کبد چرب استفاده می‌شود.

چی بخوریم و چی نخوریم؟

برای جلوگیری از آسیب دیدن کبدتان، از خوردن غذاهای زیر اجتناب کنید: چای، سرخ‌کردنی، غذاهای چرب و پرچرب، سیر داغ، پیاز داغ، آب همراه غذا، دوغ همراه غذا، تخم‌مرغ، تنقلات شور، دارو، پفک، یخکم، روغن سرخ‌کردنی، شیرینی، غذای فریز شده، نمک زیاد، ترشیجات، رب، سس و... غذاهای مفید برای کبد:

آب (روزی ۶ لیوان آب که حتماً باید نیم ساعت قبل از غذا و دو ساعت و نیم بعد از غذا نوشیده شود)، میوه‌جات، لیموترش، روزی ۴-۵ واحد سبزیجات، ترشیجات طبیعی (مثل زرشک یا شاتوت که بهترین دارو است) انواع مرکبات، غلات سبوس‌دار، موادغذایی با خواص ضدالتهابی مثل روغن ماهی نیز بهتر است در برنامه غذایی این افراد گنجانده شود. این بیماران به عنوان صبحانه می‌توانند یک واحد نان سبوس‌دار با پنیر کم چرب و سبزی بخورند.

عملاً شناخته شده‌ترین روش برای درمان کبد چرب ورزش همراه با کاهش وزن است و حتی دیده شده در بیمارانی که کاهش وزن نداشته‌اند، ورزش نقش مهمی در بهبود کبد چرب را داشته است و در آخر استفاده از داروهای کاهنده قند خون در بیماران دیابتی و استفاده از داروهای کاهنده LDL در بیماران مبتلا به کلسترول از راه‌های مفید در کنار ورزش و کاهش وزن برای درمان کبد چرب است

شهری افزایش چشمگیری داشته است.

شیوع بیماری کبد چرب با افزایش سن، سیر صعودی می‌یابد. شیوع بیماری کبد چرب در آقایان دو برابر خانم‌ها می‌باشد که با افزایش سن، میزان شیوع در خانم‌ها به آقایان نزدیک می‌شود، به ویژه پس از یائسگی، شیوع بیماری کبد چرب در خانم‌ها سیر فزاینده‌ای دارد.

چاقی به تنهایی می‌تواند زمینه ساز کبد چرب باشد و عوامل ژنتیکی در کنار دیگر عوامل در ایجاد کبد چرب غیرالکلی دخیل است، در برخی بیماران افزایش چربی خون جزء LDL کلسترول در بیماران مبتلا رویت می‌شود که در درمان این افراد کم کردن LDL نقش موثری خواهد داشت. برخی افراد هستند که در آنها بیماریهای زمینه منجر به ابتلای آنها به کبد چرب غیر الکلی می‌شود مثل اختلال در متابولیسم و برخی هیپاتیتهای مزمن هم ممکن است همراه با کبد چرب دیده شود مثل هیپاتیت B و C. آسیب مزمن کبدی





میوه ها قرآنی (بخش اول)

مهندس حسام دلگشائی

میوه های انار، زیتون، خرما، انجیر و انگور در قرآن کریم از آنها یاد شده است. این میوه ها علاوه بر جنبه خوراکی از دیدگاه دارویی و اثرات درمانی نیز قابل توجه هستند و همواره در طب سنتی و نوین برای درمان بسیاری از بیماری ها توصیه شده اند.

در قرآن کریم به میوه انجیر و زیتون قسم یاد شده است و در آیات متعددی از میوه های انار، انگور و خرما نام برده شده است. قرآن کتاب آسمانی و از معجزات پیامبر اکرم (ص) است که تمامی مطالب علمی آن از سوی محققان با انجام تحقیقات و پژوهش های متعدد به اثبات رسیده است.

انجیر

انجیر میوه ای مقوی و شیرین است که در قرآن به آن قسم یاد شده است. امام رضا (ع) فرموده است که درخت انجیر شبیه ترین درخت به درختان بهشتی است..

این میوه در طب سنتی نیز برای درمان بیماری هایی از سوی پزشکان استفاده می شده است. سقراط پدر علم طب همیشه انجیر را برای بیماران به خصوص بیمارانی که تشنگی و تب داشتند، تجویز می کرد. می گویند افلاطون به قدری انجیر را دوست می داشت که بعضی آن را دوست فیلسوفان نامیده اند. سقراط انجیر را جذب کننده مواد نافع و دفع کننده مواد مضر می دانست.

در مورد ارزش غذایی انجیر باید گفت که قند زیادی دارد به گونه ای که ۵۰ درصد انجیر خشک را قند تشکیل می دهد. همچنین منبع خوبی از پتاسیم، منیزیم، کلسیم، فسفر و ویتامین های A, B, C است.

انجیر منبع غنی از یک نوع فیبر غذایی است که نقش عمده ای در جلوگیری و رفع یبوست دارد. از این میوه همچنین می توان در رژیم های غذایی خاص مثل رژیم کم چربی، کاهش وزن و دیابتی استفاده کرد. مصرف انجیر برای

رفع برخی از زگیل ها نیز موثر است.

در حدیثی از حضرت رضا (ع) آمده است: انجیر بوی بد دهان را از بین می برد، لثه ها و استخوانها را محکم می کند، مو را می رویند، درد را بر طرف می سازد و با وجود آن نیاز به دارو نیست..

انار

در قرآن مجید نام میوه انار سه بار در آیات ۹۹ و ۱۴۱ از سوره انعام و آیه ۶۸ از سوره الرحمن آمده است. میوه انار همواره از زمان های گذشته برای درمان بسیاری از بیماری ها مورد توجه پزشکان بوده است.

بوعلی سینا پزشک بزرگ ایرانی در کتاب قانون خود در مورد انار آورده است که انار از میوه هایی است که تمام قسمت های آن خواص دارویی دارد، گل انار خون ریزی را بند می آورد و لثه ها را تقویت می کند. پودر انار زخم های کهنه و مزمن را معالجه می کند و پوست درخت انار برای معالجه التهاب کبد، سرفه و زخم مفید است

امروزه تحقیقات زیادی درباره خواص انار و ترکیبات موجود در آن انجام شده که موید اثرات مفید این میوه در پیشگیری و درمان بسیاری از بیماری ها است و از سوی دیگر به علت وجود ترکیبات دارویی حتی از پوست آن در صنایع داروسازی استفاده می شود

مصرف این میوه بدن را در مقابل بسیاری از عوامل بیماری زا مقاوم می کند، کاهش فشار خون کمک می کند و برای بیماران قلبی بسیار مفید است، توصیه می شود انار به دلیل ترکیبات روغنی که دارد با هسته جویده شود. امام علی (ع) فرموده است به کودکان انار بخورانید زیرا قدرت تکلم آنها را سرعت می بخشد. آن حضرت همچنین در حدیث دیگری فرموده است که انار را با پیه آن پوست زرد و ضخیمی که روی دانه های انار قرار دارد، بخورید. از پیامبر اکرم (ص) نیز نقل شده است که، انار شیرین بخورید چراکه دانه ای از آن نیست که به معده برود و درد و ناراحتی را از بین نبرد.

زیتون

زیتون دارای طبیعت گرم و خشک و سرشار از، فسفر، پتاسیم، گوگرد،



در روایتی از علی (ع) آمده است : خرما بخورید که شفای بیما ری هاست .

انگور

انگور یکی از مهمترین میوه‌های نام برده شده در قرآن است. خداوند آن را میوه اهل بهشت دانسته و بی تردید برای جلب توجه مومنان به اهمیت این میوه نام آن را در ۱۱ سوره در آیه ۲۶۶ سوره بقره، ۴ سوره رعد، ۱۱ سوره نمل، ۶۷ سوره نحل، ۱۹ سوره مومنون، ۹۱ سوره اسراء، ۳۲ سوره کهف، ۳۴ سوره یس، ۳۱ و ۳۲ سوره نباء، ۲۸ سوره عبس و ۹۹ سوره انعام ذکر کرده است.

این میوه ارزشمند برای بیماری‌هایی مانند برنشیت مزمن، بیماری‌های قلبی، التهاب کلیه و نقرس مفید است. قند انگور به طور مستقیم و آسان وارد خون و در عضلات و کبد ذخیره می‌شود در حالی که سایر قندها اول باید به قند خون تبدیل و سپس وارد خون شوند.

انگور تنها میوه‌ای است که وقتی خشک می‌شود ارزش غذایی آن بالا می‌رود. انگور تنها میوه ای است که از نظر ترکیبات می‌توان آن را با شیر مادر مقایسه کرد.

انگور پتاسیم زیادی دارد که به جبران ضعف بدن کمک می‌کند، این میوه برای سلامتی قلب، ریه و کلیه مفید است و به علت داشتن املاح و مواد سلولزی برای مبتلایان به اوره خون مناسب و سازگار است. در روایتی از پیامبر آمده است : بهترین طعام شما نان و بهتر ین میوه شما انگور است .

با توجه به تحقیقات انجام شده در مورد خواص این میوه ها و با استناد به آیات قرآنی و احادیث ائمه اطهار (ع) که همگی بر استفاده از آنها تاکید دارند، باید گفت که مصرف صحیح و به میزان متعادل این میوه ها می‌تواند افراد را در مقابل ابتلا به بسیاری از بیماری‌ها مصون بدارد.

گاهی پیشگیری از ابتلا به بیماری‌ها با استفاده صحیح از مواد غذایی سالم و طبیعی و دنبال کردن یک رژیم غذایی مناسب روزانه علاوه بر دور داشتن افراد از دردهای روحی و روانی از بسیاری از درمان های شیمیایی در زمان بروز بیماری می‌تواند کم هزینه تر باشد.

منیزیم، کلسیم، کلر، آهن، مس و منگنز است..

یکی از مفیدترین روغن های گیاهی، روغن زیتون است. این روغن ملین و برای کبد مفید است و صفرا و شن ریزه های کلیه را دفع می‌کند. روغن زیتون حرارت بدن را زیاد و لثه ها را تقویت و خون را صاف می‌کند. روغن زیتون خاصیت ضدسم دارد و جدار روده ها و معده را از سموم و آلودگی ها پاک می‌کند. برای جلوگیری از ریزش موی سر شستن موها با روغن زیتون به صورت ۱۰ روز متوالی با آب ولرم و صابون توصیه شده است. در حدیثی از امیر مومنان چنین آمده است : خانه ای که در آن از سرکه و روغن زیتون به عنوان نان خورش استفاده ی کنند هر گز از طعام خالی نمی‌شود و این غذای پیامبران است .

در حدیث دیگری از از حضرت رضا (ع) آمده است : روغن زیتون غذای خوبی است ، دهان را خوش بو و بلغم را بر طرف می‌سازد ، رنگ صورت را صفا و طراوت می‌بخشد ، اعصاب را تقویت کرده ، بیماری و درد و ضعف را از میان می‌برد و آتش خشم را فرو می‌نشاند . در حدیثی از پیامبر بزرگ چنین آمده است : روغن زیتون را بخورید و بدن را با آن چرب کنید که از درخت مبارکی است .

خرما

این میوه یکی از بهترین منابع انرژی و دارای ترکیبات منیزیم و پتاسیم است و مصرف آن به همراه مقداری شیر برای افرادی که مدتی گرسنه بوده اند همچون در ایام ماه مبارک رمضان توصیه می‌شود.

مصرف خرما به صورتی ترکیبی با بادام، کنجد و دارچین از آنجایی که طعم بسیار لذیذی دارد ، می‌تواند برای کودکان در حال رشد مصرف شود..

خرمایی که شب در آب خیس و صبح مصرف شود، برای قلب‌های ضعیف مفید است. این میوه سرشار از فیبر طبیعی است و روغن، کلسیم، گوگرد، آهن، پتاسیم، فسفر، منگنز، مس و منیزیم به وفور در آن یافت می‌شود. به علاوه خرما سرشار از ویتامین‌ها و مواد معدنی مختلف است.

خرما به دلیل دارابودن قند، چربی، پروتئین و انواع ویتامین‌های ضروری، بخشی از رژیم غذایی سالم و ثابت شده است.



باقلاوا گوشت ترکی

مواد میانی

یک عدد پیاز را نگینی خرد کرده کمی که تفت خورد و سبک شد گوشت چرخ کرده را نیز اضافه کرده وقتی گوشت کمی تفت خورد و باز شد سه حبه سیر رنده شده را اضافه می کنیم مخلوط کرده و سپس یک عدد سیب زمینی و یک عدد هویج رنده شده را نیز اضافه کرده مخلوط می کنیم و در آخر نصف لیوان نخود فرنگی و یک قاشق مربا خوری رب گوجه و نمک و فلفل را اضافه کرده مخلوط که شد از روی حرارت بر می داریم.

خمیر را دو قسمت کرده یک قسمت را با وردنه خوب باز می کنیم ظرف پیرکس را چرب کرده و خمیر را در آن پهن کرده سپس مواد میانی را ریخته کاملاً پهن می کنیم و خمیر دوم را باز کرده و روی مواد انداخته و از همه طرف زیر و رو خمیر را به هم می چسبانیم برش زده و روی آن زرده تخم مرغ را می مالیم و برای ۴۵ دقیقه در فر می گذاریم تا کاملاً مغز پخت شود.

محدثه السادات موسوی

مواد خمیر

روغن مایع یک لیوان سر خالی

ماست یک لیوان سر خالی

تخم مرغ یک عدد سفیده

بکینگ پودر یک ق س

نمک یک ق چ

ارد به میزان لازم

سفیده تخم مرغ و ماست و روغن و نمک و بکینگ پودر رو با هم زن دستی زده سپس ارد را اضافه کرده تا جایی که به دست و ظرف نچسبد آماده است ۱۵ الی ۲۰ دقیقه استراحت می دهیم.



کوکوی سویا

محدثه السادات موسوی 

مواد لازم

سویا دانه ریز خیس خورده ۲ پیمانه
جعفری خرد شده ۴ قاشق غذاخوری
پیاز متوسط ۱ عدد
آرد ۲ قاشق غذاخوری
آرد سوخاری ۲ قاشق غذاخوری
تخم مرغ ۲-۳ عدد
نمک، فلفل، زردچوبه و آویشن به مقدار لازم

طرز تهیه

- ۱- سویا رو که قبلا با آب گرم خیس دادین از آب دربیارین و آبش رو بگیرین. پیاز رو رنده کرده آبش رو گرفته به سویا اضافه کنین.
- ۲- جعفری خرد شده، تخم مرغ و آرد و ادویه ها رو اضافه کنین و خوب هم بزنین.
- ۳- روغن رو در تابه داغ کرده از مایه با قاشق برداشته توی روغن داغ بریزین و دو طرفش رو سرخ کنین.
- ۴- بعد هم روی دستمال پهن کنین تا روغن اضافیش بره

ژله شکلاتی راه راه

محدثه السادات موسوی

مواد لازم برای قسمت شکلاتی تیره:

آب جوش ۱/۲ لیوان

آب سرد ۱/۲ لیوان

پودر ژلاتین ۱۲ گرم معادل ۱/۲ قاشق سوپخوری

پودر هات شکلات آماده ۲ بسته

شکر ۴ قاشق سوپخوری

شکلات سیاه و تلخ ۵۰ گرم

طرز تهیه:

آب جوش و شکر و پودر هات شکلات و شکلات تلخ را روی حرارت ملایم قرار داده و مرتب هم میزنیم تا تمام مواد حل شده و یکدست شود. پودر ژلاتین را با آب سرد روی بخار آب قرار داده تا شفاف شود حالا ژلاتین حل شده را به مایع شکلاتی اضافه کرده خوب مخلوط کرده کنار میگذاریم.

مواد لازم برای قسمت شکلاتی روشن:

شیر ۱/۲ لیوان

شکر ۵ قاشق سوپخوری

پودر هات شکلات ۱ بسته

آب سرد ۱/۲ لیوان

پودر ژلاتین ۱۲ گرم معادل ۱/۲ قاشق سوپخوری

طرز تهیه:

شیر و شکر را روی حرارت ملایم قرار میدهیم تا کاملاً داغ شود ولی نجوشد. حالا هات شکلات را افزوده خوب مخلوط میکنیم و میگذاریم کمی خنک شود. پودر ژلاتین را در آب سرد ریخته هم زده روی بخار آب قرار میدهیم تا شفاف شود. حالا ژلاتین حل شده را کنار میگذاریم تا کمی خنک شود سپس آن را به شیر ولرم اضافه کرده خوب مخلوط کرده کنار میگذاریم.

مواد لازم برای قسمت سفید:

شیر ۲ لیوان

شکر ۸ قاشق سوپخوری

وانیل ۱/۴ قاشق چایخوری

خامه ۳ قاشق سوپخوری

پودر ژلاتین ۱۸ گرم معادل ۱ و ۳/۵ قاشق سوپخوری

آب سرد ۱/۲ لیوان

طرز تهیه:

پودر ژلاتین را با آب سرد مخلوط کرده روی بخار آب قرار میدهیم تا حل شود.

شیر و شکر را مخلوط کرده روی حرارت ملایم قرار میدهیم و مرتب هم میزنیم تا شکر حل شود. سپس خامه و وانیل را افزوده خوب مخلوط میکنیم تا یکدست شود حالا میگذاریم کمی خنک شود. ژلاتین را هم کنار میگذاریم تا داغی بیافتد حالا شیر و ژلاتین را مخلوط کرده و کنار میگذاریم تا خنک شود.

حالا قالب مخصوص ژله را مرطوب کرده در فریزر قرار میدهیم تا کاملاً سرد شود حالا یک لایه از مایع شکلاتی تیره در قالب ریخته میگذاریم در یخچال تا نیم بند شود سپس لایه دوم را از شکلاتی روشن استفاده میکنیم و بعد از نیم بند شده لایه دوم در لایه سوم از مایع سفید و مثل ژله رنگین کمان کار را ادامه میدهیم تا مایعات ما تمام شود حالا در یخچال قرار میدهیم تا کاملاً بسته شود.





تاریخچه و الگوی تلگرام

تحریریه نشریه

و امکان ندارد هیچ نیروی نفوذی به محتوای پیام‌های ارسالی دسترسی پیدا کند. برادران دروف، همان‌هایی که ۹ سال پیش وی‌کی را راه‌اندازی کرده بودند، مالکان فعلی تلگرام، برنامه‌ی پیام‌رسانی با بیش از ۶۲ میلیون کاربر فعال هستند. برنامه‌ای که حتی یک دلار بابت تبلیغاتش هزینه نکرده است. بد نیست وقتی به طرح یک ایده فکر می‌کنیم پیش از هر چیز به نیازهای مان، محدودیت‌های مان و بیش از همه ضعف‌های مان بیندیشیم.

تمام این ماجراها، داستان فعالیت حرفه‌ای برادران دروف و نحوه‌ی تولد تلگرام را برای تان تعریف کردیم تا به یک نکته‌ی طلایی در دنیای دیجیتال امروزی برسیم؛ این‌که موفقیت‌های چشم‌گیر از دل محدودیت‌ها و ضعف‌های بزرگ‌تر بیرون آمده‌اند و برای این‌که بتوانیم کاری بزرگ در حوزه‌های مختلف، خصوصا IT و تکنولوژی انجام بدهیم، لزوماً نباید همه چیز آماده، مهیا و بی‌نقص باشد. شاید به‌خاطر کم آوردن مقابل همین ضعف‌ها و محدودیت‌ها باشد که اکثر استارت‌آپ‌های چند سال گذشته نیمه کاره رها شده‌اند و جوان‌ترها انگیزه و اراده‌ی لازم برای تکمیل پروژه‌هایشان را ندارند؛ حالا هرچقدر هم ایده‌ی اولیه‌ی استارت‌آپ‌هایشان نو و دست اول باشد.

بد نیست وقتی به طرح یک ایده فکر می‌کنیم پیش از هر چیز به نیازهای مان، محدودیت‌های مان و بیش از همه ضعف‌های مان بیندیشیم. تجربه نشان داده خروجی‌های حاصل از این دیدگاه همان چیزهایی هستند که به‌شدت مورد استقبال کاربران قرار می‌گیرند و در زمانی اندک به محبوبیت و شهرتی جهانی دست پیدا می‌کنند. توجیه این استقبال هم ساده است؛ آن‌چه برای ما نیاز، ضعف یا محدودیت به‌نظر می‌رسد، قطعاً برای تعداد زیادی از افراد جامعه یا حتی فراتر از آن هم همین کیفیت را دارد. پس اگر محصولی تولید کنیم که با توجه به این رویکرد ساخته شده، ریسک شکست آن را به میزان قابل ملاحظه‌ای کاهش می‌دهیم.

احتمالاً خیلی از شما با «جاناتان بلو» آشنایی ندارید. این بازی‌ساز مستقل با Braid که در سال ۲۰۰۸ عرضه شد، دنیای بازی‌های رایانه‌ای و ویدیویی را تکان داد. جاناتان جمله‌ی مشهوری دارد که در اکثر مصاحبه‌هایش از آن استفاده می‌کند: «در تمام مسایل شخصی نقص و محدودیت دیده می‌شود؛ نوعی از آسیب‌پذیری. اگر در کسی احتمال آسیب‌پذیر بودن را نبینید، نمی‌توانید ارتباطی عمیق و شخصی با او برقرار کنید. این چیزی است که در مورد طراحی هم باید در نظر گرفت. من عمیق‌ترین محدودیت‌ها، نقص‌ها و آسیب‌های شخصی‌ام را در بازی‌هایم می‌گذارم و بعد می‌بینم نتیجه چه می‌شود.»

فقط دو سال از شروع به کار فیس‌بوک می‌گذشت و شبکه‌ی اجتماعی «مارک زاکربرگ» به‌اندازه‌ی الان محبوب نبود. ایده‌ی جدیدی در ذهن دو برادر نخبه‌ی اهل روسیه شکل گرفت. «پاول» و «نیکولای» می‌خواستند شبکه‌ی اجتماعی بومی خودشان را راه بیندازند؛ شبکه‌ای مخصوص کاربران روس‌زبان که آن‌قدر کامل و حرفه‌ای طراحی شده بود که نیاز کاربران‌اش به استفاده از سایر شبکه‌های اجتماعی را به‌طور کامل برطرف می‌کرد.

تلاش‌های شبانه‌روزی برادران «دروف» نتیجه داد و در سال ۲۰۰۶ موفق شدند شبکه‌ی اجتماعی خودشان را با نام «وی‌کی» (VKontakte) راه‌اندازی کنند؛ شبکه‌ای که خیلی زود بین کاربران غیر روس‌زبان هم محبوب شد. خیلی‌ها معتقد بودند امکانات وی‌کی نه تنها دست کمی از فیس‌بوک ندارد، بلکه در بسیاری از زمینه‌ها کارآمدتر از رقیب غربی‌اش هم ساخته شده است. پاول به‌مدت پنج سال روی گسترش وی‌کی زمان گذاشت و حتی فارسی را به‌عنوان یکی از زبان‌های اصلی به‌گزینه‌های آن اضافه کرد. وی‌کی به رشد چشم‌گیرش ادامه داد تا این‌که در سال ۲۰۱۱ پاول درخواست دولت روسیه مبنی بر حذف صفحه‌های شخصی سیاستمداران اپوزیسیون را که در انتخابات بحث‌برانگیز مجلس شرکت کرده بودند، رد کرد. از آن زمان بود که دوره‌ی فشارهای دولتی و سیاسی روی وی‌کی و شخص پاول آغاز شد. این فشارها در سال ۲۰۱۴، زمانی که دولت از پاول خواست تا اطلاعات محرمانه‌ی مخالفان اوکراینی را در اختیار سازمان اطلاعات روسیه قرار بدهد، به اوج خودش رسید.

پاول به‌مدت پنج سال روی گسترش وی‌کی زمان گذاشت و حتی فارسی را به‌عنوان یکی از زبان‌های اصلی به‌گزینه‌های آن اضافه کرد.

فشارها آن‌قدر زیاد شد که پاول ادامه‌ی فعالیت‌اش به‌عنوان مدیرعامل وی‌کی را غیرممکن می‌دید. به‌همین خاطر هم از سمت‌اش استعفا داد و تا زمان برای‌اش باقی بود به آلمان مهاجرت کرد. پاول در روزهای پایانی کار به‌عنوان مدیرعامل وی‌کی تمام اختیارات‌اش را به نیکولای، برادر بزرگ‌ترش سپرد تا بتواند از راه دور اوضاع را مدیریت کند.

با توجه به وضعیتی که پیش آمده بود و فشارهای روسیه، نیاز به یک کانال ارتباطی امن که این دو برادر می‌توانستند با استفاده از آن تماس و مکاتبه داشته باشند، به‌شدت احساس می‌شد. شاید برای تان جالب باشد که بدانید همین محدودیت ارتباطی باعث شکل گرفتن ایده‌ی اولیه‌ی شبکه‌ی پیام‌رسان تلگرام شد. شبکه‌ای که با کدگذاری پیام‌ها در مبدا و مقصد به کاربران‌اش اطمینان می‌دهد پیام‌هایشان در تمام مراحل، امن باقی می‌ماند



آنچه باید درباره پدیده ال نینو بدانید

تحریریه نشریه



صورت غیر طبیعی، داشت اوضاع را به هم می ریخت و کار و کسب آنها را کساد می کرد.

آبهای گرم، یکی دو سال در منطقه باقی ماند و باران های فراوان استوایی را باعث شدند، باران هایی که به گفته بعضی ها، کویر ها را به باغ تبدیل کردند. حال دیگر این پدیده هر چند سال یک بار تکرار می شود و چون این پدیده، یعنی گرم شدن آبهای اقیانوس آرام جنوبی، اغلب همزمان با میلاد مسیح (ع) و در ابتدای سال میلادی اتفاق می افتد، ماهیگیران منطقه آن را «ال نینو» نامیدند. ال نینو در زبان اسپانیولی به معنی پسر کوچک است و ماهیگیران هنگامی که عکس این پدیده رخ دهد، یعنی آبهای سرد جایگزین، نام دیگری را زمزمه می کنند: لانیو یا دختر کوچک. در پدیده لانیو که بعد از ال نینو اتفاق می افتد، آبهای اقیانوس آرام جنوبی، به شدت سرد می شوند.

باد و زبانه های سرد و گرم

معمولاً همیشه آبهای غرب اقیانوس آرام گرم و آبهای شرق این اقیانوس سرد است که اصطلاحاً به آن زبانه سرد می گویند. در وضعیت عادی باد از جهت شرق اقیانوس آرام به طرف غرب می وزد و در اثر همین وزش باد، سطح آب اقیانوس آرام جنوبی در بخش غربی بالا می آید. به طوری که سطح آب اقیانوس در سواحل اندونزی حدود

ال نینو به طور ساده عبارت است از یک رخداد اقلیمی کلان که در اثر رها شدن انرژی انباشته در بزرگترین حوزه اقیانوسی جهان یعنی جنوب اقیانوس آرام رخ می دهد. نشانه اولیه آن هم تغییر جهت جریان آب های سرد و گرم و همچنین بادهای این منطقه است.

ال نینو چیست؟

ال نینو یا ال نینیو (به اسپانیایی: El Nino) یکی از چرخه های مشهور آب و هوایی جهان است که هر ۲ تا ۷ سال یکبار باعث ایجاد ناهنجاری های بزرگی در آب و هوای سراسر سیاره زمین می شود از جمله این ناهنجاری ها می توان به سیلاب های ناگهانی، خشک سالی، قحطی و اپیدمی اشاره کرد.

چند سال پیش ماهیگیران در سواحل پرو شاهد تغییراتی در جریان آب های این منطقه شدند. اولین ماه سال میلادی بود و تازه جشن های آغاز سال نو را پشت سر گذاشته بودند که ناگهان متوجه جریان آب گرم جنوبی شدند، جریانی که دمای آب سرد این منطقه را تعدیل می کرد. آبهای این منطقه زیستگاه بسیاری از پرندگان و ماهی ها بود. این آبهای سرد، سرشار از مواد غذایی برای موجودات آبی بود و محیط مناسبی برای آنان فراهم می کرد. به همین خاطر، کار ماهیگیران این منطقه هم پر رونق بود، ولی وجود آب گرم به

و تحقیقات زیادی درباره آن انجام شد. در حقیقت اولین قدم، تخمین شروع ال نینو و لانینو و پیش بینی آب و هوا بود. واضح ترین علامت S.O ایجاد رابطه عکس فشار هوای

سطحی در دو نقطه، داروین استرالیا و جزایر تایپیتی در جنوب اقیانوس آرام، فشار زیاد یک طرف، همرا با کاهش فشار در طرف دیگر بود و این عمل به صورت معکوس انجام می گرفت. بادهای شرقی مهم ترین علت پیدایش ENSO است و دارای دو اثر بسیار قوی است: اول اینکه آب اقیانوس آرام را به سمت غرب حرکت می دهد و به همین دلیل سطح آب در فیلیپین معمولاً ۶۰ سانتی متر از سطح آب در سواحل جنوبی پاناما بالا تر است. دیگر آنکه باعث می شود جریان دریایی غربی در سطح آب باقی بماند و به تدریج آب را گرم کند. این امر سبب می شود که در ناحیه غربی اقیانوس آرام، گرم ترین آب سطح کره زمین وجود داشته باشد؛ آبی که معمولاً بالای ۲۸ درجه سانتی گراد است و حتی بعضی مواقع به ۳۸/۵ درجه هم می رسد.

آب گرمی که در قسمت غربی اقیانوس آرام جمع می شود، سبب فشار دادن ترمو کلایین به سمت پایین می شود و با آب سطحی کاملاً مخلوط شده و بدین ترتیب آب گرم سطحی از آب سرد عمیق جدا می شود. معمولاً ترموکلایین در قسمت شرقی ۴۰ متر و در قسمت غربی ۱۰۰ تا ۲۰۰ متر متغیر است.

تاثیر ال نینو بر محیط و زندگی بشر:

همراه با رویداد ال نینو تولیدات بیولوژیکی به دلیل کاهش فرا جهندگی آب سرد در سرتاسر سواحل پرو و اکوادور کاهش می یابد که این سبب مرگ و میر ماهیان و به خصوص ماهی کولی که غذای عمده پرندگان دریایی است می شود. به دنبال مرگ و میر ماهیان، میلیونها پرند دریایی به علت عدم وجود غذای عمده خود یعنی ماهی کولی در ساحل نابود می شوند که این لطمه اقتصادی جبران ناپذیری را در صنایع ماهیگیری و کود مرغ (دریایی) گیری برای کشور های پرو و اکوادور به بار می بارد.

از آسیب های محلی دیگر، بارندگی های سیل آسا در بخش هایی که به طور معمول لم یزرع سواحل پرو و اکوادور است که سبب ته نشست های گلی و تخریب شالوده این مناطق می شود و در مجموع به دلیل شرایط نا به هنجار به وجود آمده، پدیده ال نینو در منطقه به عنوان فاجعه طبیعت شناخته شده است. همچنین این پدیده رابطه ای قوی با خشکسالی در هند، شرق استرالیا، مالزی، اندونزی و کلاً آسیای جنوب شرقی دارد. مثلاً ال نینوی ۱۹۸۳-۱۹۸۲ که شدید ترین رویداد اقلیمی دریایی از این نوع بوده است موجب انتقال زنجیره باران های حاره ای به طرف شرق و مرکز اقیانوس آرام گردید. که این مطلب از تفسیر نقشه های ماهواره ای و تشعشعات موج بلند بازتابیده از سطح اقیانوس ثابت شده است. از نتایج این واقعه بارانهای شدید به مقدار ۲۰۰۰ میلیمتر و جاری شدن سیل های مخرب در جنوب اکوادور و شمال شرق پرو می باشد.

۱۲۰ سانتی متر

بالتر از سطح آب

در سواحل اکوادور است.

با توجه به جریان آب گرم و در

نتیجه گرمای هوا، منطقه غربی اقیانوس

آرام پر باران و بر عکس آن، نواحی شرقی این

اقیانوس خشک و کم باران است.

پدیده ال نینو با اندازه گیری دمای سطح آب اقیانوس

مشخص می شود در فرایند وقوع این پدیده، بادهای بسامان، حجم

زیادی از آبهای گرم سواحل اندونزی را به سمت سواحل شرقی

(امریکای جنوبی) جاری می کند. چند سال پیش، یعنی در سال

۱۳۷۲ (۱۹۹۴م) شاهد شکل گرفتن یکی از بزرگترین نمونه های

پدیده ال نینو بودیم. در این سال آبهای منطقه غربی اقیانوس آرام

جنوبی، به طرف منطقه شرقی جریان پیدا کرد و زبانه های سرد

منطقه شرقی ضعیف شد. بادهای منطقه غرب که معمولاً ضعیف

بودند به بادهایی قوی تبدیل شدند و به طرف شرق اقیانوس وزیدن

گرفتند و آبهای گرم را بیشتر به آن سمت راندند.

ال نینو معمولاً با یک تغییر در جریان اتمسفر همراه است که S.O

نامیده می شود

ال نینو و تغییرات جوی

ال نینو مانند یک فصل، دارای دوره است؛ اما فصلی که به صورت نا

منظم ظاهر می شود و در زمان غیر مشخصی در جهان استقرار می

یابد. به همین دلیل در دوره ظاهر شدن این پدیده، بعضی تغییرات

آب و هوایی و دگرگونی هایی در الگوهای طبیعت به وجود می آید

و این تغییرات، افزایش باران و سیل های ویرانگر در بخش هایی از

امریکای جنوبی و پرو و خشکسالی در قسمت غربی اقیانوس آرام

را به دنبال دارد. بنابراین با توجه به خسارات ناشی از ال نینو باید

شرایط منطقه جاوه اقیانوس آرام را با دقت مشاهده و تغییرات هوا

را در یک دوره کوتاه (یک ماه تا یک سال) پیش بینی کرد.

ال نینو معمولاً با یک تغییر در جریان اتمسفر همراه است که S.O

نامیده می شود. حرکت یا جنبش جنوبی یکی از علت های اصلی

است که باعث تغییرات آب و هوا در کل دنیا می شود. این پدیده

از چندین سال پیش توجه اقیانوس شناسان را به خود جلب کرد



دابس‌مش چیست؟

تحریریه نشریه

دابس‌مش (Dubsmash) نام اپلیکشنی است برای گوشه‌های اپل و اندروید و کاربران با استفاده از آن می‌توانند تصویر خود را بر روی صدای دیگران بگذارند. این نرم‌افزار محبوب توسط چند جوان آلمانی ساخته شده و در این بین توسط میلیون‌ها کاربر در سرتاسر جهان دانلود شده است. برای نمونه می‌توانید دیالوگی را از یک فیلم سینمایی یا بخشی از یک ترانه را انتخاب کنید و به اصلاح با آن لب‌خوانی کنید، یا این کار را

با صدای شخصیت‌های معروف و غیرمعروف هم می‌توان انجام داد. برخی از این صداها قبلاً توسط دیگر کاربران آپلود شده و شما می‌توانید از این صداها استفاده کنید ولی اگر خواستید از صدای کسی استفاده کنید که در آرشیو موجود نیست می‌توانید خودتان فایل صوتی را آپلود کنید. برخی از کاربران ایرانی نیز اخیراً از این نرم‌افزار بسیار استقبال کرده‌اند. یکی از برنامه‌های تلویزیونی که بسیار مورد توجه کاربران ایرانی دابس‌مش قرار گرفته مسابقه ثانیه هاست.

گزارش تصویری

دومین دوره تابستانه ویژه نوجوانان ۱۳۹۴

تابستان امسال، به لطف خداوند متعال و تدابیر مشفقانه امام محترم جماعت مسجد، آیت الله هاشمی تبریزی، شاهد برگزاری دومین دوره تابستانه ویژه نوجوانان در مسجد جامع شهرک غرب بودیم. دوره تابستانه برای سه مقطع سنی چهارم تا ششم دبستان، هفتم و هشتم، و دبیرستان به مدت ۱۰ هفته از تاریخ ۶ تیرماه آغاز شد. برای برگزاری این دوره جوانان متدین مسجد، از ابتدای سال، یک کادر اجرایی منسجم تشکیل دادند و هر فردی طبق چارت تشکیلاتی پیش بینی شده مسئولیتی را به عهده گرفت. تیم برنامه ریزی دوره، که متشکل از مربیان مجرب در امور نوجوانان می باشند، برای هر مقطع سنی، برنامه ای مخصوص آن مقطع تعریف کرد تا در دومین دوره شاهد اجرای همزمان سه برنامه کاملاً جدا و منحصر به فرد برای سه مقطع سنی باشیم. جهت هماهنگی در اجرای برنامه ها، برای هر مقطع یک معاون و کمک معاون پیش بینی گردید. همچنین در انتخاب اساتید نهایت دقت به کار گرفته شد تا از اساتید متخصص و متعهد دعوت به عمل آید. جهت نشاط دوره علاوه بر زنگ بازی و برنامه های ورزشی فوتسال و شنا، اردوهای یک روزه و اردوی پایان دوره مشهد پیش بینی گردید. در مجموع باید بسیار خداوند را شاکر بود که جهت برگزاری این دوره، جمعی از جوانان دغدغه مند را گرد هم آورد که با اشتیاق فراوان و با صرف صدها ساعت از عمرشان، بدون توجه به منافع مادی شخصی، در تلاش هستند تا بتوانند مسجد را محلی جهت رشد و نشاط نوجوانان و دانش آموزان عزیز معرفی کنند.





مقطع سنی دبستان





مقطع سنی هفتم و هشتم





مقطع سنی دیرستان







گزیده ای از فرمایشات مقام معظم رهبری به عموم جوانان در کشورهای غربی

مستندات مسلم تاریخی به روشنی نشان میدهد که چگونه تلاقی استعمار با یک تفکر افراطی و مطرود، آن‌هم در دل یک قبیله‌ی بدوی، بذر تندروری را در این منطقه کاشت. و گرنه چگونه ممکن است از یکی از اخلاقی‌ترین و انسانی‌ترین مکاتب دینی جهان که در متن بنیادین خود، گرفتن جان یک انسان را به مثابه‌ی کشتن همه‌ی بشریت میداند، زباله‌ای مثل داعش بیرون بیاید؟



توجه: پاسخ جدول را از مطالب همین نشریه بیابید.

تحریریه نشریه

۱. وجود آن لازمه ادراک است.
۲. از اصول دین تشیع
۳. عزت در پرتو ایمان و ... است.
۴. یکی از مهمترین عناصر تزئینی در معماری اسلامی
۵. طراحی آن در معماری اسلامی به گونه ای است که فرد را به سمت عبادت خداوند سوق می دهد.
۶. در اینستاگرام کاربران آنرا از هم طلب می کنند.
۷. امامت نوع الهی آن است.
۸. رودی که بر امام حسین (ع) و یارانش بسته شد.
۹. چراغ راه تمام انسان ها
۱۰. یکی از ورزش های بسیار سنگین که نیازی به رژیم غذایی خاص دارد.
۱۱. نماز آنرا در انسان تقویت می کند و به تعالی می رساند.
۱۲. قلیان برایش مضر است
۱۳. محتاج آن هستیم
۱۴. از علمای تاریخ اسلام که به اکثر علوم واقف بوده است
۱۵. از مساجد ملعونه است
۱۶. علت قیام امام حسین (ع) برای ازبین بردن آن
۱۷. بزرگترین حادثه طبیعی در این شهر رخ داد

اسامی برندگان مسابقه جدول نشریه شماره ۵

۱. مصطفی مؤمنی فرد
 ۲. مریم عسگری فرد
 ۳. امیرحقایق
 ۴. معین زنده دل
 ۵. محمد مهدی عسگری منفرد
- این قرعه کشی به دست حضرت آیت الله هاشمی تبریزی و حضور برخی از مسئولین مسجد و فصلنامه انجام شد.

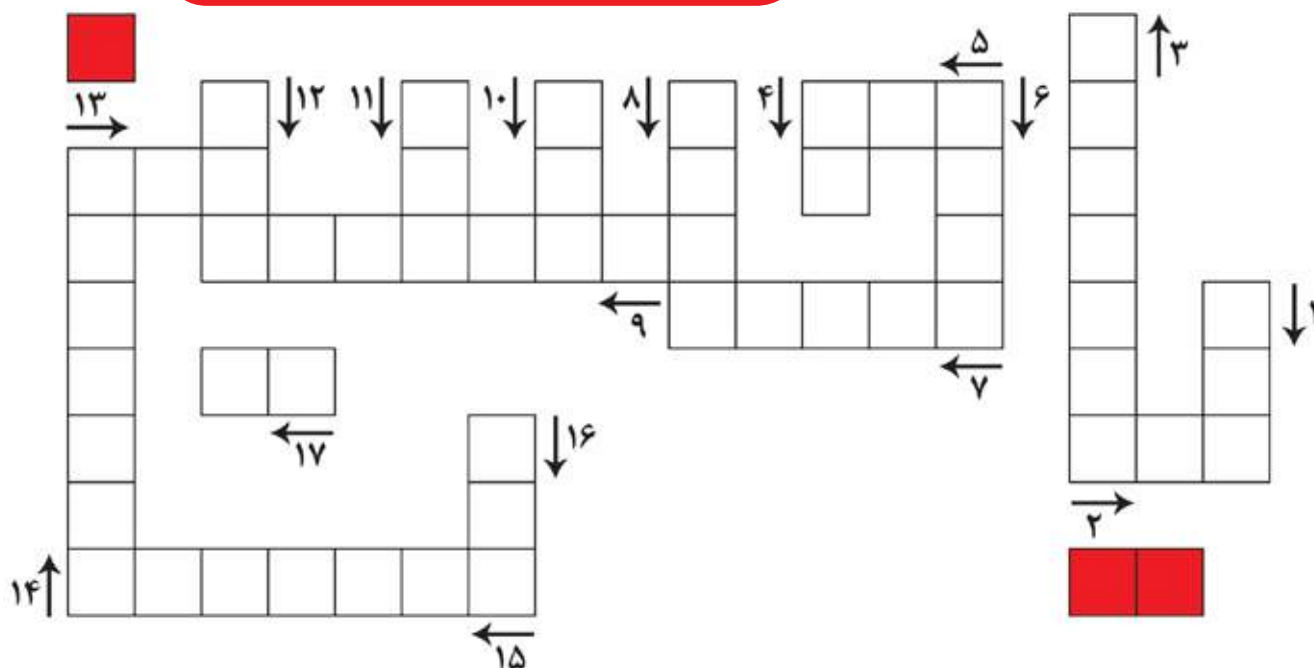
به هریک از برندگان مسابقه جدول فصلنامه جامع به قید قرعه مبلغ یک میلیون ریال هدیه داده خواهد شد.

آخرین مهلت تحویل پاسخنامه جدول به دفتر هیئت امناء نیمه اسفند ماه می باشد.

نام:

نام خانوادگی:

تلفن تماس:



ارتباط با ما

خوانندگان محترمی که علاقمند به همکاری با فصلنامه هستند می توانند با تخصص خود و ارسال مطالب قابل استفاده، راهنمای خوانندگان دیگر باشند. در صورت تمایل با ایمیل سردبیر ارتباط برقرار فرمایند.

لطفاً در ارسال مقاله برای چاپ در این مجله به نکات زیر توجه فرمائید.

کلیه صفحات مقاله باید دارای شماره بوده و تعداد صفحات از ۳ صفحه تجاوز نکند.

متن مقاله بایستی به صورت Word به پست الکترونیکی info@masjedjame.com ارسال شود.

• مقاله با نسخه ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ نرم افزار Microsoft office Word

• حداکثر ۳ صفحه اندازه کاغذ A4

• قلم B Nazanin سایز ۱۲ برای کلمات فارسی و Times New Roman سایز ۱۲ برای کلمات انگلیسی

و فاصله خطوط ۱ تایپ و تنظیم شود.

• مشخصات نویسنده یا نویسندگان که شامل نام و نام خانوادگی، رشته تحصیلی، شماره تلفن ترجیحاً تلفن همراه و پست الکترونیکی



انتقادات و پیشنهادات

نام و نام خانوادگی:

تحصیلات:

تلفن تماس:

پست الکترونیک:

.....

.....

.....

.....

.....

.....